

ژن، ژیان، آزادی فلسفه‌ی وجود
و مبنای پارادایم مبارزاتی ماست

پژاک: با فلسفه‌ی زن، زندگی، آزادی کردستان
را آزاد نموده و ملت دموکراتیک را بنیاد نهیم

ژن بنه‌مای پارادایگمای تیکۆشانی په‌ژاکه

په‌ژاک؛ پارتی ژن ژیان ئازادیه

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک

سال چهاردهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی بیست و هشتم

اردیبهشت ۱۴۰۳

MAY 2024

۲۸

ژن
ژیان
ئازادی

هه‌وته‌مین کۆنگره‌ی پارتی ژیانی ئازادی کوردستان (پژاک)

7
2724
2024
1403

HEFTEMÎN KONGREYA PARTIYA JIYANA
D A KURDISTANÊ

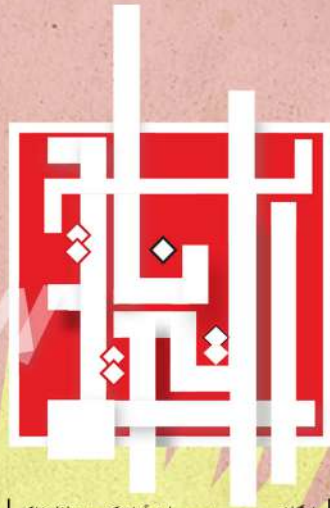
هه‌فتمین کنگره‌ی حزب حیات آزاد کوردستان





الترناتيو

الترناتيو مجلهى سياسى، ايدئولوژىك و اجتماعى
ارگان رسمى حزب حىات آزاد كوردستان/پژاڭ



ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/بژاک

الترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

سال چهاردهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی بیست و هشتم

اردیبهشت ۱۴۰۳



MAY 2024



مرکز مطبوعات
حزب حیات آزاد
کوردستان

آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.

telegram: jinjiyanazady
mail: ciyaviyan24@gmail.com

فہرست

۵	سخن آغازین
۶	ایدهای کہ گُردها به آن باور دارند، «گُردهستان کنفدرال...»
۱۱	ژن، ژیان، آزادی فلسفہی وجود و مبنای پارادایم مبارزاتی ماست
۱۴	با فلسفہی زن زندگی آزادی کوردستان را آزاد می‌کنیم ...
۲۳	کنگرہی ہفتم پژاک آغاز عصری نوین است
۲۶	تمرکز پژاک بعد از کنگرہی ہفتم بر مسألہی بنیان نهادن...
۳۶	کنگرہی ہفتمین پژاک؛ پیام آغاز مرحلہای نیرومندتر و نوین...
۳۸	نقش زنان در کنگرہی ہفتم پژاک
۴۱	رمز موفقیت پژاک در گسترش آکادمی‌ها و رشد...
۴۶	ژنولوژی در مدرنیتهی دموکراتیک
۴۹	پہژاک حہوتہمین کونگرہی خوئی نہنجام دا
۵۵	ژن بنہمای پارادیگمای تیکوژانی پہژاکہ
۶۱	ستراتیژی پہژاک کومہلگہیہکی کونفیدرال و نہتہوہی...
۶۳	پہژاک؛ پارتی ژن ژیان نازادیہ
۶۷	کونگرہی پہژاک مہشغہلی شوژی ژن ژیان نازادی...
۷۲	پہژاک پارتی گہنجانہ
۷۷	پرسی ٹیکوژنی لہ حہوتہمین کونگرہی پہژاک دا
۸۰	کونگرہی حہوتہمی پہژاک و ہہلہوستہیہک
۸۳	فہلسفہی ژن ژیان نازادی نہخشہرئی چارہسہری پرسہکانی...
۸۷	گہلی کورد خاومن کہلتوریکی بہہیزی خوچاراستنہ
۹۱	چند نمائی از کنگرہ ہفتم پژاک

سخن آغازین



آغاز سال نو با فعالیت و شیوه‌های نوین مبارزاتی و پیام‌های مهم تاریخی مورد استقبال خلق کورد و بخصوص خلق‌های آزادیخواه قرار گرفت. یعنی مشارکت فعالانه‌ی تمامی اقشار جامعه در مراسم روز جهانی زن، نوروز و ۴ آوریل (۱۶ فروردین) به منزله‌ی آغاز برگ نوینی از مبارزات آزادیخواهی خلق کورد خواهد بود. بخصوص برگزاری مراسم باشکوه نوروز در شرق کوردستان مصمم بودن خلق کورد را برای تداوم انقلاب زن زندگی آزادی را نشان داد. یعنی نظام با هیچ ترفندی نمی‌تواند در مقابل چنین نیروی عظیمی به مقابله بپردازد و از احقاق و حقوق این خلق چشم‌پوشی نماید. چون خلق کورد با مشارکتی سازماندهی شده و آگاهانه مطالبات دمکراتیکشان را بر زبان آوردند. یعنی نوروز ۱۴۰۳، به نوروز اتحاد و همبستگی خلق کورد مبدل گردید. چون شعارهایی که در تمامی مراسمات نوروزی در تمامی بخش‌های کوردستان به صدا درآمد، در محوریت آزادی جسمانی رهبر آپو و حل مسئله‌ی کورد و انقلاب زن زندگی آزادی بود. برای همین پرچم مقاومت و مبارزه‌ی رهبر آپو و گریلاهای آزادی کوردستان در هر گوشه و کناری از کوردستان و جهان برافراشته شده و این مقاومت به فرهنگ و شیوه‌ی زندگی خلق کورد مبدل گردیده است. در عین حال مشارکت همه‌گیر خلق‌های آزادیخواه در کمپین آزادی جسمانی رهبر آپو و حل مسئله کورد ضامن برقراری صلح و آزادی در منطقه است. برای همین خلق شرق کوردستان با تعمیق در فکر و اندیشه‌های رهبر آپو آزادی خویش را تضمین خواهند کرد.

چنین دستاوردهای تاریخی موجب ترس و وحشت دولت‌های اشغالگر منطقه گردیده، برای همین با آغاز حملات اشغالگرانه‌شان درصد تضعیف و نابودی مطالبات خلق هستند. ترافیک دیپلماسی این دولت‌های استعمارگر حاکی از ترس و وحشت این دولت‌ها را نشان می‌دهد. برای همین با پیشگامی دولت فاشیست ترکیه درصد از بین بردن دستاوردهای تاریخی خلق هستند. یعنی دولت ترکیه با سوق دادن دولت عراق و حزب دموکرات

کوردستان-عراق و دولت‌های دیگر منطقه برای جنگ علیه گریلاهای کوردستان، خیال نابودی و امحاء مبارزان خلق کورد را در سر می‌پروراندند. غافل از آنکه پ.ک.ک و گریلا آن واقعیتی است که در مراسم‌های باشکوه نوروز امسال درخشید. این هم به معنای آغاز موفقیت یک مرحله‌ی تاریخی است. مرحله‌ای که خلق کورد در اوج فداکاری و مبارزه‌ی دمکراتیکش قرار دارد.

در این مرحله‌ای که دشمنان خلق کورد چنان جنگ ویژه‌ای را برافراشته‌اند و چنان وانمود می‌کنند که گریلاهای کوردستان را ضعیف و منفعل نموده‌اند، حزب حیات آزاد کوردستان - پژاک هم همراستای مقاومت گریلاهای آزادی کوردستان، هفتمین کنگره‌ی خود را انجام داد. تشکیل این کنگره هم به منزله گذار از بحران‌های موجود در منطقه بوده و پژاک با راه‌حل‌های دمکراتیک خود درصد چاره‌یابی مسائل موجود در منطقه می‌باشد. این کنگره با روحیه‌ی عظیم مشارکت خلق کورد در مراسم‌های نوروز برگزار گردید. بدین دلیل مطالبات خلق کورد مورد واکاوی قرار گرفت و برای دستیابی و برآورده‌نمودن این مطالبات تصمیمات تاریخی اخذ گردید و پژاک خود را بعنوان یک نیروی پیشگام انقلاب زن زندگی آزادی تعریف نمود و برای حل مسئله‌ی کورد و دمکراتیزه نمودن ایران رسالت تاریخی خویش را انجام خواهد داد و برای به انجام رساندن انقلاب زن زندگی آزادی به مبارزات خویش ادامه خواهد داد.

هرچند دولت‌های استعمارگر مدام تاکید برآن دارند که مانع از هرگونه تحرکات گریلاها شده‌اند و پیشگامان خلق کورد را منفعل نموده‌اند، اما تشکیل این کنگره تمامی ابعاد جنگ ویژه‌ی نظام را خنثی خواهد نمود و امید و باوری بزرگی را در میان خلق مان بوجود خواهد آورد. چون این کنگره هم خود به خود از شاهکارهای دیگر گریلا برای خلق کورد و آزادیخواهان ایران محسوب خواهد گردید و خلق کورد با تمام نیرو و توان خویش از تصمیمات اخذ شده‌ی این کنگره حمایت خواهد نمود.

ایده‌ای که گردها به آن باور دارند،
«گردستان کنفدرال دموکراتیک» است

رهبر آپو



برای کشوری همچون ایران که پتانسیل مساعدی جهت تقسیم‌گشت و تجزیه‌شدن در هر لحظه دارد، «دولت - ملت» گرایي همانند مپ اتمی است که در عمق آن جاسازی شده باشد. ملی‌گرایی شیعی که پیوسته «دولت-ملت» گرایي را هرچه بیشتر قاطعیت می‌بخشد نیز، علی‌رغم تمامی تردستی‌های مدرنیته‌ای خویش، نه‌تنها قادر به متوقف‌سازی تقسیم‌وتجزیه‌ی ایران نیست بلکه آن را تسریع هم می‌نماید. نظریه‌ی ملت دموکراتیک به‌ویژه برای ایران همانند دارویی است که باید روزانه مصرف نماید! فقط ذهنیت ملت دموکراتیک می‌تواند فرهنگ و خلق‌های ایران را که در برابر مدرنیته‌ی کاپیتالیستی بسیار مقاوم می‌باشند، به جهان برابر، آزاد و دموکراتیکی برساند که در طول تاریخ در پی آن بوده‌اند. می‌تواند توطئه‌ها و سوءقصد‌های «دولت-ملت» گرایانه‌ی درگیری‌ساز و جنگ‌افروز پیش روی آن را نقش بر آب گرداند و به صلحی شرافتمندانه برساند.

یکی از بزرگ‌ترین بلاهای بن‌بست «دولت - ملت» گرایي، امروزه در مسیر افغانستان-پاکستان روی می‌دهد. همچنین مسئله‌ی کشمیر که مرتبط با همین قضیه است نیز، به‌طور کامل از «دولت - ملت» گرایي سرچشمه می‌گیرد. مسائل پاکستان- هندوستان و پاکستان- بنگلادش نیز به‌عنوان نتیجه‌ی همان ذهنیت ملی‌گرایانه پدید آمده‌اند و هنوز هم جریان دارند. راه‌حل‌ها و صلح‌های دولت-ملت، به اقتضای سرشتش، موجب لاینحلی و جنگ می‌گردند. همین نمونه‌های ملموس نیز چنان کیفیتی دارند که واقعیت یادشده را به‌شکل بسیار روشنی نشان می‌دهد. خواستند مدل‌های هم‌جمهوری‌گرا، هم پادشاهی و هم سوسیالیست رئال مربوط به «دولت-ملت» گرایي را در افغانستان نیز اجرا نمایند. فرجام کار، جامعه‌ی افغانستانی شد که در یک محیط آکنده از خشونت کورکورانه‌ی افسارگسیخته و فاقد هرگونه اصل و معیاری، فروپاشیده شده و قابلیت تداوم‌دهی خویش را از دست داده است. به‌غیر از نظریه و مفاهیم ملت دموکراتیک، نمی‌توان به ذهنیت و اراده‌ی دیگری اندیشید که قادر باشد این جوامع را دوباره سر و سامان بخشد و به حیاتی آزادتر و دموکراتیک‌تر برساند. تا زمانی که مسائل اجتماعی از نظر ذهنی تحلیل نشوند، از نظر ساختاری نیز نمی‌توان راه‌حلی برایشان یافت. ذهنیت مبتنی بر ملت دموکراتیک، برای فرهنگ‌ها و خلق‌هایی که از آسیای میانه تا هندوستان دارای تنوع بسیار عظیمی می‌باشند، مناسب‌ترین چارچوب کلیت‌بخش را تشکیل

می‌دهد. کما اینکه فرهنگ‌ها و خلق‌هایی که در این مکان‌ها به‌سر می‌برند، در سرتاسر تاریخ خویش با زندگی‌کردن در گستره‌ی امپراطوری‌ها و زیر سقف‌های سیاسی مشترکی از نوع کنفدرال، توانسته‌اند موجودیت و خودویژگی‌هایشان را - به‌شکلی هرچند نه ایده‌آل- حفظ نمایند. تا زمانی که ذهنیت «دولت-ملت» گرایانه چه به شکل دین‌گرایی و چه به شکل ملی‌گرایی لائیک ادامه یابد، ازهم‌پاشیدن و منازعات بیشتر این جوامع ناگزیر خواهد بود. حتی اسلامی که بسیار مدعی پایبندی به آن هستند را همچون یک ایدئولوژی تروریستی عرضه کرده و سنت مذکور را نیز بسیار نامطلوب و منفی می‌نمایند. برای این جغرافیای پهناور نیز دقیقاً همانند ایران باید ابتدا اتحادیه‌های منطقه‌ای و سپس اتحادیه‌های ملی دموکراتیک درهم‌تیده با آن را در سطح خاورمیانه ایجاد نمود. به‌ویژه مناسب‌ترین آلترناتیو برای ریزش و تحلیل‌رفتگی شدیدی که دولت-ملت‌هایی از نوع پاکستان از هم‌اکنون دچارش هستند، یک پروژه‌ی اتحادیه‌ی ملی دموکراتیک است که در سطح خاورمیانه ایجاد گردد.

نظریه و مفاهیم ملت دموکراتیک برای واقعیت اسرائیل که هسته‌ی هژمونیک دولت - ملت است نیز در سطحی حیاتی، نقشی چاره‌آفرین ایفا می‌نماید. جهت آینده‌ی اسرائیل دو راه وجود دارد. راه اول، جهت تداوم هژمونی خویش از طریق خط‌مشی کنونی‌اش، به‌طور مستمر جنگ‌هایی برپا کند و به یک امپراطوری منطقه‌ای

نظریه‌ی ملت دموکراتیک به‌ویژه برای ایران همانند دارویی است که باید روزانه مصرف نماید! فقط ذهنیت ملت دموکراتیک می‌تواند فرهنگ و خلق‌های ایران را که در برابر مدرنیته‌ی کاپیتالیستی بسیار مقاوم می‌باشند، به جهان برابر، آزاد و دموکراتیکی برساند که در طول تاریخ در پی آن بوده‌اند

مبدل شود. می‌دانیم که اسرائیل دارای يك پروژه‌ی هژمونیک است که از نیل تا فرات و حتی فراتر از آن را دربر می‌گیرد. این پروژه‌های است که برای دوران بعد از امپراطوری عثمانی طراحی شده است. هرچند در مسیر اجرای این پروژه تا جای مهمی نیز پیش رفته‌اند، اما در موضوع رسیدن به اهدافشان می‌توان گفت هنوز در چنان سطحی نیستند که کفایت کند. چون ایرانی که طی دهه‌های اخیر در برابرش ظاهر شده است دارای نقشه‌ها و محاسبات هژمونیک مشابهی می‌باشد، به همین سبب در میان‌شان تنش بروز می‌کند. با ترکیه نیز دارای تنش مشابهی است که معلوم نیست تا چه سطحی جدی است. بنابراین يك پروسه‌ی مبارزه‌ی هژمونیک منطقه‌ای مطرح است که بسیار منازعه‌آمیز خواهد گذشت. خود این محاسبات هژمونیک متقابل است که مسائل ناشی از دولت-ملت را پدید می‌آورند؛ مسائلی که رشد هرچه بیشترشان امری ناگزیر است. دومین راه جهت اسرائیل و خلق یهود، خروج از حالت چنبره‌مانندی که اطرافش به‌طور دائمی توسط دشمنان تحت محاصره درمی‌آید، مشارکت نمودن در پروژه‌ی اتحادیه‌ی ملت‌های دموکراتیک خاورمیانه و بر همین مبنا به‌دست‌گرفتن ابتکار عملی مثبت برای برون‌رفت است. سرمایه‌ی روشن‌فکرانه و مادّی پشتیبان اسرائیل، می‌تواند نقش بسیار مهمی را جهت پروژه‌ی اتحادیه‌ی ملت‌های دموکراتیک ایفا نماید. هم خود را به حالت يك ملت دموکراتیک مستحکم‌تر می‌نماید و هم این را در چارچوب اتحادیه‌ی ملت‌های دموکراتیک ایجادشده در سطح خاورمیانه قرار می‌دهد و بدین ترتیب می‌تواند به صلح و امنیت پایداری برسد که

یکی از بزرگ‌ترین بلاهای بن‌بست «دولت - ملت» گرایي، امروزه در مسیر افغانستان- پاکستان روی می‌دهد. همچنین مسئله‌ی کشمیر که مرتبط با همین قضیه است نیز، به‌طور کامل از «دولت - ملت» گرایي سرچشمه می‌گیرد

بسیار بدان نیازمند است.

بزرگ‌ترین بلاها و فجایعی که «دولت - ملت» گرایي منجر بدان‌ها شده، در رابطه با آن‌دسته از خلق‌های خاورمیانه‌ای روی داده‌اند که دچار نسل‌کشی هستند. هرچند خلق‌های هلن، ارمنی، سُرّیانی و گُرد - که در آناتولی و مزوپوتامیا به دام ملی‌گرایي زودرس درانداخته شدند - نماینده‌ی کهن‌ترین فرهنگ‌های بومی تاریخ می‌باشند، آزمون‌های صد ساله‌ی اخیر «دولت-ملت» گرایي آن‌ها را به آستانه‌ی پاکسازی و نابودی رساند. «آفریدن جامعه‌ی ملی هموژن در چارچوب مرزهای نامعطف» که نوعی جنون ملی‌گرایي ملت حاکم بود، برای این خلق‌ها به بلایی واقعی مبدل گشت. اگر نگرش مبتنی بر ملت‌گرایي مدرنیت‌ه‌ی کاپیتالیستی نمی‌بود، این بلاها و فجایع بزرگ پیش نمی‌آمدند. این کاپیتالیسم بود که قشر نُخبه‌ی ترک سفید را آفرید. برنامه‌های مربوط به آفریدن ملت هموژن را نمی‌توان مستقل از «نیاز به انباشت سرمایه» تصور نمود. کسی که باید مسئول نسل‌کشی تلقی شود، به‌لحاظ رده‌بندی نه ترک‌ها بلکه همانند نمونه‌ای که در میان آلمان‌ها نیز دیده شد، گروهی حاشیه‌ای است که طی يك مقطع در پی ایجاد کاپیتالیسم ملی به تکاپو افتاده بود. در این امر نه تنها ملی‌گرایانِ ملتِ فرادست بلکه ملی‌گرایانِ ملتِ فرودست نیز به سبب بیدار نمودن هیولای دولت-ملت، مسئولیت بر گردن دارند. از آنجا که زنده‌گردانیدن دوباره‌ی کشته‌شدگان‌شان ممکن نیست، تنها ذهنیت مبتنی بر ملت دموکراتیک می‌تواند این خلق‌ها را به حالت اقلیت‌های بازمانده، سرپا نگه دارد. مثلاً وقتی می‌خواستند «دولت-ملت» گرایي ترک سفید را بر استانبول حاکم و مسلط گردانند، برای همه‌ی فرهنگ‌های تاریخی موجود در این شهر فرمان مرگ صادر گشت یا به‌عبارتی ناقوس‌های مرگ به صدا درآورده شد. چیزی که در نتیجه‌ی تصفیه‌گری و نابودی فرهنگی مستمر باقی ماند، يك استانبول سفیدِ ك فرهنگي است که آن نیز چیزی نمی‌شود جز فاشیسم فرهنگی. پیداست استانبولی که ذهنیت ملت دموکراتیک در آن جریان داشته باشد نیز، استانبولی است برخوردار از غنای فرهنگی-تاریخی. از همین زاویه می‌توان به فرهنگ آناتولی و مزوپوتامیا نیز نگریست. تنها ذهنیت مبتنی بر ملت دموکراتیک است که می‌تواند کل فرهنگ‌های تاریخی را در گستره‌ی صلح، برابری، آزادی و دموکراسی یکجا گرد آورد. هر فرهنگ از طرفی خود را به‌عنوان يك گروه ملی دموکراتیک برمی‌سازد، از طرف دیگر می‌تواند با

فرهنگ‌های دیگری که به‌طور مختلط با آن‌ها زندگی می‌کند، در سطحی بالاتر در چارچوب اتحادیه‌های دموکراتیک ملی به‌سر برد. پس از اینکه از نگرش تک‌گرایانه درباره‌ی ملت گذار صورت گرفت، نیازی به ذوب‌نمودن همدیگر باقی نمی‌ماند. به‌جای این، زندگی به حالت کلیت‌های فرهنگی جریان خواهد یافت؛ همان‌گونه که در طول تاریخ نیز چنین بوده است. از آنجا که ارمنی‌ها، هلن‌ها و سُرانی‌ها دیگر قادر به ترسیم مرزهای «دولت-ملت» گرایانه برای خود نخواهند بود و ناچار هم هستند تا موجودیت خویش را ادامه دهند، واضح است که مناسب‌ترین گزینه عبارت خواهد بود از: ذهنیت مبتنی بر همزیستی دموکراتیک ملی و ساختاربندی خودگردانی دموکراتیک. برای گروه‌های فرهنگی و خلق‌هایی که در هر گوشه‌ی منطقه دچار پروسه‌های مشابهی هستند، هرچند تأخیر هم شده باشد اما مدرنیته‌ی دموکراتیک یک پناهگاه ذهنیتی است و خودگردانی دموکراتیک نیز مدل مناسب بدنه‌یافتگی مجدد می‌باشد.

تنها موجودیت‌های اتنیک و ملی نیستند که در منطقه یک میراث غنی را تشکیل می‌دهند. ادیان و مذاهب نیز چتر گسترده‌ای از گروه‌ها را تشکیل می‌دهند. بازنمود و نمایندگی ظواهر نوینی که ادیان و مذاهب با شکل‌های سنتی و مدرن خویش کسب نموده‌اند، مسئله‌ای جدی است. جریان دولت - ملت بخش بزرگی از اینان را نیز پاکسازی نمود. اما چون خود دولت - ملت فرسوده گشته، این میراث‌های غنی فرهنگ تاریخی تنها در چارچوب نظریه و مفاهیم ملت دموکراتیک قادرند ابراز وجود نمایند. هم جهت ادراک‌های ذهنیتی و هم ساختاربندی‌های آن، «ملت دموکراتیک و خودگردانی دموکراتیک» مناسب‌ترین مدل است. برای تمامی حوزه‌های مشابه جامعه‌ی تاریخی، مدل جامعه‌ی دموکراتیک ملی در برابر بلای دولت - ملت، ضامن صلح، برابری، آزادی و حیات دموکراتیک است.

وضعیت گردها که مدل دولت - ملت در خاورمیانه آن‌ها را تجزیه نموده و شیوه‌های نابودی و آسیمیلیسیون مختلفی را علیه هر بخش آن‌ها تحمیل کرده است، یک فاجعه‌ی تمام‌عیار می‌باشد. نه پاکسازی کامل فیزیکی‌شان و نه پاکسازی فرهنگی‌شان را فی‌الغور نمی‌تواند تحقق بخشد. گردها گویی موجودی هستند که در حال یک احتضار درازمدت است. خلقی‌ست که نمونه‌ی مشابه دیگری در جهان ندارد. نه‌تنها از نظر ذهنی معیوب گشته بلکه از لحاظ جسم و بدن نیز

ایده‌ای که گردها به آن باور دارند، «گردستان کنفدرال دموکراتیک» است که به‌مثابه‌ی جایگزین «جمهوری مستقل و متحد گردستان»، نه‌تنها مرزهای موجود را برهم نمی‌زند بلکه بالعکس، این مرزها را به‌صورت توجیهی برای اتحاد دموکراتیک ملی خاورمیانه درمی‌آورد

تجزیه گشته است. داشت جراحی اجتماعی، به حالت یک شیوه‌ی زندگی درآورده شده است. نه شیوه‌ی زندگی سنتی کهن رایج است و نه شیوه‌ی زندگی مدرن. شانس ترجیح نیز تا دوران اخیر از آن‌ها سلب شده بود. بدون شک این وضعیت از دولت - ملت‌های حاکمی سرچشمه می‌گیرد که توسط مدرنیته‌ی کاپیتالیستی تأسیس شده‌اند. اقدامات گردها در مسیر تأسیس مدل دولت - ملت همان شانس موفقیت را به دست نیاورده است؛ چون منطبق با منافع مدرنیته‌ی کاپیتالیستی نبوده است، بر وفق مرادشان پیش نرفته است. مدل دولت - ملتی که امروزه می‌خواهند در گردستان عراق آن را پیش‌برد دهند نیز ارتباط تنگاتنگی با محاسبات و نقشه‌های هژمونیک مدرنیته‌ی کاپیتالیستی دارد. یک مدل دولت - ملت مینیمالیستی گرد می‌تواند به نفع نظام باشد. خطر در اینجا است: وقتی نظام آن را منطبق با منافع خویش نبیند، هر لحظه ممکن است منجر به نسل‌کشی‌ها و قتل‌عام‌های تازه‌ای شود. چون بخش بزرگی از دفاعیه‌ام را به پدیده‌ی گرد، مسئله و چاره‌یابی آن اختصاص داده‌ام، به گفتن این نکته بسنده می‌کنم که ملت دموکراتیک مناسب‌ترین مدل جهت رهایی از این موقعیت و یا بی‌موقعیتی وخیمی است که دوباره سعی بر تعریف آن نمودیم. ملت دموکراتیک و خودگردانی دموکراتیک به‌مثابه‌ی ذهنیت و ساختاربندی، بدون سوق دادن دولت - ملت‌های موجود به‌سوی فروپاشی، بر مبنای تقسیم و تسهیم مدیریت‌ها - همان‌گونه که نمونه‌ی آن در عموم جهان نیز بسیار وجود دارد - امکان همزیستی را فراهم می‌آورد. مورد لازمه جهت این امر، یک رژیم مبتنی بر

جنگ‌های نفوذجویانه‌ای که هم ایران و هم ترکیه از طریق حزب‌الله و القاعده علیه ایالات متحده‌ی آمریکا و نیروی هژمون بومی یعنی اسرائیل انجام می‌دهند، نقشی فراتر از حادثه‌مردن مسائل و مبدل کردن آن‌ها به باتلاق ایفا نمی‌کند. نقشه‌هایشان جهت کسب سهم نیز هر لحظه ممکن است نتیجه‌ی معکوس به‌بار آورد

قانون اساسی دموکراتیک است.

ایده‌ای که گردها به آن باور دارند، «گردستان کنفدرال دموکراتیک» است که به‌منابه‌ی جایگزین «جمهوری مستقل و متحد گردستان»، نه‌تنها مرزهای موجود را برهم نمی‌زند بلکه بالعکس، این مرزها را به‌صورت توجیهی برای اتحاد دموکراتیک ملی خاورمیانه درمی‌آورد. در چارچوب این مدل، گروه‌های فرهنگی و خلقی بسیاری می‌توانند خود را به‌صورت اتحادیه‌های فدرال سازماندهی نمایند. در یک سطح بومی و در یک شهر، همزمان همه‌ی گروه‌هایی که از نظر جنسیتی، اتنیکی، دینی و مذهبی، «برابر، آزاد و دموکراتیک» می‌باشند، می‌توانند به‌صورت صلح‌آمیز در همزیستی به‌سر برند. گردستان کنفدرال دموکراتیک هرچه مدل ملت دموکراتیک خویش را پیشبرد دهد، هر بخش آن نیز می‌تواند با جوامع همجواری که با هم‌دیگر به‌سر می‌برند به‌راحتی اتحادیه‌های مشابهی را تشکیل دهد. اگر چنین در نظر بگیریم که تشکلهای مشابهی در ترکیه، ایران، عراق و سوریه نیز تشکیل شوند، آنگاه آشکار است که گردستان کنفدرال دموکراتیکی که سعی بر بیان آن داشتیم، به هسته‌ی اتحاد دموکراتیک ملی خاورمیانه تبدیل خواهد شد. شانس تحقق مختلط هر دو پدیده نیز وجود دارد. خود کلیت‌مندی تاریخی-اجتماعی خاورمیانه نیز این

امر را الزامی می‌گرداند.

در مقابل این، پروژه‌ی خاورمیانه‌ی بزرگ که در این اواخر ایالات متحده‌ی آمریکا در پی مطرح‌سازی و اجرای آن است، شانس موفقیتی دربر ندارد. کما اینکه این پروژه بر دولت-ملت‌ها اتکا دارد. پروژه‌های مشابه بسیاری خاورمیانه را به سمت آشفتگی بیشتری سوق داده است. اوضاعی که آخرین پروژه راه بر آن گشوده، تفاوت‌چندانی [با نتایج پروژه‌های پیشین] ندارد. تا زمانی که از منطق «دولت-ملت» گرایشی گذار صورت نگیرد، هیچ پروژه‌ای قادر نخواهد بود خاورمیانه را از بحران‌ها و مسائل ژرفی که دچار آن است رهایی ببخشد و از درگیری‌ها و جنگ‌های آن جلوگیری به‌عمل آورد. هم اتحادیه‌ی عرب کنونی و هم سازمان‌های کنفرانس اسلامی به سبب اینکه توسط همان منطق دولت-ملت معیوب گشته‌اند، در هیچ مسئله‌ای نقشی چاره‌ساز نداشته‌اند. تا وقتی که از ذهنیت و ساختاربندهای موجود گذار نمایند، شانس چاره‌یابی و حل نیز نخواهند داشت. همچنین جنگ‌های نفوذجویانه‌ای که هم ایران و هم ترکیه از طریق حزب‌الله و القاعده علیه ایالات متحده‌ی آمریکا و نیروی هژمون بومی یعنی اسرائیل انجام می‌دهند، نقشی فراتر از حادثه‌مردن مسائل و مبدل کردن آن‌ها به باتلاق ایفا نمی‌کند. نقشه‌هایشان جهت کسب سهم نیز هر لحظه ممکن است نتیجه‌ی معکوس به‌بار آورد. وضعیتی که تمامی این بازی‌ها و دسیسه‌های قدیمی و جدید دولت-ملت برای خاورمیانه به‌بار آورده، در مقابل نگاه همگان است. این وضعیت خاورمیانه که تحت نام «مسئله حل می‌کنیم، دیپلماسی تنش‌صفر [با همسایگان] را اجرا می‌کنیم»، به‌صورت کلافی از مسائل حجیم‌ترشده و گذارناپذیر درآورده شده است، همان‌طور که با وضوح نشان دادیم وضعیتی ساختارین است و آن نیز از «دولت-ملت» گرایشی سرچشمه می‌گیرد. همان‌طور که با همان وضوح گفتیم، ذهنیت ملت دموکراتیک و ساختار خودگردانی دموکراتیک مدرنیته‌ی دموکراتیک، در حکم پارادایم نوین و مناسب‌ترین مدل مساوات‌طلبانه، آزادی‌خواهانه و دموکراتیک جهت برون‌رفت از این وضعیت کائوتیک است. مدلی است که راه صلح و امنیت ماندگار را به هر کسی و هر جامعه‌ای نشان می‌دهد.

منبع: مانیفست تمدن دیموکراتیک - جلد پنجم

ژن، ژیان، آزادی فلسفه‌ی وجود و مبنای پارادایم مبارزاتی ماست



PJAK

به افکار عمومی و خلق میهن‌دوستان

با گذشت چهار سال از کنگره‌ی ششم حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)، هفتمین کنگره‌ی حزمان در کوهستان‌های آزاد کردستان برگزار شد. پژاک در کنگره‌ی هفتم با شعار «با فلسفه‌ی زن، زندگی، آزادی کردستان را آزاد نموده و ملت دموکراتیک را بنیاد نهیم» رویکرد خود را در قبال مبارزات آتی خویش مشخص کرد. در حالی که در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ خویش بسر می‌بریم و در تمامی بخش‌های میهن‌مان مبارزه‌ای بی‌امان در جریان بوده و خلق‌مان با تمامی وجود وارد مقاومتی در راستای رسمیت بخشیدن هویت وجودی و فرهنگی-سیاسی خویش گشته و منطقه نیز دستخوش تلاطماتی عمیق است، حزب‌مان کنگره خویش را برگزار نمود. کنگره‌ی حزب‌مان با مشارکت نمایندگان از تمامی حوزه‌های فعالیتی و مناطق کاری و با تدارکی وسیع و برنامه‌ای منسجم به مرحله‌ای مهم در مبارزات چند ساله‌ی اخیرمان تبدیل گشت. کنگره‌مان با گرامی‌داشت یاد تمامی رفقای شهید و بویژه شهدا ریزان، برخودان، سارا، آرین و تولهلدان و با تلاش جهت پایبندی به یاد و خاطره‌ی تمامی رفقای شهید برگزار گردید. کنگره با اصرار بر خط‌مشی مبارزاتی آنان تلاش نمود تا مبارزه در راه رسیدن به اهدافی که این شهدا در راه

آن جان خویش را فدا نمودند هرچه بیشتر عمق بخشیده و در این راه برنامه‌ای مسنجم را تصویب نماید.

عزم به تداوم مبارزه، لزوم ارزیابی عملکرد و فعالیت‌های‌مان، نیاز به انتقاد و خودانتقادی جهت نوسازی و سر رسیدن موعد مقرر کاری مدیریت انتخاب شده در کنگره‌ی قبلی حزب‌مان، ما را بر آن داشت تا با عزمی راسخ و اراده‌ای ناشی از مبارزات چند ساله‌ی اخیر کنگره‌مان را برگزار کنیم. کنگره‌مان در شرایط دشوار امنیتی و در زیر حملات سخت و دشمنانه‌ای صورت گرفت که انتظار انجام فعالیتی معمولی نیز در آن شرایط نمی‌رفت. چهار سال از برگزاری کنگره‌ی ششم حزب‌مان سپری شده بود و طی این چهار سال از مرحله‌ای از مبارزه گذشتیم که لزوم بازنگری و ارزیابی آن وجود داشت. واجب بود که نواقص و کاستی‌های این دوران به‌بوت‌های نقد گذاشت شده و در پرتو نتایج مباحثی سازنده، مسیر آینده‌ی مبارزاتی‌مان را ترسیم نماییم. در کنار این دلایل، نیاز به سازماندهی مجدد پیکره‌ی مدیریت حزب‌مان نیز وجود داشت.

در چنین شرایط حساسی، حزب‌مان پژاک هفتمین کنگره‌ی خویش را برگزار نمود، این امر به یک گام تاریخی در مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی خلق کرد در شرق کردستان تبدیل گشت. کنگره



و شکنجه‌گاه امرالی بر رهبر آپو اعمال می‌شود تحلیل گشته و این انزوا و حملاتی که بر ایشان تحمیل می‌شود به مثابه‌ی مواجهه‌ی نظام سیاسی کنونی با مسئله‌ی کرد ارزیابی شد. فشارهایی که بر رهبرمان وارد می‌آیند، بیانگر و نمونه‌ی فشار همه‌جانبه بر خلق‌مان در همه‌ی بخش‌های کردستان است. مقاومت تاریخی بیست و شش ساله‌ی ایشان نیز مقابله با فاشیسم و توتالیتراریسم بوده و الهام‌بخش اصلی مبارزاتی خلق‌مان در کردستان و خلق‌های جهان است. بر این اساس کنگره با عزمی راسخ مشارکت در کارزار «آزادی جسمانی برای رهبر آپو و حل مسئله‌ی کرد» را بعنوان یک پلان کاری اساسی در دوران پیش مورد تصویب قرار داد.

همچنین موضع سیاسی حزب‌مان در دوران انقلاب زن زندگی آزادی و تلاش جهت ترسیم چهره‌ی اپوزیسیونی واقعی نیز مورد بررسی قرار گرفته و کاستی‌های آن دوران بصورتی مشخص و ملموس بیان گردیدند. انتقاداتی که از طرف خلق، اندیشمندان و روشنفکران و طرفداران و دوستان مطرح شده بودند، مورد بررسی قرار گرفته و در متن مباحث قرار داده شدند. سعی گردید تا دوران نوین و جنگ نیروهای منطقه‌ای و جهانی به صورتی واقع‌گرایانه بررسی گردیده و موقعیت خلق کرد به مثابه فاکتوری مؤثر در این وضعیت نیز به دقت بیان گشته و موضع صحیح سیاسی نیز تعیین گردد. همچنین سیاستهای رژیم بر علیه ملت کورد و سایر ملت‌ها و تهدیداتی که متوجه جنبش ما هستند نیز بخش مهمی از

با ارائه‌ی تحلیلاتی وسیع و دقیق از شرایط سیاسی جهانی و منطقه‌ای بر اتخاذ سیاست خط سوم و چاره‌یابی دموکراتیک مسئله‌ی کرد تأکید نمود. کنگره همچنین بر این نکته اصرار ورزید که در هر شرایطی دفاع و صیانت از موجودیت و منافع خلق کرد و خلق‌های ایران را در سرخط سیاست‌های خویش قرار داد و همزمان با اصرار بر چاره‌یابی دموکراتیک مسائل ایران بر خط دفاع مشروع در صورت تهدید موجودیت خلق‌مان تأکید نمود.

در کنگره‌مان اوضاع سیاسی دوران اخیر با مشارکت رفقای تمامی عرصه‌های مبارزاتی و با وسعتی کامل و با توجه به وضعیت خلق‌مان در تمامی بخش‌های کردستان مورد بررسی قرار گرفت. اوضاع حساس و پرخطر کنونی، وضعیت خلق‌مان در تمامی بخش‌های کردستان، وضعیت انقلاب در شرق کردستان و ایران و موقعیت نیروهای مردمی و احتمالات پیش روی ما مورد بحث و گفتگو قرار گرفتند. در مورد عملکرد نیروهای مخالف، اوضاع دوران انقلاب و عملکرد رژیم مباحثی صورت گرفتند. همچنین تحولات منطقه و وضعیت رهبر آپو در زندان امرالی و اپوزیسیون ایشان در مقابل نیروهای انکارگرا و نفی‌گرا و مقاومتی تاریخی که انجام می‌دهد نیز بعنوان بنیان مقاومت خلق‌های منطقه و تلاش جهت رسیدن به اراده‌ای مستقل و خودمدرییتی برای خلق‌ها تعریف گردید. لزوم مبارزه جهت آزادی جسمانی ایشان و ارتباط آن با وضعیت خلق کرد نیز با استدلال‌های قوی بیان گردیدند. انزوای شدیدی که در زندان

مباحث سیاسی کنگره‌ی هفتم حزب‌مان را تشکیل داد.

هفتمین کنگره ما بعد از دوران خیزش و انقلاب «ژن، ژیان، آزادی» برگزار گردید. اساسی‌ترین مباحث کنگره، حول انقلاب نوین خلق کرد در شرق کردستان و سایر خلق‌های ایران و بررسی عملکرد حزب‌مان در آن دوران و شیوه‌ی عمل رفقای‌مان در دوران انقلاب صورت گرفتند. در این راستا با دیدی باز و به دور از تعصبات و دگماهای فکری عملکرد خویش را ارزیابی نموده و نواقص سیاسی و عملکردی خویش را بررسی کردیم. نکات مثبت آن را بیان کرده و نواقص و کاستی‌های عملی خویش را صراحتاً بر زبان رانده و نقد نمودیم. در مباحث کنگره دستاوردهای خلق خویش در دوران انقلاب اخیر را بیان کرده و با مشارکت رفقای که از عرصه‌های عملی سازماندهی و مبارزه در کنگره مشارکت کرده بودند، بصورت واقع‌گرایانه‌تر به شیوه‌ی عمل، سازماندهی مردمی و نواقص و کاستی‌های مختلف سازمانی در دوران خیزش‌ها پرداخته شد. عملکرد رژیم در این دوران مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت و با تأکید بر عزم خلق‌مان جهت حیاتی آزاد بر پایه‌ی آزادی زنان و همزیستی مسالمت‌آمیز خلق‌ها پیشنهاداتی جهت شیوه‌های مبارزاتی ارائه گردیدند. با تکیه بر این حقیقت که ژن، ژیان، آزادی فلسفه‌ی وجود و مبنای پارادایم مبارزاتی ماست، خودانتقادی بنیادین در مواجهه با انقلاب ژن، ژیان، آزادی از سوی مدیریت و اعضای حزب صورت گرفت. در کنگره بصورت یک‌صدا به این حقیقت اذعان شد که پیروزی انقلاب نوین تحقق همه‌ی مطالبات دموکراتیک جوامع ایران است و در این راستا پژاک با گسترش همکاری خویش با همه‌ی نیروهای آزادی‌خواه خلق‌های ایران، بویژه با زنان و جوانانش جهت تحقق این امر تمامی توان مبارزاتی خویش را به کار می‌گیرد. کنگره‌ی هفتم حزب‌مان با مشارکت برجسته‌ی رفقای زن برگزار شد. کنگره‌ی هفتم در تطابق با پارادایم فکری-فلسفی حزب‌مان، آزادی زنان را به مثابه‌ی زیربنای مبارزاتی ارزیابی کرده و تأکید کرد که رسیدن به آزادی زنان، شرط رسیدن جامعه به آزادی است و لازمه‌ی بنیاد نهادن یک جامعه‌ی دموکراتیک، مبارزه با مفاهیم و مظاهر مردسالاری و اقتدار می‌باشد.

مسئله‌ی جوانان یکی دیگر از مسائل محوری کنگره‌ی هفتم بود. جوانان نیز با مشارکتی فعال در کنگره‌ی هفتم حضور داشتند و کنگره در کل چهره‌ای جوان داشت. با بررسی مسائل جوانان و مسائل نسل نوین جامعه و توانایی‌های‌شان، تأکید گردید که یکی از وظایف اساسی حزب‌مان این است که پتانسیل جوانان را پاس داشته و بتواند آن را به مسیر مبارزه سوق دهد. جوانان نشان دادند که دست از آرمان زندگی آزاد برنخواهند داشت و این استدلالی قوی جهت مبارزه با روحیه‌ی جوانانه می‌باشد. در این راستا نیز تصمیماتی از

طرف کنگره اتخاذ گردیدند.

کنگره‌ی هفتم با ارائه‌ی بحث وسیعی پیرامون وضعیت بحرانی محیط‌زیست شرق کردستان و ایران و سیاست‌های مخرب رژیم ایران، تأکید کرد که تأثیر این سیاست‌ها بر هستی تمامی جوامع درون ایران به مسئله‌ای جدی تبدیل شده است. کنگره مان بر لزوم همکاری وسیع با همه‌ی جنبش‌ها و مبارزین محیط‌زیستی جهت توسعه‌ی مبارزات اکولوژیکی با سیاست‌های ضد محیط‌زیستی و لزوم توسعه‌ی فرهنگ اکولوژیک و تشویق زندگی فردی و جمعی منطبق با محیط‌زیست تأکید نمود. تأکید شد که در اینمورد نباید منتظر سایر جوانب مبارزه بود و این امر باید در اولویت زندگی و مبارزه‌ی حزب و اعضایش باشد.

در طی کنگره گزارش کاری ریاست مشترک مورد نقد و بررسی قرار گرفته و در پایان با ملاحظاتی از طرف نمایندگان کنگره در چارچوب اسناد کنگره مورد تصویب قرار گرفت. در کنگره‌مان با توجه به مباحث صورت گرفته و نتایجی که در گزارشات آمده بود و جهت پیشبرد مبارزات و در چارچوب پیشنهاداتی که قبل از کنگره و در طول کنگره مطرح گردیده بودند، لایحه‌هایی در حوزه‌های مختلف کاری مورد بحث و بررسی قرار گرفته و به تصویب رسیدند و بصورت تصمیمات و برنامه‌ی کنگره جهت دوران پیش رو درآمدند.

با توجه به سر آمدن دوران ریاست مشترک، نمایندگان حاضر در کنگره طی انتخاباتی مستقیم و شفاف رفیق امیر کریمی و رفیق پیمان ویان را بعنوان ریاست مشترک جدید حزب برگزیده و از مبارزات و زحمات ریاست مشترک قبلی تجلیل به عمل آوردند. همچنین با انتخاباتی جداگانه نیز مجلس حزب را انتخاب نموده و اعضای علی‌البدل آن را نیز تعیین نمودند. کنگره در اتمسفری شایسته‌ی پیروی از خط شهدا و انقلاب ژن، ژیان، آزادی برگزار گردیده و با موفقیت به پایان رسید.

پیرو برگزاری کنگره و مضمون آن در دوران پیش رو و از طریق مطبوعات جزئیات بیشتری به اطلاع خلق‌مان و افکار عمومی رسانده خواهد شد.

زنده باد مبارزه آزادی‌خواهانه و دموکراتیک در راه کردستان آزاد و ایران دموکراتیک و کنفدرال ژن، ژیان، آزادی

۲۰۲۴-۰۴-۲۷

مجلس حزب حیات آزاد کردستان

پژاک: با فلسفه‌ی زن، زندگی، آزادی کردستان را آزاد نموده و ملت دموکراتیک را بنیاد نهیم



کتاب آماده‌سازی / آلترناتیو

در آستانه‌ی سال ۱۴۰۳ مشارکت مردمی خلق کورد و خلق‌های آزادیخواه ایران در نوروز، بار دیگر نشان داد که خلق کورد و دیگر خلق‌های ایران به فرهنگ و آداب و رسوم هزاران ساله‌ی خویش پایبند هستند، به ویژه که نوروز همیشه به معنای مبارزه علیه بیدادگری و ستم بوده است، آتش نوروز مردمی شرق کردستان و ایران به اقتدارطلبان رژیم اشغالگر ایران این پیام رسا را داد که انقلاب زن زندگی آزادی، که در اصل یک انقلاب فرهنگی است، هنوز به قوت خود پابرجاست و خلق‌ها تا رسیدن به پیروزی از پای نخواهند نشست. یکی دیگر از رویدادهای مهم برگزاری هفتمین کنگره‌ی حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) بود. پژاک در تاریخ ۱۶ فروردین امسال، بیستمین سالروز تاسیس خود را پشت سر گذاشت و اکنون حزبی جوان است که تجارب گران‌بهایی در این بیست سال به ویژه با فدایی‌گری بی‌پایان شهیدان پیشاهنگش به دست آورده است، همچنین پژاک تحت رهبری رهبر آپو و با پارادایم نوین رهبر آپو بعنوان حزبی پیشتاز و انقلابی در شرق کردستان و ایران ۲۰ سال بی‌وقفه در حال مبارزه در همه‌ی سطوح سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی بوده است، و انقلاب زن زندگی آزادی که در سال ۱۴۰۱ بعد از یک سلسله قیام در پی شهادت ژینا امینی به دست نیروهای سرکوبگر رژیم اشغالگر ایران رویداد، منشا فلسفی و فکری خویش را از پارادایم نوین رهبر آپو می‌گیرد. در هفتمین کنگره‌ی پژاک مسائل زیادی به بحث و گفتگو گذاشته شدند و برای اینکه به محتوای کنگره‌ی هفتم پی ببریم، به سراغ ریاست مشترک قبلی زیلان وژین و سیامند معینی و همچنین ریاست مشترک جدید پیمان ویان و امیر کریمی رفتیم و در فضایی صمیمی سوالاتی را از آنان پرسیدیم، متن کامل مصاحبه به صورت زیر است.

رفیق سیامند با شما شروع می‌کنیم، دلیل برگزاری کنگره‌ی پژاک در این مرحله چیست؟

- **سیامند معینی** : در ابتدا سلام می‌فرستم به خانواده‌ی شهیدان، در این باره امیدوارم که کنگره هفتم بتواند به یک کارزار و گامی مهم برای پیشبرد مبارزاتی پدرومانه در شرق کوردستان و ایران مبدل شود تا پژاک بتواند از اوضاعی که به وجود آمده است صیانت به عمل آورد. و پژاک پیشاهنگی انقلاب را به انجام برساند و بتواند مبارزات خلق در شرق کوردستان و ایران را به خمیرمایه‌ی تحولات رادیکال در سیستم ارتجاعی و تمامیت‌خواه ایران مبدل سازد. پژاک لازم است جامعه‌ای دموکراتیک در شرق کوردستان و ایران برساند. با توجه به اساسنامه‌ی پژاک باید هر ۳ سال یکبار کنگره برگزار کند، اما به دلیل شرایط ویژه برگزاری کنگره یک سال عقب افتاد، ولی این مسئله باعث شد تا پژاک بهتر بتواند به بازنگری و آسیب‌شناسی عملکرد گذشته‌ی خود دست بزند. در این چند سال که ما، ریاست مشترک، وظایف‌مان را به انجام رساندیم و پژاک پیشاهنگ انقلاب را عهده‌دار بوده است، با گامی نوین و بر مبنای تحولات اخیر، و با گفتگوها و بحث‌هایی که در کنگره پیش برده شدند، جنبشی جدی در شرق کوردستان شکل می‌دهد. بسیار مهم است که مبارزات پژاک در داخل خود شرق کوردستان بیشتر فعال شود و تحولات در آنجا آغاز گردند. سازماندهی خلق اساس کار است. لازم است خلق خود دست به خودسازماندهی بزند و در مقابل هرگونه حمله‌ای به صورتی سازماندهی شده از خود دفاع کند تا بتواند هرگونه اعمال دیکتاتورمانه و شرورانه‌ای که سیستم اشغالگری در کوردستان توسعه می‌دهد را خنثی سازد و بسیار رادیکال و دلیرانه در مقابل دشمن بایستد. امیدواریم و می‌دانیم که پژاک چنین نیرویی را دارد تا بتواند نقش تاریخی خود را ایفا کند و تغییرات لازم را برای پیشبرد مبارزاتی رادیکال و انقلابی با روحیه‌ی آپوئی در شرق کوردستان به وجود بیاورد و توانمندی خود را نشان دهد.

رفیق پیمان، موارد اساسی که در کنگره مورد بحث واقع شدند چه بودند؟

- **پیمان ویان** : نخست، برگزاری هفتمین کنگره‌ی پژاک را به معمار فلسفه‌ی زن زندگی آزاد رهبر آپو،

به همه‌ی خانواده‌ی شهیدان، همه‌ی میهن‌دوستان به ویژه به خلق‌ها در شرق کوردستان و ایران و همه‌ی انقلابیون و مبارزینی که در زندان‌ها و در میادین به مبارزه می‌پردازند تبریک می‌گویم. موضوعات بسیاری در کنگره مورد بحث قرار گرفتند. رفیق سیامند نیز در این باره که کنگره در چه اوضاعی برگزار شد، بحث کرد، ما در شرایط تاریخی انقلاب در کل کوردستان و ایران به سر می‌بریم، می‌توان کنگره را کنگره‌ی انقلاب و تغییرات عمده نامگذاری کرد که می‌تواند انقلاب را به پیروزی برساند.

یکی از مباحثی که شکل گرفت اهمیت اوضاع و دورانی است که کنگره در آن برگزار شد، در مرحله‌ی پیش روی ما و با توجه به میراثی که پژاک بر روی آن بنا شده است، اینکه ما چگونه بتوانیم وظایف انقلابی و وظایف ضروری این مرحله را به انجام برسانیم تا بتوانیم انقلاب را به پیروزی برسانیم، یکی از موضوعات و مباحث مهم کنگره بود. اینکه چگونه بتوانیم با پایبندی به شهدای فدائی خصوصا رفقا آریین، توله‌لدان و جنگاور، بتوانیم فکر و فلسفه‌ی رهبر آپو را در شرق کوردستان و ایران گسترش دهیم، یکی دیگر از بحث‌های کنگره بود. می‌دانیم که پژاک مبتنی بر پارادایم رهبر آپو تاسیس شد، و بر این اساس ۲۰ سال است که مبارزه می‌کند، یکی از مسائل اساسی در کنگره موضوع آزادی فیزیکی رهبر آپو بود، به ویژه کارزار آزادی فیزیکی برای رهبر آپو و حل مسئله‌ی کورد یکی از موضوعات اساسی کنگره بود. ما، پژاک در قبال این فکر و فلسفه مسئول هستیم، فکر و فلسفه‌ای که خلق در شرق کوردستان مطابق با آن خود را سازماندهی می‌کند، پس یکی از موضوعات اساسی ما، پژاک و همه‌ی مبارزات‌مان در شرق کوردستان و ایران آزادی فیزیکی رهبر آپو است. به ویژه با این فکر و فلسفه که در سال ۲۰۲۲ انقلابی در شرق کوردستان و ایران صورت گرفت، با هیجان این انقلاب چگونه بتوانیم آن را سازماندهی کنیم؟ چگونه انقلاب را به پیروزی برسانیم و وظایف ما در این رابطه چه هستند؟ این وظایف را چگونه عملی‌سازیم؟ انقلاب هنوز در شرق کوردستان و ایران ادامه دارد، و انقلاب فلسفه و مانیفست خود را تحت نام زن زندگی آزادی مشخص ساخت و شاهدیم که مبارزات خلق‌ها در ۸ مارس و نوروز تداوم داشته است. اینکه چگونه انقلاب را سازماندهی کنیم و به پیروزی برسانیم، به ویژه با پیشاهنگی زنان و جوانان، این موارد

انقلاب هنوز در شرق کوردستان و ایران ادامه دارد، و انقلاب فلسفه و مانیفست خود را تحت نام زن زندگی آزادی مشخص ساخت و شاهدیم که مبارزات خلق‌ها در ۸ مارس و نوروز تداوم داشته است، اینکه چگونه انقلاب را سازماندهی کنیم و به پیروزی برسانیم، به ویژه با پیشاهنگی زنان و جوانان، این موارد اساسی بودند که در کنگره به بحث گذاشته شدند

موضوعات زیادی در کنگره مورد بحث واقع شدند، اما این موارد بحث‌های اساسی بودند.

بله رفیق امیر، همانگونه که رفیق پیمان بدان اشاره کردند، یکی از مواردی که در کنگره بدان پرداخته شد، انقلاب زن زندگی آزادی بود، این انقلاب در کنگره چگونه ارزیابی گشت؟

- امیر کریمی: نخست، به شما و همه‌ی خوانندگان مجله‌ی آلترناتیو درود می‌فرستم. کنگره را به شهیدانمان، به خانواده‌ی شهیدان و رفقایمان در زندان و به رفقای مبارزمان تبریک می‌گویم. همچنین از رفقای که از حزبان محافظت کردند و مبارزات را تا به امروز ادامه دادند، سپاسگذاری می‌کنم. به ویژه از ریاست مشترک رفقا سیامند معینی و زیلان و ژین سپاسگذاری می‌کنم، که نقشی فعال در گام برداشتن حزبان تا به امروز و در برگزاری موفقیت‌آمیز این کنگره داشتند. انقلاب زن زندگی آزادی، انقلاب و مرحله‌ای تعیین کننده در تاریخ خلق‌های شرق کوردستان و ایران بود. انقلابی ویژه است و تنها یک خیزش نیست، بلکه همانگونه که ما در کنگره بدان پرداختیم انقلابی است که تنها یکی از مراحل خود را طی کرده است، و آن نیز مرحله‌ی خیزش و قیام است. یکی از موضوعات اساسی ما در کنگره این مسئله بود، چرا که این انقلاب مطابق با فلسفه و پارادایم انقلابی ماست، به همین خاطر نیز پیروزی این انقلاب را به مثابه‌ی پیروزی خود و اهدافمان می‌دانیم. به همین جهت در کنگره تصمیم بر این گرفتیم که

اساسی بود که در کنگره به بحث گذاشته شدند. هم زمان ما در جنگ جهانی سوم با مرکزیت کوردستان به سر می‌بریم. جنگی اشغالگرانه در کوردستان جریان دارد. رژیم اشغالگر ایران نیز شرق کوردستان را از لحاظ جغرافیایی و موجودیت خلق‌ها ملیتاریزه کرده است. در سطح سیاسی و تغییرات این حوزه، پژاک باید چگونه بتواند پیشاهنگ باشد. همانطور که می‌دانیم به ویژه نیرویی که دارای پروژه و برنامه است و بتواند در شرق کوردستان به سازماندهی و امور دفاعی بپردازد و پیشاهنگ باشد پژاک است. در مورد اینکه از این به بعد پژاک چگونه عمل کند بحث شد. موضوعات دیگری که برای پژاک بعنوان یک حزب سیاسی و ایدئولوژیک مورد بحث قرار گرفت، ضعف‌ها و کمبودهایی بود که در سال‌های گذشته وجود داشتند که مورد انتقاد و خودانتقادی واقع شدند، و همه اعضایی که در کنگره مشارکت کردند خودانتقادی کردند، تا بتوانیم در مراحل پیش رویمان به وظایف تاریخی بپردازیم و پیشاهنگی بهتری ارائه دهیم. یکی دیگر از موضوعات، زندانیان سیاسی به ویژه زنان که در زندان‌های ایران به سر می‌برند، بود. به ویژه که در بحبوحه‌ی انقلاب صدها نفر زندانی شدند، و در مقابل رژیم مقاومتی مثال‌زدنی از خود نشان دادند و زندان را به میدان مقاومت مبدل ساختند. به ویژه در مورد ایستار زینب جلالیان و اینکه چگونه بتوانیم صدای زندانیان را در جهان بیشتر گسترش دهیم و سیاست‌های پلید رژیم ایران را بیشتر رسوا کنیم، و همزمان برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزات را نیرومندتر سازیم، گفتگو صورت گرفت. بدون شك

این انقلاب مطابق با فلسفه و پارادایم انقلابی ماست، به همین خاطر نیز پیروزی این انقلاب را به مثابه‌ی پیروزی خود و اهدافمان می‌دانیم. به همین جهت در کنگره تصمیم بر این گرفتیم که همه‌ی نیروی خود را برای پیروزی این انقلاب به کار ببریم

خلق مرحله‌ای دیگر از انقلاب را آغاز می‌کند و پژاک در حال آمادگی برای این مرحله است. در این مرحله شاید شاهد قیام نباشیم، ولی با توسل به روش‌هایی دیگر این انقلاب می‌تواند ادامه یابد و در این رابطه در کنگره تصمیماتی گرفته شد.

رفیق زیلان کارزار آزادی برای رهبر آپو و حل مسئله‌ی کورد در کنگره چگونه ارزیابی شد؟

زیلان و ژین : از شما بخاطر آمدنتان به اینجا تشکر می‌کنم و به همه‌ی خوانندگان مجله‌ی شما درود می‌فرستم. من نیز کنگره‌ی هفتم را به همه‌ی مبارزین راه انقلاب، خلقمان، خانواده‌های شهدا و اعضای حزب تبریک می‌گویم. همانطور که رفقا گفتند کنگره در فضای مناسبی برگزار شد، و با هیجان و شور و شوق تحلیلات بسیاری انجام گرفتند.

با ایستاری اراده‌مند این کنگره برگزار شد تا بتوانیم برای مطالبات خلق مان پاسخگو باشیم. بر این اساس در کنگره تحلیلاتی شد و بر این مبنا تصمیماتی نیز گرفته شدند. مهمترین مورد در کنگره "آزادی فیزیکی رهبر آپو و حل مسئله‌ی کورد" بود. در واقع این مورد نقشه راه ما در تلاش و مبارزات آتی ماست، به ویژه اینکه چگونه این نقشه را در شرق کوردستان و ایران از لحاظ ایدئولوژیک و سازماندهی پیاده کنیم، این موارد مورد بحث واقع شدند.

کارزاری که برای آزادی فیزیکی رهبر آپو شروع شد، به کوردستان محدود نیست و در سطح جهانی گسترش

همه‌ی نیروی خود را برای پیروزی این انقلاب به کار ببریم. در مورد انقلاب در مرحله‌ی قیام نیز چنین ارزیابی کردیم که در سطح سازماندهی ضعف‌هایی داشتیم، با وجود کوشش‌ها و فداکاری‌های فراوان، در بسیاری جاها نتوانستیم خود را به خلق برسانیم. هم اعضای حزب و هم خلق، فداکارانه در انقلاب حضوری فعال داشتند، اما ما خودانتقادی از خود را تنها به این مسئله محدود نمی‌کنیم. حزب ما برای اینکه پاسخگوی وضعیت باشد به مبارزات سیاسی چشمگیری نیز پرداخت و در سطح سیاسی و سازماندهی کوشش‌های زیادی کرد که ضعف‌هایی داشت، اما ضعف اساسی در چه بود؟ ضعف اساسی این بود که گفتمان اساسی انقلاب زن زندگی آزادی منحرف شد، چرا که بسیاری تحت نام پیشبرد سیاست در این انقلاب، خواستند آن را منحرف سازند. به ویژه گفتمان مردسالاری را بر این انقلاب تحمیل کردند، در حالی که این انقلاب آشکارا بر علیه مردسالاری است. گفتمان ملی‌گرایی ابتدایی از سوی مرکز و حاشیه و حتی از سوی برخی جریان‌های کوردی را بر این انقلاب تحمیل کردند و این باعث شد که در این انقلاب سراسری، تا حدی تفرقه ایجاد شود. افراد فرصت‌طلبی هم وجود داشتند که تحت نام کارهای دیپلماتیک و قدرت‌خواهی اهداف شخصی خود را بر انقلاب تحمیل نمودند. این موارد موثر بودند و باعث شد تا خلق در این مرحله توقف کند. خلق در این باره گفت که ما در حال انقلاب، فداکاری و مبارزه هستیم و نمی‌خواهیم که دستاوردها به دست فرصت‌طلبان بیافتد. به همین جهت معتقدیم که

سازد. در کنگره و در مورد شرق کوردستان و ایران نیز گفتگوهای ما بر این مبنا صورت گرفت که تا چه میزان می‌توانیم پارادایم رهبر آپو را متناسب با آزادی زن و جامعه‌ی دموکراتیک عملی کنیم. محیط‌زیست را به ویژه در شرق کوردستان از نابودی نجات دهیم و به این منظور گسترش پارادایم مدرنیته‌ی دموکراتیک رهبر آپو هم می‌تواند انزوا بر رهبر آپو را از میان بردارد و هم از نسلکشی جلوگیری نماید. همچنین مقاومت و اراده‌ی که رهبر آپو در شرایط امرالی از خود نشان می‌دهد را بتوانیم همچون جنبش آپوئی، همچون پژاک در میان خلق شرق کوردستان و ایران گسترش دهیم، و گام‌هایی را برای از میان برداشتن اسارت رهبر آپو، بر اساس فکر و فلسفه‌ی ایشان برداریم. در این مرحله با گام‌های ایدئولوژیک، سیاسی و سازماندهی، هم می‌توانیم سیستم شکنجه و نسلکشی امرالی را از میان برداریم و هم می‌توانیم مسئله‌ی کورد را حل کنیم.

رفیق زیلان در این رابطه، پروژه‌ی پژاک مبنی بر فکر و فلسفه‌ی رهبر آپو برای ایران چیست؟

- **زیلان وژین :** در واقع جواب این سوال در شعار این کارزار نهفته است. هنگامی که ابتدا می‌گوئیم آزادی فیزیکی رهبر آپو، سپس می‌گوئیم حل مسئله کورد، بدان معناست که حل مسئله‌ی کورد در چارچوبی دموکراتیک صورت می‌گیرد. ما در کنگره در این رابطه بسیار بحث کردیم و رفیق امیر نیز در این باره مشخص ساخت که راه و روش‌های مبارزاتی ما متنوع هست.

یافت و مردم بسیاری در سراسر جهان در این کارزار مشارکت کردند. این برای شرق کوردستان و ایران نیز مصداق دارد. در ابتدا در مقابل اوضاع و شرایط رهبر آپو، به خودانتقادی دست زدیم، چرا که ما بعنوان ریاست مشترک و همه‌ی اعضای حزب نتوانستیم در مرحله‌ی اول و دوم، این کارزار را در شرق کوردستان و ایران به خوبی گسترش دهیم. خودانتقادی ما بر اساس مسئولیت ما در قبال اوضاع و شرایط رهبر آپو صورت گرفت، به ویژه اینکه چگونه بتوانیم فکر و فلسفه‌ی رهبر آپو را در شرق کوردستان و ایران گسترش دهیم و رهبر آپو را به خلق‌ها بشناسانیم. چرا که رهبر آپو یک شخص نیست، بلکه یک خلق است و امرالی یک زندان نیست، بلکه یک سیستم است. سیستمی که بر امرالی مسلط است بر همه‌ی کوردستان تحمیل می‌شود. بر رهبر آپو نه تنها سیاست انزوا، بلکه یک سیاست نسلکشی اعمال می‌شود، و این نسلکشی در شخص رهبر آپو بر همه‌ی کوردستان اعمال می‌گردد. هم زمان یک جنگ ویژه در امرالی جریان دارد و این جنگ ویژه بر کوردستان نیز تحمیل می‌شود. هنگامی که رهبر آپو اعلام کرد که جنگ اساسی در امرالی صورت می‌گیرد، با خصومت علیه رهبر آپو، جنگی نو علیه کوردستان و خاورمیانه آغاز شد. رهبر آپو برای جلوگیری از این جنگ، ابتدا توطئه‌ی بین‌المللی را خنثی کرد و این کار را از طریق پایه‌گذاری پارادایم جامعه‌ی دموکراتیک، اکولوژیک و آزادی زن انجام داد. این پارادایم به همان اندازه که در میان خلق گسترش یابد و سازماندهی شود به همان میزان می‌تواند توطئه بین‌المللی را خنثی

رهبر آپو یک شخص نیست، بلکه یک خلق است و امرالی یک زندان نیست، بلکه یک سیستم است. اعمالی که بر امرالی مسلط است بر همه‌ی کوردستان تحمیل می‌شود. بر رهبر آپو نه تنها سیاست انزوا، بلکه یک سیاست نسلکشی اعمال می‌شود، و این نسلکشی در شخص رهبر آپو بر همه‌ی کوردستان اعمال می‌گردد



به نظر من مدیریت نوینی که انتخاب شده است می‌تواند با اراده وظایفش را انجام دهد، تا بتواند از تداوم انقلاب زن زندگی آزادی صیانت به عمل بیاورد. همانگونه که رفقا بحث کردند، انقلاب زن زندگی آزادی همچون رنسانسی ذهنی و فکری نه تنها کوردستان بلکه ایران را نیز دربرگرفت

ریاست مشترک و چه در سطح مجلس، نیمه‌ی اعضا را
رفقای زن و نیمه‌ی دیگر را رفقای مرد تشکیل می‌دهند
و در میان خود تقسیم کار می‌کنند.

به نظر من مدیریت نوینی که انتخاب شده است
می‌تواند با اراده و وظایفش را انجام دهد تا بتواند از
تداوم انقلاب زن زندگی آزادی صیانت به عمل بیاورد.
همانگونه که رفقا بحث کردند، انقلاب زن زندگی آزادی
همچون رنسانسی ذهنی و فکری نه تنها کوردستان
بلکه ایران را نیز دربرگرفت. این نکته بسیار اهمیت
دارد که پژاک بتواند از لحاظ سازماندهی کردن در
چارچوب این رنسانس ذهنی و فکری پیشاهنگ باشد،
به ویژه می‌دانیم که خلق‌مان در شرق کوردستان یک
خلق سیاسی شده است و خلق خود پیشاهنگ است.
به خصوص در انقلاب زن زندگی آزادی دیدیم که جوانان
بدون اینکه از جایی جهت‌دهی شوند، توانستند خود را
سازماندهی کنند، در مقابل توحش رژیم اشغالگر ایران
با دستان خالی مقاومت کنند و در بسیاری از مراحل
رژیم اشغالگر را به عقب‌نشینی ناچار ساختند. اکنون
این مدیریت جدید پژاک می‌تواند وظایف خود را برای
مرحله‌ی دوم انقلاب به جای بیاورد.

رفیق پیمان برای تداوم انقلاب زن زندگی آزادی در
کنگره چه تصمیماتی اتخاذ شد؟

- پیمان ویان : در انقلاب زن زندگی آزادی،
انقلاب خط و نقشه راه خود را با اندیشه زن زندگی
آزادی مشخص ساخت و خلق‌ها مشخص ساختند که تنها

ما داری نیروهای سیاسی، ایدئولوژیک و دفاعی هستیم،
روش ما سازماندهی ملت دموکراتیک و اراده‌مند ساختن
جامعه است، پس ما بعنوان پیشاهنگ جامعه باید
بتوانیم پروژه‌ی ملت دموکراتیک را برپاسازیم.

رفیق سیامند بعد از انتخاب ریاست مشترک،
انتخابات مجلس پژاک برگزار شد، نقش مجلس پژاک
چیست؟

- سیامند معینی : در کنگره در مورد مدیریت
پژاک و مجلس پژاک نیز بحث شد، با توجه به
اساسنامه‌ی پژاک در سیستم ریاست مشترک هر شخصی
می‌تواند دو دوره پشت سر هم انتخاب شود و این
روشی دموکراتیک است و لازم است که به الگو و
فرهنگی سیاسی برای احزاب سیاسی مبدل شود، تا
این احزاب را کد نمانند. مدیریت باید از اعضای جدید
تشکیل شود. بر این مبنا ریاست مشترک تغییر یافت.
در چارچوب مجلس نیز، مجلس در کنگره‌ی هفتم
انتخاب شد و وظایف مجلس مشخص شد.

بر طبق تصمیماتی که در کنگره اتخاذ گردید، مجلس
موظف است تا این تصمیمات را در اثنای کنگره‌ی هفت
و هشت به اجرا درآورد. در واقع برنامه‌هایی که مجلس
پژاک بر روی آن متمرکز می‌شود مطابق با آسیب‌شناسی
و تحلیلاتی است که بر عملکرد کنگره‌ی ششم صورت
گرفت، و بحث‌ها در این مورد کامل و جامع بودند که
می‌تواند به نیرویی پیش‌تاز جهت انجام وظایف مجلس
پژاک مبدل شود. همانگونه که می‌دانید چه در سطح

بحث‌هایی شکل گرفتند که انقلاب در این چارچوب تداوم یابد، انقلاب ادامه دارد، و وظیفه‌ی اساسی ما همچون پژاک پیشبرد سازماندهی بسیار نیرومندتر در سطح کوردستان و جغرافیای ایران می‌باشد. همچنین باید دفاع ذاتی را بسیار نیرومندتر سازماندهی کنیم و اجازه ندهیم که کسی برای اقتدار و منافع خویش این انقلاب را از فلسفه‌ی خود منحرف سازد یا بتواند محتوی انقلاب را ضعیف کند. ما باید محتوی انقلاب را مطابق با فلسفه‌ی آن بسیار بیشتر غنی کنیم تا همه‌ی خلق‌هایی که در این انقلاب حضور دارند پیروزی را به دست بیاورند، این مورد یکی از مسائل اساسی کنگره بود.

رفیق امیر کنگره در مورد بحران‌های زیست

محیطی چه ارزیابی‌ای ارائه داد؟

- **امیر کریمی:** موضوع محیط زیست، یکی از موضوعات اساسی ماست، چرا که این موضوع به پارادایم حزب ما مرتبط است. همانگونه که می‌دانید سیستم تحت نام تحزب قدیمی قرن ۲۰ وجود دارد، ما از این سیستم گذر کرده‌ایم و می‌کوشیم که همچون یک حزب قرن بیست و یکمی مطابق با مدرنیته‌ی دموکراتیک پیش برویم. پس باید همه‌ی اهدافمان را مطابق با آن پیش ببریم. اهداف ما از هم جدا نیستند و همه این اهداف در تار و پود همدیگر بافته شده‌اند. از آزادی ملی گرفته، تا آزادی زن و آزادی طبقاتی تا به مبارزات اکولوژیکی و مبارزه برای مطالبات و حقوق، برای رسیدن به جامعه‌ای دموکراتیک، این موارد همگی به همدیگر مرتبط هستند.

در دیدگاه ما دو زیست‌بوم وجود دارد، زیست بوم طبیعت (طبیعت یکم) و زیست بوم جامعه (طبیعت دوم)، و این دو کاملاً به همدیگر وابسته هستند. رژیم اشغالگر در زیست بوم مداخله کرده است، و زیست بوم را با بحران بسیار جدی مواجه کرده است. به همان اندازه که زیست بوم اجتماعی را از میان برده است به همان میزان زیست بوم طبیعت را نیز ویران ساخته است. گفتیم که این دو به هم مرتبط هستند و تخریب یکی به معنای تخریب دیگری است، به همین جهت این مبارزه بصورت موازی پیش می‌رود. برای ما محیط زیست تنها یک موضوع فعالیت و کنش مدنی نیست، بلکه همزمان موضوع براساخت یک جامعه‌ی دموکراتیک است و دیدگاه ما به محیط زیست تغییر

خودشان پشتیبان همدیگر هستند. مدیریت این انقلاب را نیز مشخص ساختند، که مدیران آن زنان و جوانان هستند. همه‌ی ملت‌هایی که در جغرافیای ایران زندگی می‌کنند، این اصل را قبول کردند و حول این شعار گردهم آمدند و مبارزه را حول این شعار شکل دادند. ما پژاک نیز خط سوم هستیم. گفتیم که خلق خط خود را مشخص ساخت، خط سوم نیز خط خلق است، خطی است که پیشاهنگ آن زنان هستند. در کنگره نیز در مورد خط سوم، یعنی خطی که خلق خود مدیر خود باشد و خود را سازماندهی کند، خطی که خلق با اراده‌ی خود پیش می‌رود و زنان با فلسفه‌ی آزادی زن پیشاهنگی نمایند، یکی از مسائل اساسی کنگره بود تا انقلاب بدین صورت تداوم یابد. به ویژه با پیشاهنگی زنان و جوانان، اینگونه تحلیل شد که انقلاب فاکتورهای مهمی را داراست، به ویژه در شخص ژینا امینی که به قتل رسید، چرا که او هم زن بود، هم جوان و هم کوردستانی بود، به ویژه با این فاکتورها انقلاب شعله‌ور شد. بر طبق این موارد، اکنون چگونه سازماندهی کنیم تا انقلاب تداوم یابد، گفتیم که در مرحله‌ی انقلاب سازماندهی و پتانسیل نیرومندی در میان خلق ظهور پیدا کرد. انقلاب بر پایه‌ی این موارد تداوم دارد، به ویژه اینکه زنان چگونه بتوانند پیشاهنگی کنند، چگونه سیستمی باشد که زنان از لحاظ سیاسی و سازمانی با اراده‌ی خود پیش بروند، چرا که با اعمال فشار و ستم، بیش از همه اراده و موجودیت زنان در حال نابودی بود و در ایستار زنان کل جامعه با نابودی مواجه بود و حقوقش پایمال می‌گشت، اما اکنون انقلاب در ایستار زنان و جوانان شعله‌ور است، با بحث‌هایی که در کنگره شکل گرفتند، سیستم سازماندهی را بسیار گسترده‌تر پیش می‌بریم.

نه تنها در کوردستان که در میان همه‌ی خلق‌های دیگر از جمله بلوچ، فارس، آذری، گیلکی، مازنی و ... یعنی همه‌ی ملت‌ها و همه‌ی باورداشت‌ها را دربرگیرد، سیستمی که همه ملت‌ها و همه‌ی زنان را حول یکدیگر گرد هم آورد، تا سازماندهی نیرومندتری شکل بگیرد، یکی از موضوعات اساسی کنگره‌ی ما بود.

در اوضاع و احوالی که اکنون به سر می‌بریم به ویژه اوضاع انقلاب، نیرویی که بتواند پیروزی را ممکن گرداند، نیرویی که دارای نیروی سازماندهی و دفاعی باشد، دارای یک استراتژی مشخص و پارادایم باشد، پژاک است. استراتژی پژاک مشخص است، بر این اساس

رفیق امیر بصورت خلاصه، آیا می‌توان گفت که این جنگ از سوی رژیم اشغالگر ایران علیه محیط زیست برای تغییرات جغرافیایی است و همچون یک جنگ ویژه علیه خلق است؟

- امیر کریمی : هنگامی که محیط زیست یک خلق را نابودکنند، در جامعه و فرهنگ آن خلق مداخله صورت می‌گیرد. سرچشمه‌ی فرهنگ، محیط زیست است، و این موارد به همدیگر مرتبط هستند. سیستم جمهوری اسلامی، سیستم رانت و سرمایه است و نهادهای دولتی و بیشتر از همه سپاه پاسداران، جنگل‌ها را نابود می‌کنند و به جای آن تاسیسات خود را می‌سازند. رانت‌خوهرایی که در بدنه‌ی دولت نفوذ دارند، زمین‌ها را مصادره می‌کنند، کوه‌ها و مراتع را مصادره می‌کنند. نیروهای مسلح رژیم اشغالگر ایران بخشی از محیط زیست کوردستان را اشغال کرده است، و تاسیسات نظامی و موشکی خود را در آنجا مستقر ساخته است. برای اینکه خلق نیز نتواند از محیط زیست خودش استفاده کند، می‌خواهد به هر صورتی که شده محیط زیست را نابود کند.

رفیق زیلان، مبارزه‌ی مسلحانه در کنگره چگونه ارزیابی شد؟

- زیلان وژین : معمولاً این سوال از پژاک پرسیده می‌شود، مبارزه‌ی مسلحانه از بدو تاسیس پژاک تا به امروز وجود داشته است. چرا که ما در خاورمیانه زندگی

یافته است و محیط زیست تنها جایی نیست که جامعه جهت منافع مادی خویش از آن بهره‌برد. همانگونه که می‌دانیم در ایران اوضاع محیط زیست بحرانی است. تقریباً بحران آب در تمامی ایران وجود دارد، در همه جا بر روی رودخانه‌ها سدسازی کرده‌اند و این امر را برای اهداف سیاسی به کار می‌برند، به ویژه که یکی از منابع اساسی آب در ایران، کوردستان است. برای مثال بر روی رودخانه‌های مرزی سد ساخته‌اند تا از آن همچون یک اهرم فشار علیه کشورهای همسایه استفاده شود. آب رودخانه‌های کوردستان را به مناطق دیگر روانه می‌کنند، هرساله جنگل‌های زاگروس را می‌سوزانند که هر بار با همت محافظان و طرفداران محیط‌زیست و خلق خاموش می‌شود. جنگل‌های شمال ایران را با نابودی مواجه ساخته‌اند، به دلیل بحران آب، در همه جای ایران شاهد فرونشست زمین هستیم. اغلب تالاب‌ها خشک شده‌اند. دریاچه‌ی ارومیه با نابودهی روبه‌رو است. در همه جا ریزگردهای موجود در هوا برای تنفس و زندگی مشکلات سلامتی جدی ایجاد کرده است. اگر اینگونه پیش برود، زندگی در بسیاری از نقاط ایران ناممکن می‌گردد. در مورد بخشی از کوردستان نیز چنین است، و این جنگی است که بسیار آگاهانه علیه محیط زیست اعمال می‌شود، چرا که محیط زیست بر شخصیت و جامعه‌ی کورد و دیگر ملت‌ها تاثیر به سزایی دارد، و ما تصمیمات مهم و دامنه‌داری در مورد مبارزات در دفاع از زیست بوم اجتماعی و زیست بوم طبیعت گرفته‌ایم.



می‌کنیم، و در این منطقه در دوران جنگ جهانی سوم به سر می‌بریم. خود کوردستان نیز در شرایط جنگ به سر می‌برد و البته که همیشه به یک نیروی دفاعی نیاز وجود دارد. نیروی مسلحانه‌ی ما نیز یک نیروی دفاع از خود است و فلسفه‌ی ما نیز چنین است که اگر همه‌ی قدرت‌ها به ما یورش آورند ما از خود دفاع می‌کنیم و اگر نیروی تمامی جهان را نیز داشته باشیم، به هیچ کشور، ارزش و جامعه‌ای حمله نخواهیم کرد. نیروی دفاع از خود ما همیشه بر طبق این فلسفه خود را سازماندهی کرده است. تا به امروز نیز چنین است. نیروی مسلح ما همیشه در حال آماده‌باش است. ما در مقابل رژیم ایران در مرحله‌ی توقف عملیات نظامی هستیم و هرگونه تغییر در این روند به تصمیمات حزب ما بستگی دارد. هر زمان بسته به شرایط سیاسی و دفاعی، نیروی دفاعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این را هم مشخص می‌کنیم که اگر بر علیه خلق ما و جنبش ما حمله‌ای صورت بگیرد، نیروی دفاعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اکنون که ۲۰ سال از عمر پژاک می‌گذرد نیروی مسلح ما نقش خود را ایفا کرده است، و این نیروی مسلح اکنون نیز فعال است و نقش آن تنها به جنگ محدود نیست، بلکه در حال آماده‌سازی امور دفاعی خویش است، و در این مرحله در حال نیرومند ساختن خود است.

رفیق زیلان در کنگره یک شعار انتخاب شد "با فلسفه‌ی زن، زندگی، آزادی کوردستان را آزاد نموده و ملت دموکراتیک را بنیاد نهیم" این شعار در این کنگره به چه معناست؟

- زیلان وژین : این شعار از سوی همه‌ی اعضای که در کنگره مشارکت داشتند انتخاب شد، و کنگره با این شعار پاس داشته‌شد. این شعار با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات مرحله‌ی پیش روی ما انتخاب شد. رفقا مشخص کردند که انقلاب زن زندگی آزادی چه دستاوردهایی با خود به همراه داشت و برای پیشبرد آن لازم است چه اموری انجام دهیم. نقش کوردستانی بودن این شعار برای ما مهم است، چرا که ما همیشه گفته‌ایم با هویت بومی، یعنی با کوردستانی بودن به سوی یک ایران دموکراتیک گام برمی‌داریم. به همین سبب مسئله‌ی کورد برای ما مسئله‌ای اساسی است و هنگامی که ما از کورد و کوردستان حرف می‌زنیم،

منظور ما نه به مثابه‌ی یک ذهنیت کهنه‌پرست و ملی‌گرا است، بلکه منظور ما این است که کوردها چگونه بتوانند سیاست ملی خویش را به صورت یک سیاست دموکراتیک پیش ببرند، و شرق کوردستان چگونه بتواند خود را سازماندهی نماید و به سوی یک ایران دموکراتیک گام بردارد. به همین جهت ما از کوردستان به سوی ایران گام برمی‌داریم، به ویژه این مسئله در انقلاب زن زندگی آزادی آشکار شد. تهران گفت که کوردستان چشم و چراغ ماست، همچنین در تبریز خلق آذری گفت که کوردستان به پا خواسته است و آذربایجان پشتیبان کوردستان است. نقش پیشاهنگی خلق شرق کوردستان همیشه وجود داشته است. شعار نیز بر این مبنا مشخص گردید، به‌ویژه که مسئله‌ی کورد یک مسئله‌ی تاریخی است، یک مسئله‌ی اجتماعی و یک مسئله‌ی سیاسی است، یعنی اگر به ویژه مسئله‌ی کورد در شرق کوردستان و ایران چاره‌یابی نشود، مسائل دیگر بدون آن چاره‌یابی نخواهند شد. نه به این معنا که اول مسئله‌ی کورد چاره‌یابی شود و بعد مسئله‌ی دیگر خلق‌ها، اما با چاره‌یابی مسئله‌ی کورد ما می‌توانیم ملت دموکراتیک را در ایران برسانیم. ملت دموکراتیک بدین معنا که ما چگونه با خلق بلوچ، خلق آذری، خلق عرب احواز، و با خلق فارس، گیلک، مازنی یک مبارزه مشترک را بر مبنای مشکلاتی که در ایران وجود دارد، پیش ببریم. مشکلات و مسائل خلق‌ها مشترک هستند، همه‌ی خلق‌های داخل ایران با پیشاهنگی خلق کورد از سیستم کنونی ناراضی هستند، و این سیستم را انکار می‌کنند و در مقابلش مبارزه می‌کنند و راه و روش ما مبارزه و سازماندهی بر اساس ملت دموکراتیک است. در آخر می‌توان گفت که ما مرحله‌ی بسیار دشواری را سپری می‌کنیم و در کنگره تحلیلات بسیاری را انجام دادیم. تغییراتی صورت گرفت، در ریاست مشترک نیز تغییراتی صورت گرفت، ما نیز به عنوان ریاست مشترک قبلی پژاک، به نام خود و رفیق سیامند، به ریاست مشترک جدید تبریک می‌گوییم، و معتقدم بر اساس تحلیلاتی که صورت گرفت، در هر وظیفه و مبارزه‌ی پیش رویمان که باشیم، بتوانیم در هر حوزه‌ی مبارزه پاسخگوی امید و چشمداشت خلق خود باشیم، به همین دلیل از هم اکنون برای هر دو رفیق‌مان آرزوی پیروزی و موفقیت دارم.

کنگره‌ی هفتم پژاک آغاز عصری نوین است

مظلوم حفتن



اهمیت برگزاری کنگره در این شرایط

در شرایطی که منطقه آستان حوادث مختلفی بوده و هست پژاک هفتمین کنگره اش را بر مبنای تحلیل اوضاع سیاسی، تحولات جهانی و منطقه ای، نقد و بررسی عملکردها، وظایف و مسئولیت‌ها و با نیاز به تحول و نوسازی انجام داد.

برگزاری موفقیت آمیز این کنگره را به رهبر آپو، شهدای گرانقدر انقلاب به ویژه شهدای توطئه‌ی بین‌المللی، خانواده و مادران گرانقدر شهدا، تمامی خلق کورد به ویژه مردم میهن دوست و مقاوم لرستان، ایلام و کرمانشاه تبریک می‌گویم.

هرچند جنگ جهانی سوم با جنگ روسیه و اوکراین با گسترش دامنه به سمت اروپا وارد مرحله دیگری شده بود اما با شروع جنگ غزه و شدت یافتن جنگ در کردستان، همچنان خاورمیانه نقش محوری و مرکزیت تحولات منطقه‌ای و جهانی را ایفا می‌کند. عمده شواهد و قرائن بیانگر شدت یافتن و گسترش جنگ و درگیری هاست. در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز متأسفانه اراده‌ای راسخ

و عزمی جزم برای حل دموکراتیک مسئله و کاهش و پایان دادن جنگ و خونریزی‌ها وجود ندارد. سیستم سرمایه‌داری جهانی برای ایجاد نظم نوین جهانی دلخواه خویش، سردمدار بحران آفرینی در منطقه و دارای شیوه‌ی مدیریتی بحران‌زا است و در راه رسیدن به اهدافش هیچ حدودی نمی‌شناسد. قدرت‌ها و دولت‌های منطقه‌ای نیز که بخشی از این سیستم سرمایه‌داری هستند، بر مبنای گسترش قلمرو و دامنه نفوذ خویش و یا حداقل، محافظت از دستاوردها و داشته‌های موجودشان در حال آماده‌کاری، اقدامات هجومی و یا بازدارنده هستند. تا حدودی می‌توان تحولات و رویدادهای این مرحله را به تحولات و رویدادهای جنگ جهانی اول تشبیه نمود که زمینه شکل‌گیری سیستم جهانی صدساله اخیر را فراهم نمودند. می‌توان این مقطع تاریخی را مرحله فینال نیز نامگذاری کرد که هر کس خودش را بر اساس آن آماده می‌کند. فلذا مرحله از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مرحله نقش نیروهای دموکراتیک و میزان سازماندهی و آمادگی آنها در سیر تحولات منطقه‌ای و جهانی و کسب نتایج مطلوب، اهمیت حیاتی دارد. امروزه

در شرایط بحرانی موجود بهترین راه حل مسئله خلق‌های ایران و در رأس آنها خلق کرد، دموکراتیزه کردن ایران و ایجاد سیستمی دموکراتیک براساس فکرو فلسفه رهبرآپوست. موقعیت سرزمینی، سیرتاریخی و درهم تنیدگی تنوعات فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی منطقه برای شکل‌گیری و نهادینه شدن این سیستم دموکراتیک بستریست مناسب که این موارد اهمیت، ضرورت و فوریت مسئله را چند برابر می‌کنند



مسئله آزادی فیزیکی رهبرآپو و چاره‌یابی دموکراتیک

پرسمان کرد:

مسئله یا پرسمان کرد در کنار مسئله فلسطین و اسرائیل یکی از اساسی‌ترین مسائل منطقه و به تعبیری دیگر گره‌کور مسائل لاینحل خلق‌های منطقه است. سرمنشاء و بانی این مسئله و مسائل و مانع‌چاره‌یابی دموکراتیک آنها، سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی است. این سیستم با ایجاد بحران، شیوه‌ی مدیریت بحران‌زا، تضعیف نیروهای منطقه‌ای و وابستگی همیشگی منطقه به سیستم سرمایه‌داری جهانی که حضور مستمر گردانندگان سیستم سرمایه‌داری جهانی را در منطقه ضمانت می‌کند، این گره‌کور را ایجاد نموده و از چاره‌یابی دموکراتیک آن ممانعت بعمل می‌آورد. از اینرو چاره‌یابی دموکراتیک مسئله کرد نقش بسزایی در چاره‌یابی مسائل خلق‌های دیگر منطقه خواهد داشت. که این هم با آزادی فیزیکی رهبر آپو میسر خواهد شد. رهبرآپو که مدعی چاره‌یابی دموکراتیک این مسئله است و فرمول چاره‌یابی، نحوه چاره‌یابی و فرم اجرایش را ارائه نموده است، گروگان و زندانی این سیستم جهانی است. از اینرو آزادی فیزیکی رهبرآپو با حل دموکراتیک مسئله کرد، مسئله خلق‌های ایران و دیگر خلق‌های منطقه ارتباطی ماهوی دارد.

در شرایط بحرانی موجود بهترین راه حل مسئله خلق‌های ایران و در رأس آنها خلق کرد، دموکراتیزه کردن ایران و ایجاد سیستمی دموکراتیک براساس فکرو فلسفه رهبرآپوست. موقعیت سرزمینی، سیرتاریخی و درهم تنیدگی تنوعات فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی منطقه برای شکل‌گیری و نهادینه شدن این سیستم دموکراتیک بستریست

کردها بطورعام و کردهای آپویی بطور خاص در منطقه دارای نقشی تأثیر گذار و حتا در مواردی تعیین کننده بوده و در مجموع نسبت به جنگ‌های جهانی اول و دوم دارای آمادگی بیشتر و شرایط مساعدتری هستند. کردهای آپویی با برخورداری از رهبریت رهبرآپو، سازماندهی کارآمد و منسجم، نیروهای رزمنده و خیره در جنگ‌های نوین، درهم تنیدگی سازمان و خلق، برنامه و فرمول مشخص چاره‌یابی و سیر جهانی شدن فکر و فلسفه آپویی، موقعیتی تاریخی کسب نموده، تحولاتی ریشه‌ای و کیفیتی انجام داده و نقش پیشاهنگی نیروهای دموکراتیک را برعهده گرفته‌اند. این تحولات ایجابی، سیستم سرمایه‌داری جهانی، دولت‌های غاصب منطقه‌ای و نیروهای مزدور و سرسپرده را نگران کرده بگونه‌ای که همپیمانی و مشارکت شوم آنها را برعلیه کردها افزایش داده است. از اینرو روزبه‌روز فشارهای شان را بر رهبرآپو، گریلای آزادی، خلق کرد و دوستان شان گسترش داده و خواهند داد. بدون تردید برگزاری کنگره درچنین اوضاع، شرایط و احوالی و با موفقیت به پایان رساندن آن دستاوردی است ارزشمند و گامی مهم در مسیر مبارزه انقلابی و رسیدن به مقصود.

کنگره به نقد و بررسی فعالیت‌های انجام شده چهار سال گذشته، میزان موفقیت در عملکرد، تحلیل و ریشه‌یابی نواقص، موانع و دلایل عدم موفقیت، فرصت‌ها و چگونگی استفاده از آنها، وظایف و مسئولیت‌ها، با مدنظر قراردادن شرایط و امکانات، پرداخت. مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دفاعی، سازمانی و غیره را مورد بحث و بررسی قرار داده و با مشارکتی مسئولانه نقد، انتقاد و خودانتقادی صورت گرفته است. مختصراً به دو مورد اشاره می‌کنم.

مناسب که این موارد اهمیت، ضرورت و فوریت مسئله را چند برابر می‌کنند.

امروزه فکروفلسفه رهبرآپو گسترش جهانی یافته و دوستداران آزادی، دموکراسی و جویندگان حقیقت از گوشه و کنار جهان به تکاپوی شناخت و درک صحیح رهبرآپو افتاده و خواهان آزادی فیزیکی ایشان هستند. این موضوع حقیقتی ست انکارناشدنی که دلایل وجودی متعددی دارد و همینطور مژده‌ایست جهت شکل‌گیری و تکوین سیستمی آلترناتیو یا همان سیستم مدرنیته دموکراتیک.

متأسفانه علیرغم گسترش جهانی فکروفلسفه رهبرآپو و فراهم شدن فرصت‌های تاریخی مساعد برای فعالیت در این راستا، ما بعنوان جنبش آپویی روژهلات کوردستان نتوانسته‌ایم در حد و اندازه قابل انتظار این اندیشه را در ایران و منطقه گسترش دهیم. بی‌گمان دلیل اصلی این کم‌کاری عدم درک صحیح ما از فلسفه رهبرآپو وبالطبع عمل کردن به آن است. آزادی فیزیکی رهبرآپو با سازماندهی، اجتماعی شدن، اشاعه و نهادینگی فکروفلسفه آپویی، ایجاد زندگی نوین و زیستن بر مبنای ملت دموکراتیک، جامعه و جوامع دموکراتیک و ایجاد سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک میسر خواهد شد. این نیز با مسئولیت‌پذیری و پیشاهنگی انسان‌های باورمند و دانا که حقیقت رهبری را به درستی درک کرده و به تمامی درخویش نهادینه نموده‌اند امکان پذیر خواهد شد. که ما در این مورد به موقع، به جا و بطور شایسته عمل نکرده و وظایف تاریخی مان را به درستی انجام نداده‌ایم. از این بابت در مقابل رهبری، شهدا و خلق، خودانتقادی داده بگونه‌ای که در آینده با عملکردمان آنرا جبران نمائیم.

انقلاب زن زندگی آزادی:

در تحولات اخیر ایران انقلاب زن زندگی آزادی یکی از تحولات اساسی و به تعبیری درست تر نقطه عطفی ست که نیازمند تحلیل و بررسی و ارزیابی دقیق و غیراحساسی ست. که متأسفانه تا کنون چنین کاری صورت نگرفته است. در اینکه سرمنشأ این رمزواژه، فکروفلسفه رهبرآپو، تحول آفرینی‌های جنبش آپویی، ایستار، پیشاهنگی وقهرمانی‌های بی‌نظیر زنان آپوئی است، شکی نیست. اما در چگونگی شکل‌گیری، گسترش و رشد و نموی آن موارد و مسائل دیگری نیز دخیل و مؤثرند که لازم است به درستی مورد بررسی قرار گیرند. این انقلاب علیرغم کم‌وکاستی‌های مختلف باعث تغییراتی ریشه‌ای و کیفیتی در سیر تحولات اجتماعی سراسر ایران شده است. بگونه‌ای که قبل و بعد از آن همسان نخواهند بود. هم‌اکنون

تحول کیفیتی مثبت و پیشرونده مردم و نیروهای انقلابی دموکراتیک و هم از نظر تحول کیفیتی منفی و عقب‌رونده دولت و نیروهای سرکوبگر. این انقلاب، میزان مشارکت، گستره مشارکت، نحوه مشارکت، تنوع مشارکت‌کنندگان، میزان ریسک‌پذیری و قبول خطر، ارزش آفرینی و پاسداشت ارزش‌ها و خیلی مؤلفه‌های دیگر را بنحو قابل تأملی افزایش داده است. سیاست ریشه‌دار و تاریخی جنگ ویژه رژیم جهت تفرقه‌آفرینی و ایجاد تضاد و تقابل بین خلق‌های ایران و خصوصاً خلق کرد و خلق‌های دیگر را بی‌اثر ساخته، همگرایی، وحدت و اتحاد مردمی را سرلوحه قرار داده است. مهمترین ویژگی این انقلاب نقش و جایگاه زن است که پاشنه آشیل نظام ولایت فقیه است. با این انقلاب، زن نقش و جایگاه تاریخی و راستین‌اش را که پیشاهنگی جامعه و تحولات اجتماعی است، بدست آورده و تا حدودی بر مبنای آن عمل کرده است. به گونه‌ای که می‌تواند سمت و سوی تحولات و نتیجه آنها را تعیین کند. دست‌های آلوده بسیاری از جمله سردمداران حکومت مرکزی، سلطنت‌طلب‌ها، ملی‌گرایان ابتدایی کرد و غیرکرد و دیگر فرصت‌طلبان به انحاء مختلف سعی کردند مسیر انقلاب را به انحراف کشانده و ثمره آن را تصاحب نمایند. خوشبختانه با هوشیاری مردم که صاحبان اصلی انقلابند موفق نشدند.

انقلاب زن زندگی آزادی از جنبه‌های مختلف نیازمند نقد، بررسی و آسیب‌شناسی است. از جمله زمینه‌های شکل‌گیری و فاکتورهای بنیادین در شکل‌گیری آن، گستردگی جغرافیائی، مشارکت گسترده و متنوع، سیر پیشرفت، میزان انسجام و چگونگی استمرار، فرصت‌های حاصله، موانع داخلی، خارجی و غیره. ما در رابطه با این انقلاب بجا، بموقع و شایسته برخورد نکرده و در مجموع عملکردمان نیازمند نقد، انتقاد و خودانتقادی مسئولانه است.

نتیجه:

موقعیت حساس تاریخی به تعلل، دودلی، کم‌کاری و خطا مجال نمی‌دهد. کوچکترین خطا می‌تواند طبقات جبران‌ناپذیری بدنبال داشته باشد. در این مرحله پیروزی از آن آنانی است که به تمامی خودشان را برای شرایط سخت آماده و سازماندهی کرده باشند و به نیروی ذاتی شان باور کنند. مرحله نیازمند شیوه‌ی عمل و سرعت عمل ویژه‌ای است که با تحول و نوسازی فراهم می‌گردد. از این منظر کنگره هفتم برای ما آغاز عصری نوین است.

تمرکز پژاک بعد از کنگره‌ی هفتم بر مسأله‌ی بنیان نهادن نظام کنفدرالیسم دموکراتیک

آرام سنه



دست یافتن به حقیقت، کاهش و اهداف سیاسی علم را روز به روز در خدمت سیاست و دستگاه‌های قدرت قرار داد. بدین ترتیب علم استقلال خویش را از دست داد و به دین نوینی تبدیل شد. از این روست که اندیشمندان زیادی به مانند فوکو و نیچه به تحلیل دانش - قدرت پرداخته و آن را معضل اساسی دوران معاصر بشریت دانسته اند. این استعمار علمی شاهان و دولت-ملت‌ها دیری نپایید که مشروعیت خود را از دست داد. بعداً جامعه‌شناسی مارکسیسم به عنوان مخالف اصلی جامعه شناسی رسمی دولتی ظاهر شد و علی‌رغم اینکه نتوانست از پارادایم‌های علم مدرن گذار کند اما از لحاظ سیاسی و اجتماعی تغییرات قابل توجهی را در سطح ذهنی ایجاد کرد زمانی که لودیوگ فون میزس از سردمداران لیبرالیسم در سال ۱۹۲۲ ناامیدانه نوشت: سوسیالیسم راه‌حل دوران ماست و امروزه عقاید سوسیالیستی بر افکار سلطه دارد و مردم توده‌وار به آن می‌پیوندند؛ تاریخ درباره دوره‌ای که از آن می‌نویسیم چنین قضاوت خواهد کرد: «عصر سوسیالیسم». بعد از آن بود که پروژه‌ی گسترده‌ای در سطح بین‌الملل از سوی لیبرال‌ها آغاز گردید که دولت‌های غربی را از بحران ناامیدی و اضمحلال نجات دهند. کنفرانس والتر لیمپن را در سال ۱۹۳۸ برگزار کردند اما در مقابل بحران فراگیرشان، نتوانستند به نظر واحدی برسند. در ۱۹۴۷ نظریه پردازان هر چهار مکتب لیبرال جهان، نزد هم

یکی از نامطلوبی‌ها و نارسائی‌های رنسانس این بود که در مقابله با کلیسا و در دفاع از پادشاهان سربرآورد. دولت را به عنوان سوژه ای زمینی جایگزین سوژه ی آسمانی کرد. به بخشی از جنگ مابین دولت و کلیسا به عنوان ظالمان قدیم و ظالمان جدید مبدل شدند. گرایش علمی را نتوانستند خارج از دستگاه‌های زور و استعمار حفاظت کنند. اغلب عالمان بیش از آنکه به دنبال دفاع از حقیقت باشند به طرفداران سیاسی دولت تبدیل شدند. گویی که مرکزی باید مدام اندیشمندان را کنترل کرده و اندیشمندان نیز دین خود را به قدرتی مافوق ادا کنند. گالیله تنها نمونه‌ای برجسته از دهها دانشمندی بود که درگیر این رویه ی مضر و تکراری شد. گالیله سیارات تازه کشف شده‌ی مشتری را به افتخار خاندان مدیچی حاکم و فرمانروا، به «ستارگان مدیچی» نام گذاری کرد و با این کار به مدح خدایان جدید زمینی پرداخت. فرانسویس بیکن پدر علم مدرن در خصوص صلاحیت افراد برای تشخیص حقیقت با تکیه بر آگاهی خودشان (استقلال علمی اندیشمندان) نگران بود. او خردگرایان فکری را به عنوان افرادی «خودمحور» محکوم می‌کرد. رصد و مدیریت باور و معرفت به طور کلی مسئولیت دولت و یا کلیسا تلقی می‌شد و دانشمندان علم جدید در عهد رنسانس نیز نتوانستند از آن گذار کنند. در رقابت کلیسا و دولت «حقیقت» شکست‌خورده‌ی نخست بود و اهمیت

آمدند و بار دیگر راه‌های گذار از بحران را از نظر گذراندند. ترس و ناامیدی به حدی آنان را فرا گرفته بود که برخی از آنان نام لیبرالیسم چپ را برای مکتب ابدی‌شان پیشنهاد و از سر عصبانیت و درماندگی همدیگر را یک مشت سوسیالیست! میخواندند. مکاتب لیبرال بر آن شدند ابتدا در دنیای اندیشه و آکادمیک جای پای خود دست و پا کنند و بعد از آن در دنیای سیاست به اعمال قدرت بپردازند. البته نایست از یاد برد که سرمایه‌ی جهانی و قدرتهای جهانی حامی سرسخت این ایدئولوگ‌های لیبرال بود. با رویکردی التقاطی گری در حوزه‌ی اندیشه و با رویکردی جنگ محورانه و بحران برانگیز در دنیای سیاست، به عمر خویش بپیفزاید. ایدئولوژی با محوریت سود و ثروت و بازار را تحت نام نئولیبرالیسم ترویج و از محوری دیگر نقطه پایانی بر دنیای اندیشه و فلسفه و ایدئولوژی گذاشتند. ریمون آرون در سال ۱۹۵۷ در کتاب افیون روشنفکران نوشت که شرایط بحث ایدئولوژیک را دیگر نمیتوان در کشورهای پیشرفته ای مانند آمریکا و اروپای غربی یافت. جامعه شناس آمریکایی دانیل بل در سال ۱۹۶۰ کتاب پایان ایدئولوژی را نوشت. این موضوع در سال ۱۹۹۲ جنبه‌ی جالبی یافت و فرانسیس فوکویاما در مقاله‌های پایان تاریخ و آخرین انسان را اعلام نمود. انسان اقتصادی، بنگاههای اقتصادی، دموکراسی در بازار و پول و ثروت و رقابت، تعریف آخرین انسان شد و دکاماتیک ترین و تاریکترین اذهان تاریخ تمدن را به دور این حلقه‌ی انسان بازاری و مبادله ای شکل دادند و نام آن را نیز عصر انفجار آزادی نام نهادند. از آن پس خواستند که خود را ابدی و لایتغیر سازند، تحت نام به پایان آمدن عصر ایدئولوژی؛ تنها به ایدئولوژی نظام لیبرال دموکراسی مشروعیت دادند.

سؤال اینجاست که سیستم ساختاری و فلسفی که تا این حد به خود بی باور و بی اعتماد؟! چگونه توانست خود را به مانند حقیقت نشان دهد و ماندگار شود؟ چرا در مقابل چنین سیستمی که به خود بی اعتماد بوده و تنها با قاطع ترین دگماها و تحریفها سروکار دارد، باید تسلیم شد و آن را نبرومند و پرتوان دانست؟

بحران کنونی جهان حقیقتاً بحران ایدئولوژیک لیبرالیسم است که جهان را در کام سودجویی گرفتار کرده است. ایدئولوژی لیبرالیسم که ملی‌گرایی، دولت - ملت‌گرایی، دین‌گرایی، جنسیت‌گرایی و علم قدرت محور را به جان بشریت و جوامع انداخته است در صد سال اخیر در بحران ساختاری بزرگی بسر برده است. ایدئولوژی لیبرالیسم و زیرشاخه‌هایش در حال حاضر ایدئولوژی حاکم بر نظام دولت - ملت محوری کنونی جهان می‌باشد و کشورهای سوسیالیستی و اسلامی نیز اگرچه در برخی مفاد بر ضد لیبرالیسم باشند اما در اصول و ساختارها و اهداف در چرخه‌ی نظام معرفتی و سیاسی لیبرالیسم حرکت

می‌کنند. بحران کنونی خاورمیانه و ایران نیز غالباً مضمونی لیبرالیستی دارد. دولتهای سوسیالیستی در سطح جهان و دولتهای اسلام سیاسی اقتدارطلب در سطح خاورمیانه کمک شایانی به پابرجا ماندن نظام معرفتی لیبرالیسم نمودند و کاراکتر واقعی لیبرالیسم را نیز لاپوشانی کردند

مکاتب و جنبشهای عیدیه ای در سده‌ی گذشته تلاش با هدف گذار از بحران ذهنیتی و ایدئولوژیک لیبرالیستی را آغاز کردند. مکاتب فرانکفورت، مکتب آنال، جنبشهای زیست محیطی، فمینیستی، فرهنگی، و جنبش جوانان ۱۹۶۸ و ... برای نقد و گذار از نظام کنونی تلاشهای فکری قابل توجهی را به نمایش گذاشتند و هر یک از آنان در نوع خود موفقیتهایی را نیز کسب کردند. اما عدم گسست از نظام معرفتی لیبرالیسم و ذهنیت علم‌گرای (دانش - قدرت) و عدم گسست رادیکال از نوع حیات لیبرالیستی مانع بزرگ انقلاب اجتماعی شد.

رهبر آپیو که از همان اوان آغاز فعالیتهای مبارزاتی خود اهمیت دادن به فعالیتهای فکری - ایدئولوژیک را سرلوحه‌ی کار خویش قرار داده بود با مطالعه‌ی تمامی جوانب مثبت و منفی این مکاتب در تشریح تمدن، نظام معرفتی و راه‌های آنها و اقدام‌هایشان جهت گذار از بحران، به ارائه‌ی تازهای پرداخت که همگام با سنتز حاوی نوآوری‌های مهم و سرنوشت‌سازی است. تز رهبر آپیو در چندین مجلد کتاب به صورت سیستماتیک ارائه شده و همینک مورد تحسین خیلی از اندیشمندان و دانشمندان علوم اجتماعی و علوم سیاسی در سطح دنیا قرار گرفته است و جنبش آزادی‌خواهی خلق کرد در هر چهار بخش کردستان بر اساس این پارادایم فلسفی - اجتماعی به سازماندهی فعالیتهای خود اقدام می‌کنند. در نهایت موفق به طرح و سیستماتیزه کردن ساختار نوینی از معرفت و نهادهای اجتماعی شد و آن را سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک نامید

آنتونی نگری فیلسوف سیاسی چپ ایتالیایی در مورد پروژه‌ی پیشنهادی رهبر آپیو می‌نویسد: اتوپیای کنفدراسیون دموکراتیک خلقها پروژه‌ای واقعی را شکل می‌دهد که فاتح هر نبردی خواهد بود. اوجالان زنجیره‌ای از مفاهیم را تشریح می‌کند که در سده‌ی ۲۱ به طور فزاینده‌ای در حال بدل شدن به سنگ بنای ساختار سیاسی جهان نوین می‌باشد. بری گیلز دوست و همفکر آندر گوندل فرانک می‌نویسد: کار اوجالان در مورد مدرنیته‌ی دموکراتیک، ملت دموکراتیک و تمدن دموکراتیک بسی فراتر از آن است که ما می‌توانستیم بیان کنیم. پیتر لامبورن ویلسون نویسنده‌ی بزرگ حوزه‌ی معارف می‌گوید: اوجالان در میان رهبران واقعی انقلاب‌های واقعی در دنیای ماتم گرفته‌ی امروزی تقریباً تنها کسی است که راهی برای خروج از تله‌های ایدئولوژیک چپ و راست پیشنهاد

می‌دهد.

این تنها گوشه‌هایی از نظرات اندیشمندان در مورد آثار رهبر آپو است.

خزانه‌ی فکری و فلسفی عظیم رهبر آپو که مبحث اصلی محافل روشنفکری جهان و غرب را به خود اختصاص داده است، زمینه‌ای پر از پتانسیل بود که پژاک در طول ۲۰ سال گذشته می‌بایست فعالیت‌هایش را بر مبنای و راهکارها و اهداف آن ایدئولوژی و پارادایم پراکتیزه می‌کرد. سطح متحول نمودن ساختارهای ذهنی و فکری جامعه و نیز کسب دستاوردهای عملی در حوزه‌ی انقلاب اجتماعی در روزگلات را بایستی بتوان ارزیابی کرد.

فعالیت‌های ایدئولوژیکی و در امتداد معنایی آن فعالیت‌های اجتماعی دو دهه گذشته پژاک، جامعه‌ی روزگلات و ایران را با تغییرات ریشه‌ای ذهنیتی مواجه ساخت. انقلاب «ژن، ژیان، ئازادی» تنها یک رخداد اتفاقی و تصادفی نبوده و نیست. مسأله‌ای هم تنها در حد عصیان و اعتراض نمی‌تواند بدین شکل گسترش و نتیجه بخش شود. آنچه که برای جنبش و جامعه‌ی ما حائز اهمیت بود و می‌باشد گذار از تمامی قالب‌های گذشته سیاسی و ایدئولوژیک است. بدون تردید انقلاب ذهنیتی و نوآوری فکری انقلاب اجتماعی و سیاسی را نیز ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. قالب‌های خشک، فرسوده و متناقض با واقعیات اجتماعی که توسط دولت ملت‌ها و جنبش‌های ملی گرا و دین‌گرای پیرو خط سیاسی و معرفتی دولت محوری مطرح می‌شوند، دیگر نای تحرک و تحمیل خود را از دست داده‌اند. انقلاب بدون انقلاب ذهنیتی تنها می‌تواند شکلی، زودگذر، سطحی و کلیشه‌ای باشد که اگر شور آزادی را موقتاً با خود به همراه آورد، اما نمی‌تواند حیاتی آزاد را تجسم و انتخاب کند.

محورهای کلیدی در چرخش مفاهیم، مسائل اتفاقی و زود گذر نیستند. ریشه‌های عمیق ایدئولوژیکی دارند و این تفکرات نو در صورت پذیرش اجتماعی برای قرون و البته هزاره‌ها یکی از پایه‌های حیات و اجتماع خواهند شد.

رائول زیبچی انقلابی چپ اورگوئه‌ای می‌گوید: می‌خواهم بر نقش مهمی که زنان در نوشته‌های اوجالان دارند، تأکید نمایم، اهمیت تمرکز بر پدرسالاری، همچون شیوه‌ای کلیدی از سلطه که ارتباط نزدیکی با سرمایه‌داری و استعمار دارد. این یک تغییر عمیق در تفکر انتقادی است، زیرا در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ این مساله بخشی از جهان بینی ما نبود. ما برای زنان جایگاهی محوری قائل نبودیم. نه در مارکسیسم و نه در لنینیسم، حتی در جریان‌ات بعدی هم اینگونه نبود. تا آنجا که من می‌دانم، این جنبش انقلابی گُرد است که در عمیق‌ترین سطح روی

مسئله زنان کار می‌کند، مسأله سرکوب زنان، موضوعی است که حل آن در گل جنبش و همه جنبه‌ها و فعالیت‌های آن، رسوخ کرده است. لازم به ذکر است که مبارزات بالغ بر ۳۰ سال زنان آزادیخواه کرد در کوههای کردستان و به دنبال آن در روزاوی کردستان اولین جرقه‌های پارادایم و نیروی تحرک اجتماعات و انقلابات سده‌ی ۲۱ را به جهان نشان داد. خلق‌های ایران و البته خلق ما در روزگلات این نیرو و این «صرف توانستن و انقلاب کردن به پیشاهنگی زنان» را همچون درخشش روح و عصر تازه‌ای در خاورمیانه‌ی به تازگی نشسته، نگرینستند و آن را ستودند. ناخودآگاه و خودآگاه، باورمندی و خود اتکایی زنان ایران و روزگلات با این مبارزه ۴۰ ساله سرشته شد و چندی بعد با اعتمادبه‌نفس، خودسازی و خودسازماندهی، زنان به پیشگامان انقلاب تبدیل شدند.

کنگره‌ی هفتم پژاک را بایستی کنگره‌ی به مقصد رساندن انقلاب «ژن، ژیان، آزادی» تعریف کرد. باید بتواند مسئولیت آن

فعالیت‌های ایدئولوژیکی و در امتداد معنایی آن فعالیت‌های اجتماعی دو دهه گذشته پژاک، جامعه‌ی روزگلات و ایران را با تغییرات ریشه‌ای ذهنیتی مواجه ساخت. انقلاب «ژن، ژیان، ئازادی» تنها یک رخداد اتفاقی و تصادفی نبوده و نیست. مسأله‌ای هم تنها در حد عصیان و اعتراض نمی‌تواند بدین شکل گسترش و نتیجه بخش شود. آنچه که برای جنبش و جامعه‌ی ما حائز اهمیت بود و می‌باشد گذار از تمامی قالب‌های گذشته سیاسی و ایدئولوژیک است. بدون تردید انقلاب ذهنیتی و نوآوری فکری انقلاب اجتماعی و سیاسی را نیز ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

را برعهده گیرد. ابعاد زیادی از انقلاب زن زندگی آزادی در بعد مفاهیم هنوز ناشناخته مانده است، ابعاد زیادی از این انقلاب هنوز در ابعاد پراکتیکی و عملی وارد کارزار انقلابی نشده‌اند. رخدادهای مهم سال گذشته تنها شروع و آغاز بود. باید آن را گسترانید، عمق و ژرفا بخشید و هرچه بیشتر بر عاملان و سوژه‌های راستین خود یعنی زنان و جوانان متکی گردانید. زن و جوان تنها تفاوت‌های فیزیکی نیستند. جوان یعنی گذار از دگما، گره کور، جماد و انقباض، ناامیدی و تکرار و پسرفت؛ زن نیز معنایش گذار از نظام سلطه‌ی طبقاتی، ستم ملی، ستم دینی و در یک کلام بحران اجتماعی است که همگی از اولین سلطه، یعنی سلطه‌ی جنسیتی آغاز گردید. به همین خاطر بایستی انقلاب زن زندگی آزادی را داعیه‌ی بزرگی از انقلاب دانست که هر آنچه زندگی را در مضیقه نهاده است به مجادله برمی‌خواند. اولین و عمده‌ترین رسالتش پرداختن به خود مقوله‌ی حیات و زندگی است که امروزه از سوی نظام‌های اقتدارطلب دینی و سرمایه‌داری به سطح چندش‌آوری رسانیده شده و هیچ علم و معرفتی نیست که بدان پردازد.

کنگره‌ی هفتم پژاک در شرایطی برگزار شد که گرمای تحولات انقلابی کردستان و البته تمامی ایران را فراگرفته است. لزوم و اهمیت فعالیت‌های ایدئولوژیک در این کنگره یکی از موارد کلیدی بود که بر آن تأکید گردید. با توجه به اینکه کنگره‌ی هفتم پژاک بعد از آغاز و (دربطن) انقلاب ژن ژیان نازادی برگزار گردید، محوریت کنگره را هم به خود اختصاص داد. وظایف و یا عملکردهای ایدئولوژیک پژاک نیز می‌بایست در ارتباط با انقلاب و به طرز انقلابی ارزیابی گردد. با مدنظر قراردادن پارادایم «جامعه‌ای ایدئولوژیک و دموکراتیک مبتنی بر آزادی زن» و ایدئولوژی «سوسیالیسم دموکراتیک» وظایف ایدئولوژیک پژاک را می‌بایست به شکلی درهم تنیده ارزیابی کرد.

کوهن در پاسخ به این سؤال که انقلابات چه زمانی رخ می‌دهد، تشریح می‌کند: «زمانی که انقلاب در پارادایم شکل بگیرد»

تغییر پرسشها در ذهن، تغییر ایماز از انسان و اجتماع، تغییر عاملیت یا سوژگی، تغییر پیش فرضهای ذهنی در خصوص قضایا و حل قضایا، تغییر متدها و شیوه‌های رویکردی، تغییرات در تعیین استراتژیک و تاکتیک، همگی مسائلی هستند که در حوزه‌ی پارادایم با تغییرات اساسی یا بهتر بگوییم با انقلاب روبرو می‌شوند و از این منظر بر حوزه‌ی فعالیت‌ی و حتی نوع مبارزه‌ی سیاسی و اهداف آن نیز تأثیر می‌گذارد.

اول: خاورمیانه که کردستان هم بخش حیاتی آن (چه در بعد ژئواستراتژیک و چه در بعد فرهنگی) را تشکیل می‌دهد صاحب یک شناسنامه‌ی نابرابر شده‌ی ای شده است که تعصب و

جزم‌اندیشی از خصائل برجسته آن است. فکر و خلاقیت و تحرک و پویایی از این خطه‌ی بزرگ فرهنگی رخ برسته است. رهبر آپو رهبر آزادی سده‌ی ۲۱ چنین بیان می‌کند: «سطح دست یافته‌ی جوامع به هوش، فرهنگ، و نیروی عقلانی سطح عجین شدن با آزادی آنان را نشان می‌دهد. محروم شدن از نیروی هوش و عقل و فرهنگ نیز به معنای زیستن در بردگی است». پژاک که داعیه آزادی و انقلاب اجتماعی را داراست، می‌بایست اولین و عمده‌ترین فعالیت کارکردی خود را بر تغییر اذهان بگذارد. کردستان که از زمان انقلاب نئولیتیک (نوسنگی) تا زمان مادها بیشتر از ۱۰ هزار سال سوژه‌ی اصلی در شکل دادن به ساختارهای ذهنی و اجتماعی در خاورمیانه بود، از آن پس در خاموشی عمیقی بسر می‌برد. خاموشی کردستان به خاموشی خاورمیانه نیز منجر گردید.

حیطه‌ی نخست فعالیت‌های پژاک را فعالیت‌های ذهنیتی در برمی‌گیرد. مجادله‌ی عظیم ایدئولوژیک و پارادایمیک را رهبر آپو در سطح جهانی به انجام رسانده است. خیلی از اندیشمندان و صاحب نظران تئوریک حوزه‌ی سیاست در سطح جهان آثار ایشان را ستوده‌اند. وظیفه‌ی پژاک در این مرحله این می‌باشد که خوانشی راست از ایدئولوژی و پارادایم را در روژهلات و ایران ترویج و در سطح پراکتیکی نیز پیشاهنگی آن را به انجام برساند. طی ۲۰ سال گذشته پژاک تلاش‌های زیادی به عمل آورد تا بتواند نیاز به مبارزه‌ی ایدئولوژیک را ترویج کند. کادرهای زیادی در این حوزه فعالیت کرده و شماری زیادی از آنان نیز در این راه شهید شدند. در حوزه‌ی روشنفکری کتاب‌ها و مجلات ارزشمندی (در موضوعات زنان، جوانان، ملت دموکراتیک، تاریخ ایران و کردستان، مسائل فرهنگی و هنری) تهیه و چاپ شدند. هدف تنها نشر کتاب و مجلات نبود، بلکه مقدمه‌ای بود برای ایجاد تغییرات بنیادی تری که باید در سطح جامعه اجرا می‌گردید.

تابلویی که از دور دیده می‌شود این است که نیاز به مجادله‌ی ایدئولوژیک و پارادایمیک در سطح روژهلات و ایران هنوز در عرصه‌ی ذهنی داخلی جامعه و فضای روشنفکری به شکل بنیادینی حس نشده است. این مسأله در میان بخش زیادی از میهن‌دوستان و فعالین بدنه‌ی شهری پژاک نیز دیده می‌شود. فقر فکری ۲۵۰۰ ساله (از زمان شکست مادها) هم بر کردستان و هم بر تمامی ایران سنگینی می‌کند. روشنفکران هنوز باور چندانی به پتانسیل این سرزمین در خلق افکار و حماسه‌ها ندارند. ایدئولوژیهای وارداتی و کپی شده از نوع مدرن و پست مدرن و جنسیت گرایی و دین گرایی و ملی گرایی و سوسیالیستی و کمونیستی تماماً دنیای اذهان را دربرگرفته است (هر چند که هر یک از آنان وجوهی از واقعیات اجتماعی و حقیقت را نیز حامل باشند). این در حالی است که حیات

خلقهای منطقه (هم از لحاظ همزیستی آنان و هم از لحاظ سرشت طبیعی و اکولوژیکی آن) هیچ گونه سنخیتی با پارادایم ها و ایدئولوژی های علم مدرن نداشته و ندارد. بزرگترین ضربات را از آن نیز متحمل شده است. به همین خاطر منطقه ای که بیش از همه مساعد برای انقلاب و یا پذیرش پارادایم و ایدئولوژی دموکراتیکی می باشد، کردستان، ایران و خاورمیانه است. رهبر آپو هم ایدئولوژی و هم پارادایم خود را اگرچه در سطح جهانشمول ارائه داده است اما منطبق با ریشه های اجتماعی و تاریخی خاورمیانه و البته فرهنگ دموکراتیک بشریت که از آن به عنوان جامعه ی اخلاقی - سیاسی نام می برد تثویز کرده است. فعالیت نخست کادرهای پژاک پیوند زدن این پارادایم و ایدئولوژی با واقعیات اجتماعی کنونی جامعه می باشد.

بعد از انقلاب ژن ژیان نازادی تغییراتی بنیادی در سطح ایران دیده شد. خیلی از جریانات و احزاب مختلف ایرانی همگام با دولت ایران و دولتهای خارجی به هراس افتادند. این شعارها تنها مسأله ای نبوده که به داخل مرزهای کشور خاصی مانند ایران اشاره داشته باشد. بنیادی ترین معضل دوران معاصر و کل دوران تمدن دولت گرا را فریاد زد. اگرچه در ایران و روژهلالت کلید خورد، اما هدفش انقلاب در حوزه ی فرهنگی بزرگی است که صدها و هزاران سال است زندگی در آن رنگ ماتم به خود گرفته است. کی می تواند ادعا کند که کشورهای همجوار ایران از جنوبی و شمالی گرفته تا غربی و شرقی از مسأله ی حقوق زنان واهمه ندارند. کدام دولت مجاور ایران به مانند دارودسته ی ولایت فقیه ایرانی از مسائل خلقها و ملتها در هراس نیست. اپوزیسیون ایرانی هم در وضعیت مناسب تری از این دولت ها در خصوص مسائلی مانند زنان، ملتها، آزادی، برابری، خودباوری و خوداتکایی بسر نمی برد. اکثریت احزاب و جریانات از نوع چپ و راست چه در کردستان و چه ایران ظرفیت و گنجایش تقبل و پذیرش رویکردهای نوین انقلاب را ندارند. نه در حوزه جوانان نه در حوزه زنان و نه درحوزه فرهنگی و ... توان درک این جنبش را نداشته و در نهایت نیز نمی توانند آن را بپذیرند. این احزاب ایرانی و کردستانی تمامی وجوه این انقلاب را تنها در واژه های سهل و ساده و بی جوهر اعتراض به شرایط اقتصادی و یا سیاسی خلاصه می کنند. (همزمان شدن وخامت شرایط اقتصادی با انقلاب کنونی) را نیابست دلیل ظهور این انقلاب دانست. از اینروست که می توان این انقلاب را انقلابی مربوط به قرن ۲۱ دانست. اکثریت این احزاب که نمی توانند پا از تله ی زمان (وابستگی معرفتی - شناختی شدید به گذشته) خارج کنند، هیچ گونه توانی در شناخت و به رسمیت شناختن جنبش کنونی ندارند و به انواع و اقسام مکر و حیلها متوسل می شوند، که جنبش را از پیشروی در مسیرش متوقف کنند.

جنبش کنونی بیش از هر چیز جنبشی پارادایمیک و فلسفی است که بزرگترین عصیان را بر علیه نمادهای کهن و کنونی معرفتی تمدن دولتی آغاز کرد. این عصیان معرفتی یا باید به انقلاب علمی و انقلاب اجتماعی جدیدی منتهی شود و یا اینکه عصیان معرفتی به سرکوب بی انجامد. مخالف بُعد سیاسی انقلاب ژن ژیان آزادی ظاهراً تنها نظام جمهوری اسلامی می باشد اما مخالفان بُعد معرفتی جنبش ژن ژیان نازادی خیلی گسترده بوده و سوای دیکتاتوری ایران، خیلی از جریانات دیگر از ملی گرا و دین گرا و مرکز گرا را به هراس انداخت و اشتراک نظام دانایی این احزاب را با دیکتاتوری ایران بار دیگر آشکار ساخت. این جنبش به مثابه ی جنبش جوانان ۱۹۶۸ در نوع خود مخالفت آشکاری بود با انواع جنبش های کلاسیک به اصطلاح ضدنظام (و البته در سرشت خود، بازتولیدکننده ی نظام) و آنان را نیز به مبارزه طلبید. به همین دلیل است که نتوانست خود را در پارامترها و شعارها و یا دسته بندی های احزاب کلاسیک کاتاکوریزه نماید و هر چقدر این جنبشها و احزاب نمادها و شعارهای خود را بیشتر برجسته می کردند ضربات بزرگی به این جنبش وارد می شد. به همین طریق شعارهای زیادی از شاه سالاری و مردسالاری و مرکز سالاری و ملی گرایی و ... به تکاپو افتادند، دست به دامان کشورهای غربی (کشورهای به هراس افتاده از انقلاب زن زندگی آزادی) افتادند که سرشان بی کلاه نماند. از اینرو تنها جنبشی که می تواند هم نمایندگی عهد کنونی و هم مدرنیته ی کنونی را در روژهلالت و ایران داشته باشد، پژاک می باشد. البته فعالین زیادی ازحوزه های زنان و حوزه های فمنیستی گرفته، فعالین چپ به خصوص چپ جدید و چپ اجتماعی، فعالین زیست محیطی و فعالین فرهنگی و نسل روشنفکران رادیکال و دموکرات در شناخت این انقلاب سهم زیادی دارند و همراه با پژاک خواهند توانست در حفظ و پویایی انقلاب یاری رسان هم باشند. به همین خاطر بایستی فعالیت های ایدئولوژیک - پارادایمیک را در میان زنان، جوانان، استادان و دانشجویان و فعالین اجتماعی و فرهنگی و دیگر اقشار جامعه در سطح بالایی گسترش داد. کردستان در مسیری قرار گرفته که مجدداً بتواند در عرصه ی زایش فکری، منطقه را تغذیه نماید. در این برهه ی زمانی بایستی نقشی که برعهده ی کادرهای پژاک و البته تمامی انسان های مبارز و دموکرات قرار گرفته است به خوبی درک شود.

اولین بعد خطرناک این است که پژاک با دید و نگرشی صرفاً سیاسی و یا گشایشی سیاسی به جنبش ژن ژیان آزادی بنگرد. نباید این جنبش را در قبضه ی گفتمانی و متدیک مابین احزاب و دولت ایران باقی گذاشت و یا آب به آسیاب آن نگرش انداخت. در این صورت این جنبش با خواسته های صرف سیاسی لاپوشانی خواهد شد. مدرنیته و زندگی نوینی در شعارهای این

پارادایم جامعه‌ی اکولوژیک، دموکراتیک مبتنی بر آزادی زن حامل چنان ظرفیت و گنجایش نامحدودی است که دهها سال و شاید صدها سال روشنفکران و محققان بتوانند در حیطه‌ی آن به فعالیت پرداخته و آن را رنگین و پربازده گردانند. انقلاب اجتماعی و ذهنیتی ژن ژیان آزادی، امروز باید بیشتر در ابعاد ذهنیتی و علمی دنبال و گسترش یابد

جنبش طنین انداز شد. کارهای تئوریک، پارادایمیک و فلسفی بیش از پیش باید حول این انقلاب نوین در تمامی ابعاد انجام گیرد. بعد معرفتی این انقلاب باید مدام برجسته و روی آن کار شود. روشنفکران مسئول باید نقش برجسته تری را تقبل کنند. کاراکتر و خلق و خوی ذهنی - منشی روشنفکران گردستانی، ایرانی و خاورمیانه‌ای کمتر گرایشی به کپی‌برداری از نمونه‌های خارجی داشته است. مولد بودن و به خود تعلق داشتن و بر روی پای خود ایستادن در حیطه‌ی اندیشه و فرهنگ از خصایص غیرقابل انکار آنان می باشد. متأسفانه زیر تأثیرات اندیشه‌های شرق شناسانه این بعد از حیات و اندیشه ورزی کم رنگ شده است. اولین وظیفه‌ی پژاک این است که بتواند جنبش علمی نوین را در سطح روژهلات و ایران و منطقه زنده کند. جنبش ژن ژیان نازادی بیش از همه تلنگر محکمی بود بر روشنفکران کرد و ایرانی که از خواب عمیق عدم اعتماد به نفس و مقلد بودن بیدار شوند. پارادایم جامعه‌ی اکولوژیک، دموکراتیک مبتنی بر آزادی زن حامل چنان ظرفیت و گنجایش نامحدودی است که دهها سال و شاید صدها سال روشنفکران و محققان بتوانند در حیطه‌ی آن به فعالیت پرداخته و آن را رنگین و پربازده گردانند. انقلاب اجتماعی و ذهنیتی ژن ژیان آزادی، امروز باید بیشتر در ابعاد ذهنیتی و علمی دنبال و گسترش یابد. تمامی زوایای آن باید به شکل ریشه‌ای بررسی شود. همراه نمودن جامعه‌ی دانشگاهی و تحقیقاتی ایران با این جنبش از اولویت دارترین وظایف ما در این مرحله است. آثار رهبر آپو در به تحرک واداشتن جامعه‌ی دانشگاهی و یا برجسته کردن خطوط پارادایمیک، متدهای نوین تحقیقاتی، پیش فرضهای اجتماعی، نظریه‌های سیاسی، دیدگاههای نوین تاریخی برای گذار از کلیشه‌های موجود می‌تواند تأثیر شگفت آوری برجای بگذارد. کردستان و خاورمیانه نیازمند به پرسش

های جدید، یافته‌های جدید، زندگی مختص به خویش و بنیان نهادن مجدد بر روی ریشه‌های خود است. متأسفانه در طول سالیان گذشته پژاک نتوانسته به طور شایسته روی این موضوع کار کند و دستاوردهای محسوسی داشته باشد. در این زمینه نیاز به خودانتقادی جدی وجود دارد. یکی از نخستین وظایفمان را فراموش کرده ایم. فعالیتهای ایدئولوژیک پژاک صرف انتقال و یا حفظ برخی مسائل کلیشه‌ای نیست. اگر نتوانیم در جامعه‌ی دانشگاهی روژهلات و ایران به یک گرایش برجسته و تاثیرگذار تبدیل شویم، مطمئناً انقلاب ما بیش از پیش با تأخیر و کم و کاستی‌های متعددی مواجه خواهد شد و نخواهد توانست مرحله‌ی فراگیر شدن را طی نماید. باید از این حیطه شروع به نیرومند سازی و توانمند نمودن خود بنماییم. نباید فراموش کرد که این مسأله می‌تواند قشر تازه‌ای از روشنفکران جوان را با خود همراه کند و به نوعی همگام با جوان شدن و زنانه شدن بیشتر فضای اجتماعی - سیاسی ایران زنان و جوانان روشنفکر تازه‌ای وارد کارزار دنیای اندیشه شوند. بدون شک فضای روشنفکری ایران با سابقه‌ی تاریخی قابل توجهش البته با شرط برداشتن عینک مدرنیسم می‌تواند نقش مهمی را در حل بحرانهای کنونی، حداقل در جامعه‌ی ایرانی داشته باشد. البته فضای جدید روشنفکری ایران اصول تازه‌ای را بایستی در خود بگنجاند. الیت ماندن و فاصله از لایه‌های پایین اجتماع در جریان روشنفکری نوین جایگاهی نخواهد داشت، روشنفکر مسئول در قبال عملی ساختن آنچه که به رشته‌ی تحریر در می‌آورد نیز خود را به همان اندازه‌ی نویسندگی مسئول می‌بیند. روشنفکر با چشم نقد و انتقاد به آثار کنونی به‌خصوص آثار دولت محور و آثار سرمایه و سودمحور می‌نگرد و هدفش نه دولت و اقتدار بلکه انسان و جامعه می‌باشد، در نهایت روشنفکر باید بتواند افکار و نظریاتش را از ویروس اوربانتالیسم رها کند. در یک کلام فضای روشنفکری و اندیشه ورزی در ایران و خاورمیانه بایستی مجدداً به میدان کارزاری برای آزادی تبدیل شود و در این راه هم باید از منطق و علوم مشروعیت دهنده به دولت‌های دسپوت و حاکم بر خاورمیانه گذار کند و هم بتواند از ذهنیتی که به مدرنیسم معروف است گذار کرده و مدرنیته‌ی خاص خود را گسترش دهد.

دوم: گذار از جنسیت گرایی. محوریت بنیادین پارادایم و ایدئولوژی رهبر آپو آزادی زنان می باشد. با خواندن آثار ه جلدی موسوم به دفاعیات که در زندان امرالی نوشته شده است، در بنیان تمامی مسائل و معضلات امروزی جامعه، جنبش‌ها و انقلابات، مسائل مربوط به آزادی زنان نهفته است. ایدئولوژی‌ای که موقعیت زیردستی زنان را با سرعنوان اولین ملتی که مستعمره گردید بیان و آزادی زنان را معیار اساسی

آزادی جامعه و آزادی زنان را رمز آزادی کل انسانیت در قرن ۲۱ می‌داند. در قرن آزادی، زنان معمار اصلی زندگی اجتماعی و همچنین پیشگامان پیروزی و موفقیت جنبشها و نهضت‌های انقلابی نیز می‌باشند. رهبر آپو با گسترش و ژرفا بخشیدن به دایره‌ی فکری و تعمق بیشتر در خصوص مسائل زنان و پیوند آن با طبیعت و اجتماع به ارائه‌ی ژنولوژی اقدام و از اینرو معرفت، شناخت و علوم اجتماعی را که از منظر و دیدگاهی زنانه به مسائل می‌نگرد ارائه داد. علمی که خاصیت تحرک بار، توجه به تمامی پدیده‌ها، توجه به اشتراکات، توجه به دیالکتیک و در نظر گرفتن تمامی تفاوت‌مندی‌های اجتماعی و همچنین مبارزه با متدولوژی دگماتیک و قالب‌های خشک علمی پوزیتیویستی ارائه گردید. قطعاً یکی از مسائلی که در تاریخ ۲۰ ساله‌ی پژاک بیشتر از هر چیز در درون جامعه نوآوری محسوب شده است راه‌حلهایی است که مدرنیته‌ی دموکراتیک در خصوص آزادی زنان مطرح کرده است. این طرح مسأله هم در حوزه‌ی تئوری و هم در حوزه‌ی پراکتیکی و عملی از مسائل همیشه مطرح بوده است و در داخل جامعه‌ی کردستان و ایران و خاورمیانه تأثیرات شگرفی داشته است. مسائلی که پژاک در خصوص زنان عنوان کرده است از مسائل مطرح شده و راه‌حل‌های مطرح شده‌ی فمنیست‌ها نیز رادیکال‌تر می‌باشد. نخست در ایدئولوژی آزادی زن، مشکل زن تنها متعلق به زنان نبوده و تمامی جامعه را به نوعی درگیر مشکلات ریشه‌ای کرده است. در نظام تمدن دولتی و مردسالار استثمار زن یک آغاز است. ظلم جنسیتی آغازگر ظلم طبقاتی، ظلم ملی و ظلم اقتصادی و... نیز می‌باشد. در مدرنیته‌ی دموکراتیک و علم ژنولوژی آزادی زن نیز یک آغاز است. آزادی زن به آزادی طبقاتی و آزادی ملی و آزادی اعتقادی و آزادی اقتصادی... نیز می‌انجامد. به همین دلایل زمانی که ژن ژیان‌ثا آزادی را طرح و فورمول بندی کردند بدین معنا بود که آزادی از زن شروع شده، زن علمدار و پیشاهنگ آزادی شده و تمامی وجوه زندگی را نیز آزاد کرده و از ستم پاک می‌کند. این یک انقلاب ذهنیتی و اجتماعی است. انقلابی ایدئولوژیک می‌باشد. به همین خاطر بایستی آزادی زن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و شاه‌کلید و نقطه شروع آزادی تمامی زندگی شود. گروه‌های خودویژه‌ی زنان و سازمان‌های مستقل زنان، مجالس ۵۰ درصدی و همسان برای زن و مرد، ریاست و یا مدیریت مشترک زن و مرد در تمامی پست‌های مدیریتی سیاسی، اجتماعی و خدماتی و... همگی از جمله مکانیزم‌هایی هستند که پژاک آن را مطرح کرده است و همینک در تمامی ارگان‌های این حزب پراکنیزه می‌شود.

اما هدف ترویج این نوع ذهنیت و سازمان در داخل جامعه می‌باشد. در خصوص مسأله‌ی زن اگرچه فعالیت‌های زیادی انجام گرفته و تأثیرات آن به شکلی گسترده اما پراکنده در

تمامی لایه‌ها و حوزه‌های جامعه دیده می‌شود. اما واقعیت این است که مسائل زنان و بحران مابین روابط زن و مرد مسائلی نیستند که بتوان با فعالیت‌های نرمال و روتین امید به حل آن بست و به اهدافش جامه عمل پوشاند. بخش اساسی و نیرومند فلسفه‌ی معرفتی و البته فلسفه‌ی اجتماعی پژاک زن و مبارزات زنان می‌باشد. میهن‌دوستان ما نیز تا حدودی از این ایدئولوژی تأثیر پذیرفته‌اند اما فاصله‌ی زیادی با بایسته‌های این حوزه دارند. آزادی و مبارزات زنان بایستی بیش از هر کس در میهن‌دوستان ما باز نمود یابد. یکی از حوزه‌هایی که نیازمند تمرکز فعالیت‌های ایدئولوژیک می‌باشد حوزه‌ی آزادی زنان است که این فعالیت ایدئولوژیک از روابط خانوادگی گرفته تا سطح پیشاهنگی زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را دربر گرفته و به الگویی برای جامعه تبدیل شوند. باید الگوی زن آزاد در روزگالات و ایران برجسته شود و همچنین مدل خانواده‌ی دموکراتیک و یا زندگی مشترک آزاد را بتوان به تصویر کشاند. تمامی میهن‌دوستان ما بایستی در قبال آن احساس مسئولیت کنند. هم زنان خود را نیرومند و به سازماندهی خود پردازند و هم مردان نباید در این خصوص به مانع آشکار و یا پنهان تبدیل شوند. موفقیت‌های اجتماعی و سیاسی و ذهنیتی ما تا حدود زیادی به این مسأله وابسته بوده و انجام آن به تنهایی خود یک انقلاب بزرگ خواهد بود. انقلاب در ایماژ زن آزاد و آزاد کننده. بیش از همه منوط به بازبینی و بازآفرینی روابط مابین زن و مرد بوده و نتیجه این روابط مولد نهادها و روابط فرهنگی و اجتماعی وسیع‌تری در سطح جامعه می‌باشد. پس در این خصوص تمامی میهن‌دوستان از زن و مرد باید خود را یک کنشگر و یک تولید کننده‌ی ذهنی و ساختاری محسوب کنند که از نتیجه‌ی روابط شان پدید می‌آید. ایماژ زن آزاد در این ایدئولوژی خیلی مهم است و به همان اندازه ایماژ مرد و نوع تصویر و پیش‌فرض‌هایی که از ارتباط دیالکتیکی آنان بوجود می‌آید. هر مردی باید این را بداند که در روابطش با زن تمامی کدرفتارهای دوران برده‌داری و فئودالی و سرمایه‌داری نهفته است. کدرفتارهای دوران برده‌داری اگرچه در برخی از مسائل دیگر به پایان آمده است اما در مسأله‌ی رفتار با زن خطوط پررنگ آن به چشم می‌خورد. به همین خاطر تا زن آزاد نشود نه می‌توان از آزادی مرد سخنی به میان آورد و نه می‌توان از پایان ذهنیت برده‌داری در شخصیت مرد سخن گفت. مسائل عدیده‌ای در ذهنیت و رفتار مردان میهن دوست وجود دارد که هنوز در مقام و کاتاگوری موانع آزادی زن محسوب می‌شوند. مدل مردی که آزادی زن را از صافی خود تعریف می‌کند را نمی‌توان از معیارهای میهن‌دوستی برشمرد. آزادی زنان محدود بوده و به همین خاطر زنان آن طور که شایسته و بایسته است نمی‌توانند در امر مبارزه آزاد

و توانمند ظاهر شوند. ازدیگر سو هم اکثریت زنان در امر خودباوری و خودسازماندهی به درجه‌ای نرسیده که بتوانند از فرصت‌های موجود نیز کمال استفاده را بنمایند. اگرچه بدنه ی سازمان شهری و میهن دوستان ما در قیاس با دیگر احزاب دموکراتیک تر و آزادتر به نظر می‌رسد اما در قیاس با آرمانهای ایدئولوژیک پژاک هنوز بدنه‌ای بیشتر مردانه داریم. این مسأله در سالهای پیش روی ما بایستی محور فعالیت‌های ایدئولوژیک در داخل جامعه باشد و به دغدغه اصلی کادرهای پژاک مبدل گردد. تنها در این صورت است که هم بعنوان جنبش و هم بعنوان خلق خواهیم توانست پیشاهنگی جنبش زن زندگی آزادی را نموده و آن را گسترش و به نتیجه برسانیم.

سوم: پژاک اگرچه در روزگلات به فعالیت می‌پردازد اما واقعیت این است که نمی‌توان سرنوشت کردستان، خاورمیانه و .. را با معیارهای ذهنیت پوزیتیویستی به شیوه‌ای مطلق از هم تفکیک نمود. بشریت در هر چه از هم جدا و منفک باشند اما در ذهنیت و در سرنوشت از درجه‌ی بالای اشتراکی زیادی برخوردار هستند. پژاک با ترویج ایدئولوژی - پارادایم رهبر آپو باید بتواند در مرحله‌ی کنونی این درجه اشتراکات را ارتقا دهد. درجه اشتراکات نه تنها در کردستان، بلکه باید در کل ایران و کشورهای همجوار و فرهنگهای همجوار نیز زنده شود. محور سود و منافع ساختارهای ذهنی دولت گرا چه نوع اسلام گرای سیاسی آن و چه نوع ملی گرا و چه آنان که با سیستم جهانی در حرکت هستند، همگی استراتژی متفق‌ی دارند که بر محور آن انسان‌ها، ملت‌ها، ادیان، جنسیت‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف در تضاد آنتاگونیستی (آشتی ناپذیر) بسر ببرند و این تضاد و جنگ اساسی‌ترین فن آوری در تغذیه و تداوم حیات خود این دولتها و قدرتها می‌باشد. داوینیسیم سیاسی و داروینیسیم اجتماعی را در بالاترین سطوح ممکن اجرا می‌کنند. به نوعی جنگ و بیگانگی انسان‌ها و فرهنگها با هم، یگانگی و انسجام ساختاری دولتها را شکل می‌دهد. رهبر آپو مکرراً بر این موضوع تأکید می‌کند که انسان‌ها و فرهنگها نمی‌توانند از هم بیگانه شوند. ردا دسوزا استاد کرسی حقوق دانشگاه وست مینستر که اصالتاً هندوستانی می‌باشد، می‌نویسد: «من نمی‌توانم کتاب اوجالان را بخوانم مگر به عنوان یک زن از جنوب آسیا؛ این کتاب سرشار از کلمات، مفاهیم، رجاعات تاریخی، رویدادها، شیوه‌های استدلال، تمثیل‌ها، قیاس‌ها و بسیاری موارد دیگر است که به چشمه‌های معانی مشترک میان فرهنگی، متصل می‌شود». زمینه‌های بزرگی در ایدئولوژی آزادی که پژاک خود را به آن سپرده است وجود دارد که نه تنها در سطح ایران بلکه در سطح آسیا نیز می‌توان آن را یافت. به همین خاطر یکی از فعالیت‌های عمده‌ی پژاک در سطح منطقه

بایستی تلاش جهت خاتمه دادن به ایدئولوژی‌ها و باورها و علومی است که منطقه را در کام ضدیت و دشمنی غرق کرده است. یکی از شعارهای سرداده شده که یکی از عوامل موفق گردانیدن انقلاب ژن ژیان نازادی در ایران نیز بود، شعار برادری و همراهی و اتحاد خلقها و مذاهب جداگانه بود. به همین خاطر فعالیت‌های ایدئولوژیک پژاک باید بتواند فراتر از کردستان کار کرده و فرهنگها و نظامهای عقیدتی مختلف را وارد پروسه‌ی دموکراتیزاسیون نماید. یکی از اصول ایدئولوژیک پژاک این می‌باشد که هیچ خلقی به تنهایی نمیتواند آزاد بماند. خلق گُرد با تمامی خلقهای همسایه اش خواهد توانست آزادی را بزید و تجربه نماید. این تنها یک شعار یا برنامه‌ی سیاسی نبوده و نمی‌باشد؛ بلکه یکی از پایه‌های نیرومند و استراتژیک خط ایدئولوژیک و پارادایمیک پژاک می‌باشد. آزادی بایستی بتواند در سطح کلان به ساختار و فرهنگ تبدیل شود و در سطح شخص نیز به کاراکتر. متأسفانه در چند سال گذشته پژاک نتوانسته در حد بایستگی خود را در داخل ایران به خلقهای دیگر بشناساند و با شناسنامه‌ی مبارزات ایدئولوژیک فراملیتی یا بهتر بگوییم چندملیتی ظاهر شود. اگر چه شماری از مبارزان گیلگی - مازنی و فارس و بلوچ و عرب در صفوف این حزب وجود دارند و به مبارزه می‌پردازند، اما برنامه‌های عملی پژاک در سالهای گذشته در قیاس با ایدئولوژی خود نبوده و در برنامه‌های کمبودهای وجود داشته است. در سطح حزبی پژاک نتوانست ایدئولوژی خود را در سازماندهی به خوبی تعریف کند و از طرف دیگر نتوانست روح و فکر ملی‌گرایی را در میان بخشی از هواداران خود و همچنین روزگلات بزاید. متأسفانه پژاک هنوز نتوانسته در موشکافی و شفاف سازی ذهنیت ملی‌گرایی در جامعه و طرفداران خودش موفق عمل کند و سایه‌ی ملی‌گرایی هنوز بر جامعه و جریان‌های سیاسی سنگینی می‌کند. جنبش کنونی ژن ژیان نازادی فرصت طلایی را جهت گذار از این افکار مهیا کرده است و این زمینه بایستی خوب ارزیابی شده و بیش از پیش نیرومند شود. این مسأله‌ای است که نیازمند برنامه‌ریزی واقع‌بینانه تری است. طرفداران پژاک (چه کرد و چه غیرکرد) که در اقصی نقاط ایران وجود دارند، باید در این زمینه بیشتر کوشا باشند. گذار از ذهنیت ملی‌گرایی نباید صرف در سطح احترام به ملت‌ها و خلقهای دیگر محدود بماند. هر گذاری باید در سطح سازماندهی رخ داده و به خود عینیت بخشد. ملت در دیدگاه پژاک صاحب جایگاهی اساسی است اما ملی‌گرایی را به ضرر ملت تعریف می‌کند. (ملی‌گرایی کرد هم بر ضد ملت کرد بوده و هم بر ضد ملت‌های همجوار و در همان زمان ملی‌گرایی فارس و ترک و عرب و بلوچ نیز همان کاراکتر و خاصیت را دارند). البته لازم به ذکر است که پژاک در هنگامه‌ی رد ملی‌گرایی به سازماندهی ملت کرد در چارچوب



کنگره‌ی پژاک در مقطع و مرحله‌ای انقلابی برگزار شد، تغییرات بنیادین و رادیکالی در حال وقوع است. انتظارات جامعه در بالاترین سطوح خود قرار دارد. پیشاهنگ بودن در چنین مرحله‌ای با مراحل دیگر تفاوت داشته و پژاک این کنگره را جهت جوابگو بودن به این مرحله برگزار کرد. از پس وظیفه‌ی پیشاهنگی بر آمدن در این مرحله به معنای موفق شدن در پیشبرد هر چه بیشتر و ملموس‌تر انقلاب است. در این برهه‌ی انقلابی جهت موفق شدن، پژاک نیازمند فعالیت در سه سطح می‌باشد.

می‌کند و با آب به آسیاب آنان می‌ریزند دوری جست. پس بایستی در این مسأله بدون تردد گام برداشت. نباید از یاد برد که هیچ مسأله‌ی ذهنیتی و فرهنگی و حتی جغرافیایی در سطح جهان وجود ندارد که تنها به یک ملت تعلق داشته باشد. نمادهای بزرگ همگی فراملیتی بوده و مبارزات بزرگ نیز فراملیتی شکل گرفته‌اند. این نمادها و تواریخ مشترک زیسته شده را باز می‌توان زنده و به نماد تبدیل کرد. تا زمانی که نمادها، جنبشها، اندیشه‌ها مشترک باشند جامعه و ملت‌ها و بشریت بیشتر در آرامش خواهد زیست. شعارهای ملی‌گرایی سابقه‌ای ۲۰۰ ساله داشته و پروژه‌ای است که دولت‌ها آن را به‌منظور ایجاد دشمنی و تفرقه میان جوامع و فرهنگ‌ها مبدل کرده‌اند.

چهارم: بنیان نهادن سیستم هدفی است که بایستی از این پس یکی از مواد برنامه‌ای ما را تشکیل دهد. فعالیتهای ایدئولوژیک ما بایستی در این سطح در نظر گرفته شوند. فعالیت ۲۰ سال گذشته‌ی پژاک را بایستی بیشتر فعالیت آماده‌سازی ذهنی و اجتماعی دانست که اگرچه در سطح بالایی نیز نباشد، پتانسیل‌های بالقوه‌ی وافر را در بطن جامعه مهیا کرده است. فعالیت‌های ایدئولوژیکی بایستی از

ملت دموکراتیک با فرهنگ و زبان و خود مدیریتی دموکراتیک می‌پردازد. جالب توجه اینکه با کسب دستاوردهای فراملیتی بخصوص در شمال کردستان و غرب کردستان (روژناوا)، همینک دولتهای که کردها را انکار و قتل عام می‌کردند از ترس گسترش این ایدئولوژی نوین و متحد کننده؛ شعارهای ملی‌گرایی برای کردها را ترویج و تشویق می‌کنند. ترکیه و سوریه به چنین وضعیتی افتاده و چه بسا که دولت ایران نیز به همچنین سیاستی روی آورد و به مروج و حامی پروپاقرص ملی‌گرایی کرد تبدیل شوند. البته چنین مسأله‌ای جای شگفت نیست. ملی‌گرایی با همچنین پشتوانه و مروجی وارد خاورمیانه شد. ملی‌گرایی ترک، فارس و عرب در قرن گذشته توسط انگلیسی‌ها پایه‌گذاری شد. نه آتاترک ترک بود و نه رضاخان فارس؟! ملی‌گرایی همیشه وزنه‌ای خارجی بوده و هدف از آن نیز به نتیجه رسیدن پروژه‌ی دولتهای خارجی بوده است. امروز با تفاوت ۱۰۰ ساله‌ای با همان منطق منفعت برای دولتهای اشغالگر، به ترویج آن در کردستان روی آورده‌اند. ایدئولوژی ملی‌گرایی (یک درجه متعادل تر از فاشیست) فوق‌العاده خطرناک بوده و بایستی بتوان در تمامی آموزش‌ها، نوشته‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و حتی هنری از مسائلی که حس ملی‌گرایی را اشباع

سطح پروپاگاندا و تبلیغات گذار کند. هویت ذهنی و سیاسی بایستی به هویتی اجتماعی در تمامی سطوح زندگی مبدل گردد. ایدئولوژی و پارادایم رهبر آپو بارها به اثبات رسانده که حقایق زندگی و حیات اجتماعی انسان را در سطح بالایی در خویش بازتاب می دهد. تعالی انسان و حیات انسانی از آرمان های پژاک است و واقعیات زندگی اجتماعی را نیز بهتر از هر تفکر و ایدئولوژی ای به جنبش درمی آورد. اما سؤال اینجاست که چرا این موضوع در پراکتیک عینیت نیافته است. ایدئولوژی و باوری های نو و تازه در چه سطحی به هنجارهای ارزشی و رفتاری در زندگی تبدیل شده است و این شکل پذیری هنجاری در چه سطحی قابل رویت و اثربخشی است. اگرچه نمی توان شکل گیری آن در سطح فردی یا در سطح محافل کوچک را انکار کرد، اما موفقیت ما زمانی عملی می شود که این هنجارپذیری نوین در سطح عموم جنبش حادث شود. ایدئولوژی رهبر آپو باید در روزگلات به یک فرهنگ غالب اجتماعی و برجسته تبدیل شود. صرف باور داشتن به فکر و فلسفه ی آزاد کفایت نکرده، بلکه باید آزاد زیستن را در سطح عمل بیشتر تمرین کنیم. پژاک در تمامی سطوح از مدیریت و کادر و میهن دوستانش باید خروجی فعالیت های ایدئولوژیک و فکری خود را در نتایج بدست آمده از مدل سازی فرهنگی و اجتماعی اش عنوان و ارزیابی کند. با مبدل شدن به مدل و الگوی زندگی اجتماعی، زمینه ی مشاهده شدن از سوی تمامی لایه ها، سطوح و اقشار جامعه مهیا شده و پس از آن است که خواهیم توانست موفقیت ایدئولوژی خود را در روزگلات اعلان داریم. حقیقتاً بعد از کنگره ی هفتم پژاک این یکی از معیارهای میهن دوستی در روزگلات است و هر آنکس که خود را منسوب به این جنبش می داند باید تمامی رفتار و کردارهای خود را در آن چارچوب کانالیزه کند.

پنجم: آموزش های ایدئولوژیک و سیاسی مان بایست در سطح حاضر نمودن اشخاص و جامعه برای برعهده گرفتن نقش در خودمدیریتی دموکراتیک باشد. مبارزه ی اصولی و قاعده مند را بایست در این عرصه پیگیری نماییم. حقیقتاً تمامی وجوه زندگی، انقلاب و مبارزه، حوزه ی سیاست و خودمدیریتی دموکراتیک و حوزه ی دفاع و جنگ انقلابی خلق بایستی با اهرم خودباوری، خودجوهری، خودتحریک، خودسازی و خودمدیریتی به پیش برود. حیات آزاد و اندیشه ی آزاد و سیاست دموکراتیک و آزادی را کلاً در این حوزه باید جستجو کرد. سطح موفقیت هایمان در این خصوص سطح نهایی موفقیت انقلاب را آشکار می سازد. آموزشی که خلق را درچنین سطحی مخاطب قرار دهد تاکنون در سطح مطلوبی ارائه نشده است. این در حالی است که زیباترین و علمی ترین و حیاتی ترین مسأله ی برای یک جامعه

توان دست یافتن به نیروی خودمدیریتی است. نظام دولتی در تمامی رنگهایش بازگویی فرهنگ تجاوز و استثمار است. حق تعیین سرنوشت را بایست از منطق و چارچوب دولتی خارج و بر روی پایه های حقیقی اجتماعی آن بنا نهیم. حقیقتاً تنها با این رویکرد است که می توان از خط مشی اقتدارگرا و دولتی گذار کنیم.

حیاتی ترین مسأله در امر بنیان نهادن خودمدیریتی دموکراتیک، وجود شخصیت های آزاد است، با شخصیت هایی که نتوانسته اند فرهنگ اقتدار را از خود بزدایند، نمی توان امید به عملی ساختن سیستم خودمدیریتی داشت. منظور از شخصیت آزاد و دموکراتیک تنها کادرهای پژاک نیستند. شخصیت های آزاد بایستی در میان میهن دوستان و در درون جامعه ساخته شود. شخصیت اگر که از مضامین اقتدار رها نشود هر نهاد و مکانیزم و جامعه و ملتی را با خطر انحراف از مفاهیم سیاست آزاد و دموکراسی روبرو کرده و چه در سطوح کلان یا خرد به ضد انقلاب (دیکتاتوریست) منجر می شود. متأسفانه در حال حاضر اقتدار به شکل غیرقابل باوری در تمامی شخصیت های نهادینه شده است و تئوری های زیادی برای مشروعیت دادن به آن نیز مهندسی شده است. متأسفانه بخشی از میهن دوستان ما نیز نتوانسته اند خود را تمام و کمال از بیماری اقتدار رها سازند و پژاک یکی دیگر از موضوعاتی را که بایستی با تمرکز فعالیت ایدئولوژیک و پارادایمیک حل کند این مسأله است. کنگره ی پژاک در مقطع و مرحله ای انقلابی برگزار شد، تغییرات بنیادین و رادیکالی در حال وقوع است. انتظارات جامعه در بالاترین سطوح خود قرار دارد. پیشاهنگ بودن در چنین مرحله ای با مراحل دیگر تفاوت داشته و پژاک این کنگره را جهت جوابگو بودن به این مرحله برگزار کرد. از پس وظیفه ی پیشاهنگی بر آمدن در این مرحله به معنای موفق شدن در پیشبرد هر چه بیشتر و ملموس تر انقلاب است. در این برهه ی انقلابی جهت موفق شدن، پژاک نیازمند فعالیت در سه سطح می باشد.

اول: بازبینی ساختار داخلی حزب و تمهیداتی که هر چه بیشتر این حزب و کادرهای آن را آماده پیشاهنگی بنماید. دوم: تمرکز جهت آماده کردن فعالین پژاک در داخل میهن (کادرهای محلی) برای برعهده گرفتن نقش در سطح انقلابی. سوم: سعی در فعالیت موثر و نتیجه بخش تر در درون لایه ها و اقشار مختلف جامعه و تاثیر پارادایمیک بر افکار عمومی جامعه.

این هر سه فعالیت در اساس فعالیت های ایدئولوژیک و پارادایمیک می باشند که پژاک بایستی تلاش نماید با برگزاری کنگره ی هفتم خود هر چه بهتر از پس آن ها برآید.

کنگره‌ی هفتمین پژاک؛ پیام آغاز مرحله‌ای نیرومندتر و نوین از مبارزه است

کج فرهاد پاوه



اشغالگر ایران و دیگر دشمنان خلق گرد، با رد موضع سکوت و سکون در برابر استبداد و سرکوب، همواره در مسیر تکوین، ترقی و توسعه‌ی هرچه بیشتر گام برداشته. نگاهی به عملکرد و مواضع پژاک در گذشته و برگزاری کنگره‌ی هفتمین در این شرایط حساس، به صراحت اثباتی است بر این ادعا.

کنگره‌ی هفتم با اهتمام هرچه بیشتر به رویکرد خودانتقادی و آسیب‌شناسی عمیق و همه‌جانبه برای معایب، مشکلات و موانع موجود در مسیر مبارزه‌ی پژاک به‌ویژه در چند سال گذشته، برگزار شد، در طول برگزاری کنگره موضوعات و مقولات بسیاری از جمله؛ تداوم نظام شکنجه و سیاست منزوی‌سازی علیه رهبر آپو و لزوم تمرکز و تقویت مبارزاتمان در راستای پایان بخشیدن به آن، انقلاب ژن، ژیان، آزادی، دستاوردها، فرصت‌ها، پتانسیل‌ها و مخاطرات پیش‌روی آن، رهیافت ملت دموکراتیک و خودمدیریتی دموکراتیک مورد بحث و بررسی مفصل‌تری قرار گرفت. در آغاز این کنگره وضعیت رهبر آپو، نظام شکنجه و منزوی‌سازی ایشان در جزیره‌ی امرالی با دقت و جدیت تمام مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بار دیگر بر روی این مقوله تأکید شد که هرگونه ضدیت و اقدامی علیه رهبر آپو، مستقیماً ضدیت و اقدام علیه اراده، هویت و موجودیت خلق گرد است، لذا؛ پژاک به‌منظور مبارزه علیه این نظام غیراخلاقی و غیرانسانی، و تحقق آزادی فیزیکی رهبر آپو، در سطح کردستان، منطقه و عرصه‌ی بین‌المللی، تمام توان و تلاش خود را بکار خواهد گرفت.

در چند سال گذشته شرق کردستان و ایران شاهد رویدادها و تحولات مهمی بود که در صورت درک و تحلیل صحیح هر کدام از آن‌ها، می‌توان به‌خوبی بر صحت و کارآمدی دیدگاه‌ها، رهیافت و مدل و پروژه‌ی پیشنهادی پژاک برای گذار از معضلات و بحران‌های موجود، حل مسئله‌ی کورد و دموکراتیزه کردن ایران پی برد. یکی از این رویدادها، انقلاب شکوهمند ژن، ژیان، آزادی

ابتدا یاد و خاطره‌ی تمامی رفقا و آزادی‌خواهانی را که در راستای استقرار نظامی دموکراتیک و پاسداشت حیات آزاد از هیچ تلاشی دریغ نوزیدند و جانشان را نیز در این راه فدا کردند، گرامی می‌دارم. بدون شک ما در سایه‌ی مبارزات و جانفشانی‌های این قهرمانان راستین، به مرحله‌ی کنونی رسیده و بر مبنای خط‌مشی آن‌ها قادر به ادامه‌ی مبارز هستیم. برگزاری هفتمین کنگره‌ی حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) را به رهبر آپو، تمامی شهدای راه آزادی و دموکراسی‌خواهی، خانواده‌های محترم و معزز شهدا، زندانیان سیاسی، خلق مقاوم و انقلابی‌مان به‌ویژه در شرق کردستان و ایران و تمامی رفقای مبارز و همسنگر، تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

برگزاری هفتمین کنگره‌ی پژاک در شرایطی که بحران‌های مختلف، تنش و منازعات در سطح جهانی و منطقه‌ای روند صعودی به‌خود گرفته، حملات همه‌جانبه‌ی دول فاشیست و اشغالگر کردستان تشدید شده و در مقابل آن نیز، مبارزات برحق و آزادی‌خواهانه‌ی خلق گرد در شرق کردستان و دیگر خلق‌های تحت ستم رژیم فاشیست و اشغالگر ایران که با انقلاب بی‌نظیر ژن، ژیان، آزادی وارد مرحله‌ای نوین شد و ستون‌های استبداد و ذهنیت مرتجع و تمامیت‌خواه مردسالاری و سرکوب را به‌لرزه درآورد، از اهمیت و بار معنایی ویژه‌ای برخوردار است. این کنگره از سویی اتخاذ موضع و جوابی است درخور به تشدید حملات و حمله‌های دشمن، و از دیگر سو، بنا به ضرورتی تاریخی، پیام ورود به مرحله‌ای نیرومندتر و نوین از مبارزاتمان است. جنبش آپویی، جنبش احیا، پیشرفت، بسط و توسعه‌ی مبارزه در هر شرایطی است. پژاک به‌عنوان پیشاهنگ و پرچمدار این جنبش در شرق کردستان و ایران، از بدو تاسیس تا به امروز با ذهنیتی دموکراتیک، پویا و پایبندی به اصول و مبانی فکری و فلسفی خود، علی‌رغم تمامی موانع، مشقات و حملات همه‌جانبه‌ی رژیم

بود که در اندک زمانی مرزهای شرق گُردستان و ایران را درنوردید و در سطح جهانی منعکس شد و روزه روز پشتوانه و حمایت بیشتری کسب می‌کند. سیر سریع گسترش انقلاب ژن، ژیان، آزادی و نقش مهم و تاثیرگذاری که در اتحاد خلق‌ها و انسجام مبارزاتی در سطح شرق گُردستان و ایران ایفا نمود، اثباتی دیگر است بر حقانیت مبارزات پژاک و تطابق تفکرات و پروژهایش با واقعیت‌های جامعه‌ی گُردستان و ایران. حرکت‌های خودش مردمی، خلاقیت در تعیین تاکتیک‌ها و ایستار انقلابی و تاریخی خلق‌های ایران در مقابله با سیاست سرکوب، تلاش‌ها و مانع‌تراشی‌هایی که رژیم و حتی برخی جریان‌های قدرت‌طلب به اصطلاح اپوزیسیون در مسیر انقلاب ایجاد کردند، گویای این حقیقت است که در صورتی که فکر و فلسفه و خط‌مشی مبارزه‌ای که برخاسته از بطن جامعه و متناسب با نیازها و ضروریات تاریخی آن باشد، علی‌رغم تمامی فشار، سرکوب و اعمال خشونت‌ها، مسیر پیشرفت و اشاعه‌ی هرچه بیشتر را در پیش می‌گیرد و از توان رفع موانع و نواقص برخوردار است. بنابراین پژاک که سال‌هاست بر مبنای فکر و فلسفه‌ی ژن، ژیان، آزادی در حال مبارزه است و هم‌اکنون به‌عنوان، پیشاهنگ و نیرومندترین و آماده‌ترین نیرو در میدان مبارزه حضور دارد، خود را در قبال کمبودها و ضعف‌های این انقلاب عظیم مسئول می‌داند، از این رو، در کنگره‌ی هفتمین عمیقاً و با دیدی انتقادی به بارینی عملکرد خود پرداخت و در نتیجه‌ی بحث و گفتگوهای گرم و سازنده، ضمن تثبیت و تعیین نواقص، برنامه و چشم‌انداز فعالیت‌ی آینده‌ی خود را بر اساس پارادایم مدرنیته‌ی دموکراتیک تهیه و تدوین نمود؛ همچنین به‌منظور مشارکت بیشتر و موثرتر اعضا، کمیته و نهادهای حزبی با دقت مورد بازبینی قرارگرفت و بنا بر ضروریات مرحله و نیازهای مبارزاتی، با توجه به اولویت‌ها، اقدامات و سازماندهی‌های تازه صورت گرفت. که می‌دانیم در شرق گُردستان و ایران بسیاری از تفاوت‌های دینی، زبانی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... وجود دارد، همچنان که در جریان انقلاب ژن، ژیان، آزادی باردیگر

و به روشنی شاهد آن بودیم که خواست و مصلحت عمومی مبتنی بر حفظ و ماندگاری هرچه بیشتر این تفاوت‌های است، دقیقاً چیزی خلاف خواست و سیاست‌های رژیم فاشیست و اشغالگر ایران که در طول دوران حاکمیت خود همواره سعی در متحول نمودن تفاوت‌مندها به جدایی و تفرقه بوده. حال به‌خوبی درک می‌شود که ایجاد وحدت، ضمن حفظ تفاوت‌های از رهگذر ملت دموکراتیک امکان‌پذیر است، بنابراین یکی دیگر از مقولات مهم مطرح شده در کنگره‌ی هفتمین پژاک، لزوم توجه و تمرکز بیشتر فعالیت‌ها و انجام وظایف و مسئولیت‌هایمان در راستای بساخت ملت دموکراتیک و جامعه‌ی عمل پوشاندن به این هدف و امر مهم و حیاتی بود.

پژاک حزبی مردمی و برخاسته از بطن جامعه‌ی گُردستان است، بدون شک در طول مبارزاتش به ویژه در چند سال گذشته، کمبودها و ضعف‌های داشته و بر این مبنا خلق‌مان نیز بنا به انتظاراتی که از پیشاهنگان خود دارند، انتقاداتی را به‌ویژه در رابطه با عملکرد برخی از کمیته‌ها و نهادهای حزب مطرح کرده‌اند، لذا توجه و تحلیل و بررسی این انتقادات و اهتمام هرچه بیشتر نسبت به رفع و اصلاح موانع و اشتباهات یکی دیگر از موضوعات برجسته‌ی این کنگره بود. بدون شک خلق‌مان در کنار حمایت‌ها و مشارکت فعالانه در مبارزات، ناظر بر عملکرد ما بوده و ما نیز کاملاً با روحیه انقلابی و مسئولیت‌پذیری نسبت به عمل به وعده‌ها و وظایفمان برخورد می‌کنیم. پژاک در مراحل پیش‌رو نیز به‌صورت جدی و پیگیر و با بهره‌گیری از تمام توان و ظرفیت‌هایش به منظور چاره‌یابی دموکراتیک مسئله کورد در شرق گُردستان و ایران و همچنین اتحاد و انسجام هرچه بیشتر میان خلق‌های ایران به مبارزه ادامه می‌دهد و مصمم و ادعامند است که در آینده گام‌های مهم و بزرگتری بردارد. کسب پیروزی یگانه هدف ماست و در این راستا با روحیه‌ی انقلابی در عرصه‌های مختلف مبارزه حضوری به‌مراتب پررنگ‌تر خواهیم داشت.

پژاک در مراحل پیش‌رو نیز به‌صورت جدی و پیگیر و با بهره‌گیری از تمام توان و ظرفیت‌هایش به منظور چاره‌یابی دموکراتیک مسئله کورد در شرق گُردستان و ایران و همچنین اتحاد و انسجام هرچه بیشتر میان خلق‌های ایران به مبارزه ادامه می‌دهد و مصمم و ادعامند است که در آینده گام‌های مهم و بزرگتری بردارد



نقش زنان در کنگره هفتم پژاک

کهن رزین کمانگر

ارائه‌ی تعاریف نو از مبارزه، مجادله و حیات و با خوانش صحیح از تاریخ و شناخت درست از جامعه و اهداف آن ممکن و میسر است. در طول پنجاه سال اخیر گامهای رو به جلوی جنبش آپویی محکم‌تر و با صلابت‌تر از گذشته شد. رهبر آپو در تمامی دفاعیاتش از اهمیت رویدادهای تاریخی، شیوه‌ی حیات در دوران نوسنگی، مقاومت علیه نظام مردسالاری در عین حال می‌توان گفت به ساختن حیاتی نو و صحیح می‌پردازد. به عبارتی می‌توان گفت که هم به ریشه‌ی مشکل و مسئله پرداخته و هم آلت‌ناتیو ارائه می‌دهد. البته که پارادایم جنبش آپویی مبتنی بر اکولوژی، دموکراسی و آزادیخواهی زنان است. پارادایمی که بر روند مبارزات خلق کرد هم تأثیر بسیار فراوانی گذاشت و هم موجب پویایی هر چه بیشتر این مبارزات گردید. باید دانست از ابتدای شکل‌گیری جنبش آپویی زنان حضور داشتند. یعنی البته که تنها در سالهای تشکیل جنبش هم محدود نماند.

در طول سالهای اخیر فعالیت‌های زنان گسترده‌تر و وسیع‌تر از قبل گردید. تعریف جامعه از فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، نظامی تغییر پیدا کرد. یعنی در اصل می‌توان

با گذاری بر تاریخ نام بسیاری از زنان مبارز در کردستان به گوش می‌خورد. زنانی که در بسیاری از عرصه‌های حیات نقش پیشاهنگی رو بر عهده داشتند چه در گذشته‌های دور و چه در نزدیک حضور زنان را شاهد هستیم. البته که در انتقاداتی که لازمه شاید و باید به این مسئله بسیار رسیدگی نشده است، اما علی‌رغم همه‌ی سرکوبها، سنگسارها و تحریم‌های بسیاری که از سوی نظام مردسالار صورت گرفته، این فرهنگ و حیات مسالمت آمیز که برگرفته از دوران نوسنگی بوده تا امروز هم آمده و بدون شك نقش زنان در این دوران به دور از مردسالاری بسیار بارز و ملموس هست. در این مقاله هم سعی خواهد شد که با تکیه بر خوانشی صحیح از تاریخ و اهمیت این خوانش و انعکاس در مبارزات آزادیخواهانه خلق کورد به نقش زنان در حزب حیات آزاد کردستان پرداخته شود.

مبارزات زنان کرد دارای جنبه‌های فرهنگی - تاریخیست

مبارزات زنان در جنبش آپویی به پنجاه سال قبل برمی‌گردد. پنجاه سال مبارزه‌ای مداوم و سیستماتیک با



گفت که شیوهی مبارزه‌ی جنبش آپویی به پیشاهنگی زنان این دیدگاه رو تغییر داد. از سالهای ۹۰ به ویژه ۹۹ پس از توطئه‌ی بین المللی علیه رهبر عبدالله اوجالان ما شاهد قیامها و خیزش‌های گسترده‌ی خلق شرق کردستان و ایران بودیم و این نشان دهنده‌ی این است که جامعه‌ی همیشه هوشیار ایران در بزنگاه‌های تاریخی، مواضع بسیار رادیکال را اتخاذ کرده است. یکی از آن موضع‌گیری مهم خلق در محکومیت به توطئه‌ی بین المللی بود که در سال ۱۹۹۹ ما شاهد آن بودیم. از آنجا در شهرهای مختلف شرق کردستان ملحق شدن به جنبش آپویی صورت گرفت. در واقع با شناخت و زمینه‌سازی‌ای که صورت می‌گیرد در سال ۲۰۰۴ پژاک به صورت رسمی تأسیس و اعلام می‌گردد. رفقای بسیاری که در این کنگره حضور دارند در کنفرانس‌های اول تشکیل حزب هم حضور داشتند و بسیاری از رفقای که شهید شدند ضمن گرمای داشت یاد و خاطره‌شان و جهت صیانت از مبارزاتشان راهشان را بدون شك ادامه خواهیم داد.

پژاک حزبی است که هم فعالیت سیاسی، نظامی و هم فرهنگی، اجتماعی و مطبوعاتی و سازماندهی دارد. حضور زنان در تمامی این فعالیت‌ها و عرصه‌ها باعث شد که روند مبارزاتی خلق کورد دموکراتیک‌تر شود. یعنی حضور پررنگ و پیشاهنگی زنان ملموس‌تر شد. حضور زنان در این حزب بر شیوه‌ی مبارزاتی در جامعه تأثیر گذاشت. پژاک از لحاظ پارادایمی و جهانی و همچنین ایدیولوژیک، نقش زن را هم به عنوان پیشاهنگ و هم به عنوان تغییر و عاملیت زنان مهم می‌داند و در مبارزات و به اهمیت پیشاهنگ زنان در مبارزات می‌پردازد، همین خوانش و همین جهانی و پارادایم بر کل فعالیت‌های حزب حیات آزاد کردستان "پژاک" تأثیر گذاشت. در واقع اگر خوانش و دیدگاه به دور از ذهنیت مردسالار باشد، تمام فعالیت‌ها و مبارزات دموکراتیک‌تر خواهد شد و همه‌ی اقشار جامعه را در بر می‌گیرد. در سایر بخش‌های کردستان این را به وضوح مشاهده نمودیم و در شرق کردستان هم به پیشاهنگی زنان در حزب حیات کردستان "پژاک" این نوع فعالیت‌ها به طور کامل مشاهده می‌شود. این پارادایم در شاخه‌های مختلف، مثلا در شاخه‌ی نظامی تأثیر بسیاری گذاشت، در شاخه‌ی سیاسی، فعالیت‌های مطبوعاتی و فرهنگی به‌طور کل تأثیرات فراوانی را داشت.

تعریف زنان از جنگ و فعالیت‌های نظامی در جنبش آپویی بسیار متفاوت است. زنان در جنبش آپویی در حال حاضر ارتش مختص به خودشان را دارند. در شرق کردستان هم به همین شیوه است. یعنی زنان در "یه ره که" ارتش مختص به خودشان را با پیشاهنگی "هه‌په‌زه" دارند.

فرمانده‌ها را در سطح فرماندهی ارتش زنان داشتیم یکی از آن فرمانده‌ها رفیق "آرین آرئ" که هفده سال از زندگی خودش را وفق مبارزات آزادیخواهی زنان شرق کردستان و ایران کرد.

یعنی زنان نه تنها دیگر پشت جبهه و قربانیان جنگ نیستند، بلکه بلعکس میتوانند ارتش مخصوص به خودشان را داشته باشند، چون ارتش‌های جهان، ارتش‌های هستند که بر ذهنیت مردسالار تکیه بسته و مسائل وجدانی و اخلاقی در آنها وجود ندارد. اما بسیار مهم هست که ارتش زنان و پیشاهنگی زنان در حوزه‌ی نظامی بر اصول اخلاق و وجدانی متکی باشد.

در عین حال ما شاهدیم که در زندان‌ها قهرمانان بسیاری راه مبارزه را روشن کردند و رهنمود مقاومت و پرچم شعار "مقاومت زندگیست" را بالا نگه داشتند. چون کسانی همچون شیرین علم‌هولی داشتیم. برای یک گریلای آزادیخواه، برای یک مبارز آپویی هر عرصه، به عرصه‌ی مبارزاتی بدل می‌شود. خب در زندان هم زنان نقش بسیاری داشتند. شهید شیرین علم‌هولی و شهید فرزاد کمانگر و دیگر رفقا زندان رو به سنگر مبارزه مبدل کردند. زینب جلالیان هم اکنون پانزده سال است که با تکیه بر این فکر و فلسفه در شرق کردستان و ایران به نمونه‌ایی از مقاومت مبدل شده است. در مطبوعات، در فعالیت‌های سازماندهی جامعه و همیشه حضور پررنگ زنان رو مشاهده می‌مائیم.

زنان در پژاک کاملا بصورت خودویژه خود را سازماندهی

می‌کنند

در واقع مسئله‌ی مهم گذار از ذهنیت مردسالار است.

پژاک حزبی است که هم فعالیت سیاسی، نظامی و هم فرهنگی، اجتماعی و مطبوعاتی و سازماندهی دارد. حضور زنان در تمامی این فعالیت‌ها و عرصه‌ها باعث شد که روند مبارزاتی خلق کورد دموکراتیک‌تر شود. یعنی حضور پررنگ و پیشاهنگی زنان ملموس‌تر شد. حضور زنان در این حزب بر شیوه‌ی مبارزاتی در جامعه تأثیر گذاشت

همیشه تحت سایه قرار می‌گیرند و این باعث می‌شود که پیشاهنگی و تعادل فکر همچون هویت خود زنان و تعاریفی همچون مدیریشان کم رنگتر شود و به دور از معنای واقعی خواهد بود. اما در پژاک ما شاهد این نیستیم، در پژاک از یکسانی مرد و زن، از اتخاذ تصمیم به‌طور یکسان صحبت می‌کنیم. هم تعداد اعضای مجلس و هم ریاست مشترک یکسان است و این در عاملیت زنانه بودن و در خود سیستم هم کاملاً مشهود است. در واقع برای گذار از ذهنیت مردسالار و ایجاد حیات آزاد در جامعه، ابتدا باید در حرمان آن را ایجاد می‌کردیم. باید مبارزات بسیاری صورت گیرد، آگاهی‌سازی شود و آموزش بر این مبنا صورت گیرد، یعنی کاملاً با تکیه بر این پایگاه و دیدگاه و همچنین ژنولوژی می‌توانیم به این مسئله‌ی زنان پردازیم. بنابراین حضور زنان و پیشاهنگی آنها در پژاک فقط به درون حزب محدود نمی‌شود، برای بر ساخت چنین حیاتی آزاد در جامعه، در کنگره تصمیمات صورت گرفت. از شعار زن، زندگی، آزادی که شعار جنبش آپوئیست و تحلیل زیادی در این خصوص صورت گرفت تا جنبه‌های عملی قضیه در جامعه هم در یک راستا و آن هم آزادی زنان و آزادی جامعه است

در کنگره که به مدت سه روز طول کشید مباحث زیادی از جانب زنان حاضر در کنگره صورت گرفت. از اهداف بحث شد، از کمبودها سخن به میان آمد، بدون شک تغیر و تحولات منطقه، وضعیت ایران و همچنین انقلاب زن، زندگی، آزادی مورد بررسی قرار گرفت، هر یک از زنان در کنگره از فعالیت‌های چند سال گذشته صحبت کردند و از اینکه در آینده چه چشم اندازی را خواهیم داشت مورد بررسی قرار دادند. یعنی در خود کنگره به حضور زنان در انقلاب زن، زندگی، آزادی و پیشاهنگی و اتحاد آنها حول محور زن اشاره شد. هر آنچه مورد بررسی قرار می‌گرفت، دقیقاً این را نشان می‌داد که ما با تکیه بر چنین پایگاهی می‌توانیم جامعه‌ی آزاد را پایه‌گذاری کنیم و فعالیت خودمان رو گسترش دهیم. نقش پیشاهنگی زنان در خود کنگره هم، کاملاً معلوم و بارز بود و این نشان دهنده‌ی این است که مبارزات در طول سالهای مختلف تفاوت بسیاری رو به وجود آورده و این هم به یومن مبارزات رفقای شهیدمان در طول این چند سال گذشته است. مبارزات زنان در پژاک در طول این سالها دستاوردهای زیادی را به وجود آورد و تنها وظیفه‌ی ما در حال حاضر گسترده‌تر کردن سطح فعالیتها است.

زنان در پژاک و البته خود پژاک به‌طور کل معتقد هستند که سطح آزادی زنان در جامعه بر اصل یا سنجش آزادی و پیشرفت دموکراسی است. حال به جامعه‌ای بنگرید که در آن زنان آزاد نباشند، آیا می‌توان از آزادی در آن جامعه بحث کرد قطعاً خیر. برای آزادی باید مبارزه کرد. وظیفه‌ی خود پژاک هم ارتقاء این مبارزات به دور از ذهنیت مردسالار، بدون ذهنیت جنسیتگرایی و ذهنیت مرد محور است. هر یک از اعضاء پژاک به‌طور کل و علی‌الخصوص زنان به شکل فعال با این ذهنیت ناشی از جنسیتگرایی اجتماعی مبارزه می‌کنند و در مناسبات و روابط ما بین زنان و مردان اصل آزادی و برابری را مبنا قرار می‌دهند. در اصل زنان پایبند جامعه‌ی دموکراتیک، اکولوژیک و مبتنی بر آزادی زن را مبنای تمام فعالیت‌هایشان قرار می‌دهند و اطرافیان را بر این اساس آگاهی می‌بخشند. شاید برای هر کس این آزادی و برابری جای سؤال باشد که به چه شیوه‌ای است. در کنگره به این موضوع اشاره شد که تعداد زنان و مردان بسیار مهم است. سیستم ریاست مشترک بسیار مهم است. اگر هجده نفر برای مجلس حزب بعنوان نمونه انتخاب می‌شود نه نفرشان از زنان و ریاست مشترک شامل یک زن و یک مرد می‌باشد. همین سیستم نشان دهنده‌ی این است که ما خواهان برقراری برابری هستیم و در وهله‌ی اول این رو در درون حزب به اجرا درمی‌آوریم. به شیوه‌ی فعالیت زنان در پژاک پردازیم نخست این که کاملاً به‌صورت خودپیوسته به سازماندهی خودش می‌پردازد و در عین حال نقش پیشاهنگی را در عملی سازی تمام برنامه‌ها حزب را برعهده دارد. زنان در پژاک مسئول پیشبرد صحیح خط مشی آزادی زن هستند.

در همه‌ی عرصه‌ها چه در شرق کوردستان و چه در ایران در راستای گسترش دموکراسی و گذار از ذهنیت مردسالار به سازماندهی زنان می‌پردازد. در عین حال شاخه‌ی زنان در پژاک جامعه‌ی زنان شرق کوردستان را که یک سیستم کنفدرال و چترآساست به رسمیت می‌شناسد، پروژه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و در عین حال تقسیمات کاری را با جامعه‌ی زنان آزاد شرق کوردستان کژار در میان می‌گذارد و همزمان در مدیریت آن جای می‌گیرد. بدون شک مشارکت یکسان و برابر زنان و مردان در تمامی عرصه‌ها می‌توان گفت که به نوعی امری الزامی است. سیستم ریاست مشترک در درون حزب در طول این چند ساله موجب طاقت بسیار زیادی شد. یعنی چه؟ شما نگاه کنید اگر ذهنیت، مردسالار باشد که البته در جهان ما شاهد آن بوده‌ایم و هستیم، مرد را در محور اصلی و زنان را در حاشیه قرار می‌دهد. یعنی زنان

رمز موفقیت پژاک در گسترش آکادمی‌ها و رشد حوزه آموزش است

رامین گارا

نیازهای خلق‌ها و خلق‌کرد توجه می‌شود. کنگره هفتم جهت اینکه هر دو ستون بنیادین یک حزب آزادیخواه بر ریل مدرنیته دموکراتیک را بصورت روزآمد تقویت نماید، به مقوله گسترش کار آکادمی‌ها و اهمیت دادن به امر آموزش، نگاهی ویژه داشت. در این کنگره تصمیماتی جدی اخذ شد تا مدیریت پژاک بتواند مشکلات و نواقص موجود در حوزه آکادمی‌ها و آموزش را برطرف نماید و نیرومندتر از گذشته راهی بسوی اتحاد دانایی و عمل بگشاید.

بی‌شک آموزش معنابخش تمامیت و اصل حیات بشری از تولد تا مرگ است و زندگی انسان بطور رسمی، غیررسمی و یا ضمنی، بطور مستمر و مداوم با این منبع انرژی‌بخش پیوند خورده است. امروز جهانی که بسوی گلوبالیزاسیون گام برمی‌دارد، تمامی چرخ‌های آن در راستای تحقق سود و پول می‌چرخد، بلکه آنچه حتی در دنیای سرمایه‌داری بصورت هوسناک پول را از طریق سود کلان به چندین برابر هنگامت مبدل می‌سازد، استفاده منفعت‌پرستانه از حوزه دانشگاه، علم و علم - دانشجو در

آموزش بی‌تردید در رشد و تعالی زندگی فردی و اجتماعی انسان و دگرگون نمودن وی و تحول حیاتی‌ش جایگاهی بی‌بدیل دارد و می‌تواند نیروی محرکه سراسر زندگی انسان باشد. گنجینه‌های درونی هر انسان به‌مثابه آگاهی نیز می‌تواند به موتور محرکه اساسی برای یک حزب انقلابی مبدل شود تا در امر سازماندهی خلق و رسیدن به جامعه‌ای آماده جهت دست‌زدن به قیام و انقلاب، به موفقیت‌های لازم برسد. از این جهت، یک حزب بدون داشتن آکادمی سیاسی - ایدئولوژیک و در صورت فقدان آموزش و حوزه‌های آن، قطعاً در نیمه‌های راه باز خواهد ماند و نخواهد توانست کادر لازم برای سازماندهی خلقی که یکی از دو ستون انقلاب است دست یازد. گریلا جهت مبارزه، یک ستون و خلق در کامل‌کردن قیام تا تحقق انقلاب و تحول بزرگ، ستون دیگر را تشکیل می‌دهد. این دو به خودسازی نیازدارند و خودسازی حزبی یکی از اهداف آکادمی‌ها و حوزه آموزش در پژاک می‌باشد. تمامی موفقیت‌ها در پژاک با خودسازی حزبی آغاز می‌شود که در تمامی جوانب آن به



راستای همان هدف است. لذا وجود استعدادها، مغزهای متفکر و شگفتی‌ساز و نخبگان برای آن سیستم در درجه نخست اهمیت قرار دارد. امروزه دول هژمونی می‌کوشند که نخبگان و استعداد‌های ملل مختلف جهان را بسوی مراکز دانشگاهی و صنعتی خود جذب نمایند تا با استفاده ابزاری از علم، بتوانند حوزه صنعت و تکنولوژی را فراتر از سایر کشورها و دول پیشرفت دهند و بنابراین اقتصاد خود را به یکی از اقتصادهای برتر مدل سازند. چرا که تنها از این راه می‌توانند دنیای تجارت و اقتصاد و تولید کالا و فروش آن را و یا بعبارت دیگر بازارهای بزرگ جهانی را تسخیر نماید و سود بیشتری بعنوان ارزش افزوده حاصل کنند. با این اوصاف، نتیجه می‌گیریم که دنیای سرمایه‌داری و دولت - ملت‌ها بدون علم و دانش و انحصار آن هیچگاه نمی‌توانند به این اهداف مزورانه خویش دست یابند. دانش و مهارت‌ها در دنیای اقتصاد آنها امروز حرف اول را می‌زند. با انحصار این دو می‌توانند جایگاهی برتر در آن حوزه بیابند و بازارها را از آن خود کنند.

مقوله آموزش اما در یک حزب انقلابی، مبتنی بر معرفت شناختی است با جنبه معنوی، انسانی و منطبق با خواست و اراده آزادیخواهانه. خلقی چون کورد که با نسل‌کشی‌های فیزیکی و فرهنگی روبرو است، به امر آموزش بعنوان یکی از پایه‌های رشد سازماندهی جهت داشتن برنامه نیرومند نیاز دارد. برنامه‌ای که بتواند رهنمودهای لازم جهت نیروی انقلابی حزبی را ارائه نماید و مسیر انقلاب را بسوی اهداف صحیح ریل‌گذاری کند. قطعاً یکی از موضوعاتی اساسی و نقطه قوت پژاک امر آموزش و آکادمی‌ها است. از همان اوان تأسیس جنبش آزادیخواهی آپویی با رهبریت رهبر آپو، آموزش فراتر از همه مقولات است. بی شک زمینه‌های مادی در ایجاد ساخت و سازهای امر سازماندهی نقش موثری دارند، ولی بدون آموزش امکان انباشت دانش و مهارت وجود ندارد، که به نوبه خود در ایجاد زمینه‌های مادی و سازماندهی موثر می‌باشند. به همین دلیل، رهبر آپو گذشته از اهمیت دادن به جنبه‌های مادی و معنوی و شیوه‌ها و متدهای تکوین یک حزب، در درجه نخست اهمیت به مقوله آموزش و رشد آکادمی‌ها جایگاهی خاص داده است. کنگره هفتم پژاک به این موضوع پرداخته که به این سنت دیرینه جنبش آپویی که شرط موفقیت برای یک خلق انقلابی چون خلق کورد است، نگاهی استراتژیک داشته باشد. حیاتی‌دانستن مقوله آموزش می‌تواند نیازهای پژاک در همه حوزه‌ها

را مشخص سازد و راه‌های رفع آن نیازها را نیز بنمایاند. فرهنگ‌سازی آموزش در جنبش‌های آپویی امروزه دیگر به جایی رسیده که حتی یک مدت کوتاه دست برداشتن از آن، مایه بزرگ‌ترین شکست‌ها و پسررفت‌ها خواهد شد. پژاک هم واقف است که بدون آموزش نمی‌توان ابعاد مادی و معنوی جنبش را کنارهم متحد ساخت و برای طی طریق در مسیر آزادی گام برداشت. به همین دلیل آکادمی‌هایی از قبیل «آکادمی شهید عاکف» و «آکادمی شهید سیروان» جزو همان آکادمی‌ها هستند که بصورت اصولی همه کارها و فعالیت‌های سازمانی نخستین‌بار از آموزش در آنها شروع می‌شود. این آکادمی‌ها لازمه رشد حزبی و تکوین هستند. کادری که نیاز به علم و آگاهی و شناخت نیاز دارد و می‌باید همه متدهای صحیح را برگزیند، بدون آموزش به انواع و شیوه‌های صحیح دست نخواهد یافت. رمز موفقیت پژاک و جنبش‌های آپویی در آموزش است. زیرا خلق کورد در مسیر هویت‌خواهی به بیداری نیاز دارد، این بیداری در راستای دست‌زدن به یک رنسانس بنیادین، نیاز به شناخت کافی از موجودیت خلق از حیث تاریخ، اوضاع امروزی و موقعیت‌های آن دارد. لذا از طریق آموزش پژاک می‌تواند فرد کورد را نسبت به هویت خود آگاه سازد، سپس برای برآوردن نیازها جهت طی مسیرهای انقلابی، متدهای لازم را ارائه می‌دهد.

گذشته از مسایل فوق‌الذکر، پژاک بخوبی واقف است که هر حزب دارای سه‌گانه «استراتژی، برنامه و تاکتیک» است. هیچ حزبی نمی‌تواند بدون حساب و کتاب و یا فارغ از علم و آگاهی برای این سه‌گانه بکوشد. علم و آگاهی بصورت صحیح متدهای کار و فعالیت در همه زمینه‌ها را ارائه می‌دهند. بدون شناخت و علم و آگاهی و بدون متد درست نمی‌توان استراتژی را مشخص ساخت و برنامه‌های مدون آن را طرح‌ریزی نمود و تاکتیک‌های عملی‌سازی آنها را تشخیص داد. یکی از علل شکست احزاب متعدد کورد در جریان مبارزاتشان عدم وقوف بر اهمیت آموزش در جریان انتخاب استراتژی، برنامه و تاکتیک صحیح بوده و هست. پژاک از این حیث بر مسئله اشراف دارد و این را مدیون رنج‌های بی‌شائبه رهبر آپو و شهادت است. رهبر آپو ساختاری از تحزب را ارائه داده که مقوله آموزش در رأس امور آن قرار دارد و هر کار و فعالیتی نخست با آموزش آغاز می‌گردد. تنها از طریق آموزش صحیح می‌توان به عرصه عمل صحیح پا گذاشت و این امر به درازای عمر جنبش آزادیخواهی آپویی اثبات شده است. این آزمون دهها ساله بر بنیان اندیشه‌های رهبر آپو، آموزه‌هایی بی‌بدیل ارائه داده که مراحل از

یکی از تشخیص‌های کنگره این است که پس از دودهه از عمر حزبی پژاک، تجارب و آزمون‌هایی ارزشمند ایجاد شده و تکوین حزبی و تحزب به درجه‌ای والاتر ارتقاء یافته که نیازهایی جدید خلق نموده است. این نیازها بایستی برآورده شوند تا مراحل متری‌تری در حوزه آموزش و آکادمی‌ها طی گردند. لذا پروژه‌ای نوین جهت اصلاح نقایص ارایه شده

ترقی مادی و معنوی را طی نموده و امروز در مرحله تکوین آکادمی‌ها و شیوه‌های آموزش نیاز هست نواقص موجود به کم‌ترین میزان رسانده شوند. تلاش پژاک هم در همین راستا می‌باشد. به همین دلیل نیز کنگره هفتم پژاک با تشخیص نقاط قوت و ضعیف حوزه آموزش و سازماندهی، در راستای رفع هرگونه نقصی و ارتقای سطوح پیشرفته آموزش، آسیب‌شناسی‌های جدی را انجام داده و حاصل‌رنج رصدهای چهارسال گذشته خود پس از کنگره ششم را در کنگره هفتم بعنوان برنامه مدون‌تر و جامع‌تر تدوین نموده است.

یکی از تشخیص‌های کنگره این است که پس از دودهه از عمر حزبی پژاک، تجارب و آزمون‌هایی ارزشمند ایجاد شده و تکوین حزبی و تحزب به درجه‌ای والاتر ارتقاء یافته که نیازهایی جدید خلق نموده است. این نیازها بایستی برآورده شوند تا مراحل متری‌تری در حوزه آموزش و آکادمی‌ها طی گردند. لذا پروژه‌ای نوین جهت اصلاح نقایص ارایه شده. به این دلیل که تجارب زیادی بصورت کمی و کیفی حاصل شده، لازم است بر بنیان دستورات عمل کنگره هفتم در عرصه عمل آن را به اجرا درآورد. گسترش شاخه‌های سازمانی پژاک از جوانان و زنان گرفته تا حوزه‌های مختلف آموزش و سازماندهی توده‌های خلقی، این ضرورت را به میان آورده که حوزه آموزش پژاک گسترش بیشتری یابد تا پاسخگوی نیازها باشد. به این دلیل که شرق کردستان و ایران دارای خلق‌ها و ملل متکثر است، دارای تنوعات فرهنگی و مادی متعدد نیز می‌باشد. همه اینها نیازمند داشتن برنامه‌ای جامع‌تر و گسترده‌تر جهت پاسخگویی می‌باشند. لذا پژاک همه شاخه‌های سازمانی زیرمجموعه خود را موظف و مکلف ساخته که همه امکانات را برای ارتقای امر آموزش در درون سازمانی بکار گیرند تا بتوانند ابزارهای مادی و معنوی نیرومندتری برای آموزش خلقی مهیا سازند. هر کادر پژاک بنا به دستورات عمل کنگره هفتم موظف است در این راستا کوشا باشد و همه مکان‌ها و زمان‌ها را به فرصتی برای آموزش خلقی و گسترش سازمانی مبدل سازد. روند آموزش از درون سازمانی با آموزش صیحیح کادر حزبی شروع می‌شود و آخرسر با رفتن این کادرها به عرصه عمل و سازماندهی میان خلق، وظیفه خطیر آموزش خلقی را بجای می‌آورند و همه اندوخته‌های خویش را به خلقمان انتقال می‌دهند. تنها در این صورت می‌توان جوابگوی فرهنگ وسیع و غنی ایران و شرق کردستان شد. این فرهنگ به دلیل قدمت و غنا نیازمند یک اندوخته علمی و شناختی بسیار عظیمی است که بی‌شک هر حزبی از عهده آن بر نمی‌آید مگر



اینکه تمامی فعالیت‌های سازمانی و تکوینی خویش را با آموزش آغاز نماید و به علم و شناخت و متدهای صحیح اهمیت وافر بدهد.

کنگره هفتم پژاک اشراف دارد که پژاک در شرق کردستان و ایران دارای یکی از قوی‌ترین گفتمان‌های ارزشمند است و ریشه علمی و معنوی انقلاب ژن، ژیان، آزادی به جنبش آزادیخواهی آپویی برمی‌گردد. لذا یک گفتمان که بر محوریت مدرنیته دمکراتیک جهت تحقق و بر ساخت تمدن دمکراتیک قرار دارد و همچنین تمامی سیستم آن بصورت کنفدرالیسم دمکراتیک دارای یک هدف عظیم تحت عنوان ملت دمکراتیک است، علم بر ساخت خویش را بصورت پارادایم «جامعه دمکراتیک و اکولوژیک مبتنی بر آزادی زن» تبیین نموده است. گفتمان پژاک بر بنیان این پارادایم امروز در معانی کثیر ژن، ژیان، آزادی از آن سراسر ایران و شرق کردستان شده و یک جنبش اجتماعی بر پایه‌های آن شکل گرفته که نیازمند شناخت کافی و وافی از جانب تک‌تک انسان‌های اجتماع ایران دارد. بدون آموزش صحیح و علم تبیینی درست نمی‌توان به شناخت از این گفتمان دست یافت.

لذا کنگره هفتم واقف است که پژاک لازم است باتوجه به موفقیت‌هایی که از امر آموزش کسب کرده، آن حوزه را در مرحله‌ای گسترده‌تر آغاز نماید تا جوابگوی مرحله سیاسی در ایران و شرق کردستان شود. یکی از دستورات عملی این است که آکادمی‌های سیاسی در درون پژاک در مرحله‌ای ارتقاء یافته‌تر به کار خود ادامه دهند و در میان توده‌ها به شیوه‌های متفاوت و با ابتکارات جدیدی در خدمت امر سازماندهی خلقی درآید. تمامی موجودیت پژاک بر بستر آموزش صحیح آپویی قرار دارد و منطق درست‌فکر کردن سازمانی نیز بر پایه‌های آن شکل می‌گیرد. از این جهت، آکادمی‌های موجود در پژاک و شاخه‌های سازمانی آن دارای اهمیتی حیاتی هستند که نتایج آن بصورت سازماندهی خلق و آماده‌ساختن توده‌ها برای قیام و انقلاب و خودسازی بازخورد خواهد داشت. خودسازی پژاک نخست از خود اعضای آن آغاز می‌شود سپس بصورت سازماندهی خلقی نتایج خویش را مشخص خواهد ساخت. خودسازی حزبی شرط بنیادین در پژاک است که امروزه در کمتر حزبی دیده می‌شود. این وجه تفاوت میان جنبش آپویی با سایر جنبش‌های ایران و کردستان و خاورمیانه است. بنابراین همه‌چیز پژاک با شناخت و علم و آگاهی آغاز و نهایتاً بصورت عمل انقلابی در میان خلقمان ثمره می‌دهد. داشتن ایدئولوژی انسان‌ساز و پارادایم جهان‌شمول متکی بر آزادی نوع

بشر، مشخصه بارز جنبش آپویی است که در سطح جهان هم نام و جایگاهی خاص یافته است. یک فلسفه است و این فلسفه در آکادمی‌های جنبش‌مان آغاز و در محافل بین‌المللی بصورت سازماندهی آزادیخواهان نتایج مثبتی در برداشته. همین روند توانسته دوستان زیادی برای جنبشمان جذب نماید و آزادیخواهان و دمکراسی‌طلبان را به حرکت درآورد. پژاک بخشی از این روند عظیم جهان‌شمولی است که با ایده‌ها و روش‌های انسان‌سازی خویش، سهمی بسزا در پیشبرد رنسانس جدید دارد و بی‌شک آزادی انسان در اتحاد دانش و عمل نهفته است که این مهم بدون وجود آکادمی‌ها و امر آموزش، ممکن نمی‌گردد. امید است که برنامه‌های کنگره هفتم پژاک در راستای پیشبرد اهداف آکادمی‌ها و برنامه‌های آموزشی نیرومند، امکانات کسب پیروزی بیشتری را حاصل نماید و قطعاً با عمل به رهنمون‌های برنامه‌ای خواهیم توانست به موفقیت‌های بی‌بدیل بیشتری دست یازیم.

پژاک در شرق کردستان و ایران دارای یکی از قوی‌ترین گفتمان‌های ارزشمند است و ریشه علمی و معنوی انقلاب ژن، ژیان، آزادی به جنبش آزادیخواهی آپویی برمی‌گردد. لذا یک گفتمان که بر محوریت مدرنیته دمکراتیک جهت تحقق و بر ساخت تمدن دمکراتیک قرار دارد و همچنین تمامی سیستم آن بصورت کنفدرالیسم دمکراتیک دارای یک هدف عظیم تحت عنوان ملت دمکراتیک است

ژئولوژی در مدرنیته‌ی دموکراتیک

بهار اورین

نمود. علوم اجتماعی‌ای که درصددند آنها را از طریق نگرش و یا به عبارتی پارادایم علم پوزیتیویستی توسعه بخشند، به تمامی با بن‌بست مواجه گشته‌اند.^(۱) لذا رهیافت‌هایی برای بازسازی جامعه در برابر فجایع جهانی و مسائلی که وجود دارد یکی از وظایف اصلی علوم اجتماعی محسوب می‌شود. جای تعجب نیست که علوم انسانی/اجتماعی و حتی شاخه‌های دیگر علوم اثباتی همچون شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی و پزشکی دیدگاهی مردانه دارد زیرا در این نگرش علم خود، میدان و ابزار قدرت است و نمی‌تواند خارج از تصوّرات قدرت مردانه توسعه یابد. آشکار است که تبعیض جنسی و سلطه‌ی مردانه تحریفاتی هستند که برساخته شده‌اند که می‌تواند در کاربست روش‌شناختی پژوهش علمی قابل اصلاح باشد. در واقع ژئولوژی نگرش جدیدی به علوم اجتماعی و به چالش کشیدن دیدگاه قدرت در ساختارهای دانش و استعمارزدایی از آن و رویکردی انتقادی و فراگیر نسبت به این دیدگاه‌های جنسیتی دارد تا بتواند بر این اساس مکانیسم‌های بنیادین این سازوکارها و دیدگاه‌ها را برجسته و در نهایت آن را تغییر دهد. بنابراین برای حل مسائل اجتماعی که در حال حاضر وجود دارد نیاز به منابع معرفت واقعی و روش‌های یادگیری حقیقت وجود دارد و عدم درک صحیح این بحران‌ها و عدم توانایی حل آن خود نیز مشکل دیگری است. هر چند در این

پیش از مطرح کردن مسائل و بحران‌هایی که در سده‌ی ۲۱ با آن روبه‌رو هستیم و حتی نیاز به یک انقلاب علمی لازم است ابتدا به ضرورت‌های یک معرفت‌شناختی انتقادی و زن‌محور پرداخت. با آغاز جنبش‌های رادیکال ضد نظام به ویژه جنبش فمینیستی کارکردهای علوم طبیعی و بعدها علوم اجتماعی زیر سوال می‌رود. نخستین انتقادات فمینیستی عبارتند از نحوه‌ی گرایش‌های معطوف به جنسیت بر محتوای علوم زیستی و اجتماعی. همانطور که والرش‌تاین در تعریف علوم نوظهور، آن را به عنوان برساخته‌های قدرت تعریف کرده که وظیفه‌ی اصلی این علوم (اجتماعی) نهادینه‌سازی اسطوره‌ی بنیادین نظام سرمایه‌داری مدرن است.^(۲) از سوی دیگر توجه و تفسیر نابرابری‌های اجتماعی به تفاوت‌های ظاهری اشاره دارد. در واقع خود نابرابری‌ها در ساختارهای دانش و شمایای فکری تعبیه شده و طبیعی فرض می‌شود. بر این مبنا نقد پارادایم‌های مسلط غربی عقل و دانش، تمرکز بر پیوندهای میان قدرت و دانش و آشکارسازی شکاف‌های جنسیتی در ساختارهای دانش مقوله‌ی مهمی است. ره‌بر آپو در آثار خود به صورت تفصیلی این الگوهای تفکر و عملکردهای اجتماعی با مرکزیت اروپا را مورد نقد قرار داده است. از دید وی بدون درک تشکّل قدرت که در سرتاسر تاریخ دیده می‌شود، نمی‌توانیم اقدام به یک فعالیت سالم جامعه‌شناسی



Jineoloji

بحران‌ها نیاز به تفسیر نیرو، سیستم و بازیگران این بحران‌ها وجود دارد که در مجال این نوشتار نیست لذا ژنولوژی به عنوان علم زن و زندگی ساختار فکری‌ای است که درهائی برای بازگشایی حقیقت در عصر مدرنیته‌ی سرمایه‌داری است. در واقع نادیده‌انگاری زنان از سوی جامعه‌شناسی مدرن خود نقطه‌ی شروع بحران‌هاست.

روش و پارادایم علم به ویژه آن‌هایی که از سوی بیکن و دکارت مطرح شده‌اند، مستقیماً به سرمایه‌داری خدمت کرده است. از دیدگاه رهبر آپو نظام هژمونیک از این نوع دیدگاه سرچشمه می‌گیرد. در واقع تمایز میان ابژه-سوبژه توسعه یافته بر طبیعت به ویژه از آغاز قرن هفدهم کلید هژمونی ذهنیتی مدرنیته‌ی سرمایه‌داری محسوب می‌شود و راهگشای جنگ، بحران، رنج، گرسنگی، بیکاری، تخریبات زیست‌محیطی و انفجارهای جمعیتی است. یکی از مفاهیمی که رهبر آپو در روش علمی آن را زیر سوال می‌برد مفهوم "ابژگی" است. در واقع مدرنیته‌ی سرمایه‌داری بدون تفکیک ابژه-سوبژه و تعمیق آن توانایی سلطه بر جامعه، طبیعت و زنان را نخواهد داشت. مدرنیته‌ی سرمایه‌داری یک سیستم استثمار و انحصاری است که ایدئولوژی آن تصاحب و کنترل جامعه و طبیعت است و ابژگی یکی از زیرساخت‌های ایدئولوژیک عصر جدید است. از دیگر سو مکانیک‌سازی تصویر جهان موجب مرگ نگرش کهن‌تر زنانه به عنوان روزی دهنده است. لذا دیدگاه جهان مکانیکی برای محیط-زیست و زنان فاجعه‌بار بوده و همانطور که گفته شده استعاره‌های فرانسیس بیکن در این مورد مثال است.

تفکیک ابژه و سوژه، برای زنان که نخستین ابژه در تاریخ تمدن محسوب می‌شوند، در عصر مدرنیته‌ی سرمایه‌داری نامحدود می‌شود. بدن، ذهن، دنیای عواطف و افکار و نیروی کار زنان همزمان با مدرنیته‌ی سرمایه‌داری بیش از هر زمان دیگری در تاریخ تحت تسلط قرار می‌گیرد. می‌توان گفت ریشه‌ی تمامی تمایزات میان ابژه-سوبژه، دیدگاه ابژه‌گونه به زنان در نظم پدر-مردسالاری است. هر چند پیش از این نیز دیدگاه جنسیتی بیکنی از علم از منظر فمینیستی نیز مورد نقد قرار گرفته است. یکی از موضوعات مورد بررسی ژنولوژی نقد روش پوزیتیویستی مبنی بر این تمایز است. این نقد از دو نظر حائز اهمیت است؛ نخست موضع‌گیری در برابر دیدگاه ابژه‌گونه به زنان در عصر سرمایه‌داری و نیاز به ایجاد سوژگی اجتماعی زنان و دیگری پیشبرد روش‌های خود فراتر از این تمایزات است. بر این مبنا نقد ژنولوژیک از دیدگاه بیکنی از علم و روش بایستی معطوف به رمزگشایی از ساخت ایدئولوژیک باشد. در این راستا لازم است ساختارهای قدرت بر دانش را تحلیل نموده و روش مشخصی را برای پژوهش مبتنی بر تجربیات زیسته و زندگی‌های به حاشیه رانده شده‌ی زنان

و سایر گروه‌های اجتماعی تحت ستم ارائه نمود. از سوی دیگر لازم است ارتباط میان این پارادایم با سرمایه‌داری را مشاهده نمود و روش‌های بیکنی و دکارتی مبتنی بر این تمایزات را که آن را به عنوان فلسفه‌ی اساسی برای درک حقیقت تلقین می‌شود را نپذیرفت. زیرا این درک پوزیتیویستی از علم هر معرفتی که پیش‌فرض‌های متافیزیکی و یا الهیاتی دارد را محکوم به ناعلم بودن می‌داند.^(۷) از دید ژنولوژی فلسفه‌ی جامعه و تاریخ که فراتر از تمایز ابژه-سوبژه است، می‌تواند انسان را آزاد نماید. تخریب محیط‌زیست، فروپاشی اجتماعی و تمایزات ناشی از مدرنیته‌ی سرمایه‌داری به طور مستقیم با دامنه، معنا و قدرت کاربردی مفهوم‌پردازی آن مرتبط است.

انقلاب علمی و تغییر پارادایم

توماس کوهن در کتاب "ساختار انقلاب‌های علمی" با اشاره به ماهیت انقلاب‌های علمی و تأکید بر اینکه در هر دوره پارادایم^(۸)‌هایی وجود دارد که در واقع چگونگی درک دانشمندان از جهان و پیوند میان انسان و جهان و روش‌هایی که از طریق آن می‌توان به تولید دانش پرداخت، می‌کند. از دید کوهن دارا بودن یک مدل ذهنی یا مفهومی در مورد یک موضوع به معنای داشتن پارادایم در مورد آن است. بر این اساس اگر تاریخ علم را در پرتو مفهوم پارادایم در نظر بگیریم خواهیم دید که هر دوره‌ای بنابه شرایط و سوالات پیش آمده و تلاش‌های برای یافتن پاسخ این سوالات پارادایم آن دوره را شکل می‌دهد. از دید رهبر آپو عدم گذار از پارادایم‌ها موجب عدم رسیدن به توان تفسیرهای با معنا و در نهایت گرفتاری در تعصب می‌شود. وی با اشاره به دیدگاه تمدن دموکراتیک نیاز به علمی نوین در محیط بحران و کائوس را تنها در سایه‌ی حاکم شدن پارادایم جامعه‌ی دموکراتیک می‌داند.^(۹) براین اساس بایستی از رهگذر پارادایم جامعه‌ی آزادتر، برابرتر و دموکراتیک‌تر به طبیعت و حیات بنگریم و پیش‌رویم. معضلات اجتماعی که تحت تأثیر پارادایم پوزیتیویستی مورد بحث قرار می‌گیرند و بحران‌های ناشی از آن همچون مسائل اجتماعی، زیست‌محیطی و زن‌گشی مباحث انقلاب علمی را در دستور کار قرار می‌دهد. همانطور که از دید کوهن در مواقع بحران اگر پارادایمی با قدرت چاره‌یابی بالاتری وارد عمل گشته و مورد پذیرش قرار گیرد، این، همانا به معنای تغییر پارادایم و زمینه‌های یک انقلاب علمی است. از دیدگاه رهبر آپو یک پیوندی میان انقلاب‌های علمی و میزان آزادی جامعه وجود دارد. به عنوان مثال انقلاب کشاورزی-روستایی که از آن به عنوان نخستین انقلاب زنان در هلال پرپرکت در سال‌های ۶۰۰۰-۴۰۰۰ ق.م. تعریف می‌کنیم در کیفیت یک انقلاب علمی است. رنسانس و رفرم در اروپا نیز گامی جهت آزادی و انقلاب

علمی علیه دیدگاه جزمی به فلسفه و مذهب تلقی می‌گردد. با این اوصاف ضرورت‌های یک انقلاب علمی و تغییر پارادایمی آشکار می‌شود که مهم‌ترین آن توقف زن‌کشی، بحران‌های اجتماعی و زیست‌محیطی است و موضعی در برابر پارادایم پوزیتیویستی است که زیربنای علمی مشروعیت‌بخشی به این بحران‌هاست. نخستین تعاریف مربوط به پارادایم رهبر آپو در سال‌های ۲۰۰۳ آغاز شد. در دفاعیاتی که پس از این سال منتشر شده تغییر پارادایم در روش‌سازی مدل سازمانی، فلسفه‌ی زندگی، دفاع مشروع، دیدگاه به اقتصاد، صنعت، مسئله‌ی زنان و خانواده نقش دارد. این پارادایم در چارچوب دموکراسی، اکولوژیک و آزادی زنان تعریف شده است. در این چارچوب فکری مدل اجتماعی مبتنی بر معیارهای برابری خواهانه و نه دولتی، روابط انسان-انسان و انسان-طبیعت بر مبنای اصول اکولوژی بوده و اشاره به این دارد که سرمنشا همه‌ی مسائل اجتماعی روابط هژمونیک میان زن و مرد بوده و بر این مبنای آزادی زنان تمرکز دارد.

ژنولوژی در چارچوب پارادایم دموکراتیک-اکولوژیک و آزادی زن

در پیوند با رکن پارادایمی آزادی زن لازم است ابعاد جنسیت‌گرایی علم آشکار گردد که بررسی حقیقت زنان را به عنوان یک واقعیت اجتماعی ضروری تلقی نکرده است. با نگاهی بر روند شکل‌گیری تمامی شاخه‌های علم خواهیم دید که همواره با دیدی مردانه مورد تفسیر قرار گرفته و مردان در مقام سوژه و زنان به عنوان یک ابژه و با مفاهیم جنسیتی مورد تعریف قرار گرفته‌اند. تجربیات زنان به عنوان محکی برای مسائل، مفاهیم و تفسیر داده‌ها استفاده نشده است. در مطالعات ژنولوژی اهمیت استفاده از تجارب زنان به منزله‌ی منابعی جهت تحلیل اجتماعی و بر ملا کردن این تجربیات اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین بررسی واقعیت زنان به عنوان جوهره‌ی جامعه‌شناسی و نخستین و آخرین مستعمره رویکرد علمی مبتنی بر پارادایم مدرنیته‌ی دموکراتیک است. زیرا روش تحقیقی که تهی از واقعیت زن و یک مبارزه‌ی آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه که زن را در مرکز خویش قرار ندهد، نخواهد توانست به حقیقت واصل گردد و برابری و آزادی را برقرار نماید^(۱). در این دیدگاه زنان نه به عنوان یک هویت "مورد سرکوب واقع شده" بلکه خالق و حافظ ارزش‌های اخلاقی-سیاسی که ما آن را به عنوان واحد اساسی جامعه تعریف می‌کنیم، است.

رهبر آپو با زیر سوال بردن درک هژمونیک از علم و به ویژه علوم اجتماعی که مکانیسم‌های خشونت، طرد و ستم را بازتولید می‌کند، ژنولوژی را پیشنهاد می‌کند. ژنولوژی

علمی است که عملاً در پی راه‌حل برای مسائل اجتماعی است؛ مباحث آن مربوط به ساختارشنکی نظریات و مفاهیم پدر-مردسالاری و سایر اشکال سلطه و خشونت و به دنبال آن ساخت ارزش و رهیافت‌های آزادی‌خواهانه‌ی جایگزین همراه است. در این راستا چگونه می‌توان تاریخ زنان را بازخوانی و بازنویسی کرد؟ چگونه به داده‌ها دسترسی پیدا کنیم و اگر امروزه هدف تولید علم و دانش حفظ وضع موجود است، روش‌های جستجوی حقیقت چه می‌تواند باشد؟ ژنولوژی با بررسی ابعاد تاریخ زنان و تفسیر گسست‌های اساطیر و ادیان در برجسته نمودن تاریخ زنان نقش ایفا می‌کند زیرا آشکار کردن زوایای تاریخ زنان یکی از ارکان آزادی زنان محسوب می‌شود. در عین حال درک اشکال سازماندهی‌های کمونالی در دوره‌ی نونسنگی و پس از آن و بررسی روابط میان شیوه‌های تولید و ساختار اجتماعی و ظهور مردسالاری با پیدایش مالکیت و انباشت یکی دیگر از جنبه‌های مطالعات آن است.

رهبر آپو در چارچوب مدرنیته‌ی دموکراتیک، سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک را برای آزادی جامعه ارائه می‌دهد. این سیستم به جامعه این توانایی و اختیار را می‌دهد که برای نیازها و مسائل خود رهیافت‌هایی ارائه دهد. برای این امر نیاز به درک جدیدی برای حوزه‌های ضروری زندگی اجتماعی نیز وجود دارد. در واقع ژنولوژی این نیازها را برآورده می‌کند بدین معنا که مفاهیم را از تفاسیر مردسالارانه زدوده و بر اساس پیوند دوباره با جامعه بازتعریف می‌کند. بر این مبنا رهایی از مردسالاری و جستجوی شکلی از همزیستی مسالمت‌آمیز نیروی محرکه‌ی آزادی بوده و علاوه بر اینکه مبتنی بر آزادی زنان است، تنها به آزادی زنان نیز محدود نبوده و در پی نهادینه ساختن معیارها و ارزش‌های یک جامعه‌ی اخلاقی و سیاسی است. جامعه‌ی اخلاقی و سیاسی نیز بر مبنای ارزش‌ها و معیارهای مشترک، خود را سامان داده و تحقق آن را تنظیم می‌کند.

در رابطه با پیوند میان ژنولوژی و جامعه‌شناسی آزادی باید گفت از دید رهبر آپو حوزه‌ی مطالعاتی جامعه‌شناسی تنها به آزادی محدود نمی‌شود و باید به یک طیف پیچیده‌ی اجتماعی بپردازد و ژنولوژی را نیز به عنوان یکی از علوم درون آن طیف توصیف می‌کند. به عبارتی حوزه‌ی جامعه‌شناسی که به مطالعه‌ی زنان می‌پردازد، از طریق ژنولوژی بیان می‌شود. از سوی دیگر ژنولوژی ضمن تحلیل جامعه‌شناختی چارچوبی که رهبر آپو برای شکل‌گیری در طول زمان تعیین کرده را در برقراری پیوند میان تاریخ و جامعه‌شناختی مبنای قرار می‌دهد. از دیگر سو ساختارها و نهادهایی که در وضعیت کنونی زنان نقش تعیین‌کننده دارند مانند خانواده، ازدواج، مذهب، قانون و اقتصاد و فرایندهای تحول آن‌ها در محور جامعه‌شناسی ساختاری قرار دارد.

زنان توسط دولت و نهادها و گروه‌های وابسته به آن. به همین دلیل پارادایم جدید جامعه‌شناختی ما بایستی در راستای رهایی جامعه باشد و جامعه مسائل خود را با اتکاء به خودگردانی دموکراتیک و نیرو و دینامیسم‌های خود چاره‌یابی کند. همچنین برای تعریفی صحیح و اجتماعی از علم نیاز به برقراری پیوندهای محکم با اتیک (اخلاق‌مداری) و استتیک (زیبایی‌شناسی) وجود دارد. از این حیث ژنئولوژی دانش را از ذهنیت هژمونیک مردانه زده و آن را به گوهری اصلی و تعریف درست آن می‌رساند. شروع نقطه‌ای که حقیقت بیش از همه نامرئی و تحریف می‌شود به معنای توسعه‌ی جستجوی حقیقت و معنابخشی به زندگی است. واقعیتی که می‌خواهیم به شناخت علمی درباره‌ی آن دست یابیم و جامعه و تاریخ را با آن مورد تحلیل قرار دهیم "زن" است. برای روشن‌سازی ارزش‌های اجتماعی شکل گرفته پیرامون هویت زنان نیاز به پژوهش‌های تاریخی دقیق دارد به ویژه تاریخ پیش از ظهور تمدن مردسالاری.

فلسفه‌ی روشنگری خاورمیانه محصول آگاهی، ابتکار، اندیشه و عواطف زنان است و به عبارت صحیح‌تری یک روش زندگی است که بر مبنای ریشه‌های خود رشد کرده و به بالندگی می‌رسد. از این نظر می‌توان در باب "انقلاب زنان" تعمق یافت. ضمن بیان مفاهیم "انقلاب زنان" و برابری آزادی و دموکراسی می‌توان با تفسیر آن با پایبندی به فلسفه‌ی زندگی به اصل موضوع نزدیک شد. مبنای اساسی نیازمند رویکردی انقلابی به مسائلی است که باید بر آن‌ها فائق آمد. این رویکرد انقلابی بسته به قدرت روشنگری و تحلیل زنان می‌تواند توسعه یابد. به همین دلیل از انقلاب خاورمیانه به عنوان "انقلاب زنان" یاد می‌شود و بیان رهبر آپو مبنی بر اینکه "خاورمیانه نیاز به دومین انقلاب زنان" دارد اثباتی بر این ضرورت است.

پی‌نوشتها:

- (۱) ایمانوئل والرشتاین، علوم اجتماعی نیندیشیدنی (محدودیت‌های پارادایم‌های قرن نوزدهمی)، ترجمه احمد نادری، نشر ترجمان
- (۲) عبدالله اوجالان، تمدن کاپیتالیستی، عصر خدایان بی‌نقاب و شاهان عریان (کتاب دوم)، مرکز نشر و اندیشه‌های عبدالله اوجالان
- (۳) ایمانوئل والرشتاین، علوم اجتماعی نیندیشیدنی: محدودیت‌های پارادایم‌های قرن نوزدهمی)، ترجمه احمد نادری، نشر ترجمان
- (۴) مجموعه‌ای از الگوها و نظریاتی است که نخستین بار توسط فیلسوف و مورخ علم، توماس کوهن در اثر وی به نام "ساختار انقلاب‌های علمی" به کار گرفته شده است.
- (۵) عبدالله اوجالان، تمدن کاپیتالیستی، عصر خدایان بی‌نقاب و شاهان عریان (کتاب دوم)، مرکز نشر و اندیشه‌های عبدالله اوجالان
- (۶) عبدالله اوجالان، مسئله‌ی گرد و رهایی ملت دموکراتیک (دفاع از گرد‌ها، خلقی در چنگال نسل‌کشی فرهنگی)

نقش زنان در شکل‌گیری جامعه همواره از سوی تاریخ‌نگاری رسمی حذف شده است. یکی دیگر از رویکردهای ایدئولوژیک نسبت به زنان دور ساختن آنان در شکل‌دهی بنیان‌های علمی و نظری است که در واقع یکی از راه‌های اصلی تحکیم پایه‌های سلطه‌ی مردسالاری بوده است. در این راستا یکی دیگر از جنبه‌های مطالعات ژنئولوژی زیر سوال بردن پیش‌فرض‌های اساسی علم پوزیتیویستی و خلق "علم زنان" در بسته‌های تجربه و آگاهی زنان و بررسی امکانات بالقوه‌ی در انقلاب زنان جهت تغییر در آگاهی جامعه و در نهایت تحول آن است. ساختار شکنی مفاهیم و نظریه‌هایی که منجر به تعمیم مردسالاری در چارچوب یک پارادایم یکی از ضرورت‌های پیشبرد دانش زنان است. بنابراین یکی از محورهای اصلی مطالعات ژنئولوژی آشکارسازی ابعاد تاریخ زنان و بازخوانی آن از زبان و دیدگاه زنان است. بدون تردید زنان از طریق شناخت ریشه‌ها و کشف آن می‌توانند آینده‌ی خود را ترسیم کنند.

در پایان

تاریخ تمدن، تاریخ غصب، فریب و تاریکی است که هسته‌ی اصلی آن ضربه زدن به آزادی اجتماعی در نمود ضربه وارد کردن به هویت اجتماعی زنان و انحطاط آنان است. بنابراین هر اندازه توانایی تفسیر و روشن نمودن زوایای این تاریخ را داشته باشیم به همان اندازه خواهیم توانست راهکارهای ترمیم این ویرانی‌ها را کسب کنیم. در واقع ریشه‌ی همه‌ی بحران‌ها و معضلات ذهنیتی، سیاسی، اجتماعی و علمی به آغاز مسائل در رابطه با آزادی اجتماعی بازمی‌گردد. یکی از معیارهای رسیدن به زن آزاد-جامعه‌ی آزاد قدرت‌زدایی از علم و دانش است. تاریخ تمدن نیز بر مبنای معیارها و ایدئولوژی‌های هژمونیک مردانه شکل گرفته و دانش در انحصار این ایدئولوژی‌ها بوده و زنان از آگاهی (دانستن) دور ساخته شدند. به همین دلیل رسیدن به حقیقت از منظر زنان، روشنگری حقیقت زنان و در نتیجه روشنگری حقیقت اجتماعی بدون فرارفتن از این ذهنیت امکان‌پذیر نیست. در تکوین ذهنیت و نظام مردسالار روند نظام‌مندی در حوزه‌های علمی به ویژه اسطوره‌شناسی، دین و فلسفه وجود دارد که "مردانگی" و "زنانگی" بر مبنای آن شکل گرفته است.

مقاومت و جنبش زنان گرد مبارزه‌ی معناداری برای نظام اجتماعی بدیل مبتنی بر مدرنیته‌ی دموکراتیک، آزادی، عدالت و دموکراسی و مبارزه علیه نظم طبقاتی، دولتی و مردسالاری است. در انتخاب میان بردگی و آزادی شاهد برخورد واقعی تمدن‌ها هستیم. این مبارزات هزاران سال طول کشیده است. از توطئه‌های برای سرنگونی و شکست ایزدبانوان تا قتل‌عام

پهژاك ههوتهمين كوڤنگرهى ژيانى ئەنجام دا

ههوتهمين كوڤنگرهى پارتي ژيانى ئازادى كوردستان

7
2724
2024
1403

HEFTĒMĪN KONGREYA PARTIYA JIYANA
AZAD A KURDISTANĒ

PJAK

ههتتمين كوڤنگرهى حزب حياى آزاد كوردستان

ئا: ئەلنەرناتىو

تېكۆشانيان بهرپوه بردوه و سۆز و پيمان و به ئين له گه ل ريبه ر ئاپۆ و هه موو شه هيدانى ئازادىخوازى گه لى كوردستان دووپات كرايه وه كه تا گه يشتن به ئازادى و كو مه لگه يه كى ديموكراتيك له تېكۆشاندا به رده وام بن و به ئين درا كه سه رجهم كهن د و كو سپه كانى سه ر رى گاي خه بات و تېكۆشان، به روچىكى ئاپۆيى تپه رپنن.

دواتر كوڤنگره به هه لپژاردنى ده سته ي بهرپوه بردنى كوڤنگره و ديار كردنى به رنامه و به ئاخواتنى هاوسه روكى په ژاك؛ هه قائل سيامه ند موعينى ده ستي پي كرد. هه قائل سيامه ند ساليادى دامه زراندنى په ژاك و نه ورۆزى 2724 ي هه تاوى و چوارى نيسانى له گه لى كورد له روژه لاتى كوردستان و بنه ماله و كه س و كارى شه هيدان و تېكۆشه رانى ئازادى له سه رتاسه رى ئيران و زيندانيانى سياسى و هه موو ئه و هه قائلانه ي به دريژايى ته مه نى په ژاك رهنجيانداوه و شه رفاقانى به رخودانقانى ئازادى و ئەندامانى كوڤنگره ي هه وتهم پيروژ كرد.

هه قائل سيامه ند ئاماژه ي به قهيران و ئالۆز به كان له سه ر ئاستى ئيو ده وه لته ي و هه ريمى كرد و ووتى؛ رو ل و ئه ركى قورس له سه رشانى پارته كه مانه. گو رانكار به كان

پارتى ژيانى ئازادى كوردستان له سه روبه ندى بيسته مين ساليادى دامه زراندنى دا، له چياكانى ئازادى كوردستان هه وتهمين كوڤنگره ي خو ي ئەنجامدا.

په ژاك له بيسته مين ساليادى دامه زراندنى دا به به شدارى نوينه رايه تى سه رجهم دام و ده زگاكانى، كوڤنگره ي هه وتهمينى خو ي له ريكه وتى 19 تا 21 ي خاكه لپوه ي 2724 (7 تا 9 ي نيسانى 2024) به دروشمى "به فه لسه فه ي ژن، ژيان، ئازادى كوردستان ئازاد ده كين و نه ته وه ي ديموكراتيك بو نيا د ده ئين" به سه ركه وتوويى بهرپوه برد و له كوڤنگره دا هاوسه روكانى په ژاك گو ردارن و ئەندامانى مه جليسى نو يى په ژاكيش هه لپژي ردارن.

به گو يره ي به رنامه و په يره وي ناوخو هه ر سئ سائل جار يك كوڤنگره ده به سه سترت و كوڤنگره بالاترين ئورگانى برباردانى په ژاكه.

سه ره تاى كوڤنگره يادى گيانبه ختكر دوانى تېكۆشانى ئازادىخوازى په ژاك كرايه وه و ستايشى رهنج و ماندوو بوونى بئ وه چانى هه موو كادي ر وخه باتكار و گه لى كورد له روژه لاتى كوردستان كرا كه بئ پسانه وه له سه ر خستنى ئامانجه كانى كوڤنگره ي شه شه مى په ژاكدا به دل و گيان

سۆز و پەيمان و بەلگەلە رېيەر ئاپۆ و ھەموو شەھيدانى نازادىخوۋازى گەلى كوردستان دووپات كرايەو ھە تەگە يىشتن بە نازادى و كۆمەنگە بەكى ديموكراتىك لە تىكۆشاندا بەردەوام بىن و بەلگەلە درا كە سەر جەم كەند و كۆسپەكانى سەر رىگاي خەبات و تىكۆشان، بەرۆخىكى ئاپۆيى تىپەر تىن

بەپەلە دېنە ئاراوہ. پارتەكەمان پېويستى بەخەباتىكى
چوپپى ئابدۆلوۋى و تىكۆشانىكى بەكگرتوۋى رىكخستى
و بەرپۆبەرايەتەكى بەھىز و كادىرىكى فكىرى و سىياسى
بەھىزە كە بتوانىت ۋەلامدەرەوہى قۇناخەكە بىت،
چونكە پەژاك و كادىرانى مېژو دەنووسنەوہ.

ھەقال سىامەند سەبارەت بە شۆرشى ژن، ژيان،
نازادى گووتى؛ ۋەك پەژاك نەمانتوانى لەماوہى ئەو
دوو سالى شۆرشى ژن، ژيان، نازادى بەرپىكخستى
بوونىكى باش و پېشەنگايەتەكى سەرکەوتوۋ بگەين و
لەو روہشەوہ رەخەندانى خۇمان دەدەين و كۆنگرە
ھەوتەمىنى پەژاك بە خەسارناسيەكى باش لەسەر كەند و
كۆسپەكان پرۆژە و پلاننىكى بەھىز بۆ سى سالى داھاتوۋ
لەپىناو خاۋەندارىتى لەئامانجەكانى شۆرشى ژن، ژيان،
نازادى دادەنىت.

پاشان؛ رېنمايى رېيەر ئاپۆ كە لە مانىفستۆ و
ھەلسەنگاندنەكانى رېيەر ئاپۆ ئامادە كرابوو، خوئندرايەوہ.
لەبەردەوامى بەرنامەكانى كۆنگرە؛ راپۆرتى دەستە
ھاوسەرۆكايەتى پېشكەشكرا.

لە راپۆرتى دەستە ھاوسەرۆكايەتى دا راوہستە لەسەر
كاروخەباتى چوارسالەى پەژاك كرابوو و پەنجە خرابووہ
سەر كەم و كوپرەكان لەماوہى ئەو چوار سالەى خەبات
و تىكۆشاندا و لەبەرامبەر سەر جەم كەم و كورتىەكانى
خەباتى ئەو چوار سالە رەخەندان پېشخرابوو.

پېويستە ۋەك ئەركىكى ئەخلاقى، سىياسى، مرۆفى ھەر كەسايەتەكى نازادىخوۋاز بىتتە دەنگى رېيەر ئاپۆ

لەدرېژەى ھەلسەنگاندن و گفتوگۆكانى كۆنگرە تىشك
خرايە سەر ئەوہى كە؛ رېيەر ئاپۆ بە تىكۆشانى خۆى
لەپەرەيەكى نوئى بۆ تىكۆشانى نازادىخوۋازى كوردەوہ
و لەسەر ئەو ئەساسە، مۆدېرنىتەى سەرمايەدارى و
سىستەمى دەولەت - نەتەوہ و كۆنەپەرستى ناوخۆى،
بە ھاوكارى يەكتەر، گەلەكۆمەيان دژى رېيەر ئاپۆ ئەنجام
دا و پفاندىان و لە بوارى جەستەيەوہ رېيەر ئاپۆيان لە
زىندانى ئىمرالى بەند كەرد و بە خەپالى ئەوہى كە ھزر
فەلسەفەى نازادى زىندانى بگەن و لە كۆتايىدا لە
ناوى بىن، بەلام رېيەر ئاپۆ لە زىندانى ئىمرالى تۋانى
پارادايگماى نازادى پەرە پىن بدات و بەجەماوہرى بكات و

بە ملىۋان كەس بىنە دەنگى نازادى بىرى نازادى رېيەر
ئاپۆ. بۆيە پېويستە ۋەك ئەركىكى ئەخلاقى، سىياسى،
مرۆفى ھەر كەسايەتەكى نازادىخوۋاز بىتتە دەنگى رېيەر
ئاپۆ و بۆ نازادى جەستەيى رېيەر ئاپۆ لە ناو ھەلمەتى
نازادى جەستەيى رېيەر ئاپۆ جى بگرت و دەبىت
ئەوہش بزاندن كە نازادى رېيەر ئاپۆ، بەواتاي نازادى
گەلى كورد و ئارامى لە ناوچەكە دى و تاكو رېيەر ئاپۆ
بە جەستەيى نازاد نەبىن، ناوچەكە ئارامى و نازادى بە
خۆيەوہ نابىنىت، بۆيە بىرار لەسەر ئەوہ درا كە پەژاك
بە ھەموو ھىزىوہ بەشدارى كارا لە دووھەمىن قۇناخى
كەمىنى نازادى جەستەيى رېيەر ئاپۆ و چارەسەرى پرسى
كورددا بكات.

لەبەردەوامى كۆنگرەكەدا لەسەر قۇناخى ھەنوۋەكى
راوہستە كراو و ئامازە بەوہ درا كە گەلى كورد و
تەفگەرى نازادىخوۋازى كورد لە قۇناخىكى ھەستىارى
مېژووويىدا ژيانى سىياسى دەباتە سەر و ئالوگۆرپەكان
بەخپرايى تىپەر دەبن. بە خوئندنەوہيەكى رىشەيى و
ستراتىك ۋەك بزوتنەوہيەكى نازادى بۆ ئەوہى لەگەل
پەوتى گۆرانكارى ناوچەكەدا بە شىۋازىكى زانستىانە
و شۆرشگېرانە لە بەرامبەر ھەموو كەند و كۆسپەكانى
سەردەم و پرۆژەكانى نەيارانى نازادى لە كۆنەپەرستى
و خۆفرۆشى و بەكرېگىراويى ناوخۆيەوہ بگرە ھەتاكوو
پىلانەكانى مۆدېرنىتەى سەرمايەدارى و ھەژمونگەرايى
سىستەمى دەولەت - نەتەوہ و شىۋازەكانى فىلېزى و
ھەلخەلەتتەرى مۆدېرنىتەى كاپىتالىستى و چلكاخۆرەكانى



مودېرنېتەى سەرمايەدارى بە تېروانىنى
نۆفولېرالىزم و لە دونىاي گلوبالدا،
حەرىستەى و بى ئەخلاق تر هەر دەم
بۆ وەدەستەينانى كاپىتالى زياتر و
دەستكەوتى سياسى، ئابورى، ستراتژىك و
ژىوپۆلتىك لە ناوچەكە، هەموو ئەكتەر
و هەژمونخوازانى بەشدار، بە هەموو
توانايانەو لە چەوساندنەو و وپران
کردنى ئەخلاق، سرووشت و كۆمەلگە،
كىپرکىيەكى بىويزدانانە بەرپۆە دەبەن

نىشتمانفرۆش، سەرکەوتوانە ئەركى خۆى راپەرنىت.

شەرى جىهانى سېهەم لە لاىەن ئەكتەرانى جىاواز بە
ناوەندى كوردستانەو بەرپۆە دەچىت

جىهانى لە شەرىكى بى ئەماندا لە سەر حىسابى گەلانى
ناوچەكە هەموو هۆقىتى خۆيان تاقي دەكەنەو.

سەبارەت بە رەوشى ئىستاكەى رژىمى داگىركەرى
ئىران لەكۆنگرەدا تىشك خرايە سەر ئەوەى كە ئىران
وەك ئەكتەرىكى سەرەكى رۆلىكى كاريگەرى لە سەر
گۆرانكارىەكان هەيە. سياسەتى ئىران بۆ دەرهو لە
چوارچىوەى مەشغول كەردنى زلەيزانى جىهانى بوو و
لە ناوخۆى ئىرانىشدا يەكەست كەردنى دەسەلات و
سەركوتى بېرەحمانەى گەل لە ناوخۆى ئىراندا بوو. بەو
هۆكارانە و بە كۆمەلگەى هۆكارىتر، دىتمان سەرەلەدان
لە ئىران بەردەوام هەبوو لە دژى دىكتاتۆرىەت و
بەرپۆەبردنى مافىاي حاكمىەت. بۆيە بەو سياسەتەى
هەمىشە هەولى داوە كە تەمەنى خۆى درىژ بكتاەو و
ئەووش وەك دەرفەتتىك بۆ لەناو بردنى هيزە دژبەرەكانى
خۆى كەلكى لى وەرەگىرت.

بىويستە شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى وەك پىنسانسىكى

هزرى و فكرى بىنرپت

لەهەمانكاتدا لەسەر شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى تىشك
خرايە سەر تپنەگەيشتنى رژىمى ئىران لەناوەرۆكى
ئەو شۆرشە كە نەيتوانىوو بەشپۆەيەكى ئەرنى وەك
دەرفەتتىك هەلپسەنگىنپت و باس كرا؛ شۆرشى ژن، ژيان،
ئازادى ئىرادەى گەلانى ئىرانى بۆ ئازادى نىشان دا و
ئەم شۆرشە گەرچى دەسەلاتدارانى ئىران بە شپۆازى

مودېرنېتەى سەرمايەدارى بە تېروانىنى نۆفولېرالىزم و
لە دونىاي گلوبالدا، حەرىستەى و بى ئەخلاق تر هەر دەم
بۆ وەدەستەينانى كاپىتالى زياتر و دەستكەوتى سياسى،
ئابورى، ستراتژىك و ژىوپۆلتىك لە ناوچەكە، هەموو
ئەكتەر و هەژمونخوازانى بەشدار، بە هەموو توانايانەو
لە چەوساندنەو و وپران كەردنى ئەخلاق، سرووشت
و كۆمەلگە، كىپرکىيەكى بىويزدانانە بەرپۆە دەبەن.
گلوباليزم بە كەلك وەرگرتن لە دىجىتال مېدىا و هەموو
كەرەستەكانى سەردەم دەكەونە ناو مېشك و ژيانى تاك
و دەخوازن كاراكتەرى مرفاىەتى بە نۆرمى خۆيان فۆرم
بدەنەو و لە چوارچىوەى سياسەت و بەرژەوەندى كاپىتال
كەلكى لپۆەربگرن، بە واتايەكى تر، كۆلتور و شپۆازى
ژياتىكى نامۆ بەسەر كۆمەلگەدا بسەپىنن.

دەستپۆەردان و يارمەتيدانى كۆمەلگە بۆ بە نامۆبوون
بە بەها بەنرخەكانى مرفۆ، يەكىك لە كەرەستە
قېزەونەكانى نۆفولېرالىزمى سەردەمە، واتە شەرىكى
بەرفراوان لە هەموو گۆرەپان و بوارىكەو بەرپۆە دەچىت.
شەرى جىهانى سېهەم لە لاىەن ئەكتەرانى جىاواز بە
ناوەندى كوردستانەو بەرپۆە دەچىت، هەژمونگەرايى
دەولەت - نەتەو، ئەكتەران و هەژمونخوازانى گلوباليزمى

زۆر ھۆقانه له بهرا به ريدا وه ستاونه ته وه، به لام پيوسته شورشی ژن، ژيان، ئازادی وهک پینسانسیکی هزری و فکری بینریت و ستراتیژیک نرخاندنی له سهر بکریت. ده توانین بلین دهسه لاتدارانی ئیران تا کوتا ناتوانن گهلانی ئیران به کوت و زنجیر بکیشن و سه روکوتی بکهن.

ئیران سیستمیکی ئایدۆلۆژیکی، تۆتالیتهر و دیکتاتۆره و به هوی کاراکتهری ئایدۆلۆژیکی خوی به هه موو فیل و ته له که بازی سیاسی - دینی و له سهر گوهر پانی سیاسیدا بو مانه وهی که لک وهرده گریت و ده توانیت به روکشی خوی بگوړیت، به لام نیازی نییه که له ناوه روک و گه وه ردا له پیناو دیموکراتیزه کردنی ولات بچوکتین ئالوگوپری دیموکراتی ئه نجام بدات.

سه بارهت به یه کگرتوویی گه لی کورد و نه بوونی یه کرپزی و یه کگرتوویی و دوخی سیاسی؛ کۆنگره په یامی دا که یه کنه گرتویی کورد هۆکاری میژوویی هه یه، به لام بلاوکردنی وزه ی کورد به شیوازیکی هه ده فمهند له لایه ن دهسه لاتدارانی ده ولتهت - نه ته وه و به یارمه تی مۆدیرنیه تی سه رمایه داری، هه ده فمهند کارا کراوه و ئه و ناوه نده یان بو پاراستنی سیستمی ده ولتهت - نه ته وه راده ستی بنه ماله یه ک کردوه و وهک ئهرک و مسیونی میژوویی چاویان لی کردوه. خو فرۆشی و نیشتمان فرۆشی له میژوی کوردستاندا وهک خوهر، وزه و توانای پیشکوه تنی گرتووه و بووه ته ناموریک به ده ست سیستمی داگیرکهری کوردستان. ئه و خیانته ته له لایه ن بنه ماله ی بارزانیه وه خه ریکه نورمالیزه ده کریت و به ناوی کورد و کوردستان به شیوازیکی قه لب، ده رخواردی کۆمه لگه ی کوردی

ده ده نه وه. ئه و بنه ماله یه له کانالی پارتی دیموکراتی کوردستان و هاوکاری سیستمی ده ولتهت - نه ته وه و داگیرکهرانی سهر کوردستان، وهک ئامرازیکی به هیز و کارا بو ته سفیه ی روخی شوپشگی پری تاک و نه حزابی سیاسی کوردستان، که لکی لیوهر ده گیریت. بویه یه کگرتنی گه لی کورد به باشترین بژارده و ده رفه تی زپین پیناسه کرا که ده توانی سه رجه م پیلان و مه ترسیه کانی سهر گه لی کورد پووچه ل بکاته وه و زامنی ئازادی گه لی کورد و کوردستان بیته.

بنه ماله ی بارزانی و حکومتی هه ریم به شدارن له ته سفیه کردنی پاره تکانی روژه لات

له کۆنگره دا تیشک خرایه سهر ئه و مه ترسیانه ی که رووبه رووی گه لی کورد بووه ته وه و ئامازه به وه درا که داگیرکهرانی کوردستان به ده ستپیشخه ری هه ر دوو ده ولته تی داگیرکهری ئیران و تورکیا به هاوکاری بنه ماله ی بارزانی هه ولده ن بزوتنه وه ی ئازادبخواری کوردستان ته سفیه بکهن و کورد بی پاراستن به یلنه وه. پیلانه کان به گشتی له سهر بزوتنه وه ی ئازادی کوردستان و به تاییهت له پیناو لاواز کردن و ته سلیم وه رگرتنی ئیراده ی نه به ز و پۆلانی په ژاکه که به پی ئه وه په ژاک تیکۆشانی خوی به هیزتر ده کات.

بویه ئامازه به و ئه گه رانه کرا که له ئیستادا هاوپه یمانی نیوان تورکیا و ئیران له دژی ته فگه ری ئازادبخواری کوردستان توختر بیته و هه ولدانه کانیان

شورشی ژن، ژيان، ئازادی ئیراده ی
گهلانی ئیرانی بو ئازادی نیشان دا
و ئه م شوپشه گه رچی دهسه لاتدارانی
ئیران به شیوازی زۆر ھۆقانه له
بهرا به ريدا وه ستاونه ته وه، به لام
پیوسته شورشی ژن، ژيان، ئازادی
وهک پینسانسیکی هزری و فکری
بینریت و ستراتیژیک نرخاندنی له
سهر بکریت



له دژى گهلى كورد چرتر بېتهوه. رژىمى ئيران سهرقالتى
ئوهويه كه پارت و لايه نه سياسيه كانى رۇژه لاتى
كوردستان به شيوازيكى سياسي - ديپلوماتيك بىكارىگه
بكات و بۇ ئه و پرۇژه يه ش له په يوه ندى له گه ل ئيراو و
حكومه تى هه رىم و به تاييه ت بنه ماله ي بارزانى ده يه وي ت
بيخاته بوارى جي به جى كرده وه.

سياسه ته كانى ده وله تى فاشيستى ده وله تى توركياش
ئاماژه ي پيدرا كه ئه و رژىم پيدرا گره له سه ر قركردنى
گه لى كورد و ئامانجى توركي دژايه تى له دژى هه موو
ده سته كتوتى گه لى كورد له سه رجه م به شه كانى كوردستانه.
بۇيه پرۇژانه ده وله تى فاشيستى توركي به درۇن هيرش
ده كاته سه ر هيزه كانى په ژاك و ده خوازيت خزمه تى
راسته وخۇ ئيران بكات و له به رامبه ردا بۇ لاواز كردنى
بزوتنه وه ي ئازادى به شيوازي جياواز هاونا هه نكيان هه يه.
هاواكارى و دژايه تى توركي و ئيران له سه ر پرسى كورد
له ميژووى گه له كه مان شاراو ه نيه و تاقى كراوه ته وه
و به هه موو هيزيانه وه له دژى هه ر جوره مافيكى
ديموكراتيكن بۇ گه لى كورد.

په ژاك بۇ چاره سهرى پرسى كورد له رۇژه لاتى كوردستان خاوه ن پرۇژه و به رنامه ي تاييه ته

له كۇنگره ده له سه ر رۇل و به رپرسىارى په ژاك
هه لسه نگاندىن كرا كه پيوسته په ژاك به شيوازيكى
جه ماوه ريانه تر و به هيزتر خاوه نداريتى له شوپشى ژن،
ژيان، ئازادى بكات كه سه رچاوه ي شوپشه كه له سه ر
بنه ماي هزرى ريبه ر ئاپووه به رپا بووه. له و پيناوه دا
بۇ ئه وه ي نرخ و به هاكانى شوپش پاريزراو بن، په ژاك
پنكه پنانى به ره ي ديموكراتيكى گه لان و يه كيتى و يه كپيزى
گه لى كورد ده كاته ئامانجى تيكوشانى و به و پييه ئاستى
تيكوشانى خوى به هيزتر ده كات. هاواكات له پيناو ئازادى
كوردستان و ديموكراتيزه كردنى ئيران په ره به تيكوشانى
ره واى خوى ده دات.

بۇيه په ژاك پرۇژه و به رنامه ي تاييه تى بۇ چاره سهرى
پرسى كورد و ديموكراتيزه كردنى ئيران ده بيت و به پرۇژه ي
خۇبه رپوه به رى و كۇنفيدراليزمى ديموكراتيك ده يه وي ت
سه رجه م پرسه كه له كه كراوه كانى ناوخوى ئيران چاره سه ر
بكات و له سه ر ئه ساسى خۇبه رپوه به رى ديموكراتيك،

ئو و گه لانه خو به رپيخستن بكه ن. بۇ ئه وه ي پارادايمى
ئازادى سنوره كان ده رباز بكات. گرنگه تيكوشان بكرىت
كه فكر و فه لسه فه ي ئاپويى له بوارى ئايدولۇژيكه وه
بگاته هه موو به شه كانيتى ئيران و نه ته وه كانيتى ئيران
به ئايدولۇژى ئاپويى ئاشنابن و خويان له م چوارچيوه يه دا
به رپيخستن بكه ن.

بۇيه له كۇنگره ده تيشك خرايه سه ر ئه وه ي كه؛ ئه م
كۇنگره يه، كۇنگره ي گۇراناكارى و ئالوگۇپيه و هاواكات
ده بيته هه نكاويكى به هيز بۇ خۇگه ياندىن بۇ ناو
جه ماوه رى رۇژه لات و ئيران.

هاواكات له كۇنگره دا تيشك خرايه سه ر رۇل و
به رپرسىارى گه نجان و ئاماژه به وه درا كه گه نج دايناموى
به گه رخشتنى كۆمه لگه يه و بزوينه رى رۇحى شوپشگيرى
و راديكاليزمه. گه نجان پيوسته به شيوازيكى به هيز و
جه ماوه ريانه خويان به ريخستن بكه نه وه و كه لك له و
ماته وزه به رفراروانه ي گه نجانى رۇژه لات وه ربگرن. بۇ
ئه وه ي گه نجانى رۇژه لات كاناليزه ي خه باتى بزوتنه وه ي
ئازادى رۇژه لات بن و له سه ر پارادايمى ريبه ر ئاپو
خه باته كه يان بيته ناوه ندى و مۇنۇرى رۇحى شوپشگيرى
و تيكوشان به دژى ديكتاتورى و داگيركارى. به هيز بونى
گه نجان له رۇژه لاتى كوردستان واتاي به هيز بونى
هه موو خه باتى بزوتنه وه ي ئازادى خوازيبه.

له به شيكى ديكه ي كۇنگره ده هه لسه نگاندىن له سه ر
ئه وه كرا كه په ژاك پارتى ژن ژيان ئازاديبه و ژنان رۇلى
پيشه نكايبه تى له ناو په ژاك دا ده گيرن. هاواكات په ژاك
له سه ر بنه ماي هيللى ئازادى ژن تيكوشانى خوى به هيزتر
ده كات و به پيشخستن مۇدليلى هاوسه روكايه تى و به
بنه ماگرتنى يه كسانى نيوان ژن و پياو ره وتيكي نوپى
تيكوشان له ئيران و رۇژه لاتى كوردستان په ره پى ده دات.
پيناسه ي ئه وه كرا كه سه رچاوه ي هه موو كيشه كانى
ناوخوى ئيران پابه ندى چاره سهرى پرسى ژنه. بۇيه
ليگه رپنى ژنان زياتر له هه ر پيكه اته يه ك له ناو خوى ئيران
زياتره و شوپشيك له ئيران و رۇژه لاتى كوردستان به رپا
بووه به پيشه نكايبه تى ژن و به درووشمى ژن ژيان ئازادى
به رپوه ده چي ت، ئه وه ش له گه ل فه لسه فه و سياسي ته
په ژاك گونجاوه كه ده توانريت ويست و داخوازيه كانى
كۆمه لگا به دى بيتت.

له به شى ديكه ي كۇنگره ده تيشك خرايه سه ر كار

و خهباتی میدیایی که ده بیټ له‌بواری راگه‌یاندنید،
راوه‌سته له‌سەر پیکهټنانی راگه‌یاندنټیکی به‌هیز بکرټ
و راگه‌یاندن به‌رده‌وام پیوستی به‌خو نوژن کردنه‌وه
هه‌یه و له‌گه‌ل پوهتی پیشکه‌وتنی ته‌کنولۆژی که‌لک له
ئامیر و ته‌کنیکی نوټی سهرده‌م بگرن.

هه‌روه‌ها سه‌باره‌ت به‌کار و خهباتی چاند و
هونه‌ریش ئاماژه‌به‌وه‌درا که له به‌شی کولتوری چاند
و موسیقا وردتر بیته‌وه و ناسینټیکی بنگه‌یی و جه‌وه‌ری
هه‌بیټ له میژووی موسیقا و کولتور و چاندی رۆژه‌لاتی
کوردستان و به‌شیوازیک زانستیان به‌ئهم‌بواره‌پلان و
به‌رنامه‌ی خوټی به‌وه‌پټ ده‌دات.

له‌به‌شیکی دیکه‌ی هه‌لسه‌نگاندنه‌کانی کۆنگره‌دا
تیشک خرایه سهر هیزی پاراستنی ره‌وا و ئاماژه‌به‌وه
درا؛ ستونټیکی به‌هیزی بزوتنه‌وه‌ی ئازادی، هیزی پاراستنی
ره‌واپه. ئەو به‌شه له خهباتی ئیمه‌ئه‌ریکی میژووی له
سهر شانه و له هه‌ندیک قوناخی هه‌ستیار و دیرۆکیدا
ده‌توانیت ئه‌رکی سهرشانی خوټی به‌شیوازیک به‌رپوه
بیات که بیته‌هیز و پشتیوان بۆ به‌شه‌کانی تری
ریکخستن. هاوکات پیوسته‌پاراستنی ره‌وا، ریکخستن
خوټی به‌شیوازی جیواز له ناو گه‌لدا دروست بکات و
له کاتی پیوست ئەم به‌شه، چالاکانه ئه‌رکه‌کانی خوټی
راپه‌رټینټ.

له‌کۆنگره‌دا له‌سهر کار و خهباتی په‌ژاک له‌ئه‌وروپاش
راوه‌سته کرا و ئاماژه‌به‌وه‌درا که خهباتی ئه‌وروپا
پارچه‌یه‌ک له ریکخستن په‌ژاکه و ئه‌وه‌ش زه‌مینه‌یه‌کی
نوټی و پشتیوانییه‌کی کارای ئەو بزوتنه‌وه‌یه، بۆیه
پیوسته‌گرنگی به‌خهباتی هه‌نده‌ران بدرټ و بیته
پشتیوان و ته‌واوکه‌ری خهباتی ئیوخوټی ولات. په‌ژاک له
هه‌نده‌ران پیوسته به‌جددی راهه‌سته له سهر خهباتی
په‌روه‌ده بکات و له سهر به‌ریکخستن کردنی جه‌وانان کار
بکات و په‌روه‌ده‌ی تایه‌ت به‌جه‌وانان له ئەوله‌وه‌یه‌تی
دابټت. هاوکات هه‌ولټی ریکخستن کردنی سهرجه‌م ئەو
گه‌نج و ژنانه‌بدات که روویان له‌هه‌نده‌ران کردووه.

هاوسه‌رۆک و ئەندامانی مه‌جلیسی په‌ژاک گۆردران

دوای گه‌توگۆیه‌کی تیروته‌سلی سټی رۆژه و له‌سهر بریار
و راسپارده‌کان و ئه‌ری کردنی په‌په‌وه و پرۆگرامی کۆنگره‌ی

رابردوو و کۆنگره‌ی هه‌وته‌م، و هه‌لټادنی هاوسه‌رۆکابه‌تی
نوټی هه‌فالان "ئهمیر که‌ریمی و په‌یمان فیان" و ۱۸ ئەندامی
مه‌جلیس که به‌شیوه‌ی یه‌کسان پیکه‌تابوو له‌ژن و پیاو له
کۆنگره‌دا هه‌لټا‌بێردران. له‌کوټایی کۆنگره‌دا وته‌ی کوټایی
له‌لایه‌ن هاوسه‌رۆکی نوټی په‌ژاک هه‌فال (په‌یمان فیان)
پیشکه‌ش کرا و کۆنگره‌که‌ی به‌کۆنگره‌یه‌کی سه‌رکه‌وتوو
به‌ناوکرد که له‌قوناخیکی هه‌ستیار میژوویدا به‌رپوه
چوو و کۆنگره‌ی له‌ریبه‌ر ئاپۆ، بنه‌ماله‌ی شه‌هیدان و
هه‌فالان و گه‌لی کورد له‌رۆژه‌لاتی کوردستان و سهرجه‌م
گه‌لانی ئیران و هه‌فالان پیروژ کرد و به‌لټینی ئەوه‌ی دا
که به‌هه‌موو هیز و توانایانه‌وه له‌پیناو جیبه‌جی کردنی
سهرجه‌م بریار و به‌رنامه‌کانی کۆنگره‌ی هه‌وته‌می په‌ژاک
تیکۆشن.

کۆنگره به‌دروشمی بژی ریبه‌ر ئاپۆ، بټی ریبه‌ر ژیان
نابټت، ژن، ژیان، ئازادی و شه‌هید نامرټ کوټایی هات.

په‌ژاک پرۆژه و به‌رنامه‌ی تایه‌تی
بۆ چاره‌سه‌ری پرسى کورد و
دیموکراتیزه‌کردنی ئیران ده‌بیټ و به
پرۆژه‌ی خو‌به‌رپوه‌به‌ری و کۆنفیدرالیزمی
دیموکراتیک ده‌یه‌ویټ سهرجه‌م پرسه
که‌له‌که‌کراوه‌کانی ناوخوټی ئیران چاره‌سه‌ر
بکات و له سهر ئەساسی خو‌به‌رپوه‌به‌ری
دیموکراتیک، ئەو گه‌لانه‌خو‌به‌ریکخستن
بکه‌ن. بۆ ئەوه‌ی پارادایمی ئازادی
سنوره‌کان ده‌رباز بکات. گرنگه‌تیکۆشان
بکرټ که فکر و فه‌لسه‌فه‌ی ئاپۆیی
له‌بواری ئایدۆلۆژیکه‌وه‌بگاته‌هه‌موو
به‌شه‌کانیتری ئیران و نه‌ته‌وه‌کانیتری ئیران
به‌ئایدۆلۆژی ئاپۆیی ئاشنابن و خوټیان
له‌م چوارچۆیه‌دا به‌ریکخستن بکه‌ن

ژن بنه‌مای پارادیگمای تیکۆشانى په‌ژاکه

کله نوژین بیریتان

کاراکته‌ر و ده‌گمه‌نبوونیکى زۆر و به‌ربلاوه. له‌مه‌موو روویه‌که‌وه، هه‌ر له‌بوارى شیوه و چاند و فیزیکیه‌وه بگره‌ تا‌غهرایزى له‌چوارچێوه‌ى به‌رژه‌وه‌ندى و قازانج و یستیه‌وه ئاراسته و فۆرمى پێ‌ ده‌دریٲ. له‌لایه‌كى تر؛ به‌ره‌به‌كى خۆراگرانه له‌ئارادایه. به‌ره‌به‌كه كه به‌شیوه‌به‌كى خۆپسك هه‌لده‌كشێ و پێشده‌كه‌وێٲ و تۆكمه و به‌هێز ده‌بێٲ و یه‌كده‌گرن و ژن بووه‌ته‌ ناوه‌ندى ئەم به‌ره‌به. پارته‌كه كه له‌سه‌ر ئەساس و بنه‌مای پارادایمى ئیكۆلۆژى، سیاسى، ئەخلاقى، دیموكراسى دامه‌زراره، به‌مسۆگه‌ر ناتوانیٲ بێ هه‌لۆیست بیٲ و به‌به‌رپرسیاریه‌تیه‌وه نزیك ئەوه راستیه‌ ده‌بیٲه‌وه هه‌لۆیست نیشان ده‌دات. واتا ده‌بیٲ له‌چوارچێوه‌ى دیموكراسى و ئازادیدا رۆلى پێشه‌نگایه‌تى خۆى بگێرٲ. به‌دریٲایى ته‌مه‌نى خۆى و له‌ماوه‌ى ئەم سال و نیوه‌ى به‌سه‌ر شۆرشى ژن، ژبان، ئازادیدا تپه‌ر ده‌بیٲ، په‌ژاك خۆى به‌به‌رپرس بینیه. له‌به‌رامبه‌ر به‌داواكارى خۆپنڊكاران، پێشه‌وه‌ران، گه‌نجان و ژنان و مامۆستایان و خانه‌نشینان و هونه‌رمه‌ندان و باوه‌رمه‌ندان و کارکه‌راندا خاوه‌ن هه‌لۆیستی نه‌گۆر له‌ئێران و رۆژه‌لاتى کوردستان بووه، به‌تایبه‌ت وه‌ك

کۆنگره‌ى حه‌وته‌مى په‌ژاك له‌قۆناخى زۆر هه‌ستیار و میژوویى و به‌شیوه‌یه‌كى ئاگاهانه و سه‌رده‌میانه به‌ری‌وه‌ چوو و ماوه‌یه‌كى زۆر ئاماده‌کارى بو‌ کرا بوو. ره‌خنه‌کانى کۆمه‌لگه و ژنان و داواکاریه‌کانیان له‌سه‌ر کاروخه‌باتمان به‌شیوه‌یه‌كى ئازادبخوازانه و دیموکراتیخوازانه به‌بنه‌ما وه‌رده‌گرین و ده‌یانکه‌ینه هێز و وه‌ له‌کاروخه‌باتى خۆماندا و له‌سه‌ر ئەوه بنه‌مایه کاروخه‌باتمان به‌ره‌و پێ‌ ده‌ده‌ین و فراوانى ده‌که‌ین و پێشى ده‌خه‌ین. له‌وه‌ باوه‌رپه‌شداين كه ويست و داواكارى کۆمه‌لگه له‌سه‌ر بنه‌مای هیل و ریبازى ئازاده و له‌سه‌ر بنه‌مای دیموکراسیه و به‌شیوه‌یه‌كى ئاگاهانه و پلان بو‌ دارێژراو پیکدین و ئیمه‌ش وه‌ك په‌ژاك به‌نزیکیونه‌ویه‌كى به‌و شیوه‌یه‌ به‌ره‌و به‌ستنى کۆنگره‌ى حه‌وته‌مین چووین. کۆنگره‌ى حه‌وته‌م له‌دۆخیکى زۆر هه‌ستیارى میژوویى به‌ری‌وه‌ چوو، نه‌ ته‌نیا بو‌ گه‌لى کورد، بو‌ هه‌موو گه‌لانى دنیا، بو‌ ژنان كه له‌ دۆخیکى قه‌یرانواى و کۆمه‌لکۆژیدا ده‌ژین به‌هه‌مانشپۆه بوو. له‌لایه‌كى تر دۆخیکى چاره‌نووسازیش بوو. ئەوه دۆخه‌ى سه‌ر ژنان له‌ئاستى له‌ناوچوون و سه‌پاندىکه و وه‌ك شه‌رپك له‌ئارادایه.



ناوهندی ټه شوړشه كه گه‌شهی ستاند و بوو‌ته وره و هیزیکي گه‌وره‌ی داو‌ته به‌ره‌ی دیموکراسی و نازاد‌خواری له‌دنیادا، ټیمه ناتوانین بئ هه‌لویتست و بئ ده‌نگدان‌هوه بین. له‌به‌ر ټه هوپانه به‌پیوستیمان بینی كه كۆنگره وهك دامه‌زراو‌ه‌یه‌کی هه‌ره ب‌لند له‌ریكخستن و پارتیماندا كه ئاستی پریار و پیشه‌نگه بؤ سه‌ره‌ل‌نوئ به‌شداربوونه‌وه به‌ستین. هه‌لبه‌ته به‌دروشمی ژن، ژیان، نازادی كوردستان نازاد ده‌ك‌ین و نه‌ته‌وه‌ی دیموکراتیک بونیاد ده‌نیین، كۆنگره‌كه‌مان به‌رپوه‌برد. ټهم دروشمه فه‌لسه‌فیه بوو به‌هیئلی كۆنگره‌كه‌مان و بؤ ټه‌وه‌ی بینه وه‌لامد‌ه‌ری ټه‌و راستیه و ټه‌و شوړشه‌ی كه گه‌ل له ټیران و رۆژه‌لاتی كوردستاندا به‌رپایان‌كردوه و له‌به‌رامبه‌ر به‌مه‌ترسه‌یه‌كان ده‌ست و په‌نجه نه‌رم ده‌ك‌ن، ټیمه‌ش به‌و دروشمه هئلی كۆنگره‌كه‌مان دیاری كرد. بویه‌ش ټیمه وه‌ك هیزیکي پیشه‌نگ كه‌م و كوپیه‌كانی خو‌مان ده‌بینین و هه‌لسه‌نگاند‌مان له‌سه‌ركرد و بؤ ټپه‌راندنی؛ به‌رنامه و پرۆژه‌مان له‌سه‌ر دارشت.

ده‌بیت گه‌ل پالپشتی پارت‌ه شوړشگپه‌كه‌ی بیت

له‌راستیدا په‌ژاك وه‌ك كه‌لتوریكی ئاپویی، ریكخستن‌ی و ټیكۆشانی شوړشگپه‌رانه، كه‌لتوری ره‌خنه و ره‌خنه‌دان وه‌ك پره‌نسیپك ده‌بینیت. ټهمه‌ش وه‌ك ټه‌سل و ټه‌ساس و بنه‌مای ټیكۆشانه كه ره‌خنه وه‌ك میكانیزمیكی به‌هیزكردن و خو‌نوئ كردن ره‌خنه‌دان ده‌گرپته ده‌ست و وه‌ك جه‌ساره‌ټیك سه‌یری ده‌كات. ټهمه‌ش چاندیکي ئاپویی. به‌جه‌ساره‌ته‌وه بؤ راوه‌سته‌كردن له‌سه‌ر ره‌خنه و ټپه‌راندنی كیشه‌كان ده‌نرخپزین. ټیمه كه‌م و كوپیه‌كانی خو‌مانان بینیه‌ته‌وه و ریزبه‌ندیمان كروون و له‌به‌رامبه‌ر به‌ره‌خنه‌كانی كۆمه‌لگه و ټه‌و ره‌خنانه‌ی ناراسته‌ی ټیمه‌یان كرده‌وو، له‌سه‌ر ئاستی به‌شداربوومان له‌ شوړش و راپه‌رینه‌كانی شوړشی ژن، ژیان، نازادیدا راوه‌سته‌مان كرد. كۆمه‌لگه‌چاوه‌روانیه‌کی هه‌بوو، به‌تابیه‌تی گه‌لی كورد و ژنان. به‌لام به‌پیی پیوست نه‌بووینه‌ته وه‌لامد‌ه‌وه‌ی قو‌ناخه‌كه و داواكاریه‌كانی گه‌ل. ټهمه له‌سه‌ر ئاستی كادری پیشه‌نگ و شوړشگپه‌راند چاندیکه و پیوسته خو‌مان جاریکي تر له‌به‌رچاوان ده‌رباز بكه‌ین. له‌هه‌مانكاتدا هه‌ندئ راستی كۆمه‌لگه‌شمان بینی كه چپه‌گی هه‌لوه‌سته له‌سه‌ر كرددن و ره‌خنه‌كردنه. ده‌بئ بزاین كه هیزیکي رادیکال و شوړشگپه‌ر، چهنده رادیکال و به‌هیز بیت، وه‌ك هه‌لویتست و روانگی، ټهمه‌شمان دیار كرد. ئایا چهنده پالپشتی گه‌ل و چهنده سه‌رده‌میانه له‌گه‌ل راستیه‌كاندا

هه‌نگاو ده‌بیت، به‌شپوه‌یه‌کی پراكتیکي ټه‌مه‌ی دیار كرده. به‌لام چهنده‌ش ټه‌و راستیانه‌ی له‌به‌رچاوبیت، به‌لام ټه‌گه‌ر كۆمه‌لگه‌یه‌کی شوړشگپه‌ر له‌گه‌لیدا نه‌بیت، ټه‌وا ده‌بئ كه ټه‌و پو‌تانسیله‌ی شوړش به‌لاریدا بچیت، بویه ده‌بیت كۆمه‌لگه‌ش ټهم راستیانه بینیت و هه‌لومه‌رجیک كه گه‌ریلای ټیدا ده‌ژی ده‌رك بكات و وه‌ك ئیراده‌یه‌کی ټیكۆشان و به‌ریكخستن‌كراو و پاراستنی و له‌و كاراكت‌ه‌ره‌چاوه‌روانیه‌بیته‌وه‌وه و بتوانیت هاوشان له‌گه‌ل پارت‌ه پیشه‌نگه‌كه‌ی كه بانگه‌شه‌ی پیشه‌نگایه‌تی و پراكتیکي دیاره و له‌سه‌ر ټه‌و بانگه‌شه‌یه به‌سه‌دان گه‌نج و ژن و قوربانیان داوه، خو‌شی له‌ناو ټه‌و بزافه‌دا بینیته‌وه و پشتیوانی و خاوه‌نداریه‌تی لیبكات و بتوانیت پرۆژه و به‌رنامه‌كانی چاودیری بكات. له‌خو‌ی پرسیار بكات كه ئایا به‌راستی په‌ژاك بانگه‌شه‌ی هه‌یه، ئایا نرخیكی داوه، پراكتیک و ټه‌زمونی هه‌یه، خاوه‌ن نرخانندن و كه‌لتوریكی ئایدۆلوژی و سیاسی، به‌رپوه‌به‌ری و ریكخستنیه و ټه‌وه‌ی كه ده‌لئ پیکدینیت.

ژن بنه‌مای پارادایمی ټیكۆشانی په‌ژاكه

هئلی ژن كه بنه‌مای پارادایمه‌كه‌یه ئایا به‌راستی له‌بواری پراكتیکي به‌كردوه ده‌كریت، چه له‌بواری پاراستنی، له مه‌جلیسی به‌رپوه‌بردن و هاوسه‌روكایه‌تیدا، له‌ئاستی ئایدۆلوژی و له‌سه‌ر ئاستی به‌ریكخستن‌كردنی كۆمه‌لگه‌دا و... هتد. له‌ئاستی به‌رپوه‌به‌رایه‌تیدا. به‌گشتی هه‌م له‌سه‌ر ئاستی گشتی و هه‌م له‌سه‌ر ئاستی تابه‌تدا ژن رۆل‌یکي به‌رچاوی هه‌یه. هاوكات ټهمه ټیكۆشانیکه كه گورانکاری له‌كه‌سایه‌تی پیاویشدا پیکدینیت. پیاو روانگی

په‌ژاك وه‌ك كه‌لتوریكی ئاپویی، ریكخستن‌ی و ټیكۆشانی شوړشگپه‌رانه، كه‌لتوری ره‌خنه و ره‌خنه‌دان وه‌ك پره‌نسیپك ده‌بینیت. ټهمه‌ش وه‌ك ټه‌سل و ټه‌ساس و بنه‌مای ټیكۆشانه كه ره‌خنه وه‌ك میكانیزمیكی به‌هیزكردن و خو‌نوئ كردن ره‌خنه‌دان ده‌گرپته ده‌ست و وه‌ك جه‌ساره‌ټیك سه‌یری ده‌كات. ټهمه‌ش چاندیکي ئاپویی. به‌جه‌ساره‌ته‌وه بؤ راوه‌سته‌كردن له‌سه‌ر ره‌خنه و ټپه‌راندنی كیشه‌كان ده‌نرخپزین

بۆ ئىكۆلۆژى، ئابورى، ژن، بۆ چاره سەرکردى كېشە كانى كۆمەلگە، بۆ شەپ و ئاشتى، بۆ رېئوبەردن، دەگۆردىت. پەژاك ئەمانە ھەمووى لەيەك ئاراستە و ئاستدا بەرپوۋە دەبات. بۆيەش كۆنگرە ھەم رەخنە لەخۇگرتنىك بوو ھەم بەخۇداچوونەو ھەروەھا تېمە ئەركمان ئەوئەيە كە كۆمەلگە لەبەرامبەر بەراستىە كانى خۇشى ھۆشيار بکەينەو. واتا كەم و كورپە كانى كۆمەلگە شمان ھەلسەنگاند كە ئاخۇ بۆشايبە كان لەكوئى بوون، كۆمەلگە دەبىت چۆن بىت، ئەگەر كۆمەلگە جارېكى تر لەو ئاستەدا نەبى ئەو شمان جارېكى تر وەك كەم و كورپى خۇمان نرخاند و خويىندەو ھەمان بۆ كرد. وەك پەژاك خاوەن ھېزىكى ئايدۆلۆژى، ھىزرى و فەلسەفى و بەرېكخستىن، بۆيەش دەبىت لەرووى سەرراستكردن و پېشەنگايە تېشدا رۆل بگېرىن. بۆ چاره سەرکردى ئەوانەش ديسانەو ئەو ھېزەمان ھەيە و وەك رەخنەدان و بەخۇدا چوونەو ھەرتەو دەست و بەرنامەيەكى نويمان دارپشت. بەرنامەيەكى پراكتىكى و وردىين، بەشپوۋەيەك كە ھەر بەش و دامەزراوئەيەك لەناو پارتهكەماندا خاوەن چە ئەركىكە و دەبىت چۆن ئەركە كانى پراكتىزە بكات. لەھەمانكات ئەو ئەركانەي جىبەجى نەكراون چىن و دەبىت چۆن چاودىرى و بەدواداچوونيان بۆ بگرت، ئەمانە و زۆر لايەنى كاروخەبتمان ھەلسەنگاند. بەرنامە و پرۆژەي نوئى و برپارى نوئى گىران. بە بەرنامە كانى پېشوتترماندا چوونەو ھەم بەوردى لايەنە كەم و كورپە كان، لايەنە ساكار و ئەستەمە كانىمان شروڤە كرد و رېگەي تېپەراندن و چاره سەررېمان ديارى كرد و بەرنامە و پرۆژەي نوئى وەرگىران.

ئىگومان رۆلى پرسى ژن و چاره سەرى كېشە كان وەك ھېلىك تەوهرى بنگەيى كۆنگرە بوو. پرسى ژن ھەم ناوئەند و ھەم دياركەر بوو، تەنانەت لەسەر ئاستى كۆمەلگەش وەھايە، بەتايىبەتى لەسەر ئاستى بەرېكخستىنكردنى كۆمەلگەدا. ئەو راستىەكە ئەو شۆرشە ھەر لەئارادايە و كالى نەبووئەو ھەم تەنيا رېگە و رېبازە كانى خۇي گۆرپوۋە ھەرچۆن كۆمەلگەش گۆرانكارى بەسەردا دى. تېمە لەو باوئەرداين كە لە ھەر قۇناختىدا بەشپوۋەيەك لەشپوۋە كان بزاڤە شۆرشگېرە كان گۆرانيان بەسەردا دىت، بەلام گرنگە، ئەو گۆرانە لەلەبەنى ئىجابى و پۆزەتېفەو ھەم بىت بۆ ئەوئەي خزمەت بەكۆمەلگە و گەلان و خودى بزوتتەو ھەم كانىش بكات. شۆرش رەنگە بەرزى و نزمى بەخۇيەو ھەم بىنېت، بەلام بەكۆتا نايەت و شپوۋە و فۆرمى جياواز بەخۇي دەگرېت. ئەو راستىەكە، ژن قازانجى

گەورەي لەو شۆرشەدا كرد و ژنان گۆرانكارى گەورەيان بەخۇيەو ھەم بىنى. ھەرچەندە دەولەت بەشپوۋەيەكى سىستەماتىك و بەرېكخستىنكارا بەھىزى نوكەر و ھەزاران رېگا و رېبازى تر ھەولئەدات كە ژنان بكوژىت. بۆھوونە لەرووى سىياسىيەو ھەلەلېزاردنە كاندا بەئاشكرا بىنيمان. لەكوردستاندا ژنان لەناو سىستەمى مىلېتارىستىدا بەجى دەكەن، لە پەرلەمان و لەبوارى كاروبارى ئابورىدا، بەرېگەي ئىستىخباراتەو. تەنانەت لەبەشى پېشەيىدا، ژنانى فەرھەنگى زياتر بكار دەھىنن و بەپراتىكى كۆمەلگە بەرەو ژن كوشتت و لەناوبەردن ھان دەدەن. لەشۆرشى ژن، ژيان، ئازادى ژنان زياتر كرانە ئامانج و ئىكۆلۆژى پەرەي سەند و بلاو بوو. لەكوشتى ژناندا رۆلى دەولەت بەشپوۋەيەكى سىستەماتىك و ئايدۆلۆژى و ھىزرى بەرچا بوو.

پەژاك دەبىت لەمەو بەدوا چى بكات

لېرەدا ئەوئەي گرنگە، ئەوئە بوو كە ئاخۇ پەژاك لەبەرامبەر بەو ھېرشانە چە وەلامىكى ھەيە و چە رېگايەك دەگرېتە بەر. ئىسلامى توندەرەو، پارتى دەسەلاتخواز و رەگەزگەر، ناوچەگەر، نەتەو پەرست، ھىز و بالە كانى دەولەت و رېئىمى ئىران كە لەتپوخۇياندا شەرى دەسەلاتدارى بەرپوۋە دەبەن و لەئىو فەساد و گەندەلى خۇياندا نغرو بوونە، ئەمانە ھەمووى ئەو دواكەوتوويانەن كە بەر بەستت بۆ ئەو دۇخەي شۆرش كە لەئارادايە. لېرەدا بەبەنەماگرتى تەواوى چىن و توپزە كان، لەپېش ھەموويان ژنان و گەنجان كە زياتر قوربانيان داو، بەنەمالە كان و گەلانى جياواز لەئىران و لەسەر ئاستى رۆژھەلاتى كوردستاندا گرنگە. لەھەر پىمى كرمانجەو بەگرە تا ناوچە كانى سۆران و ئەردەلان و كرماشان و كەلھۆر و لۆر و ھەموو گەلان، لە باكورى ئىرانەو بەگرە تا، خوزستان و پىكھاتەي عەرەب، لە بەلووچستان بەتايىبەتى، بەراستى ئەو كۆمەلگايانە جىگاي رىز و پىزانىن كە پېشەنگايەتى بەشدار بوون و نرخ و بەھاي زۆر مەزىيان دا. لەمەو بەدوا ئىدى دەبىت پەژاك چۆن ئەم راستىانە بگرتە دەست، چۆن لەگۆرەپانەكەدا ئامادە بى و لەسەر ئاستى بەرپوۋەبەرى سىياسى ژنان و گەنجان، ئىدارەكردنى باوئەريە كان بەگۆيرەي راستىنە كۆمەلەيەتە كانى خۇيان، چۆن بتوانىن لەئىو ئەو رۆحە شۆرشگېرەي و لەناو ئەو رىكخستىنەي كە پېشەدەكەون، بتوانن بەئىرادەي گەوھەريانە خۇيان لەسەر پى راوئەستن



شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى نەتەنيا لە ئاستى ريفۆرم و نە لەسەر ئاستى ساختارى گۆرآنكارى پېكھيئا؛ بەلكو لە ئاستى پەيوەندىە كانى نيوان ژن و پياودا، لەسەر ئاستى پەرورەدەى مندالاندا، لەسەر ئاستى ولتپاريزيدا، ئيكۆلۆژىكبوون و ژىنگە پاريزيدا، لەلايەنى زهنى و داب و نەريت و زانستيشدا گۆرآنكارى ئافراندا. نەتەنيا ژىنگە پاريزىە كى فۆرماليتە، بەلكو لە ئاستى روانگە و ھەست و فكردا گۆرآنكارى خولقاندوھ

ھەولى پراتىك كردنى داوھ. بەرھەمى خولقاندوھ، چە لەسەر ئاستى فكرى و كۆمەلايەتيدا و چە لەسەر ئاستى زىھنى و ساختارىدا. لەبونيادىترىن ئاستى كۆمەلگە كە بنەمالە و خانەوادەيە پەژاك بەشپۆەيەكى گشتى و لەسەر ئاستى ئيران دا چەندەش كەم و كورى ھەبوويەت، بەلام لەسەر ئاستى ئيران بەگشتى خاوەن بەرنامە و پرۆژە بووين و لەسەر خانەوادەكان و بنەمالەكان كاريگەر يمان داناوھ و بەكارىگەر بووين.

شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى نەتەنيا لە ئاستى ريفۆرم و نە لەسەر ئاستى ساختارى گۆرآنكارى پېكھيئا؛ بەلكو لە ئاستى پەيوەندىە كانى نيوان ژن و پياودا، لەسەر ئاستى پەرورەدەى مندالاندا، لەسەر ئاستى ولتپاريزيدا، ئيكۆلۆژىكبوون و ژىنگە پاريزيدا، لەلايەنى زهنى و داب و نەريت و زانستيشدا گۆرآنكارى ئافراندا. نەتەنيا ژىنگە پاريزىە كى فۆرماليتە، بەلكو لە ئاستى روانگە و ھەست و فكردا گۆرآنكارى خولقاندوھ. لە ئاستى ئابورى و يەكگرتندا، گەلپك ھەنگاوى ناوھ، بەلام بەگشتى وەلامدەرەوھى ويستەكانى گەل نەبووھ. ئەگەر وەلامدەر بايە، ئەو دەستكەوتەى لەشۆرشى ژن، ژيان، ئازادىدا

و سەرلەنووى بتوانيت، ساختار و زىھنيەت و ھزر و ھەيكەلەى ئەو رژيمە لەناواخيدا بشكىنيت و لەناوى بەريت و بەرەو ھەلۆھەشاندى بيات. بۆ ئەمە پيويستى بە كاروخەبات لە ئاستى كۆمەلگەدا ھەيە. گەنجان و ژنان بەريكخستى بكرين. كەس ناتوانيت بانگەشەى ئەوھە بكات كە لە كۆمەلگەى رۆژھەلاتى كوردستان و ئيراندا بەشپۆەيەكى ھاكەزايى و ياخود تەنيا بەگووتنى كەسيك ژن، ژيان، ئازادىيان بەرز كردۆتەوھ. گەل بەگشتى لەگۆرپانەكان، لەشارەكان و لەشاخ و گوندا ئەو پەيام و فەلسەفەيان بەرز كردەوھ. لەسەر ئاستى ئيران، پەيوەنديمان ھەيە، لەگەل ئەو شۆرشگيرانەى لەدەرەوھى ولتدان و لەگەل ئەو ھيزانەى ھەندەران، لەگەل ھەموويان لە پەيوەنديداين، دەبيت ئەو پەيوەنديانە تۆكمەتر و بەھيترتر بكرين. ھەم لەسەر ئاستى رۆژھەت و بەدواداچووندا و ھەم لەسەر ئاستى ھيلىدا. لەراستيدا، كۆمەلگە بەئاراستەى ژن، ژيان ئازاديدا بەرپۆە دەچن و پراتىكى پەژاك و ژنانى گەريلا، ھيزى پاراستنى، ھيزى ريكخستنى، ھيزى ئايدۆلۆژىكى و پەرورەدەيى لەناو ئەو گۆرپانەدا بوونى ھەبووھ و بەشپۆەيەكى عەمەلى

لهسەر ئاستى پراتىكىدا، ئامادە و كراوهين بۆ ھەرجۆرە پەيوەندى و بەرىكخستن كرنىك و يەكگرتن لەگەل ھىز و لايەن و كەسايەتەكان. بەرووى رووناكبير و ئازادىخوازەكاندا دەرگامان كراوہيە و بەپراتىكىش پىكىدئىين و گەشانەوہيەكى بەھىزىش لەخەباتماندا بەدى دەكرىت، سەرەپراي ھەموو كەم و كورپەكانىشمان

دىموكراسىخواز ۋەك پەژاڭ ھەبىت. لەسەر ئاستى دنيا راگەياندنەكانى مۆدېرنىتەى سەرمايەدارى پىش ھەر شت دەنگ و رەنگ و دىمەن و ووتە و فەكر و فەلسەفەى رىبەر ئاپۆ بلۆك دەكەن، تەنانەت مروفە ئازادىخواز و شۆرشگىرەكان سانسۆر دەكەن. بۆيەش پىويستە دەبىت راگەياندىكى ئازاد و دىموكراتىك، شىپو ۋەشانىك لەناخى خودى كۆمەلگەدا پىشبخات كە نە لەخزمەتى سىستەمى سەرمايەدارى جىھاندا بىت و ناىت ئازادى ژن و ويست و داواكارى تايبەتى گەنجان بەلاپىدا ببات و بى بەھايان بكات. ناىت لەلايەن ھىزە توندرەوہ دەواكەوتووہ فاشىستەكانەوہ، بەرەو چەوساندنەوہ يا بەرەو توندرەووى و چەقبەستووى و توندوتىژى بچىن.

لەسەر سىستەمىكى تەندروستى كۆمەلگەش كۆنگرە راوہستەى كرد كە ئاخۆ سىستەمى تەندروستى كۆمەلگە چۆن بىت و چۆن پەيوەندىەكى راستەقىنە لەگەل خودى كۆمەلگە، لەگەل پىشك و لەگەل ئەوانەى تەندروستى پەيوەندىدارن، دوور لە سىستەمى سەرمايەدارى دامەزرىت. چۆن بەرىكخستن بکەين و چۆن بتوانىن تاك لەرووى تەندروستىەوہ لەسەر ئەخلاقى ئازاد و دىموكراتىك ۋەلامدەرى پىويستىەكانى كۆمەلگە بىت. كۆمەلگە چۆن بتواىت ئەو ھىزە لەژىر قۆرخكارى و يەكدەستەبوونى دەسەلاتدارىەتى دەرخات.

بابەتتىكى تر كە كۆنگرەى ھەوتەم تىشكى خستەسەر، سەبارەت بەھىزى پاراستنى رەوا بوو. چونكە لەدنیادا ئەوہ راستىەكە ئەگەر تۆ ھىزى پاراستنى رەوات نەبوو، ئەو كۆمەلگەيە دەكەوتىتە بەرسىاسەتى قىرکردن و لەناوبردن و تەوانەوہ، بۆيەش بوونى ھىزىكى پاراستنى پىويستىەكى

حاشاھەنەگرە لەئاستى بوون و جەستە.

كۆمەلگەكان بەتايبەتى كۆمەلگەى ژنان لەبوارى فەكرى، چاند و ئىرادەوہ، رووبەرەووى پەلامارىكى گەورەن. ئەو فەكر و زەھنىتە دەواكەوتووہ رەگەزپەرستى و پاشقەرەوويەى پىاوسالارىە ژن دەچەوسىتتەوہ. دەستبەسەرى و لە زىندانى دەكات، تىرۆرى كەسپى و فىزىكى دەكات، ھەلمەتى رەشكردن و دەستدرىژى و تەجاوزى لەبەرەمبەر بە ھەموو ژنان بەرپۆ دەچىت. بنەمالەيەك لەگوندىكى ھەرە دوورى ئىراندا، ياخود لەرۆژھەلاتى كوردستاندا، ئەويش لەگەل ھەمان مەترسىدا رووبەرەوويە. زەھنىتەكى دەواكەوتوو و رەگەزپەرست، زەھنىتەكى ژنكوژ لەگەل ئەمانە رووبەرەوويە. دەبى ژن چۆن بتواىت، بىتتە خاوەن ھىزىكى يەكگرتو و پاراستنى لەھەموو بوارىكى فەرھەنگى، كۆمەلەيەتى، پەرورەدەيى، جەستەيەوہ. چۆن بتوانن يەكگرتووانە بىنە لای يەك، بىروبوچوونەكان ئالۆگۆر بکەن. ئەساس و پارادايىمى ئىمە لەسەر ئەو ھەو پەرەپىيە و دەرکەوتنى ئىمەش لەسەر ئەوہيە و شىپوہمان گرتووہ و پراتىكىشمان لەسەر ھەمان بنەما بووہ. ئىمە بەو باوەر و ئىمانەوہ بەرىكخست دەكەين، ۋەك ھىزىك كە لەسەرەوہ چاوە لەكۆمەلگە بكات و ئەندازىارى كۆمەلگە بىن، چاوە لەكۆمەلگە ناكەين، بۆيە رىنمايەكانمان زۆر نىك بەراستى و ھەقىقەتە كۆمەلەيەتەكانە و لە راستىنەى ھاوچەرەخەوہ نىكە. لەباكوورى ئىرانەوہ بگرە تا سنە و لوپستان، كرماشان، ئىلام و ورمى بۆ ھەموو كىشە و دياردەكانى كۆمەلگە، ئاين و باوەرپەكان، پلان و پرۆژەمان ھەيە و كاربان لەسەر دەكەين. كۆمەلگە چۆن بتواىت خۆى بەرىكخست بكات، لەبوارەكانى ئابورى و پەرورەدەيىدا. ئەمانە تەنيا لەسەر ئاستى تىورىكى نىيە؛ بەلكو لەسەر ئاستى پراتىكىدا، ئامادە و كراوہين بۆ ھەرجۆرە پەيوەندى و بەرىكخستن كرنىك و يەكگرتن لەگەل ھىز و لايەن و كەسايەتەكان. بەرووى رووناكبير و ئازادىخوازەكاندا دەرگامان كراوہيە و بەپراتىكىش پىكىدئىين و گەشانەوہيەكى بەھىزىش لەخەباتماندا بەدى دەكرىت، سەرەپراي ھەموو كەم و كورپەكانىشمان. ھەم لەلايەن كۆمەلگە و ژنان و خۆشمانەوہ بەجەسارەت رەخنەمان لە خۆمان گرتووہ و بەجەسارەتتىكى فىدايانە و قارەمانە رەخنەدانى خۆمانىش دەدەين بۆ ئەوہى بتوانىن لەھەنگاوەكانى ترماندا بەھىز و ورە و توانايەكى زياترەوہ بەشدارى كاروخەباتى رىكخستن كۆمەلگە بىين.

ستراتیژی په ژاک کومه لگه یه کی کونفیدرال و نه ته وهی دیموکراتیکه

کله جو تیار پيشه و



شه هیدان، تایهت دایکی شه هیدان له گه له ولایت پاره که مان له روزه لاتنی کوردستان و گه لانی ئیران به گشتی پیروز ده کم. شه کونگره یه ده توانیت هه نگاهی زور گه وره بو چاره سه رکردنی کیشه ی گه لان له ئیران هه لبرگیت و پیداکری و بریارداری کونگره ش له و پیناوه دا بووه.

ئامانجی بنه پرتی له به ستنی کونگره؛ به ره نگار بوونه وه مان له دژی کونسیپتی قپکردنی کوردانه و سه رکه وتن له وه شدا به هه لوه شاننده وهی سیستمی ئیمرالی و نازادکردنی جه ستی ریبه ر ئاپو مسوگر ده بیت. شه نه رکیککی بنه پرتی و گرنگه له سه رشانی هه ر کوردیککی به شه رف، به تایهت په ژاک و دوستان و نه ندامان و لایه نگرانی پارتی که مان. پیوسته سیستم و سیاستی قپکه ری ئیمرالی هه لوه شینینه وه و ریبه رمان به

پیشه کی یادی هه موو شه هیدانی ریگی نازادی به تایهت شه هه فاله شه هیدانه ی که له سه ره تادی دامه زانندنی په ژاکه وه ره نج و زه حمه تیان کیشه وه، وه ک سیمبولی نازادی و تیکوشان هه میشه له یاد و بیرماندا ده میننه وه. شه هیدان "عاکیف، سمکو، ریزان، ریناس" و به ده بیان شه هیدی قاره منی تر به رز و پیروز راده گرم، به تایهت شه هه فالانه ی که له کونگره ی شه شه مدا ئاماده بوون شه هیدان "زاگروس، ئاریه ن، ئاقیستا و جه نگاوه ر" و هاوکات شه هیدانی شوپشی زن، ژیان، نازادی که له پیناوه به دیهینانی ئامانجی شه هیدان و گوپرانکاری له ئیران و روزه لاتنی کوردستان گیانان به ختکرد، یادیان به شکوه به رز راده گرم.

کونگره ی حه وه ته می په ژاک سه ره تا له ریبه ر ئاپو نه ندازیاری فه لسه فه ی نازادی له هه موو بنه ماله ی

وهك ئەركىك رۆلى پېشەنگايەتى لەسەرمانە تا بۆ ھەموو ئەگەرەكان ئامادە بىن و پېشوازى لەھەر جۆرە گۆرانكارىەك بگەين. بەو باوەرپىەو لەناوچەكە ھەندى گۆرانكارى روودەدەن، چە لەئاستى ئىران و رۆژھەلاتى كوردستان، چە لەرۆژھەلاتى ناوين بەگشتى. دەبىت چاوەروانى لەكەس نەكەين و خۆمان بىنە بەشىك لە گۆرانكارىەكان



قركەرە لە ئىراندا بونىادنانى كۆنفيدرالېزمى ديموكراتىكە. لەوھى كە تا ئىستا ھەموو گەلان و پىكھاتەكانى ئىران و گەلەكەمان تېنەگەياندوھ لەسىستەم و ئامانجەكامان پىداچوونەوھ لەسەر پراتىكى رابردوومان كرا. لەو پىناوھدا كۆنگرەى ھوتەم بووھ كۆنگرەى رەخنەدان. بۆيە جارىكى تر جەخت لەسەر دامەزراندنى كۆنفيدرالېزمى ديموكراتىك و نەتەوھى ديموكراتىك لە ئىران كرايەوھ، بۆ ئەو يەكەش دەبىت ھەنگاوى گەورەتر و بەھىتر ھەلگىرەين. لەو باوەرپەشداين بەو وزە و ورە و ئىرادەيەى لەكۆنگرەدا ھاتووتە ئاراوھ دەتوانىن بىنە وھلامىك بۆ چاوەروانىەكانى گەل.

تەوھرىكى تىرى كۆنگرەكەمان سەبارەت بوو بەھىلى خىانەت كە دەيەوئىت لەرۆژھەلاتى كوردستان و ئىران خۆى بەرپىكخست بكات. دەبىت ھەموو كورد، بەتايەتى گەلەكەمان لە رۆژھەلاتى كوردستان تىبگەن كە ھىلى خىانەت زۆر مەترسیدارە. نەخۆشەكە كە سىستەمى مۆڈېرنىتەى سەرمایەدارى دەيەوئىت لەھەموو جىھان و كوردستانىش بىلاوى بكانەوھ. پارتىمان يەك لەئەرەكەكانى رىگرى كردن و ھوشياركردنەوھى گەلە لەبەرامبەر بەو مەترسىيەو داواى لەگشت لايەتتىك كرد كە بەرەنگارى ھىلى خىانەت و بە كرىگىراوى بىتەوھ.

لەكۆتايىدا جارىكى تر ئەم كۆنگرە لە گەلە وڵاتپارێزەكەمان لەرۆژھەلاتى كوردستان و بە گشتى گەلانى ئىران پىرۆز دەكەم.

جەستەبى ئازاد بگەين و بۆ ئەو مەبەستەش بە پلان و پىرۆزە ھەنگاوى گەورەتر بەھاوئىين.

لەلایەكى تر بارودۆخى سىاسى جىھان، ناوچەكە، ئىران و بە تايەتى كوردستان لەناو ئالوگۆرئىكى جدى دايە. سىاسەتى قركردنى چاندى لەئاستىكى بەرزدا لەبەرامبەر بەگەلەكەمان بەرپوھ دەچن. سىاسەتى برسىتى و ھەزارى پەرەى پى دەدرىت. بەرپى و رىيازى جىاواز دەيانەوئىت ناوھرۆكى شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى بەلارپىدا بىەن. ئەمانە ھەموو رووداوگەلئىكن كە زەروورەتى بەستنى كۆنگرەى ھوتەمىيان پىكھىنا، بۆ ئەوھى وھلامدەرەوھى قۆناخى داھاتوو بىن.

پارتىمان "پەژاك" كۆمەلئىك پىشىبىنى بۆ رووداو و پىشھاتەكان لەرۆژھەلاتى ناوين و كوردستان و جىھان ھەيە كە رەنگە لەداھاتووى دوور و نزيك بىنە كايەوھ، بۆيە وھك ئەركىك رۆلى پېشەنگايەتى لەسەرمانە تا بۆ ھەموو ئەگەرەكان ئامادە بىن و پېشوازى لەھەر جۆرە گۆرانكارىەك بگەين. بەو باوەرپىەوھ لەناوچەكە ھەندى گۆرانكارى روودەدەن، چە لەئاستى ئىران و رۆژھەلاتى كوردستان، چە لەرۆژھەلاتى ناوين بەگشتى. دەبىت چاوەروانى لەكەس نەكەين و خۆمان بىنە بەشىك لە گۆرانكارىەكان.

ئامانجى بنەپەتى ئەم كۆنگرەيە چارەسەرى كىشەى گەلانى ئىران و پىرسى گەلەكەمانە لەرۆژھەلاتى كوردستان. ستراتىژى پەژاك كۆنفيدرالېزمى ديموكراتىك و نەتەوھى ديموكراتىكە. گونجاوترىن رىگا بۆ چارەسەرکردنى كىشەكانى گەلانى ئىران، نەتەوھى ديموكراتىك و كۆنفيدرالېزمى ديموكراتىكە. ئەلئەزناوتىو بۆ ئەم دەسەلاتە

په څاڪ؛ پارټي ژن ژيان نازاديه

که ته هوون چياکو

ژن، زندگي، آزادي jin, jian, azadi



گپراوه. هه ربويه له جني خويديايه و پيوست ده کات که پيروزبايه کی گهرمتر له خه لکی هه ورامان بکين. راسته که به فهرمی ۲۰ سال له مهو پيش په څاڪ دامه زراوه، به لام پيشتر له مهش سره تا به رهنج و ماندووبوونی ريه ر ټاپو هه ول و ټيکوشانيک له روژه لاتي کوردستان ده ستيپکرد و بوو به بناغه و بنگه ی دامه زراندي په څاڪ، واته له بنه رهدا ده توانين بلين که پيش دامه زراندي په څاڪ، ټيمه شاهيدي قوناغیکی ۱۰ ساله ی خه باتی ټيکوشانی بزوتنه وه ی ټاپوي له روژه لاتي کورستانين. ټيستا ش دوو دهيه له خه باتی په څاڪ ټيپه ر ده بي و ټيمه ده که وينه ده يه سيهه مينی ټيکوشان و خه بات. برياری به ريوه بردي کونگره له وه ها قوناغیکی گرینگدا که داگير که رانی کوردستان، به هه موو شيواريک ناهيلن که کورد بجوولته وه و هه وليان ته وه يه که ټيکوشانی کوردي له ناو بهن، بوپری و به بريار بوون و هيژيکی تايه تی ده ويټ. بيگومان به ريوه چوونی کونگره ی حوته مين بؤ خوی هيما يه پابندي و گريدانبوونی په څاڪ به ټيکوشانی رابردوو و ته و شوپشگيرانه ی که له ريزه کانی په څاڪ دا شهيد که وتوون.

ټيمه ده زانين که له گه ل به سر کاره اتنی کوماری ټيسلامی له روژه لاتي کوردستان ټيکوشانيک به ريوه چوو و هه ورامانيش به شداری ته م ټيکوشانه بوو، به سدان

ويپای سلاوکی گهرم له شاخه سه ربه رزه کانی کوردستان وه، به ريوه چوونی حوته مين کونگره ی پارټي ژيانی نازادي کوردستان سره تا له ريه ر ټاپو، گه لی کورد له هه ر چوار لای کوردستان و به تايه ت له روژه لاتي کوردستان و به تايه تر له خه لکی ولتپاريزی هه ورامان، هه روه ها له بنه مالهی سه ربه رزی شهيدان و به تايه ت دا يکانی سه ربه رزی شهيدان پيروز ده که م. له هه مان کاتدا، له که سايه تی شهيد هه قاره مانه کا مان و به تايه ت ته و قاره مانانه ی که خه لکی هه ورامان بوون و له ريزه کانی په څاڪ شهيد که وتوون و يا خه لکی شوینی ديکه بوون و هاتن له هه ورامان ټيکوشانيان کرد و شهيد بوون، په يمان و به لټنم له گه ل ريبازی شهيدان نوټ ده که مه وه.

له راستيدا خه لکی هه ورامان روټيکی به رچاو و زوريان هه بووه له پيشکه وتی په څاڪ. ټيمه ده زانين به هو ی تايه ته مندی جوگرافيا و له هه مان کاتدا به هو ی فهره ننگ و کلتوری ولتپاريزی خه لکی هه ورامان، ته م هه ريمه يه که له و ناوچانه بوو که په څاڪ تييدا جيگيربوو، گه شايه وه و شوينيک بوو که گه ريبلا توانی خوی تييدا به جي بکات، هه ربويه ته گه ر په څاڪ گه پشته وه ته به م قوناغه و ده توانی به سه رکه وتووی حوته مين کونگره ی خوی به ريوه ببات، بيگومان هه ورامان روټی به رچاو

بلاو بووبهوه. له راستیدا ته گه رچی هیندیک رووداو بهه لکهوت رووئدهن. به لام په یوه ندیان به رابردوو هه به، ته گه ر پښتر تهو تیکوشانه به رپوه نه چووبایا، به لکوو تهو چه خماخه و رووداو نه بوایا به هوئی تهوهی که تیکوشان ناوه ها بلاو بیته وه و شوړشی ژن، ژیان، نازادی به شیوازیکي وه ها رادیکال بیته ناروه. نابئ تیمه تهو دوو مزاره له یه کتر جیا بکه ینه وه. تیکوشانی په ژاک کاریگه ری هه بوو له ده ستپیکردن و به گوپربوونی تهو شوړشه.

له راستیدا په ژاک ۲۰ سال پښ و له کونگره ی به که مه وه تهو دروشمه ی گوته وه، هه راوی پارٹی ژیانى نازادی کوردستان، دو بهش له دروشمی ژن، ژیان، نازادی له خوئی ده گریټ، واتا ژیان و نازادی، بنه ماى تیکوشانی په ژاک یش ژنه، له ته ساسدا ته گه ر تیمه به په ژاک بلین پارٹی ژن، ژیان، نازادی، بهه له دا نه چووین و بئ په یوه ندى نیه. به هه ر حال، په ژاک له سه ره تاي ده یه ی سیه مینی

له ده یه دووه مده، تیکوشانی په ژاک له ناست گشتی کوردستان ببوو به خاوه ن پیگه و جیگه و ناسیندرا، له ناست گشتی روژه لاتى کوردستانیش بلاو بووبه وه و په ژاک خوئی سه مانده. خوئی به ریکخستن کرد و جه ماوه ریکی زوری ولتپاریز روویان تیکرد و بهم شیوه یه ورده ورده نه ته نیا روژه لات به لکو له هه موو ئیران په ژاک ده ناسرا و تیکوشانی به رفراونتر ده بوو



مرؤف شه هید بوون و کهوتنه گرتووخانه کان، به لام به داخه وه تهوانه ی که بانگه شه ی پیشه نگیه تیان ده کرد، نه بانوانی روئی خویان به شیوه یه کی راست و دروست بگپرن، ده زاین که له ده یه نه وه ده کانی زاینی و یا ده یه حوتای هه تاوی، بیده نگیه ک بالی به سه ر روژه لاتى کوردستاندا کیشابوو، واته له لایه که ده ولته ی داگیرکه ر بانگه شه ی تهو یان ده کرد که کوئیان به پرسى کورد هیناوه و له لایه کی دیکه وه، تهو رهوت و پارزانه ی که پښتر له مه میدان بوون، گوپه پانی تیکوشانیان چوول کردبوو. تابلویه کی وه ها دروست ببوو، ده ولته تیک که سنووری هاربوونی تپه پراندوو و سه رخوشه که کوئیان به پرسه که هیناوه، هه روه ها خه لیک که تیکوشانیکی ده تا پانزه ساله ی کردوو و ده ستکه وتی پویستی وه ده ست نه خستوو و بئ هیوا بووه.

په ژاک له ده یه یه که مینی خه باتی خوئی به ریکخستن کرد

له بنه پرتدا ده ستپوه رانی ریبه ر ئاپو و لیگه ریئی خه لکی روژه لاتى کوردستان به تاییه ت گه نجان و خویندکاران پښ دامه زراندى په ژاک ده ستیان دایه ده ستی یه ک و تیکوشان جاریکی دیکه ده ستپیکرد. وه ک ده زاین سالى ۱۹۹۹ پاش رفاندنى ریبه ر ئاپو نه نجامی تهو تیکوشانه و کاردانه وه ی گه له که مان له روژه لات و به تاییه ت هه ورمان ده رکهوت و هه رکهس به چاوی خوئی بینى. پاش تهو قوناغه په ژاک دامه زرا، په ژاک له ده یه یه که مینی خه باتى، خوئی به ریکخستن کرد و تهو تابلویه ی که ئامازه مان پیکرد، گوپری. واته تهو دوژمنه ی که خه یاللى ده کرد که کوئیان به پرسى کورد هاتوو، جاریکی دیکه تهو پرسه به روکی گرت و تهو خه لکه ی که بئ هیوا ببوو، کاتى تیکوشانیکی نوئ و به فکر یکی نوی بینى، بووه به خاوه ن هیوا و گه شایه وه.

له ده یه دووه مده، تیکوشانی په ژاک له ناست گشتی کوردستان ببوو به خاوه ن پیگه و جیگه و ناسیندرا، له ناست گشتی روژه لاتى کوردستانیش بلاو بووبه وه و په ژاک خوئی سه مانده. خوئی به ریکخستن کرد و جه ماوه ریکی زوری ولتپاریز روویان تیکرد و بهم شیوه یه ورده ورده نه ته نیا روژه لات به لکو له هه موو ئیران په ژاک ده ناسرا و تیکوشانی به رفراونتر ده بوو. بینیمان که له کوئیان ده یه دووه مده، په یام و ئامانجی په ژاک له چوارچیوه و فورمی "ژن، ژیان، نازادی" و پاش کوشتنى ژینا ته مینی له لایه ن هیزه کانی ئیرانه وه، شوړشیکى وه ها به شکوئی خولقاند و له ناست ئیران و بگره جیهاندا

په ۲۰ سال پيش و له کونگره ی یه که مه وه ئه م دروشمهی گوته وه، هه ر ناوی پارتی ژبانی ئازادی کوردستان، دو به ش له دروشمی ژن، ژبان، ئازادی له خو ی ده گری ت، واتا ژبان و ئازادی، بنه مای تیکوشانی په ژاک یش ژنه، له ئه ساسدا ئه گه ر ئیمه به په ژاک بلیین پارتی ژن، ژبان، ئازادی، به هه له دا نه چووین و بی په یوه ندی نیه

تیکوشانی خو ی، کونگره ی هه وته مینی خو ی به رپوه برد. سهره پرای هه موو ئه و ده سته و تانه ی که په ژاک مسوگه ری کردوون، و هه روه ها که با سم کرد، ژن، ژبان، ئازادی داپراو له تیکوشانی په ژاک نیه، به لام په ژاک هیشتا روژه لاتی کوردستانی ئازاد نه کردوو و نهیتوانی به ته و او ی تیکوشانی گه لانی ئیران بگه یه نیت به نه جام و کو تایی به و ده سه لاتداریه تیه به نیت. واته په ژاک هیشتا کار و به رپرسیاریه تی زوری له پشسه. بنگومان په ژاک سهره پرای هه موو فیداکاری و قاره مانیه کان، که موکوری و لاوازی شی بووه، هه ربویه به بویره وه ئه و که موکوریانه شروفه و لیکدانه وه ده کات و له به نپه رتدا کونگره ی هه وته مین، گو په پانیک بوو بو ئه م یه که. گو په پانیک بوو که ئه و ده سته و تانه ی که به خوینی شه هیدان و تیکوشانی گه له که مان به ره م هاتوون به چه شنی پالپشت و پالنه ریک بو تیکوشان جاریکی دیکه جه خیان له سه ر کراوه، له هه مانکاتدا گو په پانیک بوو بو شی کردنه وه و شروفه کردنی که موکوریه کان و ره خنه و ره خنه داین هه م له ئاست ریوه به ری په ژاک و هه موو ئه ندامانی په ژاک و به تاییه ت ئه ندامانی کونگره، له کو تایی ئه مه شدا بریار و پلانیکي تیر و توکمه ده رکه وت. هه ربویه په ژاک به هیزیکی زیاتره وه ده یه سیه مینی تیکوشانی خو ی ده سته پیده کات. ئیمه دنیا یین که به پشت به ست به تیکوشانی ریبه ر ئاپو و بزوتنه وه ی ئاپویی له ماوه ی ۵۰ سالدا و به پشت به ست به تیکوشانی ۳۰ ساله ی بزوتنه وه ی ئاپویی له روژه لاتی کوردستان و به تاییه ت دوو ده یه تیکوشانی په ژاک، ده توانین ده یه سیه مین به ده سته کوت و سهره کوتی گه و ره و هه تا کو تایی هینان به داگیرکاری کوماری ئیسلامی تیکوشانیکي راست

به رپوه به یین. ئیمه به بریار و بانگه شه یین، سهره پرای هه موو که موکورتیه کامان، ده بی ئه م سهره کوتنه مسوگه ر بکه یین تا بتوانین بیین به لایه قی ریبه ر ئاپو، گه له که مان، شه هیدان و بنه ماله سهره رزه کانیا ن.

گه له که مان له هه ورامان، پیوسته به هه موو هیز و توانای خو یه وه خاوه ندرایتی له ریبه ئاپو بکات

بابه تیکي دیکه که پیوسته ئاماژه ی پییکه م، ده سته پیکردنی هه لمه تی "ئازادی جه سته یی ریبه ر ئاپو و چاره سه ری پرسى کورد" ه. ئه م هه لمه ته، بوته هه لمه تیکي جیهانی، ئه مپرو که ئیدی ته نیا گه لی کورد یان به شیکی کوردستان نیه که خاوه ندرایه تی له ریبه ر ئاپو ده کات و به ریبه ری خو ی ده زانیت، به لکو ریبه ر ئاپو، بوته ریبه ریکي جیهانی، ببنیمان که به راگه یاندنی ئه و هه لمه ته، له سه رتاسه ری جیهان، خه لک هاته مه یدان و خاوه ندرایه تی له ریبه ر ئاپو ده کات. بنگومان ئه مه ئه رک و به رپرسیاریه تی ئیمه وه ک گه لی کورد زیاتر ده کات، به تاییه ت ئه رک و به رپرسیاریه تی خه لکی هه ورامان. با لبیرمان نه چی که یه که مین که سیک که باوه ری به ئه وه بوو پیوسته له "مه د تی وی" به رنامه ی هه ورامی هه بی بو ئه وه ی که ئه و گه ل و فره ره نگه له ناو نه چی، ریبه ر ئاپو بوو. هه ر بو یه، به راستی گه له که مان له هه ورامان، پیوسته به هه موو هیز و توانای خو یه وه خاوه ندرایتی له ریبه ئاپو بکات. له هه موو چین و تو یزه کانی خه لکی هه ورامان، له گه نج و پیره وه بگره هه تا ژن، منال، خو یندکار، ماموستای ئایینی، رۆشنیر، کارگه ر و هه رکه س له و کو مه لگایه دا پیوسته خاوه ندرایه تی له ریبه ئاپو بکات. له به ر ئه وه ی که خاوه ندرایه تی له ریبه ر ئاپو راسته وخو په یوه ندی به چاره سه ری پرسى کورده وه هه یه، ئه گه ر سه رنج بدن ناوی که مپه یین و هه لمه ته که ش بو خو ی ناوی ئه مه یه، "ئازادی جه سته یی ریبه ر ئاپو و چاره سه ری پرسى کورد". لبیرمان نه چی که ته نیا له پروژه ی ریبه ر ئاپو دا، واته پروژه ی کونفدرالیزمی دیموکراتیک و خو به ریوه به ری دیموکراتیکدا خه لکی هه ورامانیش ده توانی بی ت به خاوه ن مافه کانی، چون له م پروژه یه دا، هه ر فره ره نگ، نه ته وه و هه ریمیک ده توانیت به ره نگ و ده نگ و تاییه ته ندی خو یه وه ژبان بکات، خو ی به ریکه ست بکات و به ریوه بیات و به شداری پروژه ی نه ته وه ی دیموکراتیک بی ت. له پروژه ی داگیرکه راندا نه ته نیا بو خه لکی



با له بیرمان نه چۆی که یه که مین که سیڤک که باوهری به ئه وه بوو پۆیسته له "مه د تی وی" بهرنامه ی هه ورامی هه بی بو ئه وه ی که ئه و گهل و فرههنگه له ناو نه چۆی، ریبهر ئاپۆ بوو. ههر بۆیه، به راستی گه له که مان له هه ورامان، پۆیسته به هه موو هیژ و توانای خۆیه وه خاوه ندرایتی له ریبهر ئاپۆ بکات

بیت، پرۆژه ی به ژاک و ریبهر ئاپۆیه، ئه مه ته نیا دروشم و بانگه شه نیه. ئه م یه که هه م له گوتار و هه م کرداردا سه لمی تراوه، روژئاوای کوردستان غوونه ی زیندوو و بهرچاوه که چۆن هه موو نه ته وه و فرههنگ و زمان و جیاوازییه کان له پال یه کتر و به رهنگ و دهنگی خۆیا نه وه ژیا ن ده که ن و خۆیا ن بهر پۆیه ده بن. ههروه ها له باکووری کوردستان هه ردوو زا راوه ی کرمانجی و زازاکی خه ریکن به شداری سیاسه ت ده بن و گه شه به خۆیا نه وه ده بینن. راگه یان دنی بزووتنه وه ی ئاپۆی ئه گه ر چی تیرکه ریش نه بوو بیت، به لام هه ولی داوه هه موو به شه کانی فرههنگ و نه ته وه ی کورد ی پارێزیت. جارێکی دیکه داوا له خه لکی خۆشه ویستی هه ورامان ده که م که هه ول بدن زیاتر له گه ل پرۆژه کانی به ژاک بن و بیگومان ده بی بیاناسن و لیکیا ن بدنه وه، ههروه ها به شداری هه لمه تی ئازادی جه سته یی ریبهر ئاپۆ و چاره سه ری پرسی کورد بن. جارێکی دیکه بهر پۆیه چوونی حه وته مین کۆنگره ی پارسی ژیا نی ئازادی کوردستان له هه مووتان پیرۆز بیت.

هه ورامان، به لکو بو هیچ کوردێکی پێگه و مافیک نیه، هه ولی داگیرکه ره ئه وه یه که کورد نه مینیت، یان ئه وه ی که کوردێکی گوپرا به ل و بی ئیراده که خزمه ت به ئه و بکات هه بن. داگیرکه ره ده یه ویت کوردی ئازاد که له ئه نجامی تیکۆشانی بزووتنه وه ی ئاپۆیی خولقا وه و له مه یداندا یه، نکۆلی لی بکات. ئه مه به روونی پیشانده ری ئه وه یه که له پرۆژه ی داگیرکه راندا، هیچ ماف و شوین و پێگه یه بو گه لی کورد و به تایبه ت خه لکی هه ورامان بوونی نیه. پرۆژه ی کوردایه تی کلاسیک و ته سکی ده وله ت نه ته وه یی که هه موو رهنگ و دهنگ و جیاوازییه کان ده کات به یه ک و نکۆلیان لی ده کات، له وه شدا هیچ رێگا و مافیک بو گه لی هه ورامان نیه. له ئۆپۆزیسیۆنی شوڤینیسستی تیرانیش که له هه ولی ئه وه دان کۆماری ئیسلامی بچیت و خۆیا ن وه رن و هه مان سیاسه ت و زه نییه ت به سه ر خه لکی کوردستان و هه ورامان بسه پیئن، پرۆژه و چاره سه ری و مافیک بو خه لکی هه ورامان نیه.

هه موو ئه مانه به روونی پیشانده ری ئه وه ن که ته نیا پرۆژه یه که ده توانی وه لامده ری خه لکی هه ورامان

كۆنگرەي پەژاك مەشغەلى شۆرشى ژن ژيان ئازادى بليسىدارتر دەكات

ئامەد شاھۆ

JIN JIYAN AZADÎ

دەولەتى فاشىستى تورکيا و ھاوپەيماھەکانى بۆ قىردى گەلى كورد لەم سەردەمە چارەنووس سازەدا لەناو جموجۆلىكى مەزندان. واتا پەژاكيش لەناو ئەو ئالوگۆرى و پيشكەوتنەدا، ھەوتەمىن كۆنگرەي خۆي دەبەستيت. لەبەر ئەوەي ھەلومەرجى بەستنى كۆنگرەي ژور ژيانى، واتادار و گرنگە؛ چونكە ئەو كۆنگرەش ولامىكى جەرگېرە لەبەرامبەر پيلان و كۆنسىپتى نوپى داگيركەرانى كوردستان و ھاوكات مژدەبەخشى داھاتوويەكى روون دەييت بۆ گەلى كورد و گەلانى ئازادىخوآى ئيران.

بەو پيئە ... بەكەم:

ھەوتەمىن كۆنگرەي پەژاك لەھەلومەرجىكى ميژوويى و ھەستيار و چارەنووس سازدا بەرپۆھ چوو. واتا لەقۇناختىدا كە رژیمی داگيركەري ئيران لەھەلپژاردنى ۱۱ رەشەممەي ۱۴۰۲ی ھەتاوی تووشى شكىستىكى گەورە بوويەو و بەو ھەلپژاردنە جارىكى ديكە رژیم رەوايەتى ئايدۆلۆژی، سياسى و كۆمەلایەتى خۆي لەناو گەل لەدەستدا. ھاوكات لەبەر سياسەتى شەرەنگیزانەي رووبەرپووي ھەرەشە و گۆرەشە، پشيوى و ئالۆزی قوول بووتەو، كە ھەم دەرفەتى تىكۆشان بۆ گەلان خۆش دەكات و ھەميش ئەگەرى ھەرەشە بۆ سەر دەستكەوتەكانى گەل زياتر دەكات. ھاوكات رژیم لەبەر شەپۆلى شۆرشى ژن ژيان ئازادى دەناليت. چون ئیدی ھەر بۆنە و تىكۆشائىك لەئيران و روژھەلاتى كوردستان بەرپۆھ

سەرەتا ھەوتەمىن كۆنگرەي پەژاك لەرپەري كۆنفيديرالىزمى ديمۆكراتىك رپەر ئاپۆ، شەھيدانى سەربەرزى رىگای ئازادى، سەرجەم گيراوانى زیندان، بنەمالەي شەھيدان، بنەمالەي ھەفالان، گەريلاکانى روژھەلاتى كوردستان، دۆست و لاينەگرنانى پەژاك و گەلەكەمان لەروژھەلاتى كوردستان و گشتى گەلانى ئازادىخوآى ئيران پيرۆز دەكەم. لەم وتارەدا دەمەويت تيشك بخەمە سەر گرنكى بەستنى ھەوتەمىن كۆنگرەي پەژاك و لەچەند دەلاقیەكەو ھەوتەمىن كۆنگرەي پەژاك و لەچەند گرنكى گەلەكەمان لەروژھەلاتى كوردستان و گشتى گەلانى ئازادىخوآى ئيران پيرۆز دەكەم.

پەژاك بە بنەماگرتنى سەرجەم ويست و داخوآى رەواي گەلان و پيوستى سەردەم، كۆمەلەي ئالوگۆرى جددى ئەنجام داوھ كە بۆ گەلانى ئازادىخوآ و گەلى كورد مژدەبەخشە. بەو پيئە پەژاك لەكۆنگرەي ھەوتەمىنى خۆيدا بەرنامە و پلاننامەي ميژوويى دەرستوو و لەسەر كۆمەلەي خال پيرارى ميژوويى وەرگرتووھ كە گلۆبى شۆرشى ژن ژيان ئازادى رووناكتەر دەكاتەو و بەستنى تىكۆشان بۆ گەلان لەمەر گەيشتن بە ئازادى و ديمۆكراسى خۆشتر دەكات. چون لەكاتىدا شەرى جیھانى سيئەم لەناسىتىكى بئند دايبە و ناوچەكە لەناو ئانگارى و گۆرپانكارى گەورەدا دەژی. ئەو شەپە مالىۆرانكەرە، قەيران و ئالۆزیەكانى ناوچەكە قوولتر دەكات، لەبەر ئەوەش دەرفەتى چارەسەرى ئاشتیانە و ديمۆكراتىك لەناوچەكە لەناو دەبات. بە تايبەت

ده چیت، به فلهسه فهی ژن ژیان ئازادی ده خه ملیتیت. بویه لیگه پینی گهلانی ئیران و به تایهت گهلی کورد بۆ ژیان و سیسته میکی نوئی ریوه بهری تا ده پوات بهرجه سته تر و توخت ده بیته وه و گهل به دواي پیشهنگ و سیسته می دیموکراتیکی خویدا ده گه پیت. هه چهند رژیم بۆ به لارید ابردنی نهو راستیانه دهیه ویت به هاش و هوش، هه لخران، قسه و قسه لۆک و درۆ و ده لهسه خوئی زه به لاج و به توانا نیشان بدات و دیمه تیکی وا ده نویتیت که کوتابی به سهرجه م گرفت و تهنگه ژه کانی ناوخۆ هیناوه و جاریکی تر هه ژمونی خوئی به سهر گهل و کومه لگا سه پاندووه ته وه! به لام به پیچه وانه ی نهو پیلانانه ی رژیم، به ستنی کۆنگره ی په ژاک مه شخه لی شوړشی ژن ژیان ئازادی بلیسه دارتر کرد و سه رده میکی نوئی به دواي خوئی دینیت که سه رکه وتنی ئازادی مسوگه ر ده کات. بویه نه م کۆنگره نه و حه قیقه ته یه که له هه ناوی شوړشی ژن ژیان ئازادیدا مزگیننی به هاری ئازادی ده دات.

دووهم:

له کاتیکدا رژیمی داگیرکهری ئیران بۆ دامرکاندنی مه شخه ل و بلیسه ی شوړشی ژن ژیان ئازادی له ئاستی هه ریمی و نیوده وه له تی ترافیکی قوولی دیپلوماسی به ریوه برد و له گهل نهو هیزانه ی که ده هوئی دژایه تی له گهل رژیمان لیده ده، به لام پشتیان له بهر ژه ونه ندی گهلانی ناوخۆی ئیران کرد و له پیناوا قازانج - سه رمایه له گهل رژیم ریکه وتن و رژیمیش نه وه ی کرده ده رفه تیکی زپین بۆ سه رکوت و داپلۆساندنی گهلانی رابه ریو و ئازادبخواز. بویه چه کدارانی رژیم بیباکانه هیرش و په لاماریان کرده سه ر خه لک و بۆ لاوازکردنی دهنگی شه قام هه رجوره ته رفه ندیکیان به کارهینا. له لایه کی دیکه شه وه زه خت و گوشاریان له سه ر هیزه دژبه ره کانی ئیرانی و کورد زیاتر کرد و تایهت هیز و پارتیه سیاسیه کانی روژه لاتی کوردستانیان بۆ چه ک کرد که که س توانای خوړیکه خستن کردن و هیزی پیشه نگایه تی کردنی گهلی نه مینیت. رژیم به و دیمه نه ویستی گهل بۆ هیوا و بۆ پیشهنگ بکات. به لام به ستنی نه م کۆنگره یه جاریکی دیکه له ناو گه رده لوولی زولم و بیادی رژیمدا، ده بیته چه خماخه ی هه لگی رسانده وه ی شوړشی ژن ژیان ئازادی و په ژاک وه ک پارتیکی کۆلنه در، نه بهز، خوړاگر و پیشهنگ ته م و مزی بۆ هیوایی و باوه ری ده په وینیته وه و سه رده میکی نوئی له پیناوا چاره سه ری پرسی کورد و دیموکراتیزه کردنی ئیران له گهل خوئی دینیت که روژ له دواي روژ سه رکه وتن و مزده ی نوئی بۆ گهل و کومه لگا تۆمار ده کات.

سینهم:

رژیم به و نه رمشه قاره مانانه ی که بۆ هیزه نیوده وه له تی و هه ریمیه کان نواندی، توانی تا ئاستیک له سه ر پرسی کورد له گهل نه و هیزانه مامه له بکات و به و پییه باه تی بۆ چه ک کردن و بیکاریگه رکردنی پارت و هیزه سیاسیه کانی روژه لاتی کوردستانی توخ بکات که بزارده ی ژیان و تیکۆشان بۆ گهلان له بار به ریت. به لام له و ئان و ساته دا که پیلانیک له دژی هیزه دژبه ره کانی رژیم به ریوه ده چوو، نه وانه ی که خویمان به دژبه ر و ئوپۆسیونی رژیم له قه له م ده دا، ماق وړ و بینهنگ مان. بویه نه وهش ده رفه تی بۆ رژیم ره خساند که به زه بری چه ک و هه ره شه و گوره شه به شیک له مه رامه چه په له کانی له دژی گهل به سیاسیته ی له سیداره دان و گرتن به دی بهینیت و به و پییه ویستی که به هه وری ره ش و تاریک، گهلی کورد له خوړه تاوی ئازادی بۆ به ش بکات. بویه رژیم به و گمه یه جاریکی دیکه ویستی ده سه لاتی خو سه پیننه ری به سه ر گهلی کوردا بسه پینیت و روچنی هیوای گهلی کورد دامرکینیت. به لام نه م کۆنگره یه جاریکی دیکه شووناس و حه قیقه تی گهلی کوردی دره وشانده وه که رژیم هه رگیز ناتوانیت ئیراده، باوه ری، شووناس و وزه یان له ناو به ریت. چون په ژاک به م کۆنگره یه جاریکی تر په یامی چاره سه ری ئاشتیانه ی پرسی کورد و دیموکراتیزه کردنی ئیران ده دات و بهر په رچی هه ر جوړه سیاسیته تیکی نکولی کاری و پاکتاوکاری گهل و کومه لگا ده داته وه و ده بیته پارتی پاراستنی مافه ره واکانی گهل و پارتی بوناددانی ژبانی ئازاد و دیموکراتیک.

چوارهم:

کۆنگره ی هه وته می په ژاک له کات و ساتیکدا به ریوه چوو که نه یارانی کورد بۆ له باربردنی ده سته کوه تی ئازادبخوازی گهلی کورد له هه ر چوار لای کوردستان له ناو ترافیکی قوولی دیپلوماسیدان و گه له کومه یه کی نوئی له دژی گهلی کورد له ئارادایه. واتا ده وه له تی فاشیستی تورک به فیتی ناتو، نه مریکا و نه وروپا ده یه ویت ته فگه ری هیوا، نه ورۆز، بهر خوډان و تیکۆشانی گهلی کورد نه زۆک بکه ن و به و پییه ده یانه ویت که رژیمی داگیرکهری ئیرانیش په لکیشی نه و گه له کومه یه بکه ن و به و شیوه یه له قازانجی خویندا ده ستیپشخه ری شه ر بگره ده ست و سه رکه وتن مسوگه ر بکه ن. بیکومان ئامانج له و گه له کومه یه ش تیکشکاندنی هیوا، هیزی پیشهنگ و شوړشگیری گهلی کورده که خولیای بوون. به لام نه م کۆنگره گورزیکی دیکه ی جه رگبره بۆ هه موو نه و هیزانه ی که پاکتاوکاری گهلی کورد له میشکیاندا به. چون نه م کۆنگره بووه هیزی خوړیکه خستن کردن و ئاماده بوون بۆ بهر په رچدانه وه و به هیزکردنی بهر خوډان و تیکۆشانه.

ئەو ھەش ئاستى بەھىزبۇونى گەلى كورد لەپىناو پىداگرى تىكۆشان دەخاتەروو. واتا پەژاك بەم كۆنگرەيە راشكاوانە ئەو ھەرادە گەيەنەت كە بۆ پاراستنى بەرژەو ھەندىە كانى گەل ئامادەيە و بەو ئالوگۆرانەي كە ئەنجامى داوہ بازنىە داگیركەرى و شەپرى تايبەت پوچەل دەكاتەوہ.

پىنچەم:

كۆنگرە پىرارى ئەو ھى دا كە بە ھەموو ھىزبەو ھەشدارى لە كەمپىنى "ئازادى جەستەي رىبەر ئاپۆ و چارەسەرى پرسى كورد" دا بكات. چون ئەو كەمپىنە ئەمپۆ بوو ھە كەمپىنىكى جىھانى و ئىدى پرسى كورد بوو ھەتە پرسىكى نپونەتەو ھى. واتا بەشدارى كردن لەو كەمپىنە بە واتاى بەشدارى كردن لەشەرى دژ بە سىستەمى ئەشكەنجە و قركردنە كە كۆنسپىتى قركردن و پاكتاوكارى گەلى كوردە. بۆيە كۆنگرە بە تىكپراى دەنگ پىرارى لەسەر ئەو ھە دا كە لەپىناو ھەلۆھەشەنەو ھى سىستەمى ئەشكەنجە و قركردنى ئىمپال و بۆ كۆتايى ھىنان بە دىل گرتنى رىبەر ئاپۆ زياتر خۆى بە رىكخست دەكات و بە گەورە كردنى رىكخستى گەل، بەھىزبەر بەشدارى لەكەمپىنى ئازادى جەستەي رىبەر ئاپۆ و چارەسەرى ديمۆكراتىكى پرسى كورد بكات. ھاوكات پەژاك ئازادى رىبەر ئاپۆ بە ئازادى گەلى كورد لەقەلەم دەدات و چارەسەرى پرسى كوردىش پەيوەست بە ئازادبوونى جەستەي رىبەر ئاپۆ دەبىن. بۆيە ھەلسەنگاندن لەسەر ئەو كرا كە گەلى كورد لەرۆژھەلاتى كوردستان و ئىران چەندىك لەگەل ھەز و رامانى رىبەر ئاپۆ ئاشنا و قوول بىنەو، ئەو ھەندە بەرەست لەبەردەم رۆژمى قركەرى ئىران درووست دەبىت و ھىز و مۆدىلى چارەسەرى بال بە سەر كۆمەلگای ئىراندا دەكىشەت و گەل دەتوانن بىنە ھىزى چارەسەرى

و ناو ھەندى تىكۆشانى ديمۆكراتىك لەناوچەكەدا. تايبەت كۆنگرە لەكاتىكدا بەستراو كە قۆناخى دوو ھەمى ئەو كەمپىنە لەئاستى جىھان و كوردستان دەستىي كوردو ھە. واتا ھىز، تىن و شەپۆلى بەخو ھە خۆشى ئەو كەمپىنە بالى بە سەر كۆنگرەدا كىشاو ھەو بەو بەرپرسىارىيەو ھە كۆنگرە پىرارى داو ھە كە بە ئەركى مېژوو ھى خۆى لەبەرامبەر رىبەر ئاپۆ راپەرت و ئازادى جەستەي رىبەر ئاپۆ دەكاتە سەرەكىترىن بابەتى تىكۆشانى خۆى.

شەشەم:

كۆنگرەى ھەوتەمى پەژاك بە دروشمى "بە فەلسەفەى ژن، ژيان، ئازادى كوردستان ئازاد دەكەين و نەتەو ھى ديمۆكراتىك بونىاد دەنپىن" بەرپۆ ھە چوو. واتا كۆنگرە لەكاتىكدا كە مەشخەلى شۆرش لەرۆژھەلاتى كوردستان و ئىران ھەلكراو ھە، پرىسكەى ئەو شۆرشە لەكۆنگرەى پەژاك گەشەندرايەو ھە. بۆيە كۆنگرەى ھەوتەمى پەژاك بوو ھە كۆنگرەى شۆرشى ژن ژيان ئازادى. چون گۆرەپانى رۆژھەلاتى كوردستان و ئىران لەئىستادا گۆرەپانى شۆرشە. بۆيە كۆنگرەش بە گەرمایى فەلسەفە و راستى شۆرشى ژن ژيان ئازادى بەرپۆ ھە چوو ھە. واتا پىداگرى لەسەر ئەو ھە كرا كە پەژاك بە فەلسەفەى ژن ژيان ئازادى تىكۆشانى رەواى خۆى لەپىناو ئازادى كوردستان بەردەوام دەكات و بۆ چارەسەرى سەرچەم كىشە و پىسە كەلەكەكراو ھەكانى ناوخواى ئىران و ديمۆكراتىزە كردنى ئىران نەتەو ھى ديمۆكراتىك بونىاد دەنپت. بۆيە پەژاك بە ھەموو ھىزبەو ھە خواوندارىتى لەنرخ و بەھاكانى شۆرشى ژن ژيان ئازادى دەكات و سەبارەت بەو بابەتە كەم و كورتىەكانى خۆى خستەروو كە تايبەت لەخستەنەروو ھەلسەفە، ئايدۆلۆژى و سىياسەتى دروشمى ژن ژيان

كۆنگرەى ھەوتەمى پەژاك بە دروشمى "بە فەلسەفەى ژن، ژيان، ئازادى كوردستان ئازاد دەكەين و نەتەو ھى ديمۆكراتىك بونىاد دەنپىن" بەرپۆ ھە چوو. واتا كۆنگرە لەكاتىكدا كە مەشخەلى شۆرش لەرۆژھەلاتى كوردستان و ئىران ھەلكراو ھە، پرىسكەى ئەو شۆرشە لەكۆنگرەى پەژاك گەشەندرايەو ھە. بۆيە كۆنگرەى ھەوتەمى پەژاك بوو ھە كۆنگرەى شۆرشى ژن ژيان ئازادى



درېزه دهري فلهسه فهی شورشى ژن ژيان نازادى به ناو كړد. چون له م پېرۆزبايانه دا جوان و ژن موركى خويان له تيكوشانى سهردهم دا. وانا ژنان و جوانان جارېكى ديكه پيشه ننگايه تى سهردهم ميكيان به نه ستو گرت كه دانسقه و چاره نووس ساز بوو. بويه په ژاك به بره ودان به سيستمى كونفيدراليزمى ديموكراتيك و بونيداننى نه ته وهى ديموكراتيك خاوه ننداريتى له شوناس و ثيرادهى ژنان، جوانان و سهرجه م گهلانى ناوخوى تيران دهكات.

نوه م:

له م كونگره يه دا تيشك خرايه سهر يه كيتى، يه كړيزى و پيكه وه ژيانى گهلان. تايهت فلهسه فهى شورشى ژن ژيان نازادى نه وهى به سهر ههر هيز و لايه نيكدا سه پاند كه به بنه ما گرتنى نه و بابه تانه ده تواتيت له گهل رهوتى شورشى ژن ژيان نازادى دا يه كانگير بين. چون شورشى ژن ژيان نازادى بووه هويئى يه كيتى، يه كړيزى و پيكه وه ژيانى گهلان كه ژن و جوان پيشه ننگايه تى نه م راستيه ميژوو يه يان كرد و كئ به دهر له م رهوته بيت له ناو حه قيقهت و فلهسه فهى شورشدا ريگا پندراو ناييت. بويه په ژاك جارېكى ديكه پيداكړى له سهر پيكه پينانى "به رهى ديموكراتيكى گهلانى تيران" و "يه كړيزى و يه كيتى نيو مالى كورد" كرده وه. چون شورشى ژن ژيان نازادى زهروريه تى پيكه پينانى نه و به ره يه ي خسته پروو. ههر چه ند په ژاك له و پيناوه دا هه ولى به رينى داوه، بهس هه و له كاني تيركهر نه بوون. له بهر نه بوونى نه و به ره يه شورشى ژن ژيان نازادى نه يتوانيوه ئامانجه كاني مسوگر بكات. بويه په ژاك به و پنيه پيداكړى له سهر نه وه كرده كه پانتاي خه بات و تيكوشانى چه له ناو چه كوردن شينه كان و سهرتاسه رى ئيران زياتر بكات و ببيته منبه رى نازادى بو هه موو گهلانى نازادى خواز و ديموكراتى خواز. وانا په ژاك سياسه تى خوى له سهر بنه مائى شه رى سهردهم په ره پئ ده دات و له چوارچپوهى سياسه تى ديموكراتيكدا كرانه وهى ديپلوماتيك و هاويه يمانى ستراتيجى له گهل گهلانى نازادى خواز بو پيكه پينانى به رهى ديموكراتيكى گهلان پيشده خات. بو نه وهش ئاماده بوونى خوى راگه ياند كه له گهل هه موو ريكخست، ريكخراوهى مه دهنى، هيزه نازادى خواز و ديموكراتى خواز، مافناس، چالاكانى مه دهنى، چالاكانى ژن، سه روگ خيل و عه شيره و باوه رپه ندانى ناو كومه لگا، جوانان، كريكار، ماموستا و ... هتد كه بروايان به نازادى و ديموكراسى هه يه ئاماده يه كار و تيكوشانى هاوبه ش بكات له پيناو دامه زراندى به رهى ديموكراتيكى گهلان.

ده م:

له كونگره دا تيشك خرايه سهر هيلى خيانهت

نازاديدا وه لامى پرسه كاني كومه لگاي نه دايه وه و به پنى پيوست گه لى له گهل پاشخانى پشت نه و درووشمه و خاوه ن راسته قينه كه ي ئاشنا نه كړد. بويه به هه ند وه رگرتن له هه لسه نگاننده كاني كونگره دا له قوناخه كاني داهاتوودا هه ول ده دريت كه نه و لاوازيه دهر باز بكرت.

حه وته م:

كونگره ي حه وته مى په ژاك له سهر نه و پينا سه يه ي ربه ر ئاپو كه بو په ژاك كرده ويه تى خوى نوئ كرده ته وه. وانا ربه ر ئاپو ده لئيت: "جه ننگ و تيكوشانى په ژاك هاوشپوهى نه و ئاگره يه كه هه ميشه له داو پئ و چيا سهر كه شه كاني زاگروس بليسه دارتر ده بئ و بو گه لى هه ريمه كه، تيران و روژه لاتى كوردستان پرسنگدار و گه رما به خش تر ده بئ". بويه په ژاك به گه رمائى پيرۆزبايه كاني ۸ى ئادار، نه وروروى ۲۷۲۴ى كوردى و ۴ى نيسان ئالائى خوراگرى و تيكوشانى به و فلهسه فه يه گه شانده وه. نه و هه لوئست و تيكوشانه ي په ژاكيش بيگومان له زه يين و باوه رى گهلاندا پرسنگدار، هيوابه خش و وزه به خش ده بيت. چون له كاتيكدا رژيم بئ چه ك كرنى هيز و لايه نه كورديه كان و په رته واژه بوونى ئوژوسيونى تيرانى ده خاته روژه ف و ئاهه ننگى سهر كه وتن ده گيرئ، ترس و توفاندنى له ناو گهلدا درووست كرده. كومه لگاي په رته واژه كرده وه. له ناو نه و كه شه سارد و سه خته دا په ژاك بريارى پته وكردنى تيكوشان ده دات و بو داهاتووى گهلانى تيران و گه لى كورد ليگه پينى به دواى چاره سهرى دا هه يه. بويه نه م كونگره ئالائى چاره سهرى به پرۆزه ي كونفيدراليزمى ديموكراتيك و بونيداننى نه ته وهى ديموكراتيك شه كانده وه كه مشت و مړيكى جددى بو چاره سهرى پرسى كورد و گهلانى تيران به دواى خوى دئيت.

هه شته م:

كونگره ي حه وته مى په ژاك هاوكات بووه كونگره ي ژنان و گه نجان. چون له م كونگره دا هه ره زيده له سهر روئ و به پرسى اريئى ژنان و جوانان راوه سته كرا. چون له م چوارساله ي رابردو و گه نجان و ژنان ئامانجى سهره كى پيلانه كاني رژيم بوون. له بهر نه وهى جوانان و ژنان له شورشى ژن ژيان نازادى روئى پيشه ننگايه تيان گيرئ، رووبه پرووى هه ره سى زولم و زوردارى، سهر كوت و داپلوساندى بوونه وه. به لام گه نجان و ژنان شه قاميان كرده گوهر پانى تيكوشان و به رخودان و به رپه رچى سياسه ته كاني رژيمان دايه وه. بويه په ژاك هه لوئستى ژنان، گه نجان و به گشتى گه لى كوردى له شورشى ژن ژيان نازادى و دوا به دواى نه وهش له پيرۆزبايه كاني ۸ى ئادار و ئاهه ننگى نه وروروى به گرنگ و ميژوويى له قه لاه م دا و نه وهشى به

بۆ ئهوهی ههر کهس بتوانیت به روۆلی پێشهنگایهتی خۆی رابیت، سه ره تا پێویسته که سایه تی خۆی سه ر له نووی بونیاد بنیته وه و به پیداکاری له سه ر پارتیبوون، تیکۆشانی هزری و ئایدۆلۆژی به بنه ما بگریت. به وه سه ته وه ههر کهس به ئه رک و به رپرسیاری روۆشنبیری، ئه خلاقی، سیاسی و ویزدانی خۆی راده په رپیت و فه لسه فه و پارادیگمای په ژاک له ههر قوۆبنیکی ژياندا ده دره وشینیته وه و سه رکه وتن مسوۆگه ر ده کات

بنه مای پێویسته کانی ته فگه ری ئازادیخوازی گه لی کورد و گه وره بوونی ئه رته شی گه ریله له پیناو به هیزکردنی هیلی پاراستنی ره وا بانگه وازی له گه نجان و ژنان و ئازادیخوازه کانی ناوخۆی ئیران کرد که بۆ لاواز کردنی پینگه ی ده سه لات و به رگری له هه بوون و ئیراده ی گه ل، به شداری ریزه کانی گه ریله بن.

به گشتی له کۆنگره دا گه لیک باهه تی دیکه قسه وباسیان له سه ر کرا. واتا له سه ر هه ر باهه تیک پلاننامه ی نووی داریژران و بریاری نووی وه رگیران. تایهت له سه ر کار و خه باتی راگه یاندن و پرپوگاگه نده، چاند و هونهر، په روه رده، ژینگه پاریزی، باوه ریه کان، کار و خه باتی بنه ماله ی شه هیدان، کار و خه باتی زیندان، کار و خه باتی په یوه ندیه کان، خه باتی هه نده ران و ... هتد قسه و باس کرا و به تیر و ته سه لی هه لسه نگیندران. ئامازه به کهم و کوریه کانی هه ر به ک له وه خه باتانه کرا و بۆ ده رباز بوون له وه کهم و کورتیانه ره خه ندان درا. بۆیه له لایه کی دیکه وه ده کری کۆنگره ی هه وته می په ژاک به کۆنگره ی ره خه نه وه ره خه ندان به ناو بکری که له سه ر ئه وه فه لسه فه یه په ژاک خۆی نووی ده کاته وه و به وه روۆحه وه سه رده میکی نووی تیکۆشان ده سه پیده کات. بێگومان سه رجه م دۆست، لایه نگر، ئه ندام و کادیسانی په ژاک به وه هیز و باوه ریه وه بۆ سه رخسنتی سه رجه م برپاره کانی کۆنگره به ته رز، ته مپۆ و ئوسلوبی ئابویی به شداری قوۆناخی نووی تیکۆشان ده بن. بۆ ئه وه ی هه ر کهس بتوانیت به روۆلی پێشه نگایه تی خۆی رابیت، سه ره تا پێویسته که سایه تی خۆی سه ر له نووی بونیاد بنیته وه و به پیداکاری له سه ر پارتیبوون، تیکۆشانی هزری و ئایدۆلۆژی به بنه ما بگریت. به وه سه ته وه هه ر کهس به ئه رک و به رپرسیاری روۆشنبیری، ئه خلاقی، سیاسی و ویزدانی خۆی راده په رپیت و فه لسه فه و پارادیگمای په ژاک له هه ر قوۆبنیکی ژياندا ده دره وشینیته وه و سه رکه وتن مسوۆگه ر ده کات.

له کوردستان که ئه مپۆ بنه ماله ی بارزانی سه ره چۆبیه که ی ده گێرن. چون سیاسه تی ئه وه بنه ماله یه ده رگا بۆ سیاسه تی فکردنی کوردان زیاتر خۆش ده کات و ئه وه ده رفه ته زپرنه یی که بۆ گه لی کورد ره خساوه له بار ده بریت و تا ده چیت ده بیته هه ره شه و گوره شه بۆ سه ر ده سه کته وته کانی گه لی کورد له هه موو لایه کی کوردستان. بۆیه کۆنگره به تیکرپی ده نگ هیلی خیانته تی مه حکووم کرد و له کۆنگره دا بریار درا به ریسوا کردنی ئه وه هیله و له سه ر بنه مای یه کیتی نه ته وه یی کورد تیکۆشانی به هیزتر بکات. تایهت ئه وه ره وته ی که ده په ویت زهنیه تی خیانته ت و به کریگیروای له روۆه لاتی کوردستان بلآو بکاته وه، په ژاک به ره نگاری ده بیته و بۆ ئه وه ش هه ولی هوشیارکردنه وه ی گه ل له سه ر راستیه کان ده دات و ریگا نادات که شوۆرشێ ژن ژیان ئازادی هه نگاوێک به ره وه داوه پاشه کسه بکات و به هزر و سیاسه تی ناسیۆنالیستی، به کریگیروای و داگیرکه ری به لاریدا بریت.

یازده هه م:

له م کۆنگره دا به چپی له سه ر فه لسه فه ی پاراستنی ره وا قسه کرا و په ژاک به بنه ماگرتنی هیلی پاراستنی ره وا، پاراستن له ماف و هه بوونی گه لی کورد و گه لانی ئازادیخواز ده کات. واتا به باوه ری له سه ر تیۆری گوۆ که هه ر گوۆلیک پاراستن له هه بوونی خۆی ده کات. به ئاشنا کردنی گه ل له سه ر ئه وه فه لسه فه یه شووناسی نه ته وه یی زیندوو ده کاته وه و ئه وه گوۆره پانانه ی که رژی م به شه پی تایهت و هیزه داپلۆسیته ره کانی په لاماری سه ر ئیراده ی گه ل ده دات پووچه ل ده کاته وه. واتا په ژاک به بنه ماگرتنی شه پی سه رده م خۆی بۆ هه ر ئه گه ریک ئاماده ده کات و له وه پیناوه شدا به په روه رده کردن، کولتووور و فه لسه فه ی پاراستنی ره وا له ناو گه لدا به ره و پێ ده دات. بۆیه له سه ر بنه مای هیلی پاراستنی ره وا خۆی به به رپرسیاری پاراستنی سه رجه م نرزه کانی نه ته وه ی دیموکراتیک ده بینن و له وه پیناوه دا گه ل هوشیار و ریکخسنت ده کات و تیگه یشتن له سه ر فه لسه فه ی خۆپاراستن پێشه خات. هاوکات له سه ر

پهژاک پارتی گەنجانە

کۆنڭرەس ھەپتەش قەندیل



لەبەرئەوێ پارتی ژبانی ئازادی کوردستان پارتیکی گەنجانە و لەمۆبیشدا ئەوێ پێشەنگایەتی تێدا دەکات و رۆلی تێدا دەگێرێت هەر گەنجان و بەو رۆح و فکر و فەلسەفە و کردارەوێ پەژاک بە گەنجیتی دەهێلن. بەو پێیە حەوتەمێن کۆنڭرە پەژاک بوو کۆنڭرە گۆرانکاری و نوێبۆنەوێ. چون لە ماوێ بیست سأل لەتەمەنی تیکۆشانی پەژاک، حەوت کۆنڭرە دەبەستریت، ئەوێش سەلمێنەری گەنجبۆونی پەژاکە. واتا فەلسەفە ی نوێبۆنەوێ، گەنج بوون لە پەژاکدا گەشتووەتە لوتکە.

پەژاک سەرچاوەی گەنجبۆونی خۆی لەفەلسەفە ی رێبەر ئاپۆ وەردەگرێت

لەو کاتەدا کە زۆریە پارتە سیاسیەکان لەوێ دەترسین کۆنڭرە بەست و زەحمەتی دەکێشن؛ نەک لەبەرئەوێ زۆری و زەحمەتی لە بارودۆخی سیاسی ناوچەدا هەیه؛ بەلکو لەروی فکر و تیۆریکەوێ ئامادە ی ئەوێن و ناتوانن کۆنڭرەکانیان بەستن. پەژاک بە حەوتەمێن کۆنڭرە ی خۆی هەمیشە گەنج

حەوتەمێن کۆنڭرە ی پەژاک لە رێبەری گەلانی ئازادبخوێ لە رێبەر ئاپۆ، لە کەسایەتی شەهیدانی شۆرشی ژن ژبان ئازادی، لە تەواوی بنەمالە و کەس و کاری شەهیدانی کوردستان پیرۆز دەکەم. بەتایبەت لە کەسایەتی شەهیدان تۆلەلەدان قەندیل، ئاریەن ئاری و جەنگاوەر باهۆز و تەواوی ئەو شەهیدانە کە لەم قۆناخەدا رۆلی پێشەنگایەتیان لە شۆرشی ژن ژبان ئازادی گێرا و بە هەموو شێوێیەکی هەموو خانەییکی لەشیان لەو پێناوێدا سەفەر بەر کرد بۆ ئەوێ گەلە کەمان بەتایبەت ژنان بە ئامانجە رەواکانی بگات پیرۆز دەکەم. هاوکات لە بنەمالە ی شەهیدان بەتایبەت بنەمالە ی شەهیدان لە رۆژەلاتی کوردستان کە فەلسەفە ی شۆرشی ژن ژبان ئازادیان پێشخست و وای کرد تەواوی بۆنەکانی ئەمسال بێت بە بۆنە ی شەهیدان، پیرۆز دەکەم. دیسان لە تەواوی گەلە نیشتمانی پەرە رە کەمان و تەواوی ئەو کەسانە کە لە شۆرشی ژن ژبان ئازادیدا رەنجیاندا، تیکۆشانیان کرد و شەونخوێان کێشا لە هەمویان پیرۆز دەکەم. بەتایبەت لە تەواوی گەنجانی ولاتە کەمان پیرۆز دەکەم،

له و سهره لډان راپه رينانه ي که له روژه لاتي کوردستان دروست بون چي له به رامبه ر داگيرکاري و چي له به رامبه ر نه و ره وشه ي که کومه لگه تيدياه و نه و زه حمه تيانه ي که ده چيژيټ؛ به تايه ت ژنان و گه نجان له و بوارانه دا ديسان پيشه نگاهه تيان کرد نمونه ي هه ري زيندوو که هيشتا به رده وامه شوږشي ژن ژيان نازاديه و له م شوږشه يشدا پيشه نگاهه تي گه نجان له هه موو کات به رچاوتره

دواتريشدا له ماوه ي بيست سال دامه زراندي په ژاڪدا
نه و ناسنامه و ديناميزمه به رده وام رهنگي داوه ته وه،
واتا له و قوناخانه ش که شهر له گه ل ژيټي داگيرکهر
زور دژوار بووه روټي گه نجان له پيش بووه بو نمونه له
شهر ي قه ندليدا نه وه ي پيشه نگاهه تي کرد شه هيد سمکو
بوو که هه فالټيکي گه نجه، له روژه لاتي کوردستان له
رينکخستن و وشيارکردنه وه ي گه لدا که ساني وه که هه فالان
هيمن و چالاک و مادورا و ماني پيشه نگاهه تي ده که ن.
بو نه وه ي کومه لگه که يان وشيار بکه نه وه هه موو
مه ترسيه که له به رچاو ده گرن و ژيانيان له سهر ده ستيان
داده نټين بو نه وه ي هه م بتوانن کومه لگه که يان و هه م
گه نجان وشيار بکه نه وه. له و سهره لډان راپه رينانه ي که
له روژه لاتي کوردستان دروست بون چي له به رامبه ر
داگيرکاري و چي له به رامبه ر نه و ره وشه ي که کومه لگه
تيدياه و نه و زه حمه تيانه ي که ده چيژيټ؛ به تايه ت
ژنان و گه نجان له و بوارانه دا ديسان پيشه نگاهه تيان کرد
نمونه ي هه ري زيندوو که هيشتا به رده وامه شوږشي ژن
ژيان نازاديه و له م شوږشه يشدا پيشه نگاهه تي گه نجان
له هه موو کات به رچاوتره.

٤ ي نيسان بوو به بناغه ي دامه زراندي په ژاڪ و سهرچاوه ي شوږشي ژن ژيان نازادي

شوږشي ژن ژيان نازادي و ناسنامه ي په ژاڪ
ديناميزمه که يان له هه مان شوټنه وه سهرچاوه ده گريټ،
واتا ٤ ي نيسان هه روه که چوښ بو په ژاڪ نه بيټه
بناغه ي دامه زراندي و ريشه ي ميژووي فلهسه فه که ي
خوي له ويوه وده رده گريټ. له هه مان کاتدا شوږشي ژن
ژيان نازاديش له هه مان شوټنه وه سهرچاوه ده گريټ.
فلهسه فه ي ژن ژيان نازادي به روژي ژيانه وه ده ست
پيده کات که روژي ٤ ي نيسانه. واتا ليره دا نه و
گريډانبونه ي که روټي په ژاڪ له ناو نه و شوږشه و
بلاوکردنه وه ي نه و فلهسه فه يدا هه به تي زياتر به رچاو
ده بينين و لټيټنده گه ين، نه وانه چي پټناسه ده که ن؟
به هه لسه نگاندي نه وانه روټي گه نجان له کونگره ي
حه وته مي په ژاڪدا که م و زياد تيده گه ين له وه ي که
روټي گه نجان له کونگره ي حه وته مي په ژاڪدا ده بيټ
چوښ بيټ و له قوناخي دواي کونگره ده بيټ چوښ
بيټ، له قوناخي نيوان کونگره ي شه شه مي په ژاڪ
و کونگره ي حه وته م چوښ بوو و ټيستا ده بيټ چوښ
بيټ. کاتيک سه يري سهرچاوه ي نه و فلهسه فه ي و
شوږشي ژن ژيان نازادي ده که ين نه و روټه به رچاوپروني

مانه وه ي خوي ده سه لمټيټ. نه و فلهسه فه ي گه نجبون
و ديناميزمي گه نجبونه ي په ژاڪ له دامه زراندي نه وه
سهرچاوه ده گريټ. په ژاڪ له ٤ ي نيسان ٢٠٠٤ ي زايي
دامه زرا و به روحيه و فلهسه فه ي گه نجان وه دامه زرا.
هاوکات ٤ ي نيسان روژي له دايبکوني ريهر ټاپويه.
ريهر ټاپو ريهر ي هه موو گه نجان. له دايبکوني ريهر
ټاپو بوو به هيژي نوټونه وه و ژيانه وه بو هه موو
گه لي کورد. نه وه ش فلهسه فه ي که له گه ل خوي هينا
وه که ريهر ټاپو خوږشي نه لټيټمه نه و چيمه نتويه مان
قليشانده که به سهر گه لي کوردا کرابوو و نه و گوږه
ره مزيه ي که دروستيان کردبوو و گوټويان گه لي کورد
ليره دا چال کراوه، له به رامبه ر نه وه سهرپه لډا. له
کاتيکدا گه نجان له کومه لگه دا هه م بټ روټ کراون و
هه م ده سه لاتيکي پيرسالاري و پياوسالار که ريشه که ي
٥ هه زار ساله له سهر کومه لگه دا زال ببوو له به رامبه ر
نه و ده سه لاتداريه سهرپه لډا. به گه نجپتي و له ناو
گه نجاندا و به و شيوه يش به رده وام به گه نجی مایه وه،
نه مپوش به و شيوه يه نه و خوږاگره يه که له ټيمپالي
به رپوه ده چيټ له دژي گوږه گيري نه و تيکوږشانه
ميژووييه ي که ده يکات به هه مان ره وت به رده وامي
هه يه و نه و گوږه گيريه تيکده شکيټ.

په ژاڪ سهرچاوه ي گه نجبوني خوي له و فلهسه فه ي وه
وه رده گريټ، له هه مان روژدا نه و فلهسه فه يه له دايبک
ده بيټ. له هه مان سال روژدا په ژاڪ داده مه زرټ و
ژيانه وه ي گه لي کورد ده ست پيده کات و به شيوه يه که ي
سروشيتيش نه وه ده بيټ به ناسنامه و به ريشه و
بنه مایه که بو دامه زراندي په ژاڪ. له قوناخه کاني

و بانگه‌شهی سهرکه‌وتنی نیشاندا.

به‌و رهنگه‌ئەو شوپشه ئیستاگه‌ش به‌رده‌وامی هه‌یه و ده‌ژیت و رهنگی خۆی له‌ کۆنگره‌ی په‌ژاکیش داوه و ئه‌رکه‌کانی قۆناخی پێشوی دیاری کردوه، له‌ قۆناخی پێشودا ئه‌و ئه‌رکانه‌ی که‌ بکریڤن چین؟ شوپش چۆن به‌سهرکه‌وتنی ته‌واوته‌ی بگات؟ بۆ جیه‌یه‌ جی کردنی ئه‌رکه‌کان، چی ده‌که‌وێته‌ ئه‌ستۆی گه‌نجان؟ ئه‌رکیک که‌ ده‌که‌وێته‌ سهر ههر تاکێک چیه‌؟ ئه‌و ئه‌رکانه‌ زیاتر رونکراوه‌ته‌وه و زیاتر به‌رچا‌ورونی پێ داوین و سهرکه‌وتنی کۆنگره‌ی گه‌ره‌نتی کردوه.

ببینی قۆناخی پێشوو هۆکاریکه‌ بۆ ئه‌وه‌ی پێش خۆیشمان باشتربینین، واتا ئه‌و قۆناخه‌ی له‌ سالی ۱۹۹۹ی زاینیه‌وه به‌ راپه‌ربینی گه‌نجان له‌ رۆژه‌لاتی کوردستان که‌ بۆ خاوه‌نداریکردن له‌ ریه‌ر ئاپۆ و له‌ دژی پیلانگێری نیونه‌ته‌وه‌ی ده‌ستی پیکرد و هه‌ستکردن به‌و پیلانگێریه‌ی که‌ نه‌ ته‌نیا له‌ دژی ریه‌ر ئاپۆ له‌ دژی ته‌واوی گه‌لی کورد به‌رپه‌وچه‌وو و به‌وه‌ هه‌ست و تیکه‌یشتنه‌وه‌ ئه‌و راپه‌ربانه‌ی که‌ پێشکه‌وتن دامه‌زراندنی په‌ژاکی له‌گه‌ڵ خۆیدا هه‌تایه‌ ئاراوه و تا رۆژی ئه‌م‌ڕۆش ئه‌و تیکۆشانه‌ به‌رده‌وامی پێده‌دری. کاتی که‌ ئه‌وه‌ ده‌بینین ئه‌و کات ئه‌رکیک که‌ ده‌که‌وێته‌ ئه‌ستۆی گه‌نجان له‌ قۆناخه‌کانی داها‌تودا ئه‌وه‌ش ده‌توانیت زیاتر رو‌نبه‌ته‌وه، له‌ کۆنگره‌شدا ئه‌وانه‌ ئاماژه‌یان پیکراوه و هه‌لسه‌نگێندراون که‌ قۆناخی پێشوو رۆلی گه‌نجان چۆن بوو له‌ قۆناخی داها‌تودا پێویسته‌ چۆن بێت، داها‌توی په‌ژاک پێویسته‌ چۆن بێت ئه‌وه‌یه‌ که‌ گه‌توگۆی له‌سهر ده‌کریت. کاتی که‌ باسی رۆلی گه‌نجان ده‌کریت له‌ ئه‌رکه‌کانی داها‌توی که‌ په‌ژاک له‌ کۆنگره‌ی حه‌وته‌مدا داو‌به‌تیه‌ پێش خۆی، لێره‌دا باسی ئه‌وه‌ ده‌کریت که‌ داها‌توی په‌ژاک پارتی ته‌واوی گه‌لانی ئێرانه‌. پارتی ته‌واوی گه‌لانی رۆژه‌لاتی کوردستانه‌ له‌به‌ر ئه‌وه‌ لێره‌دا ئیمه‌ چاره‌نووسی گه‌لیک گه‌توگۆ ده‌که‌ین. لێره‌ ئه‌و شتانه‌ی بۆ په‌کلا‌یکردنه‌وه‌ی چاره‌نووسی گه‌لیک ده‌که‌وێته‌ سهر گه‌نجان له‌ قۆناخی کۆنگره‌ی حه‌وته‌می په‌ژاکدا جیه‌یه‌ ئه‌و خالانه‌ ئاماژه‌یان پیکراوه‌ نرخاندنیان له‌سهر کراو و بریاری گرنگ دران له‌و باره‌یه‌وه.

به‌ خۆپه‌روه‌رده‌کردن گه‌نجان ده‌توان بینه‌ پێشه‌نگی رونا‌ک‌کردنه‌وه‌ی ته‌واوی کۆمه‌لگه‌

ئه‌گه‌ر له‌ ئیستادا له‌و سیاسه‌ته‌ی رژیمی داگیرکه‌ری

زیاترمان پێده‌دات. له‌ کۆنگره‌شدا وه‌ک چا‌وه‌ڕێ ده‌کرا گه‌نجان رۆلیکی هه‌مان شیوه‌یان بینی. بێگومان هه‌ڤا‌لاتیک که‌ له‌ کۆنگره‌دا ئاماده‌بون ئه‌و که‌سانه‌ی که‌ ره‌نجیان هه‌بوه‌ له‌ به‌ستنی ئه‌م کۆنگره‌یه‌دا له‌سه‌ره‌تادا شه‌هیدانی ئیمه‌ به‌تایبه‌ت پێشه‌نگانی شوپشی ژن ژیان ئازادی هه‌موو ئه‌و ره‌نجده‌رانه‌ی که‌ تیکۆشانیان له‌ رۆژه‌لاتی کوردستاندا هه‌یه‌، ره‌نجیان داوه، بنه‌ماله‌ ولاتپاریزه‌کانی ئیمه‌ له‌وێدا هه‌موو ره‌نجیان هه‌بوو له‌ به‌ستنی کۆنگره‌دا، ئه‌وانه‌ هه‌موویشیان به‌رۆج و ناسنامه و دینامیزمیکه‌ گه‌نجان هه‌موو رۆژیک به‌ نوێبونه‌وه‌ له‌ناو تیکۆشاندان‌بوون. له‌خۆمان و کۆمه‌لگه‌دا نوێبونه‌وه‌ و له‌و قۆناخه‌ی که‌ تێدا‌ین نوێبونه‌وه‌ و ژيان‌ه‌وه‌ بۆ ته‌واوی گه‌لان چۆن پێشکه‌ش بکه‌ین و به‌ره‌م ببینین، له‌و روه‌دا به‌رده‌وام له‌ناو وردبونه‌وه‌ و له‌ناو تیکۆشاندان‌بوون و ره‌نجی هه‌موویان له‌ناو کۆنگره‌دا به‌رچا‌و بوو. له‌به‌ر ئه‌وه‌ هه‌موو ئه‌وانه‌ی که‌ له‌و کۆنگره‌یه‌دا به‌شداریان کردوه و ره‌نجیان هه‌بووه‌ هه‌موویشیان به‌هه‌مان ناسنامه به‌شداري ده‌که‌ن. کاتی که‌ باس له‌گه‌نجبوون ده‌که‌ین ته‌نیا باس له‌ هه‌ندیک هه‌ڤا‌لی گه‌نج ناکه‌ین که‌ له‌و کۆنگره‌یه‌دا به‌شداربون باسی ئه‌و رۆحه‌ ده‌که‌ین که‌ له‌ناو کۆنگره‌دا رۆلی گێپرا؛ ئه‌و رۆحه‌ی که‌ به‌ گه‌نجیته‌ی ده‌ستی پیکرد و به‌ گه‌نجیته‌ی به‌رده‌وام ده‌کات و به‌ گه‌نجیته‌ی سه‌رده‌که‌وێت. ئه‌وه‌ ئه‌و رۆحه‌یه‌ که‌ له‌ کۆنگره‌دا رۆلی گێپرا، بێگومان وه‌کو ناسنامه‌ی به‌شداربونی گه‌نجان به‌ ناسنامه‌ی خۆیان‌ه‌وه‌ له‌ناو کۆنگره‌دا گرنگه‌یه‌کی خۆی هه‌یه. رۆلی گه‌نجان له‌ کۆنگره‌دا یاخود پێشه‌نگایه‌تی گه‌نجان له‌ کۆنگره‌دا مسۆگه‌ری سهرکه‌وتنی کۆنگره‌ی به‌ده‌سته‌په‌ناوه‌، سهرکه‌وتنی کۆنگره‌ش له‌و پێشه‌نگایه‌تیه‌وه‌ گه‌ره‌نتی خۆی وه‌رگرت. له‌به‌ر ئه‌وه‌ی دوا‌رپۆزی کۆمه‌لگه‌ گه‌ره‌نتی ده‌کات و پێشه‌نگایه‌تی گه‌نجان په‌یوه‌ندی ته‌واوی به‌ هیوا‌ی دوا‌رپۆزه‌وه‌ هه‌یه.

له‌ ئیستادا تیکۆشان له‌ ئاستیکه‌ به‌رزدا‌یه‌، هاوشیوه‌ی شوپشی ژن ژیان ئازادی هه‌ندیک گۆرانکاری تیا بو‌یته‌ به‌پێی بارودۆخ، له‌ ئیستادا و له‌ به‌رده‌وامی ئه‌و شوپشه‌یشدا زیاتر ره‌نجی خۆبه‌ریک‌خستن کردن و خۆئاماده‌کردن و خۆپه‌روه‌رده‌کردن و قو‌لبونه‌وه‌ له‌و فه‌لسه‌فه‌یه‌ی که‌ ئه‌و راپه‌ربین و شوپشه‌ی دروست کردوه زیاتر له‌ پێشه‌. له‌و شوپشه‌دا کۆمه‌لگه‌ به‌ زانا‌بونی خۆی ئه‌وه‌ی زیاتر پێش‌خستوه‌، له‌ قۆناخی سه‌ره‌تای شوپشه‌دا که‌ ته‌واوی ئێران به‌ راپه‌ربین و سه‌ره‌له‌دان هه‌موو دنیای هه‌ژاند و ئه‌و فه‌لسه‌فه‌یه‌ی ب‌لا‌و کردوه

ئىران لە رۆژھەلاتى كوردستان بە سەر كۆمەلگە بەرپۆهە دەبات تىبگەين، ئەو كاتە لە گرنكى و رۆلى گەنجائىش تىدەگەين. رۆژمى داگيركەرى ئىران لەسەر گەنجان و كۆمەلگە، سىياسەتى بى گەنج هەشتەنەو و پيركردنى كۆمەلگە. بە شەرى تايەت سىياسەتى بى هيواكردنى كۆمەلگە بەرپۆهە دەبات. لەبەر ئەوھى لە بى هيواكردندا؛ بى تىكۆشانى هەيە، كاتىك كۆمەلگە بېھيوو بىت لەویدا تىكۆشان نابىت لەبەر ئەوھى بۆ ئەوھى كۆمەلگە بېھيوو بىت سىياسەتى بى گەنجبوون پىش دەخات. هيوو پەيوەندى بە داروژوھە هەيە، داروژو گەنجە. كاتىك تۆ كۆمەلگەت بى گەنج كرد كۆمەلگەت بى داروژ كرد، ئەو كاتە پىويستى بە تىكۆشان نابىت و ئەو كۆمەلگەيە تەسليم دەبىت، لەبەر ئەوھە سىياسەتتىكى تايەت لەسەر بېھيواكردنى كۆمەلگە بەرپۆهە دەبات. بۆ ئەوھى كۆمەلگە بى گەنج بكات. بىگومان ناتوانىت هەموو گەنجان كۆمەلكوژ بكات، هەرچەندە رۆژانە گەنجان دەستگير دەكات و لە سىدارەيان دەدات، بەلام ئەو سىياسەتە بى ئەنجامە. رىگای دووھەمىن كە دەولەت وەك سىياسەتەك گرتوو پەيەبەر، شەرى دەرونيە. رۆژم هەولەدات گەنجان بېھيوو بكات، بى هيواكردنى گەنجائىش بەواناى بى هيواكردن و بى تىكۆشانكردنى كۆمەلگەيە. لەھەمانكاتدا بەرپۆگای شەرى تايەت و مادەى ھۆشەبەر و بلاوكردنەوھى بى ئەخلاقى و زاپەندپەرسى لەناو گەنجاندا دەيەوئەت بەو شىئوھە گەنجان بېھوش و پير بكات و كۆمەلگە بەرھەو پيرسالارى ببات و كۆمەلگە لە نوپونەوھە و لە تىكۆشان و لە ھەنگاو ھەلپەنەن پەك بخات؛ ئامانجى ئەساسى رۆژم پەكخستنى كۆمەلگە و بە بىكارىگەركردنى گەنجانە. لەبەر ئەوھى يەك لە ئەركە ھەرە گرنگەكان كە پىويستە پەژاك لەو قۆناخەدا راوھستەى لەسەربكات، زىندوھەشتەنەو و لەسەر پى ھەشتەنەوھى گەنجانە، چونكە ئەوھە بە واتاى لەسەر پىھەشتەنەوھى كۆمەلگەيە. ئەوھى پىشەنگابەتى دەكات ديسان خودى گەنجان بەخوئانن، وانا فكر و فەلسەفە و پارادايمىكى زۆر بەھىزى رىبەر ئاپۆ ھەيە ئەوھە ئىلھام دەبەخشىت و بە سوود وەرگرتن لەو ئىلھام و پارادايمە زىندوھەشتەنەوھى گەنجان و بەھىزكردنى تىكۆشانىانە، يەك لەبەرامبەر ئەو شەپە تايەت و دەرونيەى كە دەكرىت، ئەو كەسانەى كە ئاميرن بۆ بەرپۆھەبردنى ئەو شەپە تايەتە، ئەوانەى كە بى ئەخلاقى لەسەر كۆمەلگە دەسەپىنن، ئەو كەسانە كە نۆكەرى و خۆفرۆشى دەكەن بۆ رۆژمى داگيركەر و بوونەتە پرد و ئاميرى

بلاوكردنەوھى شەرى تايەتە رۆژمى داگيركەر دەكەن لەسەر گەنجان بە ئامانجى قىركردنى كۆمەلگە، بەرپۆگەى بلاوكردنەوھى مادەى ھۆشەبەر ھەولەدەدەن گەنجان و كۆمەلگە بېھوش بكەن، بەرپۆگای سىخورى كردن، گرتن، كوشتنى ئەو گەنجانەى كە لەناو كۆمەلگەدا رۆلى پىشەنگابەتى و روناككردنەوھى كۆمەلگە دەگيرن، لەبەرامبەر بەوانە دەبىت تىكۆشان لە ئاستى لوتكەدا بىت. بۆ ئەوھى ئەو پىرادارايە پىكبىت، دەبىت لەبەرامبەريان تىكۆشانىكى بەھىز و بە رىبازى راست پىكبىت. ئەو گەنجەى كە ئەو تىكۆشانە بەرپۆھە ببات، ئەو گەنجەيە كە ھوشيار بۆتەوھە. گەنجىكى ئاساى و بى پەروەردە ناتوانىت ئەو تىكۆشانە بكات. گەنجىك تىنەگەيشبىت و خۆى پىناسە نەكردبىت، ناتوانىت كۆمەلگە تىبگەيەت. گەنجىك كە كەسايەتى خۆى رون و رووناك نەكردۆتەوھە و قول نەبۆتەوھە لە فەلسەفەى ژن ژيان نازادى، لە پارادايمى نازادىدا، لە گرنكى كۆمەلگەى ديموكراتىكدا پىويستى بە تىكۆشان بۆ پوچەلكردنەوھى سىياسەتەكانى رۆژمىش نابىت. لەبەر ئەوھە پەروەردەكردنى گەنجان وەكو ئەركىكى سەرەكى خۆى دەسەپىننىت. پىويستە گەنجان لە ئاستى سەفەربەريدا لەناو پەروەردەدا بن. بە شىوازگەلى جياواز و بە رىبازى خولقكار دەبىت گەنجان لەوھەدا رۆل بگيرن. بەھەموو شىوازىك چى بەرپۆگای راگەياندنەوھە چى لە رىگای پەروەردەى تايەتەوھە بتوانىن خۆمان بگەيەنە تەواوى گەنجانى رۆژھەلاتى كوردستان و ئىران، بەشىئوھەيەك كە ھىچ گەنجىك بىيەروەردە نەمىننىت و ھىچ گەنجىك لەتارىكىدا نەھىلنن، بەو شىئوھەيە گەنجان بن بە پىشەنگى روناككردنەوھى تەواوى كۆمەلگە.

رۆژھەلاتى كوردستان و ئىران ئەو شىئوھەيە كە شۆرشى ژن ژيان نازادى تىدا پىشكەوت، لەبەرئەوھى ئەوھى ھەرى زىدە دەبىت لە ھەلمەتى نازادى جەستەيى رىبەر ئاپۆدا رۆل بگيرىت رۆژھەلاتى كوردستانە و لەوئىشدا گەنجانن. ھىلى چالاکى گەنجانىش لەم قۆناخەدا بىگومان پىشەنگابەتى كردنى ئەو ھەلمەتەيە

گەنجان پېشەنگى ھەلمەتى ئازادى رېيەر ئاپۆ و ھەوينى سەرخستنى شۆرشى ژن ژيان ئازادىن

لەسەر بنەماي پەرورەدەکردن، ھەنگاوى دووم رېكخستبنونى گەنجانە. لەسەر بنەماي پەرورەدە؛ رېكخستبنون دروست دەبىت. رېكخست بن پەرورەدە دروست نايىت لەبەر ئەوھى گەنجان ناتوانن بن رېكخستبنون يەك ھەنگاويش ھەلگرن. تاك بە تەنيا زۆر شتى لە دەست نايەت، بەلام كاتيك رېكخستو بىت ئەتوانىت ھەنگاو بنىت و گورزى كۆشندە لە داگيركەر بدات. ھەموو ئەوانە لەسەر بنەماي پەرورەدەيەكى راست پيكدىت. بىگومان لېرەدا گرنكى بەرېكخستبنون دەردەكەوتىتە پيش، پيوستە گەنجان لەسەر بنەماي ئەو پەرورەدەيەى بىنيويانە بتوانن خويان بەرېكخست بكنەن، بە شيۆھى گروپى جياواز لە گوندەكان و كۆلانەكان و شارەكان خويان بە رېكخست بكنەن بەتايىت لە زانكۆكان. لە ئىستادا رژىمى داگيركەر و ھەموو دەولەتان چۆن زانكۆكان بەكار دىنن؟ زانكۆ بەگشتى بۆ دەولەت، شوپىنى ئامادەکردنى كادرى دەولەتە. شوپىنى ئامادەکردنى گەنجى بەتەواوى خەسپىزاوى دەولەتە و رۆيلىكى بەو شيۆھى دەبىنىت. دەولەت لەزانكۆكان ھزرى خۇى دەداتە گەنجان. گەنجان بەپەرورەدە و بە خۆ بەرېكخستىن كردن دەتوانن ئەوھ پېچەوانە بكنەن، بە تېگەبشتن لە سىاسەتى داگيركارى دەتوانن زانكۆكان بكنەن بە شوپىنى بلاقردنەوھى فكري ئازاد، بەرېكخستبنونى فكري ئازادى و بەو شيۆھى رۆلى زانكۆكان پېچەوانە دەبىتەوھ و نمونەى ئەوھش لە ميژووى دوور و نزيكماندا زۆرە. لە ھەموو شۆرشەكانى سەدەى بىست زانكۆكان بونەتە شوپىنىكى بەو شيۆھى، چەندە زانكۆكان بونەتە شوپىنى تواندەن و ئاسىمىلاسيۆنى گەنجان و ئامپريكى شەرى تايىت، بەو ئەندازەيەش بوونەتە گۆرەپانى تيكۆشانى گەنجان. ھەر چۆن فكري و رېكخستبنونى گەنجان لەسەر ھەمان فكري و فەلسەفەى رېيەر ئاپۆ بەرپۆھدەچىت، ھيلى چالاكى گەنجانيش پيوستە لەم قۆناخەدا خاوەندارىكردن لەھەمان فەلسەفە و دامەزرپنەرى ئەو فەلسەفەيە بىت. رېيەر ئاپۆ ماوھى ۲۵ سالە لەژىر گۆشەگيرىدايە. سىاسەتى گۆشەگيرى تپەپرى سالى بىست و شەش دەبى و لەو ماوھىدەدا لەناو گۆشەگيرىكى قول و تيكۆشان دابە و زياتر لە سى سالى دوايى لەناو سىستەمى قركردنى ئىمپرايىدايە و لەبەرامبەر ئەو سىاسەتەش رېيەر ئاپۆ لەناو تيكۆشان

و شەپىكدايە. ھزرى رېيەر ئاپۆ ئەو گۆشەگيرى تيكەدەشكىنىت و لە ھەموو دنيادا بلاو دەبىتەوھ. ئيمە ئەوھ رۆزانە دەبىنىن كە چۆن بە رىگاي ھەلمەتى ئازادى بۆ رېيەر ئاپۆ كە لە ۲۰۲۳/۱۰/۱۰ رايگەندرا، ئەو فكري و فەلسەفەيە لەماوھى چەند مانگدا بە تەواوى جىھاندا بلاو دەبىتەوھ و خاوەندارى گەورەى لىكرا. بەتايىت بە پيشەنگايەتى گەنجان لە تەواوى ولاتانى جىھاندا فكري رېيەر ئاپۆ ھەم بلاو دەبىتەوھ ھەم ئاستى بە رېكخستبنون قازانچ دەكات. ئەوھ بۆ ئيمە قوناخىكى نوپىە. رۆژھەلاتى كوردستان و ئيران ئەو شوپنەيە كە شۆرشى ژن ژيان ئازادى تپدا پيشكەوت، لەبەرئەوھش ئەوھى ھەرى زىدە دەبىت لەو ھەلمەتەدا رۆل بگيرىت رۆژھەلاتى كوردستانە و لەویشدا گەنجان. ھيلى چالاكى گەنجانيش لەم قۆناخەدا بىگومان پيشەنگايەتى كردنى ئەو ھەلمەتەيە.

پيشەنگايەتى كردن لە ھەلمەتى ئازادى جەستەيى بۆ رېيەر ئاپۆ وەكو لە دروشمەكەيشدا ديارە بەواتاي چارەسەرکردنى كيشەى كورد و چارەسەرکردنى كيشەكانى رۆژھەلاتى ناوھراستە بەتايىتە. ھاوكات واتاي تيكردنى ھەموو ئەو پيلانگيرانەيە كە ئىستا دەولەتانى بەشدار لە پيلانگيرى ئىتوھتەوھىيدا جىگەيان گرت و پيلانگيرى كانيان لەسەر كۆمەلگەكانى رۆژھەلاتى ناوھراست و جىھان بەرپۆھ دەبەن لەبەرامبەر ئەوانەدا سەركەوتنى ھەرى گەورە، سەركەوتنى ھەلمەتى ئازادى جەستەيى رېيەر ئاپۆيە.

لەسەر ئەو بنەمايە بانگەوازي لە تەواوى گەنجانى رۆژھەلاتى كوردستان و ئيران دەكەين بەو رۆح و بپياردارىيەى لە ھەوتەمىن كۆنگرەى پەژاكدە پيشكەوتووھ بەشيۆھىكى بەھىز لەناو ھەلمەتى ئازادى بۆ رېيەر ئاپۆ بەشدار بن و بە ئەركى خويانى بزائن و دەرك بەھەستىارى قوناخەكە بكنەن و تپىگەن كە ئەرك و بەرپرسىارىيەتى گەنجان چيە و چەندە گرنگە و بەو ھەستى بەرپرسىارىيەتەوھ بەھەمان شيۆھى كە بوون بە دەنگى تورەيى لەبەرامبەر پيلانگيرى لە سالى ۱۹۹۹دا بە ھەمانشپۆھ كە بونە بناغەى دامەزراندنى پارتى ژيانى ئازادى كوردستان"پەژاك" و بناغەى شۆرشى ژن ژيان ئازادى، لەم قوناخەشدا لەناو تيكۆشاندا ھەمان رۆل بگيرن لە ھەلمەتى ئازادى بۆ رېيەر ئاپۆ و ئەم دەرفەتە بكنەن بە ھەوينى سەرخستنى شۆرشى رۆژھەلاتى كوردستان و و ديموكرايىزە كردنى ئيران.

به‌نداوی زۆر له‌سه‌ر ئه‌م رووباره و هه‌روه‌ها گواستنه‌وه‌ی بۆ هه‌ری‌مه‌ ناوه‌ندییه‌کانی ئێران، زیانکی زۆری به‌خه‌لك گه‌یاندوه‌ که له‌وانه‌ بریتین له: که‌م بوونه‌وه‌ی ئاوی خواردنه‌وه، وشک بوون و له‌ناوچوونی دارستان و باخ و باغات و زۆربوونی ناوچه‌ ده‌شتاییه‌کان و زۆر بوونی ره‌شه‌با لم‌اویه‌کان.

هه‌مان سیاسه‌ت له‌سه‌ر رووباره‌کانی رۆژه‌لاتی کوردستانیش به‌رئوه‌ ده‌چیت. له‌سه‌ر رووباره‌کانی کوردستان به‌نداوه‌گه‌لیکی زۆر دروست کراون و هه‌روه‌ها ئاوی رووباره‌کانی کوردستانیش بۆ ناوه‌ندی شاره‌کان ده‌گوزارێته‌وه. ژماره‌ی زۆری به‌نداوه‌کان کاریگه‌رییه‌کی یه‌کجار خراپی به‌تایه‌تی له‌سه‌ر که‌ش و هه‌وای کوردستان داناهه‌. به‌پێ هه‌ندیك ئامار و سه‌رچاوه‌ ده‌رکه‌وتوووه له‌سالی ۱۳۹۸، ۱۱۸۶۳ کۆمپانیا له‌به‌شی په‌یوه‌ندی‌دار به‌ئاوه‌وه‌ وه‌ک به‌نداو لێدان کاریان کردوووه. ئه‌م ئاماره سه‌رسوره‌یتنه‌ره‌ خۆی سه‌لمێنه‌ری ئه‌وه‌یه‌ که قازانجی زۆر به‌خواه‌ن کۆمپانیاکان ده‌گات تا گه‌لی نېشته‌جیی هه‌ری‌م. به‌نداو لێدانی زۆر له‌هه‌ر ناوچه‌یه‌ک کێشه‌گه‌لیکی زۆری دروست کردوه. له‌هه‌روارمان که‌ش و هه‌وا ده‌گۆرێت و له‌ ورمی گۆلیک وشک ده‌بیت که به‌دوایدا زریانی خۆی ده‌بێته‌ کێشه‌ی سه‌ره‌کی ئه‌م هه‌ری‌مه‌ و جیرانه‌کانی.

هه‌روه‌ها له‌ناوبردنی دارستانه‌کان یه‌کیکی تر له‌دیارده مه‌ترسیداره‌کان بۆ کۆمه‌لگه‌یه. دارستان یه‌ک له‌ گرنگترین پێویسته‌یانی ژیا‌ن. ژێرخانی هاوسه‌نگی ئیکۆسیسته‌م و هۆکاری سه‌ره‌کین بۆ پێشگرتن له‌ لافاو، تیکچوونی خا‌ک، هاوسه‌نگی بازنه‌ی بارین، گه‌نجینه‌ ئاوییه‌کان، دارستانه‌کان وه‌ک به‌ردی بناخه‌ی ژینگه‌ن. له‌هه‌موو چاخه‌کان دا دوا‌ی هه‌ر تیکچوونی‌ک سه‌رله‌نووی بوژاندویانه‌ته‌وه، به‌شی‌وه‌یه‌ک که ژینگه‌ی ئه‌مرۆیان بۆ ئێمه‌ پێکه‌یناوه. له‌هه‌ر چاخیکی ژیا‌ن مه‌ترسییه‌کی تایه‌ت به‌خۆی له‌سه‌ر ئیکۆسیسته‌م هه‌بووه. به‌لام هه‌ج کاتی‌ک وه‌ک ئیستا توانای بووژانه‌وه‌یان له‌ژینگه‌ نه‌ستاندوووه. مه‌ترسییه‌کانی که سیسته‌می سه‌رمایه‌داری بۆ ژینگه‌مان دروستی کردوووه و رۆژه‌روژ رووی له‌زیادبوونه؛ به‌شی‌وه‌یه‌ک که ده‌رفه‌تی قه‌ره‌بووکردنه‌وه و بوژانه‌وه‌شی لێ ستاندووون.

تا‌ک له‌سیسته‌می سه‌رمایه‌داری دا به‌ ئه‌قڵیه‌تی سه‌رمایه‌ و قازانج و ده‌سه‌لات هه‌ج سنووریک نانا‌سیت و بۆ به‌رژه‌وه‌ندییه‌کانی خۆی هه‌موو ده‌ستدرێژییه‌ک له‌سه‌ر ژینگه‌ به‌ری‌وه‌ ده‌بات. مرۆفی مۆدێرن به‌م ئه‌قڵیه‌ته‌ هه‌ج پێوانیکی ئه‌خلاقیه‌ ره‌چاو ناکات و ئه‌نجامی هه‌ر ئاکاری‌ک له‌به‌رامبه‌ر ژینگه‌ دا په‌وا ده‌بینیت. تا‌ک و ده‌زگا و سیسته‌م ده‌ست له‌ناو ده‌ستی یه‌ک، له‌ سه‌ر ئه‌م بانه‌مایه‌ که

خا‌ک و زیادبوونی ده‌شته‌کان، رۆچوونی زه‌وی، له‌ناوچوونی جو‌ره‌کانی گزۆگیا و ته‌نانه‌ت نازه‌له‌کان ته‌نیا به‌شیک له‌قه‌یرانه‌کانی ژینگه‌یی له‌ئێران، ئه‌گه‌ر گه‌رمبوونی زه‌وی، تیکچوونی چینی ئۆزۆن، گازه‌ گۆلخانه‌ییه‌کان، گۆرانی ئاستی ده‌ریاکانیش که قه‌یرانی جیهانی‌ن و هه‌موو ولاتان ده‌گرێته‌وه له‌سه‌ر زیاد بکه‌ین، ئاوا ئاستی کاره‌ساته‌که به‌رز ده‌بێته‌وه.

یه‌ک له‌سه‌ره‌کی ترین گرفته‌کانی ژینگه‌یی له‌هه‌موو جو‌گرافیای ئێران کێشه‌ی ئاو و به‌نداوه‌کانه، بۆ ئه‌وه‌ ده‌توانین ئاماژه‌ به‌ ئه‌هواز بکه‌ین که له‌م سالانه‌ی دوا‌یش خه‌لك ناره‌زایه‌تیه‌کی زۆریان ده‌رپری. ئه‌هواز که خۆی خاوه‌ن رووباری گه‌وره‌ بوو که به‌له‌مه‌کان تیا‌یدا هاتوچۆیان ده‌کرد و گرنگیه‌کی زۆری بازرا‌گی به‌هۆی تیکه‌لبوونی به‌زه‌ریای هینده‌وه‌ هه‌بوو، ئیستا نه‌ته‌نیا توانای ئه‌م بازرا‌گیا‌نه‌یان نه‌ماوه، به‌لکو بۆ ئاوی خواردنه‌وه‌ش ناچارن خۆپیشاندان بکه‌ن. لێدانی

دارستان یه‌ک له‌ گرنگترین پێویسته‌یانی ژیا‌ن. ژێرخانی هاوسه‌نگی ئیکۆسیسته‌م و هۆکاری سه‌ره‌کین بۆ پێشگرتن له‌ لافاو، تیکچوونی خا‌ک، هاوسه‌نگی بازنه‌ی بارین، گه‌نجینه‌ ئاوییه‌کان، دارستانه‌کان وه‌ک به‌ردی بناخه‌ی ژینگه‌ن. له‌هه‌موو چاخه‌کان دا دوا‌ی هه‌ر تیکچوونی‌ک سه‌رله‌نووی بوژاندویانه‌ته‌وه، به‌شی‌وه‌یه‌ک که ژینگه‌ی ئه‌مرۆیان بۆ ئێمه‌ پێکه‌یناوه





سىستەمى مۇدېرنىتە خۆپەتسى. لەم سۆنگەيەو؛ ھەر ۋەكو لەبزوتنەۋەي فېمىنىستىدا بىنىمان، بزوتنەۋەي ئىكۆلۆۋىستى پېويستىھەكى زۆرى بە يەكلاۋونەۋە و رونبۇنى ئايدۆلۆۋى ھەيە، پېويستە رېكخستىن و چالاكېيەكانى لەشەقامە تەسكەكانى شارەۋە بۆ ناو سەرجمە كۆمەلگە بگوازىنەۋە، بەتايەتېش بخزېنە ناو كۆمەلگەي گوند - كشتوكالى ناوچە لادىيەكان. لەراستىدا ئىكۆلۆۋى رابەرى چالاكى كۆمەلگەي كشتوكال - گوند، تەۋاۋى كۆچبەرەكان، بىكاران و ژنانە".

لەسەر ئەم بنەمايانە لەكۆنگرەدا بېرىار درا كە كۆمىتەي ئىكۆلۆۋى بەھزېتر بىرېت و چوارچىۋەي كاروخەباتى بەرفراوانتر بىكات. ھەموومان بۆ پاراستنى ژىنگەمان بەرپرسىارين، پاراستنى ژىنگە پېويستى بەھاۋكارى تاك بەتاكى كۆمەلگە، ژن و پىياۋ، مىندال و پىروگەنج ھەيە؛ چونكە ژىنگەي ئەمپۇمان بۆ ئىمە و ۋەچەي داھانۋوشە. بۆيە دەبىت گەشەكردىكى گونجاۋ لەگەل سىروشت بەبنەما بگىردىت و پېويستى ئەم گەشەكردىنەش پەرۋەردەيەكە لەسەر بنەماي ئىكۆلۆۋىيە.

ژنان دەتوانن رۆلېكى گىزىگان لەپاراستنى ژىنگە و باش بەكارھىنانى كانىۋاۋەكان ھەبىت، بەلام رۇلىان لەرەۋتى بېرىاردان زۆر دىيار نىيە. كە ئەۋىش دەكرىت بەپەرۋەردەيەك لەسەر بنەماي ئىكۆلۆۋى و ئازادى ژن چارەسەر بىرېت.

مىروڧ باشترىنى خولقىندراۋەكانە، ۋەك ئۆبۇزەيەك سەيرى ژىنگە دەكەن و داكىر و تالانى دەكەن.

لەتېۋان تەۋاۋى تالان كىردن، كولىكارى و ھەلپەرەستى دا كەسانىك بىرمان دېنەۋە كە ژىنگەمان ھەرچەندە مىندالى ۋاي ھەبىت كە خىانەتى لى بىكات و بە پېي بەرژەۋەندى تاكەكەسى خۆي ژىنگە تالان بىكات، ئەۋەندەش رۆلەي باشى بۆ پاراستنى خۆي گەۋرە كىردۋە. شەھادەتى شەھىدانى خەرمانانى ۱۳۹۷ ھاۋارىك لەناخى ژىنگەۋە بوو كە قۇناخىكى نوڧ لە پاراستنى ژىنگە دەستى پىكرد.

بىزوتنەۋە گەلېكى زۆر لەجىھان لەسەر بنەماي زانستى ئىكۆلۆۋى پىك ھاتوون و رۆژ لەدۋاي رۆژ زىاتر پەرە دەستېن و سەرنجى خەلېكىكى زىاتر بەرەۋ خۇيان رادەكىشن. رىيەر ئاپۇ دەلېت: "ژىنگە بەرفراوانترىن گۆرەپانى بىزۋتى كۆمەلگەي مەدەنىيە. چەندە دەچىت زىاتر رىئال سۇسىالىست و ئانارشىستەكان بەرەۋ خۆي رادەكىشىت. لەدۇخى بىزوتنەۋەيەكدا كە ھەرى زۆر رىكابەرايەتى سىستەمى تىدا دەبىزىت. لەبەر ئەۋەي پەيوەندى بەتەۋاۋى كۆمەلگەۋە ھەيە، ئەۋا بەشدارىكىردن ماھىيەتېكى سەرۋوتى چىن و نەتەۋەكانى بەدەست ھىناۋە. لىرەشدا شوپن پەنجەي ھەژمونگەرايى ئايدۆلۆۋى لىپىرال لەسەر بىزوتنەۋەكە دەبىزىت. ھەر ۋەك سەبارەت بە بابەتە كۆمەلەيەتەكان، لىپىرالىزم لەبۋارى ئىكۆلۆۋىشدا گەۋەرى بونىدادى كىشەكە ناپىنى، ھەۋل دەدات تەكنۆلۆۋىيا، سۈۋتەمەنى پاشماۋەكان و كۆمەلگەي بەكاربىردن بەرپرسىار پىشان بىدات. كەچى لە راستىدا تەۋاۋى ئەم دىيارە لاۋەكى و نەرىپىانە بەرھەمى

كۆنگرەى ھەوتەمى پەژاك و ھەلۈەستەپەك

ئارام كەرىم



كودەتاكانى زۆربەى ولاتانى ئەفرىقاي باشور لەو جۆرەپە و ھەرچى دەچىت، ئەو ھىزانە دەپانەوئىت لەزۇر شوپىنى تردا بەو نىكبوون و ھەلۈەستانەيان ئالۋىزى و گىرەشىۋىنى بىننەو و گەلان بەردەنە گيانى پەكت. لەلايەكى تر لەتپوخۇ ئىراندا شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى لەئارادايە و دۆخى رژیىمى ئىران لەو ولاتە تووشى نەخۇشى نپوخۇى ھاتوو و بگرە لەوانەى باسماں كىرد خراپترە.

ھەرچەندە رژیىمى داکىركەرى ئىران لەكۆتايپەكانى سالى رابردوو بە ھەلبۇزاردنىكى فۇرمالپتەى پەرلەمانى و ئەنجوومەنى شارەزاىان وىستى ئەو پەيامە بداتە ھىزەكانى مۇدپىرنىتەى سەرمايەدارى كە گەلان و پىكھاتەكانى ئىران بەدەنگەكانىان رەواپەتپان بەرژىم بەخشیوئەتەو، بەلام لەراستپدا وەك ئەوئەى رژیىم پروپاگەندەى بۆ كىرد كە گواپە ۴۱% گەل بەشدارى دەنگدان بوونە، بەپپىى داتا بلاوكرائوہكان لەمەدپا وکانالەكانى تردا دەردەكەوئىت كە شتپكى وا نپپە و بگرە لە سەدا بپستى خەلكى ئىران دەنگيان بەو رژیىمە زپاتر نەداو و ئەو رژیىمە بەلاى گەلانى ئىرانەوئە ئپدى رەواپەتپى خۇى لەدەست داو و بەھپچ شپوہپەك گەلانى ئىران رژیىمى فاشپستى دپنى -

كۆنگرەى ھەوتەمىنى پەژاك كە بە دروشمى؛ "بە فەلسەفەى ژن، ژيان، ئازادى كوردستان ئازاد دەكەپن و نەتەوئەى دپموكراتپك بونپاد دەئپن"، لەكاتپكدا پىكھات كە سىستەمى مۇدپرنىتەى سەرمايەدارى دەپەوئىت بەگوشار و رپكارگەلى جپاواز لەوانە سىپاسى، ئابورى، سەربازى، چاندى، دپلۆماسى ئەو ھپز و ولات و گروپ و ئەتپىكانەى خۇراگرن و تەسلىم و ملكەچى ئەو زپھنپەت و سىستەمە نابن، بەچۆكدا بھپنن. بۆ سەرکەوتنى ئامانجەكانىان پەك لەو رپبازانەى بەكارى دەھپنن، خولقاندنى زەمپنەى دەستورەدان و ھەلگپرساندنى شەر و بەرفراوانكردنى ئالۋىزپە. شەپرى نپوان لاپەنگرانى ناتۆ و ئەمرىكا و ئەوروپا لەلاپەك و لاپەنگرانى روسپا، چپن، ئىران ھەرچى دەچپت پەرەدەستپنپت و لەونپوئەندەدا كۆمەلگەكان و گەلان دەبنە قوربانى سەرەكى ئەو شەر و ناكۆكپانە، بەتايپەتپى شەپرى ئۇكرانپا و روسپا داوى دووسال شەپرى نپوانپان بەدەر لەمالوئپرانى و كۆمەلكوزى و كۆچپەرى و برسپەتپى و نەخۇشى ھپچ شتپكىترى بەدوادا نەبوو. شەپرى نپوان فەلەستپن و ئپسرائپل كە ماوئەى پپنچ بۆ شەش مانگە دەستپ پپكردوہ بەھەمانشپوہ،

مهزهه بی پهسه ند ناکه.

له لایه کی ترهوه شوړشی ژن، ژیان، نازادی به شیوه و فورمی جیاوا تر پهره به برده وامی خوئی دودات و به تیه پوونی کات، گه لان له موبه دوا زیاتر و بیزارتر و تووره تر برژینه وه سهر شه قام و کوچه و کولانه کان و رژیمیش ناتوا تیت خوئی له به رده م شه پوئی زیاتری نارها زیه تیه کانی گهل رابگریت، چونکه نه وانه ی له کوره پانه کاند خوین و رهنجیان داوه، به ناسانی ده ست هه لئاگرن و پاشگه ز نابنه وه و بو دواوه ناگه رینه وه.

خالکی تر که ده بیت راوه سته ی له سهر بگریت، په یوه نندیه کانی رژیمی تیرانه له گهل هه ردوو به رهی شه په که دا. له لایه که ده یه ویت نه مریکا و نه وروپا و ناتو و نه ته وه په کگرتووه کان رازی بکات و ده یه ویت به ریگه ی به رتیل و سازش و سه فقه ی سیاسی له چاره سه رکردنی کیشه کانی دهره وه ی بگاته ری ککه و تن، به لام سیستمی مؤدیرنیه ی سهرمایه داری بو نه وه ی تیرا توریه تی جیهانی خوئی بونیاد بنیت و خوئی وه که تا که هیزی جیهانی نیشان بدات، له به رامبر به رژیمی تیران به م زووانه ناچیته ری ککه و تنیکی ستراتژی که وه. وانا رژیمی تیران نه ده توانیت بو ماوه یه کی دریز خایه ن له گهل روسیا و چین به رده وام بیت و نه ده توانیت له گهل نه مریکا و نه وروپا و ناتو دریزه به سیاسه ته کانی خوئی بدات. له ناستی هه ریمیش دا په یوه نندیه کانی تیران له گهل ده ولته تی تورک و سوریا و عیراق هه رچی ده چیت ده چیته فازیکی تر و پهل بو ملاملانیه کی ناوچه یی ده کیشیت. بو شه رژیمی تیران له دوخیکی شله ژاو و ناسه قامگیری نیو خوئی و دهره کیدا ده ژی، نه نه و ته تا مل بو چاره سه ری پرسه نیو خوئی کانی بدات و نه نه و ته تا سیاسه تیکی هاوسه نگ که به رزه وه نندیه کانی گهلانی تیران بپاریزیت له گهل ولاتانی تر دا په یوه ده کات.

رژیمی داگیرکری تیران به هوئی نزیک بوونه وه ی ده سه لاتخوازی و پاشفه روه یانه و دیکتاتورانه و ره که زگه رای ی و دین په رستی و مه زهه بگه رای ی، یاری به ژیانی گهلان و پی کهاته کان ده کات و کومه لگه ش روژه روژ له بی هیوایی و بی ئومیدیدا ده خنکینیت. به شیوه یه کی کونگریت، مؤدیرنیه ی سهرمایه داری خاوه ن پرژه یه که نییه که به رزه وه نندیه کانی گهلان بپاریزن و ته نیا ده یانه ویت ناگری شه ر و تیکبه ردان و قوولکردنه وه ی نا کوکیه کان په ره پی بدن و شتیکی جیاوا زیان له نه جیندایا نییه.

له لایه کی تر هه رچوار ده ولته تی داگیرکری سهرکردستان، به تاییه تی ده ولته تانی داگیرکری تورک

و رژیمی تیران نایانه ویت له بابته تی چاره سه ری پرسی کورددا هه نگاو ویک به نارا سته ی چاره سه ری دیموکراتیک هه لینن. به پیچه وانه وه ده ولته تی داگیرکری تورک له هه وئی پیکهینانی هاوپه یمانیه تیه کی نیوده ولته تی و هه ریمی دایه له به رامبر به بزوتنه وه ی نازاد بخوازی گهل کوردستان و هه موو هه ل و دهره فته و دهره تاتیک به کارده بات بو له ناو بردن و پاکتاو کردنی بزوتنه وه ی نازادی گهل کوردستان. نه مه ش نیشانه ی به رده وامی پیلانگریه کی قووله که سه ریکی پیلانگریه کی ده گاته سیستمی تیرالی که ریبه ر نا پوئی تیدا گوشه گیرکراوه و نه و سه ره که ی دیکه شی ده گاته وه چیا کانی کوردستان بو په لاماردانی هیزه کانی گه ریلای نازادی کوردستان.

له م چند ساله ی دوا ییدا به پی شه نگیه تی ده ولته تی داگیرکری تورک و سیخوری سیستمی مؤدیرنیه ی سهرمایه داری له ناوچه که، ده ولته ته سه رده ست و داگیرکریه کانی سهر کوردستانی له به ره یه کی دزه کورددا راگرتووه و ده یانه ویت هاوشیوه ی رابردوو به رده وامی به سیاسه تی کومه لکوژی و کوچه ری و برسیتی و تانه وه ی گهل کورد بدن، نه وه شی جیگه ی سه رسوورمانه، ولته زله یزه جیهانیه کانی ش که دو سه د ساله به بونیاد نانی ده ولته - نه ته وه ی سهرمایه داری له ناوچه که بوونه ته سه رتیشه و به لا به سه ر گهلانی ناوچه که وه، به رده وامن له یارمه تیدان و هاوکاری ده ولته ته ستا تپاریزه کان له ناوچه که، نه مه ش له سه ده ی بیست و یه که مدا جیگه ی تیرامان و هه لوه سته کردنه، به وه ش دوخیکی مه تر سیدار و قهیراناوی له ناوچه که و له کوردستان ها تووه ته ناراه. نه و ده ولته تانه ده یانه ویت به تینکار و له ناو بردنی گهل کورد و بزافه ناشتیخوازانه که ی، گهلانی تری ناوچه که ش له مافه مرویی و دیموکراتی و نه ته وه ییه کانیان دوور بخه نه وه و بی پی شه نگ و بی ریبه رایه تی و بی پرژه یان به یلنه وه. ته نانت نه وه ی له م چند مانگه ی رابردوودا بینیمان به هاوکاری چند لایه نه ی ده ولته تانی تیران و تورکیا ژماره یه که له پارته کانی روژه لاتی کوردستان و تیران له باشوری کوردستان و عیراق به ره وه هه لوه شانوه برد. نه و شیوه هاوکاریانه له به رامبر به شوړشی ژن، ژیان، نازادی له لایه ن رژیمی تیران و ولاتانی نه وروپایی روه ی دا. له بنه مادا نه و سیستمه که هیه نریخیک بو مرو فابیه تی دانانیت، ده یه ویت به ره ی به رخودانی گهلان لاواز بکه ن. له ددیکی گشتیدا نه وه ی دیاره سیستمی مؤدیرنیه ی سهرمایه داری له پیناوا پاراستنی به رزه وه نندیه ماددیه کانیان و مانه وه له سه ر ده سه لات، ده یانه ویت ژماره یه که له هیزه

خۆجەيى و ھەر يىمىھە كان پاكناو بھەن و بىيانكەنە قوربانى
چاۋچىنۇكە كانى خۇيان و دەسەلاتە كانيان.

پەژاك لە قۇناخىكى مېژوویدا كۆنگرە دەبەستىت

پەژاك ھەست بە قوولايى ستراىتېزىھە تى پىلانگىپرى
سىستەمى مۇدىرىتە سەرمایەدارى دەكات و
بەخویندەنەوھەكى بابەتیانە و دوورودرىژ و بەرفراوان
و لۇژىكیانە خۇى بەبەپرسىيار دەبىئىت لەپىناو
پوچەلكرندەوھى ئەم دۇخە قەبراناوېھە كە رۆژانە
گەلان دەچەوسىپىتەوھە و رىگا بۇ كۆمەلكوژى و برسېتى
و لەناوبردن دەكاتەوھە. بەتایبەتى وەك لەدروشمەكەشىدا
دیارە پەژاك لەبەرامبەر بەسەرخستنى ئامانجەكانى
شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى پىشەنگى ئەو فەلسەفە و ھزر
بەئەركى خۇى دەزانىت دەستەوھەستان نەمىنېت و ھەموو
ھەولەكانى بخاتەگەر.

پەژاك، خاوەن پرۆژەى نەتەوھى دېموكراتىك و خۆسەرى
دېموكراتىك و كۆنفدرالىزمى دېموكراتىكە. لەسەر بنەماى
ئازادى ژن پشت بەفەلسەفە و پارادایمى كۆمەلگەيەكى
سیاسى - ئەخلاقى و ئىكۆلۆژىك دەبەستىت. بۆيەش خۇى
لەبەرامبەر بە ناسنامە و شوناسى گەلى كورد و بەتایبەتى
رۆژھەلاتى كوردستان و لەبەرامبەر بەچارەنووسى گەلان و
پىكھاتەكانى تری ئىران وەك ئەركىكى وىژدانى، ئەخلاقى و
سیاسى و ھزرى سەیر دەكات.

كۆنگرەى ھەوتەمى پەژاك بەخویندەنەوھەكى
قوول و بابەتیانە بارۆدوخى سیاسى ئىران، كوردستان،

رۆژھەلاتى ناوین و نپودەولەتى ھەلسەنگاند و پرۆژە و
پىلان و برىارى گونجاوى وەرگرت. لەھەمانكاتدا كۆنگرەى
ھەوتەم پەنجەى خستەسەر ئەو كەم و كورپانەى
لەسالانى رابردوودا رووباندوھە یاخود دووبارە بوونەتەوھە
رەخنە وھەلۆستەیان لەسەر كرا و برىارى پىويست بۇ
تېپەراندنىان وەرگىرا.

پەژاك، خاوەن تىكۆشائىكى بىست سالیھە لەرۆژھەلاتى
كوردستان و ئىران و لەسالى ۲۰۰۴ لەسەردەستى ئەو
شۆرشگىرانەى بەرھەمى سەرھەلدانى سالى ۱۹۹۹ى
پىلانگىپرى نپونەتەوھەى لەسەر رېبەر ئاپۆ، دامەزراوھە و لە
بىستەمىن سالیادی خۇیدا كۆنگرەى ھەوتەمى دەبەستىت
و كۆنگرەكەى پىشەكەشى رېبەر ئاپۆ، بنەمالەى شەھیدانى
رىگای ئازادىخووزى گەلى كوردستان و رۆژھەلاتى كوردستان
و بنەمالەى شەھیدانى شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى و گەلانى
ئىران دەكات.

بەبەستى ئەم كۆنگرەيە لەقۇناخىكى وھەھا ھەستىار
و چارەنووسسازدا، دەیسەلمىنېت كە تاكە ھىزە لەگۆرەپانى
پاراستنى رەواى گەلى كورد لەرۆژھەلاتى كوردستان و
ئازادىخووزان خاوەن ھەلۆپىستىكى شۆرشگىرانەى نەگۆرەو
سەرەپاى ھەموو كەم و كورپەكانىش، جارىكى تر بەرۆحى
ئاپۆی دەیەوئت بەرەو بە تىكۆشانى ئازادىخووزانەى
گەلەكەمان لەرۆژھەلاتى كوردستان و گەلانى ئىران بدات
و مل بۇ ھىچ ھىزىكى دەسەلاتخووز و سەردەست نەوى
ناكات.

پەژاك، خاوەن پرۆژەى نەتەوھى
دېموكراتىك و خۆسەرى دېموكراتىك
كۆنفدرالىزمى دېموكراتىكە. لەسەر بنەماى
ئازادى ژن پشت بەفەلسەفە و پارادایمى
كۆمەلگەيەكى سیاسى - ئەخلاقى و ئىكۆلۆژىك
دەبەستىت. بۆيەش خۇى لەبەرامبەر بە
ناسنامە و شوناسى گەلى كورد و بەتایبەتى
رۆژھەلاتى كوردستان و لەبەرامبەر
بەچارەنووسى گەلان و پىكھاتەكانى تری
ئىران وەك ئەركىكى وىژدانى، ئەخلاقى و
سیاسى و ھزرى سەیر دەكات



فەلسەفەى ژن، ژيان، ئازادى

نەخشە رېئى چارەسەرى پرسەكانى كۆمەلگەى ئىرانە

چىمەن شەنە

گەر يىلاكانى مۇدىرنىتەى دىموكراتىك و ھاوچەرخ ئەنجام دەدرىت.

لەكەشىكى وەھادا كۆنگرەى ھەوتەمى پەژاكامان بەست و بېگومان كۆنگرە گۆرانكارى زۆر بنەرتى و گزنگ و ھەنگاوىكى زۆر بویرانەش لەگەل خۆیدا دەھىپىت. لەچوارچىوہى فكر و رامانى رېبەر ئاپۆ و لەكەشىكى وەھادا كۆنگرە بەرپوہ چوو. بۆ ئازادى جەستەى رېبەر ئاپۆ نەك تەنبا لەرۆژھەلاتى كوردستان؛ بەلكو لەسەر ئاستى جىھانى و ھەرچوارلای كوردستان دەنگىكى مەزن بلىند بووہ و ئەوہش جارى يەكەمىنە كە بۆ ئازادى جەستەى رېبەر ئاپۆ كەمىنىكى وەھا خەبات بەرپوہ دەبات. ئىمە لەقۇناخىكى زۆر ھەستىاردا تىپەر دەبىن. رەوشى جەستەى رېبەر ئاپۆش لەم چوارچىوہىدە گەبشتووہتە دۆخىكى ھەستىار. ئىدى بەپەلە دەبىت لایەنى ئازادى جەستەى رېبەر ئاپۆ راوہستەى لەسەر بكرىت. گەلى كوردستان، ژنانى كورد، فارس، عەرەب، بەلوچ، ئەرمەن و... ھتد لەئىستادا تىكۆشانىكى زۆر مەزن بۆ ئازادى جەستەى رېبەر ئاپۆ بەرپوہ دەبەن.

بېگومان بىست و پىنج سال بە سەر سىاسەتى گۆشەگىرى

سەرەتا بەرپوہ چوونى كۆنگرەى ھەوتەمىنى پەژاك لەرېبەر ئاپۆ، بنەمالەى شەھىدانى رىگای ئازادى و شەھىدانى شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى و گەلى كوردستان و گەلەكەمان لەرۆژھەلاتى كوردستان پىرۆز دەكەم.

لەھەرچوارلای كوردستان و دەروہى و لاوت و لەزۆربەى و لاوتانى جىھان لەپىناو ئازادى جەستەى رېبەر ئاپۆ لەنىو تىكۆشاندان، ئەو تىكۆشان و ھەولدانانە بەرز دەنرخىم و سلۆيان ئاراستە دەكەم.

كۆنگرەى ھەوتەمىنى پەژاك لەكەش و ھەوايەكى زۆر قورس و گراند بەرپوہ چوو و لەدۆخىكىدا كە ھەلمەتى ئازادى جەستەى رېبەر ئاپۆ و چارەسەرى پرسى كورد و جۆش و خرۆشى گەل لەلوتكەدايە بەرپوہ چووہ. بېگومان لەپىناو ئازادى جەستەى رېبەر ئاپۆ لەھەرچوارلای كوردستان و لەزۆربەى و لاوتانى جىھان، تىكۆشانىكى بەھىز و مەزن و ھىژا لەئارادايە، ھاوكات بەرامبەر بەگەلى كورد لەھەرچواربەشى كوردستان لەلایەن دەولەتانى داگىرەوہ، بەتايەتى دەولەتى داگىرەرى تورك، شەرىكى گەورە لەئاستى قىرکردن و لەناوبردن بەرپوہ دەچىت. ھاوكات قارەمانىتەىكى مەزن لەلایەن

ژن رىگى آزادى
ئىشت - ۱۸ - ھەر



سەر رېبەر ئاپۇ كۆتابى ھات و دەربازى بېست و شەشەمىن سالەى سىياسەتى قىرگىردن بووين. وەك ژنانى تىكۆشەرى رۆژھەلات بىگومان كارمان دانەناسىن و تىگەياندى كۆمەلگەيە لەسەر بىروھزى رېبەر ئاپۇ، بەو نزيكبوون و گرېدانەوہ كۆنگرەى ھەوتەمى پەژاكامان بەرئوہ برد.

سىياسەتى گۆشەگىرى لەبەرامبەر بە رېبەر ئاپۇ لەئاستى قىرگىردن و لەناوېردن بەرئوہ دەچىت. خەبات و تىكۆشان بۆ ئازادى جەستەيى رېبەر ئاپۇ و پشتىوانى كەمپىنى ئازادى جەستەيى، وەك ئەوہ واىە كە بۆ ئازادى خۆمان خەباتمان بەرئوہ بردوہ. خەباتكردن بۆ كەمپىنى ئازادى جەستەيى رېبەر ئاپۇ، خەبات كىرنە لەپىناو ئازادى ژنان. كەمپىنى ئازادى جەستەيى رېبەر ئاپۇ، ھاوكات بۆ ئازادى گەنجان و ھەموو كۆمەلگەيە. رۆژھەلاتى كوردستان دەبى لەھەموو بەشەكانى تىرى كوردستان زياتر كاروخەبات لەپىناو ئازادى جەستەيى رېبەر ئاپۇ بەرئوہ بات، لىرەدا جىگای پرسىارە كە بۆچى؟ بىگومان بۆ ئەوہى ئازاد بىين، پىويستە رېبەر ئاپۇ، فەر و رامان و پەرتووكەكانى بخوئىنن و بەشئوہبەكى بنەرتە لەسەر ھزرى رېبەرتى خۆمان پەروەردە و رېكخستى بكەين. لەبەر ئەوہش كۆنگرە بەجۆش و ھەيەجانىكى مەزن داواى ئازادى جەستەيى رېبەر ئاپۇ بەرزكردوہ. ھەموو بەشداربووان، نرخاندنىكى قارەمانانەيان نىشاندا. لەبەر ئەوہش ئەركى كۆنگرە بۆ ئازادى جەستەيى رېبەر ئاپۇ برىارى وەرگرت. فەر و رامانى رېبەر ئاپۇ ئەمرو لەرۆژھەلاتى كوردستان، دەنگدانەوہبەكى جىھانى ئافراند. بانگى ئازادى لە كۆنگرە بەشئوہبەكى بەھىز بەرز كرايەوہ. داواكاربەكان زۆر و بلىند بوون. راو بىرو بۆچوونى ھەموو ئەندامان بۆ ئازادى جەستەيى رېبەر ئاپۇ ھاوچەشن بوو. ئەو شۆرشەى لەرۆژھەلاتى كوردستان و ئىران ماوہى سالى و نىويكە سەرىبەلداوہ، لەلابەنى ھزرىبەوہ، سىياسەتى گۆشەگىرى پوچەل كىردوہ. بەلام ئىدى كاتى ئەوہ ھاووہ كە ھزى و رامانى رېبەر ئاپۇ لەناو ھەموو گەلانى ئىران دا بەرئوہبەكى بىكەين. داواكارى يەكەمىنى كۆنگرەى ھەوتەمىن بەشئوہبەكى ئاشكرا ئەوہ بوو.

گەل لەھەشتى ئادار و نەورۆز سەلماندنيان فەلسەفەى ژن، ژيان، ئازادى گەرەنتى ئازادىيانە

بىگومان كاتىك نەورۆزى ئەمسالى لەرۆژھەلاتى كوردستان سەير دەكەين بەدەيان و ھەزاران مرۆف لەكۆلان و شەقامەكان، لەگوند و شار نەورۆزىيان پىرۆز كىرد و دروشمى ژن، ژيان، ئازادىيان بەرز كىردوہ، ئەم دروشمە بىگومان دروشم و فەلسەفەى رېبەر ئاپۇبە. لەچوارچۆبەى ئەم فەر و

فەلسەفەبەدا بۆ ئەوہى گەلانى ئىران و رۆژھەلاتى كوردستان ئازاد بىن، پىويستە بەشئوہبەكى روون و ئاشكرا لەفەر و رامان و كەسايەتى رېبەر ئاپۇ خاوەندارىتى بكەين. پارىزنامەو ھەلسەنگاندنەكانى رېبەر ئاپۇ بخوئىنەوہ، رامانى رېبەر ئاپۇ بۆ ئىكۆلۆزى، كۆمەلگە، ژنان، گەنجان، ژىنگە، ئەخلاق و ھەموو بەشەكانى تىرى ژيان لەپىناو ژيانى ئازاد و بەرقەرارى دادپەروەرى كۆمەلەبەتى كەلكى لى وەرگىرين.

فەيلەسوف و زاناکانى تر نەيانتوانىوہ لەھەموو رەھەندىكەوہ لەئاستى رېبەر ئاپۇدا ھەلسەنگاندن و ھزى پىشبخەن و بىخەنە بوارى جىبەجى كىردنەوہ، سەرەپارى ئەوہى ھەندى ھەولدانىيان ھەيە و خەباتيان كىردوہ، بەلام بەدروشمى ژن، ژيان، ئازادى گەلەكەمان لەرۆژھەلاتى كوردستان و گەلانى ئىران ئەوہيان ھەلبژارد و ئەوہيان نىشاندا و ئەوہيان بەئاشكرا راگەياند كە ئەوان بەفەر و فەلسەفەى رېبەر ئاپۇ دەتوانن ئازاد بىن و كۆنگرەكەى ئىمەش ئەوہى پىناسە كىرد. بۆچى ئەو پىناسەبەى كىرد؟ لەبەر ئەوہى گەلەكەمان لەرۆژھەلاتى كوردستان و ھەموو بەشەكانى تىرى كۆمەلگە چەقبەستووبەكى زۆر لەئادايە.

لەبەرامبەر بەرئۆبىمى داگىركەرى ئىران، كاردانەوہكان زۆر قوول و بنەرتىن. ئەوہيان لەھەشتى ئادار و نەورۆز بەئاشكرا دەبىرى، پىشتر لەوانەش، لەئاستى مامۆستايان، ئاينداران، دىكتۆر و پەرىستار سەير كەن، لەھەموو بەشەكانى كۆمەلگە لەبەرامبەر بە رۆبىمى قىرگەر و بەتايبەتى تر نزيكبوونەوہى ئەو رۆبىمە لەبەرامبەر بەژنان ئەوہى پىشەنگايەتى سىياسەتى قىرگىردن و لەناوېردن دەكات، بەپەلەى يەكەم رۆبىمى ئىرانە. لەبەرئەوہش ھەموو گەلانى ئىران بەدروشم و فەلسەفەى وەك ئەوہى كە رزگاربوونى خويان لەویدا بىنيوہ بەيەكەدەنگ راپەرىن و تا ئىستاكەش ئەو شۆرش و راپەرىنە بەردەوامە. لەبەر ئەوہش كۆنگرەى ئىمە بەئەركى خۆى زانى كە ئەو قۇناخە ھەلسەنگىنەت.

كۆنگرە لەقۇناخىكى ئاسايى دا پىكنەھات. تەنيا وەك ئەوہى پىرۆسەبەك بىت، بەرئوہ نەچوو. كۆنگرە لەبەرامبەر بەشۆرشى ژن، ژيان، ئازادى و گەلانى ئىران بەپىشەنگايەتى ژنان، لەبەرامبەر بەو شۆرشەى سالى و نىويكە بەردەوامە وەك ئەركىك گرتبەدەست و كۆنگرەش لەو چوارچۆبەىدا بەرئوہ چوو. لەبەر ئەوہش وەك ئەركىكى سەرەكى كاروخەبات ئازادى جەستەيى رېبەر ئاپۇ بەبنەما وەرگرت و بەشۆرشى ژن، ژيان، ئازادى ھەموو گەلى رۆژھەلاتى كوردستان و ئىران بە بەشدارى لەھەلمەتى ئازادى جەستەيى رېبەر ئاپۇ ئازادى خويان گەرەنتى دەكەن، ئەوہش ھەلوپىست و جەسارەتتىكى مەزن بوو و لەو چوارچۆبەىدا برىارى پىويست وەرگىران.



بۇ ئەھۋەلى ئازاد بىيىن، پىيويستە رىبەر ئاپۇ، فىكىر و رامان و پەرتووكە كانى بخويىن و بەشىۋەيەكى بنەرتەلى لەسەر ھىزرى رىبەرتەلى خۇمان پەروەردە و رىكىختىن بكەين. لەبەر ئەھۋەش كۆنگرە بەجۇش و ھەيەجانىكى مەزن داۋاي ئازادى جەستەيى رىبەر ئاپۇ بەرزكردەۋە. ھەموو بەشداربووان، نرخاندىكى قارەمانانەيان نىشاندا. لەبەر ئەھۋەش ئەركى كۆنگرە بۇ ئازادى جەستەيى رىبەر ئاپۇ بىرارى وەرگرت

درا. لەبەر ئەھۋەش كۆنگرەكەمان لەسەر پىرسى لەسىدارەدان و
ھەرەشە و گورەشەكانى سەر ژنان راۋەستەيى كىرد. ھەرچۇن ژن
لەھەموو شوپىنكى پىشەنگە، بەلام عەقلىتە رىژىمى داگىركەرى
ئىران ئەو رۆلەي لەژنان زەوت كىردوۋە. بۇيە لەكۆنگرەدا باس
كرا كە پىيويستە جارىكى دىكە لەرۆژھەلاتى كوردستانىش ژنان
بىنە ھىزى پىشەنگى كۆمەلگا و بەفەلسەفە و دروشمى ژن،
ژيان، ئازادى بۇ سەرکەوتنى شۇش ھەنگاۋ ھەلبىگىرن.

كۆنگرەي ھەوتەمى پەژاك، جەختكردەنەۋەي ئەرك و

بەرپىسارىيەتى تىمە لەبەرامبەر بەشۇرشى گەلانى ئىران بوو

كۆنگرەي ھەوتەمى پەژاك جارىكى نر؛ ئەرك و
بەرپىسارىيەتى تىمە لەرۆژھەلاتى كوردستان و ئىران
چىيە بەبەرفراوانى پىناسە كىرد. پىرۇژە و رىگا چارەسەرى
دەستىشاشانكىرد. چارەسەرى و دەرمان ھەمووشىيان فىكىر و رامان
و پارادايىمى رىبەر ئاپۇيە. واتا لەئاستى ھەموو گەلانى ئىراندا
كاروخەبات لەو ئاستەدا بەرپۇە بىەن و لەو چوارچىۋەيەشدا
بىرارى ۋەرگىرا. لەناو كۆمەلگە و رىزەكانى گەلدا بىلوكردەنەۋەي

ھىزىر و رامانى رىبەر ئاپۇ لەكويى بىلويىتەۋە، ئەوا ئەو جى
و شوپىنە ئازاد دەبىت، كارىگەرىيەكى ھاۋچەشنى ئەتۇمى
ھەيە. فىكىر و فەلسەفەي رىبەر ئاپۇ لەرۆژھەلاتى كوردستان و
گەلانى ئىراندا دەنگدانەۋەي لەئاستى شۇرش بەدى ھىنا. ئەم
شۇرشە دەبىت گەشاۋەتر و بىلوتىر و بەھىتر بىت و بەئازادى
جەستەيى رىبەر ئاپۇ بىگانە لووتكەي سەرکەوتنى خۇي. تا
ئەو كاتەي ئازادى جەستەيى رىبەر ئاپۇ مسۆگەر نەبىت،
ئەوا لەھەربەشى كوردستان ھەلمەتى ئازادى جەستەيى رىبەر
ئاپۇ بەردەوام دەبىت و لەرۆژھەلاتى كوردستانىش تىمەش
بە ھەموو ھىمانەۋە ئەو ھەلمەتە بەردەوام دەكەين، تا
ئەو كاتەي رىبەر ئاپۇ لەلايەن جەستەيىبەۋە ئازاد دەبىت.
ھاۋكات ئەھۋەش دەبىتە رەخنەدانىك بۇ تىمە. گەلەكەمان
لەرۆژھەلاتى كوردستان، دىكانى شەھىدان، گەلى ۋىلاپارىز،
مىرقى دىمىكراتىخۋاز و ئىكولۇژىست، مىرقىك كە بۇ ئەۋەي
لەكۆمەلگە ژىكۆۋى روونەدا، نەكۆۋرەت. كۆتايى بە سىياسەتى
لەسىدارەدان بەھىترەت. ئەۋەي كارەساتە ئىران يەك لەو
ۋىلاتانەيە كە لە جىيەجى كىردنى سزاي سىدارەدان رىبەرى
نىيە. غومونە؛ لەمانگى يەكەمى ۲۰۲۴ لەئىران چوار ژن لەسىدارە

فکر و رامانی ریبه ر ئاپۆ و کاروخهباتی ئاکیف له چوارچێوه و تهوهری ژناندا و بۆ گه نجان و بۆ ئازادی خۆمان کاروخهبات بهریوه بهین.

بۆ ئهوهی هه موو چین و نوێژهکانی کۆمه لگه له ژنان و گه نجان هه بگره، تا هونه رمه ندان و باوه ربه کان، خویندکاران و مامۆستایان و ئاینداران بۆ ئهوهی به ئازادی بژین، ده بیته هه ره هه موومان فکر و رامانی ریبه ر ئاپۆ بخوینین و له و پیناوه شدا خه بات بکه یین. ته نانه ت وه ک گه له که مان له رۆژه لاتی کوردستان ئه گه ریش رۆژانه ش نه بیته، ده توان هه ره ده رۆژ جارێک به یه که وه کۆبینه وه و به شیک له پارێزنامه کانێ ریبه ر ئاپۆ له پینا و ئازادی خویندا بخویننه وه. یاخود مانگی جارێک کۆبینه وه و بیرو بۆچوونه کانێ ریبه ر ئاپۆ له سه ر ئازادی ژن بخوینن. وه ک گه نجان ده توانن مانگی جارێک کۆبینه وه و هزری ریبه ر ئاپۆ له سه ر گه نجان بخوینن و گفتوگۆ بکه ن. ئه وان هه وه ک پرۆژه یه ک بۆ رۆژه لاتی کوردستان به یان ده که یین. هه رچۆن له سه ر ئاستی گه ردوونیدا گه لان ئازادی خۆیان له فکر و رامانی ریبه ر ئاپۆدا ده بیننه وه، گه له که مان له رۆژه لاتی کوردستان و ئیترایش زیاتر له هه رکه سه ئه وهی بینی و ده رک کرد؛ بۆچی؟ چونکه دروشمی ژن، ژیان، ئازادی سه ره تا له باکوری کوردستان به رزکرایه وه و پاشان له رۆژئاوای کوردستان له ئاستیکی به رفراوانتردا بڵاوبوو یه وه و وه رچه رخایه سه ر به رپابوونی شوێش. به لآم له رۆژه لاتی کوردستان و ئیتران دروشم و فه لسه فه ی ژن، ژیان، ئازادی له دنیا دا بڵاوبوو یه وه. راسته ژینا ئه مینی سیمبۆلیک بوو، به لآم دروشمی ژن، ژیان، ئازادی له ئاستی دنیا، گه لان بۆ ئه وهی ئازاد بن، ئه مه یان وه ک نه خشه رێگه یه ک بۆ خۆیان هه لبژاردوه. کۆنگره ی هه وته می په ژاکیش ئاماژه و راوه سته ی له سه ر ئه مه کرد و جارێکی

تر ئه رک و به رپرسیاریه تی ئیمه ی هه م له رۆژه لاتی ناویندا و به تایه تی تر له رۆژه لاتی کوردستان و ئیتران رۆلی په ژاک خسته روو. بۆیه هه ر تاکیکی ئازادبخوێسته هزری ریبه ر ئاپۆ زیاتر بخوینیت، تا له ئازادی نزیک بیته وه. بۆیه پێویسته زیاتر له به رامبه ر به سیاسه تی فێکردنی کۆمه لایه تی و گه لان له سه ر بنگه ی هزر و رامانی ریبه ر ئاپۆ کۆمه لگه به رپیکه خستن بکه یین.

کۆنگره ی هه وته م له گه له که مان له رۆژه لاتی کوردستان و دۆستان و که سانی ئازادبخوێسته له کۆمه لگه ی ئیتران به گشتی جارێکی تر پیرۆز ده کم. بانگه وازیمان بۆ گه له که مان له رۆژه لاتی کوردستان ئه وه یه بریاره کانێ کۆنگره له کۆمه لگه به هه لۆیستیکی هه ری بڵند پراکتیزه بکه ن. هێلی سییه م و پرۆژه ی نه ته وه ی دیموکراتیک به ر به ئازادی ژن و پارادایمی کۆمه لگه یه کی ئه خلاقی - سیاسی و ئیکۆلۆژیک به رپیکه خستن بکه یین. له هه ر شوێنێک، کۆمیته و لق و شان ه ی ریکه خستن بو نیاد بنیین. به ده نگیکی بڵند خاوه ندار ی له ریبه ر ئاپۆ و هه لمه تی ئازادی جه سته یی ریبه ر ئاپۆ بکه یین؛ چونکه ئیدی له رۆژه لاتی کوردستان و ئیتران ده نگی ژن، ژیان، ئازادی به رزکرایه وه و وترا یه وه و ئه وه ش ده نگی ریبه ر ئاپۆ بوو. ئه رک و به رپرسیاری سه ره کی ئیمه له به رامبه ر به کۆنگره ی هه وته می په ژاک ئه وه یه و ئه رک و به رپرسیاریتی سه ره کیش ده که ویته ئه ستۆی ژنان و گه نجان ه وه و به رپۆخی سه فه ره بری پێشه نگایه تی ئه م قۆناخه بکه ن. ده بیته له به رامبه ر به رپۆخی فاشیست و داگیرکهری ئیتران دروشم و فه لسه فه ی ژن، ژیان، ئازادی به رزتر و گه شاره تر و شه کاوه تر بکه یین و گه لانی ئیتران و رۆژه لاتی کوردستانیش ده بیته فه لسه فه ی ژن، ژیان، ئازادی بکه نه نه خشه رپێی چاره سه ری پرسه کانی کۆمه لگه به گشتی.



نه رۆژی ۲۷ی کوردی - سه ره ده شت داوا یی بیسه ر

گەلى كورد خاوەن كەلتورىكى بەھىزى خۇپاراستنە

گولان جيلو



لە بەرامبەر سىياسەتتىكى وەھا بۆ ئەوھى گەوھەرى خۆت بيارىزى و بتوانىت ئەو سىياسەتە پووجەل بکەيتەو، پيويسيتت بە پاراستنى ناخ و گەوھەرى مروقانى خۆت ھەيە. کاتىك ناخ و بەھا کۆمەلەيتەکان، بۆ مۇنە چاند و زمان و ھزر و ئايدۆلۆژى و ئازادى خۆت پاراست، ئەوا تۆ لەسەر کۆمەلگەيەكى تەندروس و ژيانى ھاوبەش دا پيداگرى، بەلام ئەگەر ئەوھت نەکرد، ھەميشە ژيانت رووبەرووى ھىرش و پارچەبوون دەبیتەو. لەناو ژيانتىدا دەژى كە ئايدۆلۆژيا و شايى و كەبفخوشىەکانى ھى تۆ نىيە، تەنانەت ناوھكەشت ھى تۆ نايىت. بەكورتى ھەموو نرخەکان لەدەست دەچى و تۆ خواوھنى ھىچ نرختى نايى. بۆچى؟ چونكە ئەوانە لەسەردەستى دوژمن و بىرى يەككى تر بەرھەم ھاتوون. ھەرچەندە لەپيشدا كۆمەلگە بەو شىوازە نەبوو. رەنگە پاراستنى رەوا و تېكۆشان و ئازادى بەناو نەكرايوون، بەلام لەناوھرۆكدا بەو ھەست و نزيكوونەوھەيە لەچاخى نيۆلۇتتىك دا ژياون.

پاراستن تەنيا، پاراستن بەچەك نىيە

کاتىك دەلئىن پاراستن تەنيا مەبەستمان لەپاراستن بەچەكى گەرم ياخود بەکارھىننانى دار و بەرد نىيە كە خۆمانى پى بيارىزىن. راستە ئەوانە ئامرازىکن بۆ

سەرەتا سلاو و رىزى تايبەتيم ھەيە بۆ ھەموو ھەقالان، ھيوادارم ئەم كۆنگرەيە بېتە ھەلپكى بەخۇدچونەوھ و سەرکەوتن، بېتە ھۆكارى ئازادى رىبەرابتى و بەگەرمايى نەورۆز و بە رۆحى ھەشتى ئادار و "ە"ى نىسان لەپيناو گەيشتن بە سەرکەوتن تىكۆشان گوپتر بکەين.

ھەوتەمىن كۆنگرە پيش ھەرکەس لە رىبەرى فەلسەفەى ئازادى كە ژيانتىكى ئازاد و كۆمەلگەيەكى لەسەر بنەماى ئەخلاقى و سىياسى و كەسايەتەكى لەسەرھەمان بنەما ئافراندا، پىرۆز دەكەم.

لەھەمانكاتدا كۆنگرە لە ھەموو بنەمالە و كەس و كارى شەھيدان پىرۆز دەكەم. دەستپىكى لە كەسايەتى ھەقال"نەوزاد"دا ھەموو شەھيدانى شۆپش تاك بە تاك بەبىردىننەوھ و كۆنگرە لەوان پىرۆز دەكەم و لە ھەموو ھەقالان پىرۆز دەكەم.

تەوھرىكى كۆنگرە كە لەسەرى راوھستەمان كىرد، پاراستنى رەوا بوو. بەلام بۆچى پاراستنى رەوا؟ لەبەر ئەوھى رىبەر ئاپۆ ھەرە زىدە گىنگى بە پاراستنى رەوا دەدات. دوژمنىش بە سالانە ھەول دەدات ناخ و ناوھرۆكى مروق و كۆمەلگە بى و اتا بكات. کاتىك مروق بى ناوھرۆك كرا و بە فەلسەفەى دوژمن و سىستەم پەروەردە و گۆشكرا، ئەو کاتە كۆمەلگەيەكى رووخاو و لاواز دروست دەبیت.

پاراستنى گەۋھەرى ئەركى سەرەكى پاراستنى بوون و نرخی مرۆف و كۆمەلگەيە لەبەرامبەر بەھيترشەكانى دوژمن.

پاراستنى گەۋھەرى وەك ئاگرېكى پىخراوہ كە كوژايتتەوہ، بەلام كاتى فويەكى لى دەكەي ئاگرەكە پيدەكەويت و ژيلەمۆكەي ھەلدەيبتتەوہ؛ بۆ نمونە لە كاتىكى وادا ئىدى ھيترش دەبەيتە سەر دوژمن و تارومارى دەكەي. لە مەكسيك بىنيمان، لە شۆرشى مەكسيكدا دە سال خەباتى پاراستنى گەۋھەرييان بەرپوہ برد، تا ئەوہى توانيان چۆك بە دوژمن دابدەن و سەرەكەون. لە شۆرشەكانى ديكەشدا نمونەي بەو شپوہەيە زۆرن كە بە ريگاي پاراستنى گەۋھەريى توانيانە خو زركاربەكەن و سەرەكەون. لە پاش ئەم كۆنگرەيەوہ بانگەشەكامان دەگوڤدرىت. ريباز و تيكوشامان دەگوڤدرين. بېگومان ئامانجەكەمان ھەروەك پيشووترە. تەنيا دەمانەوېت تيكوشانئىكى بەھيترش، روونتر و رادىكالانەتر بەرى و ريباز بەسەر بپارەكانى كۆنگرەدا بچين. بەرپيازى پاراستنى گەۋھەرى لەو باوہرەداين كە دەتوانين لەرۆژھەلاتى كوردستان و تيران شۆرش سەربخەين و وەھاش بتوانين ئامانج و خولياكانى شەھيدامان بەجى بھينين.

چەكى ھەرە بەھيترى خۇپاراستن، خۇپاراستنى ھزريە

پيوستە تيبگەين لەوہى كە ئەو شۆرشە چۆن ھاتە كايەوہ و بەباشى ھەلسەنگاندنى بۆ بكەين. لەھەناوى شۆرش و جەرگەي كۆمەلگەدا بىنيمان كە بەشپوہەيەكى سروشتى، ھيترىكى خۇبەرىكخستەن لەدايكبوو. دەبىت ھيترى پاراستن وەك تىگەيەك بەدووور لەكۆمەلگە نەبىين. ئەو تىگەيە لەناخى مرۆفەكاندا خوى حەشارداوہ و بابەتتىكى

پاراستن، بەلام كاتىك مرۆف لە رۆح و ھزر و ھەستدا توانى گەۋھەرى راستەقېنەي خوى پاريزيت ئەو كاتە كۆمەلگەيەكى ئەخلاقى و سياسى لەسەر پى دەمىنيتتەوہ ياخود دەتوانى بونىاد بنىي. ئەگەر بەپىچەوانە بى و نەتوانى نرخەكانت بپاريزى بېگومان كۆمەلگەيەكى تەندروست بونىاد نانريت. بۆنمونە لە سەردەمى كلان و ئەتبىستتە كۆمەلگە بەيەكەوہ لەناو ئارامى و ئاسايشدا دەژيان. ژيان و ھزريان ھاوبەش بوو. كۆمەلگەيەكى بەئەخلاق و سياسى بوونى ھەبوو. كۆمەلگەيەك لەسەر بنەماي دادپەروەرى و يەكسانى دامەزراوو و لەويدا كەس ناچار نەبوو خوى وەك ئەوى تر ليكات، واتا چاوليكرەي نەبوو. ھەرەكەس و كۆمەلگەيەك بەگەۋھەر و تايەتمەندى خويەوہ دەژيا و خاوەن ھزر و ژيانى تايەت بەخويان بوون. ئەو ھزرە ھاوبەشە چى بوو؟ ئەو ھزرە بنەما و پاشخانئىكى خوى ھەبوو. رۆژانەيى و بى ھۆ نەدەژيان. بەلام لەكۆمەلگەي رۆژى ئەمروماندا بەھوى شكاندنى ھزر و ھەست و لاوازي پاراستنى رەواوہ و رۆژانە بەھەزاران شپوہ پەلامارى رۆح و ھەست و ھزرى مرۆفەكان دەدرىت، خۇلقارى بەتەواوہتى لەلاي مرۆف مردووہ. بى رۆح و ھەست و ھزر كراوہ. ئيمەش مرۆفين و لەكۆمەلگەوہ ھاتووين، بەلام بەناسينى ريبەر ئاپۆ، فيرى خو پچەككردن بووين. بەلام چۆن پچەككردنئىك؟ ريبەر ئاپۆ ھيچ كاتىك باس لەچەكى گەرم ناكات، مەبەست لەپچەكبوون، چەكى ھزر و ھەست و رۆحە. كاتىك مرۆف توانى پاراستنى ئەو لايەنانەي خوى بوو، ئەوا بېگومان گەۋھەرى مرۆف بەديار دەبىت. گەۋھەرى مرۆف ئازادى و بەبونى مرۆف بەخويە. كاتىك مرۆف توانى پاراستنى رەواي خوى بدۆزيتتەوہ، ئەوا ھەر رۆژ لەخو دەپرسى كە تو كىت و بۆ چى دەژى و گەليك پرسی تر، لە مئشكىدا پەيدا دەبن.

لە رۆژھەلاتى كوردستاندا و بەتايەت لە ئيراندا مرۆف لەگەل سىستەمىكدا رووبەرروويە كە ناخى مرۆف، واتا ھەمان گەۋھەر و ناخ پووچ دەكات و فەلسەفە و ئايدىا و بىرى خوى دەچىنيت. كاتىك مرۆف لەناوەرۆك بەتال كرايەوہ، ھاوشپوہى قالىكى گەچى لى دىت. لە ئيراندا رىك بەو شپوہەيە، لەبەر ئەوہش ئيرادە و ھەست و رۆح و ئەخلاق و ويژدان ھەمووى لاواز و دەمرن. چونكە رژيم ئەوہى دەيەويت لەمئشكى مرۆفدا دەيچىنيت. چى پى خوشە، كام ئايدۆلۆژيا بەباش دەبىنيت، كام ھزر و فەلسەفەي ژيان پەسەند بكات لەمئشكى مرۆفدا بەجى دەكات. بۆ ئەوہى بگەين بەگەۋھەرى راستەقېنەي خومان؛ پيوستە سەرەتا سىستەمى داگيركەرى و دوگمى دىنى - مەزھەبى و فاشىستى لەخوماندا نەبەر بكەين. سىستەمى

كاتىك مرۆف لە رۆح و ھزر و ھەستدا توانى گەۋھەرى راستەقېنەي خوى پاريزيت ئەو كاتە كۆمەلگەيەكى ئەخلاقى و سياسى لەسەر پى دەمىنيتتەوہ ياخود دەتوانى بونىاد بنىي. ئەگەر بەپىچەوانە بى و نەتوانى نرخەكانت بپاريزى بېگومان كۆمەلگەيەكى تەندروست بونىاد نانريت



بپاريزيت. خوڤاراستنئىكى چوڭ؟ بەشىكى بە شىۋازى فيزيكىيە و بەشىكى تريشى بە شىۋازى ھزريە. بەشىۋەيەك و بەزمانئىكى سادە تاك "گەنج ياخود ژن" و كۆمەلگە لەلايەنى ھزريەو ە تىبگەيەنى كە ئەو تاك و كۆمەلگەيە خوڤان بپاريزن. راستە دەبىت ئەو ەش لەبەرچاۋ بگرين كە شەپك لەئارادايە، بۆيە پيۋىستە كەسانئىك ھەبن كە كۆمەلگە بپاريزن. لەرووى سەربازيەو ە ئەو بەشىكە، بەلام بەشەكە تى ئەو ەيە كە كۆمەلگە دەبىت خوڤى، خوڤى بپاريزيت و خوڤى بەرپو ە بات. كۆمەلگە نايىت چاۋەرپى دەرو ە بىت، بۆ ئەو ەي كە سىك بىت و كارپكى بۆ بكات، ھەرچوڭ بەدرپزايى مپژووش كۆمەلگەكان و ەھا خوڤان پاراستو ە. كۆمەلگە دەتوئىت بەرپىگاي ئەخلاق و ھونەر و ھانئەلاي يەكتەر و ئابورى ئىكۆلۆژى خوڤى بپاريزيت. خوڤاراستنى ھەر مرۆڤىك ھزرى مرۆڤە. ئەو ەش پيۋىستە بە شىۋازىكى رون و سادە بىت، بەتايەت لەناو رىكخستن فەلسەفەي ئىمە و ەھايە.

ھەر مرۆڤىك خاۋەنى ئەو ەيزەيە كە بتوئىت لەبەرامبەر ھېرشەكانى دەرو ە خوڤى بپاريزيت، كۆمەلگەي ئىمە دەبىت چاۋەرپى دەرو ە نەكات. چاۋى لە خوڤى بىت و خوڤى بناسىت. مرۆڤى دەستپىك و فەيلەسوفەكانىش ئەوانەيان گوتو ە. انا الحق گەرئەويە بۆ ناخ و گەو ەھەرى مرۆڤ. وانا خوڤى بناسىت. مرۆڤىك كە ناخى خوڤى ناسى و تىگەيشت كە خاۋەنى چە ھىز و باۋەرپىكە، ئەو ەرك بەھىزى پاراستنى خوڤى دەكات. كۆمەلگەيەك كە بتوئىت لەلايەنى رۆخى و ھزريەو خوڤى بپاريزيت، ئەو ەكاتە دەتوانىن بلىين كە ئەگەر كۆمەلگە لە داھاتوئىشدا لەلايەنى چەكدارىشەو ە ھېرشى بكرىتە سەر ئامادەيە، پەرچەكردار و خوڤاراستنى لەبەرامبەر بەھەر ھېرشىك

سروشتيە، بۆيەش دەبىت داپراۋ لەكۆمەلگە چاۋ لەو بابەتە نەكەين. ئەو ەيزە، ھىزىكى گرىدراۋى كۆمەلگەيە ئىمە بە ھىزى پاراستنى گەو ەھەرى بەناو دەكەين. لەبەر ئەو ەش لەم كۆنگرەيەدا نرئانئىكى بەرفراۋان لەلايەنى ئايدۆلۆژى و پراتىكى و فەلسەفەيەو ە لەسەر ئەو ە بابەتە كرا. سىستەمى مۆدېرنىتەي سەرمایەدارى ئىستا ەرە زىدە ھېرش دەكاتە سەر ژيانى مرۆڤەكان. لەرابردوشدا ژيان لەسەر بنەماي پاراستنى گەو ەھەرى خوڤى پاراستو ە. لە كۆمەلگەدا ھىزى پاراستنى گەو ەھەرى، ھزرى مرۆڤ بەخو ەتى. ئەو ەزريە كە كۆمەلگە بەدەورى يەكدا كۆدەكاتەو ە. شتىك كە لەدەرو ەي مرۆڤ بۆي بگەرپين نيە. پاراستنى گەو ەھەرى ھاوشىۋەي خەزىنەيەكە لەلاي مرۆڤ بەخو ەي. پيۋىستە ئىمە ئەو ە خەزىنەيە بەمرۆڤەكان بناسىين، بۆ ئەو ەي مرۆڤ بتوئىت ھەم وەك تاك و ھەم وەك كۆمەلگە خوڤى پى بپاريزيت.

لەم قۇناخەدا، سىستەم، ھەموو ئامپرىكى خوڤاراستنى لەمرۆڤەكان وەرگرتو ە، ئەگەر نەتوئىت ئەو ە پىكېپىنئىت، ئەو ە ھەولئەدات تاك و كۆمەلگە كاردانەو ە و ھەستى تورەبوون و تۆلەسەندنەو ە لەناخيدا بكوژىت و بى كاردانەو ەي بكات. بەشىۋەي جياۋاز ھېرشى كۆمەلگەكان دەكات. ھەر دوو جەنگى جىھانى و جەنگى جىھانى سىتېمىش بەو شىۋەيە. ئەو ە شەپەي ئەمپروكە لە جىھاندا بەرپو ە دەچىت، زياتر لەو ەي شەپىكى چەكدارى بىت لە ۹۰% شەپىكى ھزريە. شەپىكە كە پيۋىستە كۆمەلگەش لەبەرامبەرى بپاريزيت. ئىستا رىكخستن ئىمە و ھزرى و فەلسەفەي رپەر ئاپو لەناو كۆمەلگەدا ئەو ە زانابونە پىئىشەخات. پيۋىستە ئەو ە ھوشيارىە دروست بکەين كە لە منالىكى ۷ سالانەو ە تا ۷۰ سالان بتوئىت خوڤى

هەر مروڤيڭ خاوهنى ئەو ھېزەيە كە بتوانىت لە بەرامبەر ھېرشەکانى دەرەووە خۆى پارىزىت، کۆمەلگەى ئىمە دەبىت چاوپەرئى دەرەووە نەکات. چاوى لە خۆى بىت و خۆى بناسىت. مروڤى دەستپىڭ و فەيلەسوفە کانىش ئەوانەيان گوتووە. انا الحق گەرەنەو ھېزەى بۆ ناخ و گەوھەرى مروڤ. واتا خۆى بناسىت

ئامادەيە و وەھاش ھوشيارى مېژووئى لەلای گەلآلە دەبىت. کۆمەلگەيەك ئەگەر لەلایەنى ھەزرىەووە ئەو ھوشيارىيەى نەبىت و تەنبا بېوئىت بەچەك بەرگرى لەخۆى بکات، ئەو نەبىت و مومکن نەبىت. دەبىت کۆمەلگە بگاتە ئەو ئاستەى كە لە بەرامبەر ھەر شتىك خۆى پارىزىت. گەلەكەمان دەتوانىت بە ھەزر ئايدۆلۆژى و كلتور و زمانى؛ پاراستن لەبوون و شوناسى خۆى بکات.

شۆرش تەنبا بەرئىگەى راپەرىنى چەكدارى ناگاتە سەرکەوتن

لە زۆربەى شۆرشەکانى ئەم دوايەدا بىنيمان، شۆرش تەنبا بەچەك ناگاتە سەرکەوتن. شۆرش بەھىزى گەلەكە سەردەكەوئىت. ئامرازە جياوازەکان دەتوانىت دەستەبەر بکات. بە دار ياخود بەرد و بە زۆر چەكى جياوازی ژيانى دەتوانىت خۆى پارىزىت. لەبواری جەستەيشەووە دەتوانىت بەئامپىرى جياواز پاراستنى كەسىتى خۆى بکات. لەكۆنگرەكەماندا لەرووى فەلسەفى و ژيانىەووە ھەلسەنگاندن بۆ ئەو بابەتە كرا.

بەشى لەشكەرى بابەتتىكى تر بوو كە لە رۆژھەلآتدا بۆ ئىمە خەباتىكى ھەرە ستراتېژى و گرنگە. لەم قۆناغەشدا ەك كادرى پىنشەنگ، پىنشەنگايەتى كردن بۆ ئەو خەبانە ئەرك و پىوئىستىەكە. دەبىت ھەركەس خاوەن پلان و پرۆژە بىت و لە بەرامبەر ئەو ھېرشانەى دۆژمن كە لەسەر گەلەكەمان بەرئەووە دەبات، گەل پەرەووەردە بكرىت. ئەلئەرناتىوى ھەرى مەزن و بەكارىگەرىش پەرەووەردە كردن و تىگەياندن و پىگەياندى گەل و

بەرىكخستى كردنى گەلە. تىگەياندن و پەرەووەردە كردنى گەنجان بۆ ئەو ھىروويان لەشۆرش بىت و بەشدارى رىزەكانى گەريلاكانى ئازادى كوردستان بىن، ئەمەش بەشىكى ترە لەسىستەمى خۆپاراستنى كۆمەلگە. ئەگەر لە گەنجان و ژناندا تىگەيشتىنى پاراستى چەكەرەى سەند، ئەو دەتوانن لەھەموو جومگەكانى كۆمەلگە بەشدار بىن و رۆل بگيرن.

دەبىت ھەموو لایەك ئەو ھەش بزائىت كە ئەو ھېرشانەى دەكرىتە سەرمان، زۆرىنە ھېرشى چەكدارىن، بۆشەش ئىمە ناچارىن لەرووى چەكدارىشەووە پاراستنى خۆمان و نرخەكەمان بگەين. ھېرشىك كە ئەمرو بە ھەموو چەك و تەكەلۆژى سەردەمەووە ھېرش دەكرىتە سەرمان و ئىمەيش ناچارىن لەھەموو لایەتتىكەووە و بە لایەنى چەكدارىشەووە خۆمان پارىزىن و ئامادەى وەلامدانەووەى ھەر ھېرشىك بىن.

پاراستنى رەوا مىكانىزمىكى خۆپاراستنىە كە لەروشتىشدا بوونى ھەيە. گۆلىك بۆ ئەو ھىرووي پاراستنى خۆى بکات، دركى ھەيە. گەلەكەمان لەرۆژھەلآتى كوردستان خاوەن دەوڵەمەندىەكى بەھىزى كەلتورىيە و دەتوانىت بەپاراستنى ئەو كەلتورە بەھىزەى، پاراستنى بوون و ناسنامەى خۆى بکات. لەبواری مانا و رۆحى و بېروباوەرەووە، كۆمەلگەكەمان لەرۆژھەلآت زۆر بەھىزە، گەلانى ئىران بەگشتى خاوەن كەلتورىكى دەوڵەمەند و بەھىزەن. لىگەرىنى حەقىقەت لەرۆژھەلآت و ئىران زۆر، زۆر بەھىزە. بە خۆپاراستن گەلەكەمان دەتوانىت سەرلەنوئى بەپشتبەستى بەو كەلتورە بەھىزەى خۆى، كۆمەلگەكەى بوئىاد بىتتەووە. لەمىژوودا كەسانى ەك مەزەدەك و مانى پىنشەنگايەتى پاراستنى كۆمەلگەيەن كرد، ئەمروكەش كەسانىك ەك شىرىن ەلەمھولى و شەھىد ئارىەن ئارى، بە شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى و لە كەسايەتى ژىنا ئەمىنىدا خۆى نىشاندا. ئەو شۆرشىكى خۆپاراستن بوو. ژىنا ئەمىنى كاردانەووەيەك بوو. لەبەرامبەر بەھىرشى دۆژمن خۆى پاراست و پاراستنى بوونى خۆى كرد و ووتى؛ كەس ناتوانىت بوونى من ەك ژنىك بچەوسىنئەتەووە. لەبنەمادا دۆژمن دەپووئىست لەلایەنى فىزىكى و مېژووئى و چاندىەووە و لەكەسايەتى ژىنا ئەمىنىدا، كۆمەلگە لەناو بەرىت. بەلام گەلەكەمان لەرۆژھەلآت بەسەرھەلدان و شۆرش ەلامى دۆژمنى دايەووە و پاراستنى بوونى خۆى كرد. لەمەو بەدوا گەنجان دەتوانن بەشىوازی خۆبەرىكخستى بەشدارى ناو شۆرش بىن و خۆيان پارىزن.



مراسم گرامیداشت شهیدان



از راست: گولان فهیم، فواد بریتان، زیلان وژین، سیامند معینی، امیر کریمی، پیمان ویان

ریاست مشترک جدید پژاک

ریاست مشترک قبلی پژاک

ریاست مشترک کودار



نمایی از کنگره‌ی هفتم پژاک



انتخابات مجلس پژاک



نمائی دیگر از کنگره‌ی هفتم پژاک



اتمام کنگره با سر دادن شعارهای پژاک



پارتی ژانی نازادی کوردستان (په ژاک) له سهر بنه مای چاره سهری پرسى كورد و گه لانی ديكه ی ئیران، تیکۆشانی خوی دست پیکردووه و چاره سهری دیمۆکراتیکی وهك ریکاری نه نامگر به بنه ما وه رگرتووه .

په ژاک که پارادایمی "کۆمه لگای دیمۆکراتیک - نیکۆلۆژیک و له سهر بنه مای نازادی ژن" ی وهك بنه ما و سهر دیتیری به رنامه کانی خوی داناو، ریکاری نه ته وهی دیمۆکراتیکی وهك تاکانه پیبازی چاره سهری بنه پرتی بۆ تییه پپوونی گه لی کورد و گه لانی دیکه ی ئیران له و دۆخی ژینۆساید هه ره نه نگیه یی که دووچاری بوون، ده ستنیشان ده کات، له م پیناوه دا هه مو هیزی خوی بۆ دامه زاندنی ره هه نده کانی نه ته وهی دیمۆکراتیکی کورد و پیگه ی خۆرتو به بری دیمۆکراتیک وه گه ر ده خات.

ئه وه راستیه که که کۆمه لگاکان، شوناسی خویان به فۆرم و شکلی "بنه ماله، تایه فه، تیره، خیل، هۆز، عیل، قه وم، گه ل و نه ته وه" به رده وام کردووه . ئه و چه مکانه له نه فسی خویاندا به واتای په تکر نه وهی دامه زاره ی ده ولت یا به کپارچه یی ولات و خسته مه ترسی بواری ئه منی نیشتمان نین. ئه گه ر هیشتاش هه ولده دریت که بۆ گه لی کورد و گه لانی دیکه ی ئیران پیناسه ی ئه تنیکی بکری، ئه وه چه واشه کردنی راستیه . به تاییه ت که گه لی کورد ژۆر له میژه گه یشتووه ته ئاستی هۆشیاری و ئاگایی سه باره ت به "شوناسی نه ته وهی". نکۆلی له نه ته وه بوونی کوردان و هه ولدان بۆ پیشگیری له پرۆسه ی به نه ته وه بوونی کورد، ریشه ی هه مو ئه و کاره سات و قه یرانانه یه که له پپوهندی له ته ک پرسى کورددا وه دیهاتوون .

ده ولت نه ته وه، جیاوازییه کانی کۆمه لایه تی قه بوول ناکات. به لام به شیوه یه ک خوی نیشان ده دات وهک بلیی کۆی گشتی نرخه کانی هه مو جیاوازییه کانه . نه ته وه گه رایى ده ولت نه ته وه، نه ته نیا هیچ پپوهندییه کی به ولتپاریزییه وه نییه، بگره گرفت و کیشه و قه کردنی جه سه تی و فه ره نه گی له ته ک خویدا ده هیئت .

له م سۆنگه یه وه و له بهر رۆشنایی پلان و به رنامه ی ستراتیژی پارتیمان "په ژاک" و برپای ته واوه تی به پیکه وه ژبانی ئاشتیانه و دیموکراتیکه ی گه لان ئه و به رنامه و په یه وه ی کۆنگره ی شه شه م که له ۲۰۲۰دا به سترابوو، له کۆنگره ی حه وته م جاریکی تر خرایه وه به رنه شه رگه ری هزی - ریکخسته نی - پارادایمی و به زۆرینه له لایه ن به شداربووانی کۆنگره وه په سه ند کرایه وه . بۆیه ش له به رنامه و په یه وه ی په ژاکدا هیچ گۆرانکاری له ئامانجه دریکخایه ن و ستراتیژییه کاندانه ها تووه نه ته ئاروه . له سه ره ئه و بنه مایه هه فالان، کادیران و دۆستان و ولتپاریزان و هۆگرانی فه لسه فه ی تیکۆشانی نازادی له رۆژه لاتى کوردستان و ئیران ده توانن بۆ به ده سته خسته نی به رنامه و په یه وه ی کۆنگره ی په ژاک سه ردانى:

جهت دریافت فایل این کتاب به سایت رسمی پژاک مراجعه نمایید

شہیدان خاوهنی راستہ‌قینہی ئەم ولاتەن

ریبەر ئاپۆ

شہید جنگاور باھوز

شہید آرین آری

سۆن سۆیانج ئازاد